

بسم الله الرحمن الرحيم

# روزنامه نگاران ايران و آموزش روزنامه نگاري

دکتر محسنیان راد و همکاران

**روزنامه‌نگاران ایران**

**و**

**آموزش روزنامه‌نگاری**



**دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها**  
**وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**

**مهدی محسنیان راد**  
**روزنامه‌نگاران و آموزش روزنامه‌نگاری**

چاپ اول: بهار ۱۳۷۳

چاپ دوم به صورت e-book : ۱۳۸۸

شابک -۱۸-۹۶۷۵۷-۹۶۴-۹ ISBN 964-6757-18-9

---

## فهرست مطالب

مقدمه ناشر

مقدمه مؤلف

### بخش اول

**فصل اول.** نگاهی به روند تاریخی آموزش روزنامه‌نگاری

**فصل دوم.** برخی نظریه‌ها درباره آموزش روزنامه‌نگاری

### بخش دوم

**فصل اول.** مشخصات عمومی نمونه مورد بررسی

الف. موارد منطبق با جمعیت آماری

۱. جنسیت

۲. سن

۳. شهر محل اشتغال

ب. موارد غیرمنطبق با جمعیت آماری

۱. سابقه خدمت

۲. نشریه محل اشتغال

ج. سایر موارد

۱. سطح سواد

۲. رشته تحصیلی

۳. کشور محل تحصیل

۴. سال اخذ مدرک دانشگاهی

۵. گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری

**فصل دوم.** نگرش روزنامه‌نگاران به آموزش روزنامه‌نگاری

۱. نگرش درباره استعداد روزنامه‌نگاری و آموزش

روزنامه‌نگاری

۲. نگرش درباره تجربه روزنامه‌نگاری و آموزش

روزنامه‌نگاری

۳. نگرش درباره تأثیر دوره‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری

در موفقیت حرفه‌ای

۴. میزان احترام روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط در میان

همکاران

۵. تجربه گذشته و نگرش درباره آموزش روزنامه‌نگاری

۶. خاطره‌های گذشته و اثر آن در ایجاد انگیزه نسبت به

آموزش روزنامه‌نگاری

۷. نگاه به تحصیلات در رشته ارتباطات به عنوان یک ارزش

۸. تخصص روزنامه‌نگاری در نشریات داخلی

**فصل سوم.** نیازهای آموزشی روزنامه‌نگاران

۱. میزان انطباق محتوای دروس روزنامه‌نگاری با عمل

۲. توان متون درسی روزنامه‌نگاری در ارائه راه‌حل‌های

جهان سوم

۳. دروس مورد نیاز

۴. نتایج گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش

روزنامه‌نگاری

۵. توصیه‌هایی برای تدوین برنامه جامع آموزشی حین

خدمت روزنامه‌نگاران

### بخش دوم نظر دیگران

**فصل اول.** نظر اساتید و روزنامه‌نگاران چند کشور جهان سوم

آیا مهمترین مسئله نیروی انسانی و سائل ارتباط جمعی

در جهان سوم، کمبود افراد تحصیل‌کرده روزنامه‌نگاری است؟

آیا برای جهان سوم، باید محتوای دروس روزنامه‌نگاری

خاص تدوین کرد؟

**فصل دوم.** نظر فارغ‌التحصیلان ارتباطات غیرشاغل در مطبوعات

### بخش چهارم بستر نگرش‌ها

**فصل اول.** مسائل مطبوعات و روزنامه‌نگاران از دیدگاه آنان

۱. بزرگترین انتقاد بر مطبوعات کشور

۲. نقش روزنامه‌نگاران در ایجاد وضعیت موجود مطبوعات

ایران

۳. پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران

۵  
۱۹

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۵

۳۷

۳۸

۳۹

۳۹

۳۹

۴۱

۴۸

۵۴

۷۴

۷۵

۷۸

۷۹

۸۰

۸۳

۸۹

۱۰۲

۱۰۴

۱۰۸

۱۲۰

۱۲۳

۱۳۳

۱۴۱

۱۵۶

۱۷۸

۱۹۵

جمع‌بندی و نتیجه  
جداول

۲۲۱	پیوست شماره ۱. نمونه پرسشنامه نارنجی (روزنامه‌نگاران با
۲۲۲۷	تحصیلات مرتبط)
۲۵۲	پیوست شماره ۲. نمونه پرسشنامه آبی (سایر روزنامه‌نگاران)
۲۵۹	پیوست شماره ۳. نمونه پرسشنامه صاحب‌نظران کشورهای در حال
۲۶۶	توسعه
۲۶۹	پیوست شماره ۴. نمونه پرسشنامه فارغ‌التحصیلان ارتباطات
۲۷۲	غیرشاغل در مطبوعات
۲۹۱	پیوست شماره ۵. مشخصات روزنامه‌نگاران مورد بررسی فهرست منابع

## بسم الله الرحمن الرحيم

رشد و گسترش تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، مرزهای سیاسی کشورها را در زیر پای امواج فرو ریخته و در آستانه قرن بیست و یکم پدیده‌ای به نام «انفجار اطلاعات» یا «انقلاب انفورماتیک» را رقم زده است و برخی نظریه‌پردازان با تکیه بر همین رخداد، زمزمه «دهکده واحد جهانی» را سر داده‌اند. ضرورت دستیابی به راه‌کارهایی که بتوان با توسل به آنها نیازهای ارتباطی کشور را همگام با تحولات جهانی، به‌گونه‌ای که متناسب با نقش، شأن و جایگاه ایران اسلامی، در عرصه جهانی جنگ امواج و پیام‌ها باشد، صد چندان می‌کند و هرگونه دلمشغولی و سهل‌انگاری در این مورد ما را با عواقب زیانبار و غیرقابل جبرانی رو در رو خواهد ساخت. لازمه حفظ هویت دینی و ملی‌مان در شرایط کنونی جهانی دستیابی به چنین راه‌حل‌ها و به کار بستن آنها در عرصه عمل اجتماعی می‌باشد.

با وجود پیشرفت‌های حیرت‌انگیز در عرصه وسائل ارتباط جمعی، هنوز «فرهنگ مکتوب» نقش مهم خود را در عرصه جهانی حفظ کرده است و در این زمینه «مطبوعات» به لحاظ کارکردهای خاصی که در امر «اطلاع‌رسانی» و «انتقال علم و دانائی» دارد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل در مسیر تلاش برای دستیابی به راه‌حل‌ها، باید در پی‌جویی بخشی از آنها که بتواند مطبوعات ما را در انجام وظیفه خطیرشان در شرایط کنونی یاری رساند، همت گماشت.

در سال‌های اخیر، فعالیت‌های مطبوعاتی در کشورمان هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی، یکی از بهترین دوران‌های تاریخی خود را تجربه می‌کند، به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد از بدو انتشار مطبوعات در ایران، علی‌رغم پشت سر نهادن فراز و نشیب‌های بسیار، هم‌اکنون حرکت مطبوعات در جهت روند تکاملی خویش قرار گرفته است، اما روشن است که برای دستیابی به وضعیت مطلوب هنوز باید راه‌های بسیاری را بیمایید، راه‌هایی که پیمودن آنها چندان سهل و ساده نیز نمی‌باشد و افرادی مومن، هوشمند، توانا و علاقه‌مند به حرفه مطبوعاتی را طلب می‌کند.

این مرکز براساس مسئولیتی که عهده‌دار است، سعی کرده با اجرای طرح‌های تحقیقاتی در مسیر دستیابی به راه‌کارهایی که بتواند مطبوعات ما را در پاسخگویی به نیازهای جامعه و در عرصه رویارویی با تهاجم رسانه‌های غرب توانمند سازد، گام‌هایی هر چند کوچک بردارد. آنچه در پیش‌رو دارید بخشی مستقل از یک طرح تحقیق می‌باشد که به موضوع «روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری» پرداخته است و نتایج بدست آمده از این تحقیق به خوبی نشان می‌دهد که ضرورت پرداختن به «آموزش روزنامه‌نگاری» با تکیه بر متونی که متناسب با نیازها و شرایط کنونی کشورمان باشد، برای روزنامه‌نگاران امری ضروری است و مهم‌تر از آن اینکه فعالیت مطبوعاتی در ایران نیاز به بستری دارد که نیروهای آموزش دیده بتوانند با حرکت در آن توانمندی‌های خود را به نمایش گذارند تا وظیفه خطیر خویش را انجام دهند، و شأن و منزلت مناسب خود را در جامعه به دست آورند. از جناب دکتر محسنیان‌راد و کلیه همکارانشان که در انجام این تحقیق با مرکز همکاری کردند، تقدیر و تشکر می‌کنیم و توفیق هر چه بیشتر آنان را از خداوند متعال خواهانیم.

## مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

### مقدمه مولف

«روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری» بخشی مستقل از تحقیقی است با عنوان «وضعیت نیروی متخصص مطبوعات و آموزش روزنامه‌نگاری در ایران» که به خواست و سفارش مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به وسیله من و همکارانم، ظرف مدت یک سال دنبال شده است. بخش مستقل دیگری از این طرح با عنوان «پیام‌آفرینان مطبوعات ایران» اسفند ۱۳۷۱ به پایان رسید و آخرین بخش مستقل که مربوط به تحلیل محتوای متون چهل سال گذشته آموزش روزنامه‌نگاری است، در دست اجرا می‌باشد.

هدف از اجرای چنین طرحی، برنامه‌ریزی‌های میان مدت و بلندمدت به منظور افزایش تخصص روزنامه‌نگاران ایران است. کاری که همت بسیار می‌خواهد و بی‌شک مرکز مطالعات و تحقیقات مذکور، با پیگیری طرح‌های تحقیقاتی از این دست، جایگاه والایی در میان صاحبان این همت پیدا خواهد کرد.

برای اجرای عملیات میدانی این بخش از طرح، جمع‌آوری چهارگروه از اطلاعات مدنظر بود. ۱. نظرسنجی از روزنامه‌نگاران شاغل در مطبوعات که تحصیلات دانشگاهی «ارتباطات» دارند، ۲. نظرسنجی از سایر روزنامه‌نگاران شاغل در مطبوعات، ۳. کسب‌نظر از استادان، صاحب‌نظران و روزنامه‌نگارانی از ۲۰ کشور در حال توسعه و ۴. نظرسنجی از نمونه کوچکی از فارغ‌التحصیلان ۲۲ سال گذشته رشته ارتباطات که در مطبوعات شاغل نیستند. عملیات میدانی از پانزده آبان ۱۳۷۱ آغاز و پس از جمع‌آوری، کدگذاری و پانچ اطلاعات، جداول نهایی در خرداد ۱۳۷۲ تهیه و تنظیم، و تدوین گزارش تا آبان ۱۳۷۲ به طول انجامید.

وظیفه خود می‌دانم از پیگیری‌های معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از سه تن مدیران مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جناب آقای محسن آرمین، جناب آقای رجبعلی مزروعی و جناب آقای علی انتظاری که در مدت تدوین و اجرای طرح، به ترتیب عهده‌دار مدیریت مرکز بوده‌اند و همچنین از تمامی همکاران صمیمی و دلسوز آنان به ویژه خانم افسر رزازی‌فر سپاسگزار می‌کنم. اگر همت و کمک آنان نبود، هرگز این اثر به وجود نمی‌آمد.

از اعضای محترم شورای مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و همچنین آقایان خدابنده‌لو و اسدی طاری به واسطه همفکری‌هایشان متشکرم.

از تمامی یاران دیرینه تحقیق و همکاران جوانتری که با علاقه، دقت و پشتکار و بردباری ظرف این مدت، در اجرای این طرح، در مواردی حتی روزی ۱۴ ساعت مساعدت‌های بسیاری نمودند به ویژه خانم عالیه ریاضی فرزاد، آقای داود نعمتی، خانم گیتی زمانی‌زاده، خانم ژاله امامی، آقای سهراب رهبر، خانم مه‌ری رفعتی، آقای حمیدرضا انوری و آقای ابراهیم حاجی رضایی و همکاران اعزامی به شهرهای مختلف ایران که جستجوگرانه به دنبال برقراری ارتباط با روزنامه‌نگاران محلی بودند، صمیمانه سپاسگزارم.

از آنانی که از سال ۱۳۶۲ در طراحی برنامه‌های کامپیوتری برای تحقیقات ارتباطات کمک بسیاری به من کرده‌اند، به ویژه آقای مهندس کرامت‌الله یزدان شناس، آقای دکتر پیروز دروی و درسال‌های اخیر کمک‌های فراوان آقای مهندس امیر فرزاد محسنیان‌راد سپاسگزارم.

با پذیرش مسئولیت تمامی کاستی‌های این اثر و با آرزوی آنکه بتواند این اثر در ارتقای روزنامه‌نگاری در ایران مؤثر افتد، قبلاً از تمامی آنانی که با راهنمایی‌های خود بنده را مورد عنایت قرار خواهند داد، متشکرم.

**مه‌دی محسنیان‌راد**  
آبان ۱۳۷۲

# بخش اول

## تاریخچه و برخی تئوری‌ها

### فصل اول

#### نگاهی به روند تاریخی آموزش روزنامه‌نگاری

نقطه شروع آموزش آکادمیک روزنامه‌نگاری را باید در آموزش ارتباطات جستجو کرد. تدریس ارتباطات به روش جدید، از سال ۱۶۳۶ میلادی و همزمان با تأسیس دانشگاه «هاوارد» در آمریکا آغاز شد. در آن سال، یک دوره دانشگاهی «آموزش ارتباطات برای مبلغان مسیحی در آمریکا» تشکیل شد. زبان مورد استفاده، همان زبان لاتینی بود و دانشجویان موظف بودند که از شیوه‌های ارتباطات در یک چارچوب قیاسی برای دفاع از اندیشه‌های مسیحیت استفاده کنند.<sup>۱</sup>

از حدود سال ۱۹۰۰، در گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات، دروس ارتباطات نیز جای گرفت. استدلال چنین تصمیمی این بود که ریشه‌های تاریخی ادبیات و ارتباطات یکی است و برخلاف اندیشه‌های قرون وسطی که ارتباطات یا فن بیان (Rhetoric) را دانشی مستقل می‌دانستند، این نظریه مطرح شده بود که فن بیان و فصاحت کلام به خلاف آنچه که تا نیمه دوم قرن نوزدهم مورد توجه قرار گرفته بود، جایگاهی جدا از ادبیات داشته باشد. در نتیجه، از همان ابتدا، مرزهای میان آموزش ارتباطات و بخش آموزش انگلیسی بسیار شکننده و ناستوار دیده می‌شد. قرارگرفتن مباحث ارتباطات در درون ادبیات سبب شد که حتی استادانی که به ضرورت آموزش مهارت‌های علمی ارتباطی به ویژه ارتباط گفتاری اعتقاد داشتند به دلیل قرار گرفتن در دانشکده‌هایی که بودجه آنها را افرادی با اعتقاد به آموزش ادبیات، تأمین می‌کردند از شور و حرارت بیفتند.<sup>۲</sup>

اولین پیشنهاد برای جداسازی ارتباطات از گروه ادبیات در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۱۳ در کنفرانس عمومی ایالات نیوانگلند و آتلانتیک شمالی (Conference of the New England and North Atlantic public speaking) ارائه شد. مدافعان این پیشنهاد از یک سو استادان ارتباطات بودند که معتقد بودند رشته آنها مانند ادبیات دارای یک پشتوانه مستقل و با پیشینه‌ای طولانی است (به مباحث Rhetoric ارسطو اشاره می‌کردند) و علاوه بر آن مطرح می‌کردند که آگاهی‌های تازه‌ای که متخصصان ارتباطات، از علوم جدیدی مانند روان‌شناسی بدست آورده بودند می‌تواند جدایی ارتباطات از ادبیات را کاملاً توجیه کند. از سوی دیگر دانشجویان دانشگاه‌ها نیز خواستار این جدایی شده بودند.

در سال ۱۹۱۲، مجله دانشگاه اوکلاهما در مقاله‌ای با عنوان **نیاز بزرگ** (Great Need, 1912) می‌نویسد: «اخیراً حرکتی از سوی حدود ۱۵۰ دانشجو که اکثر از اعضای انجمن‌های ادبی هستند، آغاز شده است که در حال ارائه عرض‌حالی به هیئت رئیسه دانشگاه برای ایجاد بخش مستقل آموزش گفتار عمومی (Public Speaking) هستند تا اولاً به آنها بیاموزد که چگونه ارتباط برقرار کنند، ثانیاً به هنگام صحبت کردن، چطور بتوانند راحت و متکی به خود باشند، چگونه در نگاه شنوندگان جلوه‌ای مناسب بدست آورند و حرکات دست و اشارات خود را چگونه انجام دهند تا حداکثر تأثیر را داشته باشد یا صدای خود را چگونه نرم و فصیح کنند. نویسندگان این بیانیه یادآوری می‌کردند که در حال حاضر برای چنین آموزشی، تنها منبع آنها وعظی هستند که برخی از آنها خود نیازمند آموزش می‌باشند. آنها تأکید می‌کردند که آموزش ارتباطات، فنی نیست که بتوان مطالعه و فراگیری یک یا چند کتاب آن را آموخت، استاد ارتباطات خود باید یک ارتباطگر خوب باشد.»

در مقاله مذکور به خوانندگان یادآوری می‌شود که شاخه‌های دیگر جدا از «سخنرانی عمومی» وجود دارد که اگر اهمیت آن را بیشتر از سخنرانی ندانیم، کمتر نیز نیست.<sup>۳</sup>



به این ترتیب به سرعت گروه‌های آموزشی ارتباطات در دانشگاه‌های مختلف آمریکا تشکیل شد. اگر چه عنوان و اسم این گروه‌ها متنوع بود ولی فصل مشترک همه آنها همان آموزش گفتار عمومی (Public Speaking) بود. دروس این دانشگاه‌ها علاوه بر مقولات بیان و فصاحت کلام، فن خطابه و سخنرانی را نیز شامل می‌شد. از ۱۹۲۰ به بعد، بخش مذکور به **بخش گفتار** (Department of speech) و سرانجام تبدیل به **بخش علوم ارتباطات** (Department of communication science) شد.

در حال حاضر، برخی از دانشگاه‌های آمریکا (مانند دانشگاه استنفورد، سیراکیوس، ایلینویز، میشیگان و پنسیلوانیا) رشته «ارتباطات» و تعدادی دیگر (مانند دانشگاه ایندیانا، آیالتی میشیگان، تمپل، کالیفرنیا، مرلند، میسوری، کارولینای شمالی و نگزاس اوستین) رشته «روزنامه‌نگاری» و بعضی (مانند دانشگاه فوریدا، آیوا، مینسوتا و ویسکانسین) رشته «روزنامه‌نگاری و ارتباط جمعی» را دارند.<sup>۴</sup>

پس از جنگ جهانی اول نخستین مدارس آموزش عالی روزنامه‌نگاران تأسیس شد. به عنوان مثال مدرسه روزنامه‌نگاری لندن، در سال ۱۹۱۹ با همکاری سردبیران مشهور انگلستان آغاز به کار کرد. بعدها دوره سه ساله روزنامه‌نگاری در دانشکده مردم‌شناسی دانشگاه لندن تشکیل شد. به همین ترتیب در سال ۱۹۴۹ دوره یک‌ساله آموزش روزنامه‌نگاری برای دانشجویان کشورهای انگلیسی زبان و همچنین دانشجویان کشورهای مستعمره در پلی‌تکنیک لندن تأسیس گردید. ° در ایالات متحده آمریکا، آموزش روزنامه‌نگاری چنان توسعه یافت که در دهه ۱۹۴۰، رشته‌های تخصصی روزنامه‌نگاری نیز ایجاد شد. آنچنان که در ۱۹۴۸، دانشکده «جورجیا» رشته تخصصی سردبیری را دایر کرد. در سال ۱۹۵۵ تعداد ۲۰۴۸ نفر از دانشکده‌های روزنامه‌نگاری در آمریکا فارغ‌التحصیل شدند. از سال ۱۹۶۰، رشته‌های تخصصی روزنامه‌نگاری کشاورزی، و روزنامه‌نگاری مهندسی در دانشگاه دولتی «آیوا» تأسیس شد. در سال ۱۹۶۵ تعداد دانشکده‌های روزنامه‌نگاری به ۱۰۷ مورد رسید. تعداد کتاب‌های روزنامه‌نگاری منتشر شده در آن سال به ۲۰۰۰ عنوان رسید و چهار نشریه ادواری تخصصی روزنامه‌نگاری به صورت هفتگی، ماهانه، فصل‌نامه و سال‌نامه منتشر می‌شد. تعداد دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری در آمریکا در سال ۱۹۶۸ به ۲۴۴۵ نفر رسید. نخستین مرکز آموزش روزنامه‌نگاری در فرانسه در سال ۱۹۴۶ گشایش یافت. انستیتو روزنامه‌نگاری در ایتالیا در سال ۱۹۴۶ آغاز به کار کرد و در سال ۱۹۴۹ بخش روزنامه‌نگاری در انستیتوی «ورنر فریدمن» آلمان گشایش یافت.

در آسیا، موسسه عالی روزنامه‌نگاری وابسته به دانشگاه استانبول از سال ۱۹۵۰ آغاز به کار کرد. انستیتو تاج پور هند در سال ۱۹۵۳ گشایش یافت و مؤسسه روزنامه‌نگاری دانشگاه بغداد در عراق در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. می‌دانیم نخستین مرکز آموزش روزنامه‌نگاری در ایران، در سال ۱۹۴۰ گشایش یافت (بنگاه روزنامه‌نگاری وابسته به سازمان پرورش افکار)، اولین دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در سال ۱۹۶۶ در دانشگاه تهران و در سال ۱۹۶۷ در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی آغاز شد.

اما چه در ایران و چه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها جذب مطبوعات نشدند. ضعف مطبوعات و عدم استقلال نسبی آنها، پایین بودن توانایی برای پرداخت حقوق‌های مناسب به این فارغ‌التحصیلان و کمبود تخصص‌های دیگر در حوزه‌های علوم اجتماعی - انسانی در این کشورها از عوامل اصلی عدم جذب این افراد به جامعه مطبوعاتی بود. در این مورد «سامرلند» در کتاب «مطبوعات در کشورهای در حال توسعه» تحلیلی مشابه را ارائه می‌دهد (در صفحات بعد، با نگاهی به فصل چهارم کتاب مذکور که درباره آموزش ارتباطات در جهان سوم می‌باشد با یافته‌ها و نقطه‌نظرات او بیشتر آشنا خواهیم شد).

به موجب گزارش سال ۱۹۹۲ کتاب Word Media Handbook، مجموع دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مستقل **ارتباطات و یا روزنامه‌نگاری** در ۹۲ کشور جهان ۲۶۴ عدد می‌باشند که توزیع آن به شرح زیر است (این اطلاعات براساس پاسخ‌هایی است که کشورها به پرسش‌نامه سازمان ملل داده‌اند، بنابراین آمارهای مذکور نمی‌تواند کامل باشد):

افغانستان ۱، آلبانی ۱، الجزایر ۲، آرژانتین ۳، استرالیا ۸، اتریش ۱، بنگلادش ۲، روسیه ۲، بلژیک ۷، بولیوی ۳، برزیل ۶، بلغارستان ۱، بوركینافاسو ۲، کامرون ۲، کانادا ۹، شیلی ۴، چین ۱۰، کلمبیا ۵، کنگو ۲، کاستاریکا ۱، ساحل عاج ۱، کوبا ۳، قبرس ۳، چکسلواکی ۲، جمهوری خلق کره ۲، دانمارک ۱، دومینکن ۲، اکوادور ۳، مصر ۲، السالوادور ۲، فی‌جی ۱، فنلاند ۴، فرانسه ۷، آلمان ۶، غنا ۲، یونان ۲، گواتمالا ۳، گانا ۱، هائیتی ۱، هندوراس ۱، مجارستان ۱، هندوستان ۴، اندونزی ۸، عراق ۱، ایرلند ۱، ایسلند ۱، ایتالیا ۵،

جامائیکا، ژاپن، اردن، کنیا، لبنان، مالزی، بلژیک، مغولستان، نپال، هلند، نیوزلند، نیکاراگوئه، نیجریه، پروژ، پاکستان، پاناما، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، لهستان، پرتغال، قطر، جمهوری کره، رومانی، عربستان سعودی، سنگال، سنگاپور، اسپانیا، سربلانکا، سوئد، سوئیس، تایلند، تونس، ترکیه، اوکراین، امارات متحده عربی، انگلستان، تانزانیا، آمریکا، ونزوئلا، ویتنام، زئیر، زامبیا (در گزارش مذکور ۶۴ کشور از جمله ایران فاقد مؤسسات مستقل آموزش روزنامه‌نگاری معرفی شده‌اند).

اما در مورد آموزش روزنامه‌نگاری در ایران، در دوران حکومت رضا شاه، در سال ۱۳۱۷، هیئت وزیران، اساسنامه تشکیلاتی را به نام «سازمان پرورش افکار» به تصویب رساند که براساس سخنرانی دکتر احمد متین دفتري، در اولین جلسه این سازمان، هدف از تأسیس آن تقویت حس قدرشناسی نسبت به حکومت و توسعه روش‌های نوین زندگی عنوان شد.

یکی از کمیسیون‌های سازمان پرورش افکار، «کمیسیون مطبوعات» بود که اساسنامه آن در هفتمین جلسه هیئت مرکزی به تصویب رسید و از ۳۰ بهمن ۱۳۱۷، به ریاست محمد حجازی فعالیت خود را آغاز کرد.

تا نیمه مهر ۱۳۱۹، اجرای سیاست مطبوعاتی صرفاً برعهده سازمان پرورش افکار بود. اما با گسترش جنگ جهانی دوم و حساسیت روزافزون مطبوعات در حفظ تعادل خبری میان طرف‌های درگیر و نیز ناکافی بودن اختیارات اجرایی سازمان پرورش افکار، سازمان جداگانه‌ای زیر نظر نخست وزیر به نام اداره کل انتشارات و تبلیغات تأسیس شد.<sup>۱</sup> ریاست آن را یکی از اعضای هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار عهده‌دار بود.

اساسنامه اداره کل انتشارات و تبلیغات پنج وظیفه را به عهده «کمیسیون مطبوعات» گذارد که سومین وظیفه مربوط به «تربیت کادر جدید و متخصص برای مطبوعات» بود و همین وظیفه منجر به تأسیس اولین موسسه آموزش روزنامه‌نگاری به نام «بنگاه روزنامه‌نگاری» شد. اساسنامه بنگاه روزنامه‌نگاری، قبلاً از سوی سازمان پرورش افکار تدوین شده بود ولی احتمالاً اولین دوره آموزشی آن از ۱۳۱۷ آغاز شد. تا پیش از تأسیس این بنگاه، روزنامه‌نگاری در ایران، مبتنی بر استعداد ذاتی و تجربه شخصی بود. هنوز هیچ کتابی در زمینه شیوه‌های روزنامه‌نگاری در کشور منتشر نشده بود و در واقع «بنگاه روزنامه‌نگاری» نخستین توجه به این حرفه به عنوان یک حرفه تخصصی نیازمند آموزش بود.

سال ۱۳۱۷، بنگاه روزنامه‌نگاری، دوره یک‌ساله‌ای را در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تأسیس کرد. مقررات ثبت نام آن به گونه‌ای بود که تسهیلات بیشتری را برای اعضای مطبوعات کشور فراهم می‌کرد. مثلاً برای دیگران داشتن دیپلم متوسطه ضروری بود درحالی که برای روزنامه‌نگار شاغل چنین شرطی در نظر گرفته نشده بود.

دروس بنگاه روزنامه‌نگاری عبارت بود از:

۱. زبان عربی و یکی از زبان‌های زنده دنیا
۲. روزنامه‌نگاری (موضوع دادن برای نگارش، نشان‌دادن نمونه‌های مطبوعات بزرگ دنیا، سرمقاله‌نویسی و نگارش مقاله سیاسی و اقتصادی و مالی و تجارتي)، تقریظ شامل کتاب - هنر موسیقی - نمایش - سینما
۳. اصول روزنامه‌نگاری (خبرنگاری - ترقی و توسعه روزنامه در عصر حاضر - سیاست روزنامه - روان‌شناسی توده‌ها - قانون مطبوعات ایران و آیین‌نامه‌های آن)
۴. تاریخ معاصر اروپا، ایران و کشورهای مجاور
۵. تندنویسی

در ماده پنج اساسنامه مذکور قید شده بود که پس از اتمام تحصیل و قبول‌شدن در امتحانات، دانشجویان گواهینامه روزنامه‌نگاری از وزارت فرهنگ دریافت خواهند کرد و در ماده ۶ گفته شده بود که آیین‌نامه‌های اجرایی اساسنامه را دانشکده حقوق تهیه خواهد کرد.<sup>۷</sup>

در برخی از منابع گفته شده که احتمالاً اولین دوره آموزش روزنامه‌نگاری چند ماه بیشتر طول نکشید و با حوادث شهریور ۱۳۲۰ متوقف شد.<sup>۸</sup> استاد محیط طباطبائی در نوشته‌های خود آورده است که در پایان نخستین دوره کلاس روزنامه‌نگاری، حوادث سال ۱۳۲۰ روی داد و روزنامه اطلاعات در ۹ دی ۱۳۱۹ از گواهینامه فارغ‌التحصیلان بنگاه روزنامه‌نگاری صحبت کرده است. بنابراین قطعاً موسسه مذکور حداقل یک دوره فارغ‌التحصیل را بیرون داده است.

روزنامه اطلاعات، در کتابی که در سال ۱۳۲۹ منتشر کرد درباره این سازمان نوشت:

«... فکر تأسیس سازمان پرورش افکار فکر صحیحی بود و در بدو امر دانشمندان، سخنرانی‌های سودمند و مفیدی برای جامعه می‌کردند که متن آن‌ها در روزنامه اطلاعات منتشر می‌گردید ولی رفته رفته تملق‌گویی بر مقصد اولیه غلبه کرد و مردم را نسبت به این دستگاه بدبین نمود تا اینکه بکلی از بین رفت.<sup>۹</sup> در همان سال شکل‌گیری «سازمان پرورش افکار» محمد مسعود (۱۲۸۰-۱۳۲۶) که بعدها صاحب امتیاز روزنامه مرد امروز شد) به توصیه محمد علی جمالزاده به داور، از سوی دولت به بروکسل اعزام و پیش از شهریور ۱۳۲۰ به عنوان اولین روزنامه‌نگار با تحصیلات مرتبط به ایران بازگشت.<sup>۱۰</sup>

از نخستین کتاب‌های آموزش روزنامه‌نگاری می‌توان به کتاب «روزنامه‌نگاری و تاریخ آن در جهان» اشاره کرد که در سال ۱۳۳۳ از سوی انتشارات معرفت در ۸۱ صفحه، تألیف فیروز هیئت منتشر شد. براساس مقدمه و دیباچه کتاب، فیروز هیئت، خبرنگار روزنامه اطلاعات در ترکیه بوده که از دانشگاه استانبول لیسانس روزنامه‌نگاری می‌گیرد و روزنامه **پیست ایران** را منتشر می‌کند، کتابی به زبان ترکی استانبولی به نام ایران چاپ کرده و سرانجام کتاب **روزنامه‌نگاری و تاریخ آن در جهان** را تألیف نموده است. مؤلف می‌نویسد که قسمت‌هایی از کتاب، یادداشت‌هایی است که نویسنده از درس‌های استادان روزنامه‌نگاری دانشگاه استانبول، احمد امین یالمان و جواد فهمی برداشته است. او درباره لزوم آموزش روزنامه‌نگاری می‌نویسد:

«اگر چه در کشور ما به مطبوعات عنوان «رکن چهارم مشروطیت» داده شده ولی این لغت عملاً از حدود عنوان تجاوز نکرده است. در ممالک شرقی، دفاتر و ادارات روزنامه‌نگاری و مطبوعات تنها محلی نیست که صبح یا عصر نسخه‌های روزنامه بیرون دهد بلکه مردم آن را به چشم یک سازمان بزرگ تربیتی فرهنگی و اجتماعی می‌نگرند و اعتقاد عموم بر آن است که یک روزنامه بیشتر از هر مدرسه و کلاس می‌تواند آموزنده باشد و از این جهت در دانشگاه‌های آن کشورها رشته روزنامه‌نگاری هم مانند رشته‌های پزشکی و حقوق دیگر علوم دارای درس و دوره مخصوص می‌باشد. آنچه که بیشتر مرا در انتشار این کتاب تشویق می‌کند آن است که اولاً وزارت فرهنگ و دانشگاه تهران، به این مورد توجه داشته باشند که اگر بخواهند اشخاص شایسته‌ای مدیریت روزنامه را داشته باشند. لازم است رشته روزنامه‌نگاری هم در دانشگاه تدریس شود و همچنین جوانانی که استعداد و آرزوی روزنامه‌نگاری را دارند با مطالعه مطالب این کتاب به اصول و رموز این فن پی‌برده و بتوانند روزنامه‌های سودمندی چه از لحاظ فنی و چه از جهات دیگر منتشر سازند.<sup>۱۱</sup>»

سال ۱۳۳۵، کتاب دیگری با عنوان «اصول اخلاقی روزنامه‌نگاران، روزنامه چیست و روزنامه‌نگار کیست؟» بوسیله دکتر شمس مستوفی مدیر روزنامه مرد امروز (که قبلاً به مؤسس آن، محمد مسعود اشاره شد) منتشر گردید. این کتاب نیز پایان‌نامه دانشگاهی نویسنده در دانشگاه «یوتا» در آمریکا بوده است.

یک سال قبل از آن، دکتر مصطفی مصباح زاده، مدیر روزنامه کیهان و استاد حقوق دانشگاه تهران، پیشنهاد تأسیس دانشگاه روزنامه‌نگاری را به دانشگاه مذکور تسلیم کرده بود. شورای دانشگاه در سال ۱۳۳۵ پیشنهاد مذکور را پذیرفت و به وی مأموریت داد که با استخدام چند استاد خارجی و تهیه وسایل فنی مورد نیاز، مقدمات تأسیس دانشکده را فراهم کند. او به چند کشور مسافرت کرد و ضمن بازدید از دانشکده‌ها و مؤسسات روزنامه‌نگاری مشهور آن‌ها، چند استاد روزنامه‌نگاری را به ایران دعوت کرد و چند ماه بعد **پروفیسور هارولد ویلسون** از دانشگاه **مینسوتا** به تهران آمد و چون مقدمات تأسیس دانشکده فراهم نشده بود، کلاس‌های آزاد آموزش روزنامه‌نگاری در دانشکده حقوق دانشگاه تهران تشکیل شد و از طریق حضور یک مترجم همزمان در کلاس، عده‌ای از روزنامه‌نگاران دوره کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری را گذراندند.

از آن سال تا ۱۳۴۴، جز تابلوی «موسسه روزنامه‌نگاری» در محل انتشارات دانشگاه تهران و چند دوره کوتاه مدت و آزاد روزنامه‌نگاری کار مهمی انجام نشد.<sup>۱۲</sup> در واقع طرح تأسیس دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در دانشگاه تا سال ۱۳۴۴ به طور جدی دنبال نشد ولی سرانجام در نیمسال اول سال تحصیلی ۴۶ - ۱۳۴۵، دوره لیسانس روزنامه‌نگاری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز شد که حدود ۳۰ درصد واحدهای درسی را دروس مرتبط با روزنامه‌نگاری مانند اصول و آداب روزنامه‌نگاری، خبرنگاری، عکاسی، مجله‌نویسی، تصحیح و تنظیم مقاله‌ها، عنوان‌نویسی، انتخاب حروف، صفحه‌بندی، قوانین مطبوعات، تشکیلات و سازمان روزنامه‌نگاری، سرمقاله‌نویسی، تاریخ روزنامه‌نگاری، مطالعات عقاید عمومی، خبرنگاری مسائل کشوری، امور مالی و تجارتي روزنامه و آگهی تشکیل می‌داد. در میان واحدهای اختیاری که جزو ۳۰ درصد مذکور محاسبه نمی‌شد، اخبار رادیو، مصاحبه، ستون‌بندی تفسیر و انتقاد پیش‌بینی شده بود. در نخستین دوره، ۵۰ دانشجو از طریق کنکور عمومی ورودی دانشگاه پذیرفته شدند. پس از یک دوره چهارساله و فارغ‌التحصیل شدن

عده‌ای محدود، این رشته در دانشگاه تهران تعطیل شد. علت این تعطیلی از یکسو کمبود استاد و از سوی دیگر تأسیس «مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» بود. مدیر روزنامه کیهان پس از بازگشت از مأموریت در سال ۱۳۲۵ (برای دعوت استادان خارجی) و عدم توفیق در دعوت استادان خارجی (به علت دشواری‌های مالی اجرای طرح) و نبود متخصصان ایرانی، عده‌ای را به هزینه روزنامه کیهان برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام کرد که دکتر حمید مولانا و دکتر کاظم معتمدنژاد دو تن از بزرگان ارتباطات امروز ایران جزو گروه مذکور بودند. دکتر معتمدنژاد سال ۴۲ به ایران بازگشت و کیهان با تأسیس يك «مؤسسه عالی روزنامه‌نگاری» در روزنامه، دوره دو ساله آموزشی را آغاز کرد. در امتحان ورودی این مؤسسه ۳۰ نفر از میان ۶۰۰ داوطلب برای تحصیل در این مؤسسه انتخاب شدند. موفقیت این طرح منتهی به آن شد که کیهان درخواست تأسیس يك دانشکده مستقل را از شورای مرکزی دانشگاه‌ها مطرح کند. با این درخواست موافقت شد و سرانجام اساسنامه «مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی» در یکصد و بیست و نهمین جلسه مورخ ۱۳۴۵/۱۱/۱۰ و یکصد و چهل و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۴۶/۷/۱۰ شورای مرکزی دانشگاه‌ها به تصویب رسید. این مؤسسه در پاییز ۱۳۴۶ گشایش یافت. در امتحان ورودی این مؤسسه که در دانشگاه تهران برگزار شد ۲۵۵۰ نفر شرکت کردند که ۴۵۰ نفر از آنان در رشته‌های مختلف روزنامه‌نگاری - روابط عمومی و تبلیغات، مترجمی، عکاسی و فیلمبرداری پذیرفته شدند.

دانشجویان رشته مذکور علاوه بر دروس تخصصی اجباری، تعدادی واحدهای تخصصی اختیاری را نیز می‌توانستند بگذرانند. این واحدها عبارت بودند از اقتصاد مطبوعات - جامعه‌شناسی وسایل ارتباطات اجتماعی - ارتباطات بین‌المللی - تبلیغات بازرگانی - اصول روابط عمومی - نقش وسایل ارتباطی و خبری در رشد اقتصادی و اجتماعی - فیلم‌های خبری و آموزشی - سازمان و طرز کار رادیو و تلویزیون و زبان مطبوعات.

برخی از دروس رشته روابط عمومی و تبلیغات با رشته مطبوعات (روزنامه، رادیو و تلویزیون) مشترک بودند (مانند وسایل ارتباطی و خبری، اصول خبرنگاری، چاپ و گرافیک، روش تحقیق، مصاحبه، رپرتاژ و آنکت، جامعه‌شناسی وسایل ارتباطات اجتماعی، ارتباطات بین‌المللی و تاریخ مطبوعات).<sup>۱۳</sup>

دکتر کاظم معتمدنژاد که به هنگام تأسیس مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود، از شغل رسمی خود استعفا داد و به طور تمام وقت در مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی که يك مؤسسه نوپای بخش خصوصی بود مشغول تدریس شد و متعاقباً به معاونت آموزشی و از سال ۱۳۵۶ تا انحلال دانشکده، ریاست آنجا را عهده‌دار بود. او درباره شیوه عملکرد دانشکده در سال‌های پیش از انقلاب می‌گوید: «سعی می‌کردیم اصولی عمل کنیم، اگر چه دانشکده نمی‌توانست از شرایط محیطی به دور باشد ولی به عنوان معلم کوشش می‌کردیم خدمت واقعی را به دانشجویان و جامعه ارائه دهیم و از انحرافات و اعمال غرض‌ها و سوءاستفاده از محیط دانشکده جلوگیری کنیم. همیشه سعی می‌کردیم بی‌طرفی و استقلال دانشکده را حفظ کنیم و به همین جهت در میان تشکیلات مختلفی که به مؤسسه کیهان وابسته بود شاید یکی از سالم‌ترین و مفیدترین آن‌ها همین دانشکده محسوب می‌شد.»<sup>۱۴</sup>

اواخر سال ۱۳۴۶، گروه تحقیق مؤسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی به سرپرستی نگارنده که یکی از دانشجویان نخستین دوره روزنامه‌نگاری دانشکده بودم، زیر نظر دکتر کاظم معتمدنژاد تشکیل شد. مجله تحقیقات روزنامه‌نگاری در شماره پانزده خود خبر تشکیل این گروه و نوع فعالیت‌های تحقیقاتی آن را اعلام کرد و در شماره ۲۱ خود که خرداد ۱۳۵۲ منتشر شد، از ۱۶ گزارش تحقیقی این گروه در طی مدت تشکیل آن یاد کرد. همان سال‌ها گروه مذکور تبدیل به مرکز تحقیقات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی شد که اکثر تحقیقات آن را مسئول مرکز مذکور (نگارنده)، دکتر کاظم معتمدنژاد و دکتر صدرالدین الهی سرپرستی و اجرا می‌کردند.

در سال ۱۳۴۵، دوره سه ساله روزنامه‌نگاری با ۱۲ شاگرد در هنرستان دخترانه فرح آغاز شد. دروس این دوره که همراه با کار عملی مستمر در مطبوعات دنبال می‌شد عبارت بود از قوانین و مقررات روزنامه‌نویسی، آشنایی با مطبوعات و سیر تحول آن، سازمان روزنامه، اصول خبرنگاری، وظایف و تکالیف اخلاقی و اجتماعی خبرنگار، آگهی‌ها و روابط عمومی، رادیو، تلویزیون و سینما، عکاسی و فیلمبرداری خبری، شیمی عکاسی، ماشین‌نویسی، مآخذیابی، مصاحبه و رپرتاژ، حروف‌شناسی، ماکت‌سازی.

دی‌ماه ۱۳۴۷، ۱۳ نفر از دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شدند و در واقع آن‌ها نخستین فارغ‌التحصیلان تحصیل‌کرده ایران در رشته روزنامه‌نگاری بودند. اسفند ۱۳۴۷، مرکز آموزش تلویزیون ملی ایران گشایش یافت. این مرکز محلی برای کارآموزی و آموزش‌های تئوریک بود که در واقع بنیان اولیه مدرسه عالی تلویزیون و سینما را تشکیل می‌داد. مرداد ۱۳۴۹، نخستین مسابقه ورودی مدرسه عالی مذکور با شرکت ۷۰۰ داوطلب برگزار شد که از میان آنان ۶۰ نفر پذیرفته شدند. در میان رشته‌های تحصیلی مدرسه عالی تلویزیون و سینما، رشته خبرنگاری نیز وجود داشت. دوره تحصیلی مدرسه مذکور سه سال بود. دی‌ماه سال ۱۳۵۳، «انستیتو تحقیقات مدرسه عالی تلویزیون و سینما» تأسیس، و برای اولین بار دوره فوق‌لیسانس علوم ارتباطات را تشکیل داد که دانشجویان در رشته‌های تخصصی «تحقیق در ارتباط جمعی» و «تکنولوژی آموزشی» به مدت ۳ سال به تحصیل می‌پرداختند.

در طی سال‌های مذکور دوره‌های کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری نیز تشکیل می‌گردید. اواخر سال ۱۳۵۰، نخستین کلاس آزاد روزنامه‌نگاری در دوره شبانه دانشگاه تهران گشایش یافت. مؤسسه اطلاعات دوره‌های متعددی را برگزار کرد از جمله در سال ۱۳۵۱، یک دوره ۲ ماهه خبرنگاری را به دنبال برگزاری یک امتحان ورودی برای ۲۱۷ داوطلب آغاز کرد. در دوره مذکور ۳۲ نفر از قبول‌شدگان در امتحان ورودی شرکت کردند.

از دوره‌های کوتاه مدت نسبتاً سنگین آموزشی پیش از انقلاب می‌توان به دوره چهارماهه‌ای اشاره کرد که برای ۵۴ پذیرفته شده از سوی وزارت اطلاعات و جهانگردی از ۱۶ مهر ۱۳۵۱ آغاز شد. در این دوره گروهی با تحصیلات دیپلم متوسطه و لیسانس در رشته‌های مختلف شرکت داشتند. از استادان دوره مذکور می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: دکتر علی‌محمد کاردان، دکتر رضا امینی، دکتر محمدرضا عسگری، دکتر اسماعیل رضوانی، دکتر حسن صدر حاج سید جوادی، دکتر محمود عنایت، دکتر ضیاء‌الدین سجادی، دکتر حمید نطقی، دکتر مهدی کیا، دکتر فریدون پیرزاده، مرتضی ممیز و مسعود برزین.

در خرداد ۱۳۵۰، اولین گروه از رشته روزنامه‌نگاری دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی فارغ‌التحصیل شدند و از آن سال تا سال ۱۳۵۷، به طور متوسط هر سال حدود ۳۰ نفر در این رشته فارغ‌التحصیل گردیدند.

دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تا هنگام پیروزی انقلاب اسلامی به کار خود ادامه داد. اما به دنبال تعطیل دانشگاه‌ها و اجرای انقلاب فرهنگی و ادغام ۵۲ دانشکده و مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی در یکدیگر، دانشکده مذکور نیز عملاً منحل گردید و به جای آن «گروه ارتباطات اجتماعی»، ابتدا زیر پوشش مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی و از سال ۱۳۶۴، تحت پوشش دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی قرار گرفت. به این ترتیب با حذف رشته‌های مستقل روزنامه‌نگاری و روابط عمومی، رشته‌ای به نام علوم اجتماعی با گرایش ارتباطات اجتماعی به وجود آمد و مدت ۵ سال با دروس محدود به تربیت روزنامه‌نگار پرداخت. از سال تحصیلی ۷۰-۶۹، پذیرش دانشجو در آن دانشگاه برای رشته علوم ارتباطات اجتماعی با دو شاخه روزنامه‌نگاری و روابط عمومی در دوره‌های روزانه و شبانه آغاز شد.

سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ندرت دوره‌های کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری تشکیل می‌شد، از نمونه‌های آن می‌توان به چند دوره تشکیل شده در سال‌های ۱۳۵۹ به بعد اشاره کرد، مانند: ۲ دوره آموزش روزنامه‌نگاری برای خبرنگاران صدا و سیما، ۸ دوره آموزش برای خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی و چند دوره آموزش برای خبرنگاران روزنامه کیهان که استادان دانشکده علوم ارتباطات سابق در آن تدریس می‌کردند. همچنین دوره آموزش مکاتبه‌ای بود که برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۶۵ برای خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به وسیله نگارنده طراحی و اجراء شد. این دوره به مدت ۳ سال به طول انجامید و بسیاری از خبرنگاران خبرگزاری مذکور در داخل و خارج کشور آن را گذراندند و در امتحاناتی که هرچند گاه یکبار در تهران تشکیل می‌شد شرکت داشتند. طراحی این دوره به دنبال اجرای نخستین طرح تحقیقاتی درباره مسائل روزنامه‌نگاران ایران که در سال ۱۳۶۴ از سوی نگارنده تدوین گردید آغاز شد. گزارش این طرح با عنوان «نگرش خبرنگار» مهرماه ۱۳۶۵ به پایان رسید که در جای جای آن اثر، لزوم آموزش روزنامه‌نگاری برای روزنامه‌نگاران دیده می‌شد. به دنبال اجرای طرح سه ساله آموزش مکاتبه‌ای، اولین دوره کاردانی خبرنگاری در دانشکده علامه طباطبائی با تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور برای خبرنگاران خبرگزاری مذکور برگزار شد که محصول آن دو دوره فارغ‌التحصیل کاردانی خبرنگاری بود.

نخستین مرکز آموزش حین خدمت روزنامه‌نگاری با عنوان «مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها» از سوی معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی در شهریور ۱۳۶۹ تأسیس شد که برگزاری دوره‌های مستمر سه ماهه برای اعضای تحریریه مطبوعات و خبرنگاران و دیگر دست‌اندرکاران مطبوعات از مهم‌ترین اهداف آن است.

پیشنهاد تشکیل دوره کارشناسی ارشد رشته «علوم ارتباطات اجتماعی» با دو گرایش روزنامه‌نگاری و تحقیق در ارتباط جمعی در اسفند ۱۳۶۸ به شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارائه شد که در مرداد ۱۳۶۹ به تصویب رسید. اما عملاً کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، بدون شاخه‌ای خاص، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل گردید.

اواخر سال ۱۳۷۱، اصلاحیه‌ای برای تجدید نظر در برنامه مصوب کارشناسی ارشد مذکور پیشنهاد شد که تابستان ۱۳۷۲، اجرای آن ابلاغ گردید. در این اصلاحیه، دو شاخه پیشنهادی مصوب مرداد ۱۳۶۹ حذف شد و رشته مذکور به صورت علوم ارتباطات اجتماعی در آمد.

دانشگاه آزاد اسلامی نیز از سال ۱۳۶۶ به تشکیل دوره لیسانس علوم اجتماعی، گرایش ارتباطات و متعاقباً فوق لیسانس این رشته اقدام کرده و در دو واحد تهران و تربت جام، به تربیت کارشناسان این رشته مشغول است.

تدوین برنامه دوره دکتری علوم ارتباطات اجتماعی نیز از سال ۱۳۷۲، در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی آغاز شده است.

## فصل دوم برخی نظریه‌ها درباره آموزش روزنامه‌نگاری

بیش از ۵۰ سال آموزش روزنامه‌نگاری در ایران، منتهی به حضور فقط ۳۴ نفر تحصیل‌کرده روزنامه‌نگاری در بین ۲۱۴۵ روزنامه‌نگار در ایران شده است (۱/۶ درصد).<sup>۱۵</sup> بی‌شک یک رابطه دوسویه میان وضعیت مطبوعات ایران و عوامل جاذبه‌ساز آن برای روی آوردن فارغ‌التحصیلان این رشته از یکسو و اهداف، برنامه‌ها و محتوای دوره‌های مذکور از سوی دیگر وجود دارد. آنچه مسلم است مطبوعات ایران همانند هر کشور در حال توسعه دیگری نیاز به حضور افراد تحصیل‌کرده در این رشته دارند. «سامرلند»<sup>۱۶</sup> در این مورد می‌گوید: «یک عضو تحصیل‌کرده روزنامه‌نگاری برای رشد و ارتقای یک روزنامه در یک کشور در حال توسعه می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. این مسأله‌ای است که برای تمامی کشورهای صدق می‌کند.» او می‌افزاید: «روزنامه‌نگاری در دنیای پیچیده معاصر، بدون آموزش پایه‌ای و بدون طی کردن دوره‌های طولانی آموزش نمی‌تواند درست انجام شود، زیرا حقیقتاً هیچ حرفه‌ای تا این حد به داشتن اطلاعات در همه رشته‌ها و زمینه‌های فعالیت بشری وابسته نیست. یک روزنامه‌نگار باید استعداد، توانایی و صلاحیت به چنگ آوردن اطلاعات گوناگون از سفاین فضایی گرفته تا طرح‌های اقتصادی، هنر، دامپزشکی، بیانیه‌های سیاسی و غیره را داشته باشد و بتواند چنین موارد پیچیده‌ای را به زبان ساده مطرح کند و قادر باشد که چکیده یک بحث را بشناسد و مفاهیم اصلی را از مطالب جزئی و عوامانه جدا کند. این توانایی در کشورهای در حال توسعه ضرورت بیشتری دارد زیرا بسیاری از مخاطبان وسایل ارتباط جمعی این کشورها اطلاع چندانی از همه چیز ندارند. در واقع او باید رویدادها را ضبط و نقش یک مترجم (Interpreter) را ایفا کند.

در واقع حضور این افراد در توسعه نیز موثر است. اما در این مورد موانعی پیش روی کشورهای در حال توسعه بوده است. مثلاً وقتی برخی از مستعمره‌ها توانستند استقلال یابند بسیاری از متخصصان خارجی، آن کشور را ترک کردند که روزنامه‌نگاران خارجی نیز از آن گروه بودند. به این ترتیب مطبوعات این کشورها بیکباره با خلأ روزنامه‌نویس متخصص مواجه شدند. در این مورد می‌توان به کنگوی بلژیک اشاره کرد که چطور روزنامه‌نگاران بلژیکی مقیم آن کشور آنجا را ترک کردند. از آن سو روزنامه‌نگاران باتجربه‌ای نیز که پیش از استقلال مشغول کار مطبوعاتی بودند، پس از استقلال جذب مشاغل سیاسی شدند و مطبوعات در دست عده‌ای با سطح تحصیلات پایین باقی ماند.

این مسئله در مورد اکثر کشورهای آفریقایی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیگر نیز صدق می‌کند. افراد تحصیل کرده جذب مشاغل گوناگون دولتی می‌شدند. زیرا کشمکش حرفه روزنامه‌نگاری از یک طرف و دستمزد کم آن از طرف دیگر جاذبه‌ای برای آنان نداشت. به این ترتیب مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی علی‌رغم اهمیت آن‌ها و نیازی که به اشتغال افراد متخصص و متهور در این زمینه وجود داشت، یا وابسته به کشورهای دیگر می‌شد و یا در دست کارکنان تازه استخدام شده و بی‌تجربه قرار می‌گرفت.<sup>۱۷</sup>»

سامرلند درباره ویژگی‌های چنین روزنامه‌نگاری می‌نویسد: «مطبوعات در کشورهای در حال توسعه می‌توانند وسیله‌ای برای آموزش و رشد ملی باشند، مشروط بر آنکه روزنامه‌نگاران آن کشور نقش خود را به طور کامل ایفا کنند. آن‌ها باید محیط اجتماعی خود را بشناسند، بر سنت‌ها، فرهنگ‌ها، خواسته‌ها و نیازهای مردم، نیروهای مؤثر در تغییرات، مؤسسات و سازمان‌های ملی، استنباط‌ها و شیوه‌های سیاسی، توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور وقوف داشته باشند. از دیدگاهی آرمانی، یک روزنامه‌نگار باید آدمی با استعداد طبیعی (natural aptitude)، دارای شم روزنامه‌نگاری، ذهنی پژوهشگرانه و فردی مسلط به زبان باشد، از یک آموزش عمومی معتبر برخوردار بوده، به زمینه‌های علوم ارتباطات و جامعه‌شناسی آگاه باشد. در واقع در متن این زمینه‌ها، مهارت‌ها و تکنیک‌های حرفه‌ای را بیاموزد و با تجربه‌ای عملی همراه کند.»

سامرلند خود می‌گوید که احتمالاً تصور چنین فردی در مطبوعات کشورهای در حال توسعه یک آرمان است. او نقل می‌کند که پس از طرح چنین فکری برای سردبیر یک روزنامه هندی، با این عکس‌العمل مواجه شد که سردبیر، معترض به این نظریه گفت: «این در تئوری خوب است، اما آدمی با چنین مشخصاتی به هنگام ورود به یک روزنامه، ظرف یک هفته سردبیر خواهد شد»، و در همین مورد، وزیر اطلاعات یکی از کشورهای اروپای شرقی به سامرلند می‌گوید «ما به شخصی با حد و مرز کمتری نیاز داریم. فردی با چنین تحصیلاتی، در حد ۳ سال تحصیلات دانشگاهی، در مشاغل ارتباطی باقی نخواهد ماند. او جذب مشاغلی با موقعیت بهتر، حقوق و مزایای بیشتر و مسئولیتی فراتر خواهد شد.»

سامرلند، از تجربه‌ای یاد می‌کند که آموزش براساس فرمول فوق در تانزانیا دنبال شد و چگونه در سال ۱۹۵۴ با شکست مواجه گردید. او می‌گوید: «انستیتو مطبوعات تانزانیا» به هنگام تأسیس، اهدافی بسیار جاه‌طلبانه را در دستور کار خود قرار داد به طوری که مواد درسی و برنامه‌های آن به طور کامل با مرکز روزنامه‌نگاری دانشگاه پاریس منطبق بود؛ اما وقتی اولین فارغ‌التحصیلان از این دانشگاه بیرون آمدند با مشکلات و موانع بسیاری مواجه شدند. آن‌ها فرصت‌های شغلی مناسبی را در روزنامه‌نگاری کشورشان پیدا نکردند، زیرا وضعیت مطبوعات در عمل، متفاوت با استانداردهای فرهنگی کسب شده این دانشجویان بود. به طوری که این مؤسسه آموزشی پس از نخستین تجربه خود منحل گردید.

سامرلند در مورد انواع آموزش‌های مورد نیاز در کشورهای در حال توسعه به چند نکته مهم اشاره می‌کند: «اشتباه است که تصور کنیم می‌توان یک برنامه آموزشی را برای تمامی کشورهای در حال توسعه توصیه نمود. سطح رشد اقتصادی، سنن و فرهنگ، نیازهای بازار کار و آموزش‌های پایه‌ای رایج در کشور می‌تواند در این مورد اثر بگذارد. اما می‌توان گفت که در همه‌جا، آموزش‌های کوتاه‌مدت ضروری است و حتی بسیاری از این دوره‌ها می‌تواند در حد آموزش عملی باشد. این آموزش‌ها می‌تواند در افزایش مهارت‌های تازه استخدام‌ها و بالابردن استاندارد زندگی کارمندان بسیار مفید باشد. اما روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است که نیاز به آموزش بیش از تعلیماتی سطحی و کم‌عمق دارد و قطعاً تسلط به تکنیک‌های حرفه‌ای لازم است.»

در بسیاری از کشورهای اروپایی مشترک‌المنافع کار روزنامه‌نگاری همراه با آموزش دنبال می‌شده است. جوانی که پس از دوره دبیرستان وارد یک روزنامه می‌شد مهارت‌های روزنامه‌نگاری را در یک روزنامه و به سرپرستی یکی از روزنامه‌نگاران ارشد می‌آموخت و در واقع با انجام کار عملی و بررسی تصحیح اشتباهات، آموزش می‌دید، و سرانجام این روند، با طی کردن دوره آموزشی در مدارس روزنامه‌نگاری تکمیل می‌شد.

شیوه دیگر و درواقع معکوس شیوه فوق، آموزش نظری در دانشگاه یا مؤسسه‌ای هم‌سطح آن است که فرد پس از فارغ‌التحصیل شدن وارد حرفه می‌شود. این نیز شیوه‌ای است که در ایالات متحده آمریکا، بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، آمریکای لاتین و حتی برخی کشورهای آسیایی و آفریقایی دنبال می‌شود. کسانی که مخالف این سیستم هستند، می‌گویند: این‌گونه برنامه‌ها خیلی تئوریک است و فارغ‌التحصیلان این دانشگاه‌ها حس همکاری (Common touch) را از دست می‌دهند، آن‌ها نظریات غرورآمیزی نسبت به استعدادشان پیدا می‌کنند و بازده تحصیلاتشان نیز با

موقعیت‌های شغلیشان نامربوط است. از آن سو این موضوع مطرح می‌شود که فارغ‌التحصیلان دبیرستانی نیز برای استخدام در مطبوعات در سطح پایینی هستند. مضافاً آنکه وقتی فردی به حرفه روزنامه‌نگاری مشغول شد دیگر وقت ندارد که به افزایش معلومات خود بپردازد و به ندرت فرصت ادامه تحصیل خواهد داشت. او در زیر فشارهای ناشی از کار در روزنامه، فقط شیوه‌ها و تکنیک‌های شغلی خود را می‌آموزد و از جنبه‌های مهم آموزش ارتباطات غافل می‌ماند. به ویژه آنکه در کشورهای در حال توسعه، تجربه شغلی اغلب حد و مرز داشته و محدود است. سیستم به صورتی است که مرز یادگیری شاگرد، همان اطلاعات و دانش استاد است و در واقع شاگرد بهتر از استادش نخواهد شد.

یونسکو پس از مطالعات بسیار و بررسی جوانب امر، به این نتیجه رسید که تأسیس مؤسسات آموزش عالی روزنامه‌نگاری در چارچوب دانشگاه‌ها مناسبترین اقدام است و به همین ترتیب چنین مراکزی در بسیاری از کشورها، همچون: جمهوری خلق چین، هند، اندونزی، عراق، ایران، پاکستان، تایلند، ترکیه، الجزایر، نیجریه، سنگال، زامبیا، آرژانتین، کوبا، گواتمالا، پرو، ونزوئلا و... تأسیس شد. در این میان، آمریکای لاتین در میان کشورهای در حال توسعه، برای تربیت روزنامه‌نگار از طریق دانشگاه به پیشرفت‌های بیشتری نایل آمد.

البته این بدان معنی نیست که همه اعضای جدید یک نشریه باید دارای پایه دانشگاهی باشند. در بعضی موارد، این مؤسسات آموزشی مورد قبول مطبوعات نیستند. از سوی دیگر در همه جای دنیا این نکته پذیرفته شده است که روزنامه‌نگاری نباید یک شغل انحصاری برای دارندگان مدارک و درجات دانشگاهی باشد، بلکه باید همیشه جایگاهی برای فعالیت افراد باذوق و استعدادی که دوره‌های رسمی دانشگاهی را نگذرانده‌اند محسوب شود. اگر مدارس روزنامه‌نگاری کارشان را صحیح انجام دهند، فارغ‌التحصیلان آن‌ها باید با توانایی و شایستگی که به دست خواهند آورد بتوانند در گزینش‌ها برتری یابند.<sup>۱۸</sup>

### دروس مدارس روزنامه‌نگاری

سامرلند سؤال می‌کند که چه مواد درسی باید برای تربیت روزنامه‌نگاران کشورهای در حال توسعه تدریس شود و خود پاسخ می‌دهد که مهمترین بخش از سه یا چهار سال تحصیل باید شامل مواد عمومی مانند: زبان، ادبیات، تاریخ، جغرافی، علم سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و از این قبیل باشد. بخش دیگر باید به ساخت یک تئوری پایه برای این شغل کمک کند که می‌تواند شامل: تاریخ مطبوعات، قوانین مطبوعات، علم اخلاق، مسئولیت و ویژگی‌های اجتماعی وسایل ارتباط جمعی باشد. اگر نشریه‌ای برای اهدافی منتشر می‌شود که مرتبط با سرعت بخشیدن به رشد ملی است، روزنامه‌نگار آن باید در مورد چگونگی تحقق رشد اجتماعی و اقتصادی مطالعه کند. همچنین در زمینه اصول برقراری ارتباط مؤثر، چگونگی آموزش مردم و شیوه‌های تحریک آنان به عمل، چگونگی شکل‌گیری ذهنیات و چگونگی تغییر آن، ساختار و ارزش‌های جامعه و نقش ارتباط جمعی در آموزش و ترغیب تحصیل نماید. سومین بخش مربوط به مباحث و تمرینات تکنیک‌های حرفه‌ای است که شیوه‌های دستیابی به اخبار و گزارش‌ها، تنظیم خبر، مقاله‌نویسی، روزنامه‌نگاری مصور، حروف‌چینی، صفحه‌بندی و ماکت‌سازی از این دست هستند. اگر انتظار از این دوره‌ها، تربیت افراد برای کار در همه وسایل ارتباط جمعی است، پس لازم است مواردی چون نوشتن برای رادیو و تلویزیون، تکنیک‌های مصاحبه رادیویی و تلویزیونی، شیوه‌های تنظیم خبر از ضبط صوت و روش‌های تولید برنامه نیز در برنامه درسی گنجانیده شود.

البته روش تنظیم این مطالب متنوع برای یک برنامه آموزشی از محلی به محل دیگر متفاوت است. مثلاً در هندوستان، مراکز آموزش روزنامه‌نگاری از طریق آموزش مکاتبه‌ای مدرک تحصیلی می‌دهند. در فیلیپین افرادی که دو سال کالج عمومی را گذرانده‌اند می‌توانند دو سال بعدی را به تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری مشغول شوند. برای تأسیس مدارس روزنامه‌نگاری در آمریکای لاتین، سمیناری تشکیل گردید و براساس مصوبات سمینار، دروس آن‌ها پیش‌بینی شد. فلسفه، تکنیک‌های ارتباطات، علوم ارتباطات، تاریخ فرهنگی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، روان‌شناسی اطلاعات، روابط عمومی، تفسیر اخبار، بیان عقاید و روزنامه‌نگاری پیشرفته، قسمتی از این دروس بود.

باید توجه کرد که تمرین و کار عملی یکی از اساسی‌ترین بخش‌های هر برنامه آموزش روزنامه‌نگاری است. تئوری‌ها را می‌توان از طریق مطالعه کسب کرد اما کسب مهارت‌ها نیاز به تمرین دارد. تمرینات، انجام تکالیف و آزمایشگاه روزنامه‌نگاری برای نزدیک کردن دانشجو با تکنیک‌های



شغلي بسيار باارزش هستند. روزنامه‌نگار آموزش دیده‌اي که تمرین نکرده است هرگز نمی‌تواند جانشین يك عضو باتجربه اما آموزش‌تئوريك ندیده مطبوعات، گردد. بنابراین تعلیمات دانشگاهي روزنامه‌نگاري باید به وسیله کار عملي تکمیل شود. در این مورد حتي می‌توان کارورزي را در نشریات محلي، در روزهاي تعطیل ترتیب داد و چنین کار ورزي‌هايي را نیز واحد دانشگاهي محسوب نمود.

يکي از انتقادات بر آموزش آکادمیک روزنامه‌نگاري این است که محتوای دروس دور از نیازهاي حقيقي مطبوعات است. به نظر می‌رسد که دليلي برای این کار (یا این روش) وجود ندارد. می‌توان چنین مسئله‌اي را از طریق ایجاد رابطه با مؤسسات ارتباطات جمعي حل کرد. در واقع در این مورد رابطه دوستانه میان دانشگاه‌ها و مؤسسات ارتباط جمعي می‌تواند مفید باشد. برگزاری جلسات سخنراني در دانشگاه‌ها و دعوت از روزنامه‌نگاران تجربی و تشکیل کمیته‌هاي مشورتي با همکاری آنان می‌تواند کمک شایان توجهي به برقراري این روابط بنماید.<sup>۱۹</sup>

### دوره‌هاي کوتاه مدت

بسیاري از کشورهای در حال توسعه نیازمند اجرای دوره‌هاي کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاري هستند. حضور روزنامه‌نگاران تجربی در این کشورها و عدم آگاهی فارغ‌التحصیلان دانشگاهي برای پذیرش مسئولیت روزنامه‌نگاري ایجاب می‌کند که از طریق برقراري دوره‌هاي کوتاه‌مدت، آگاهی‌هاي پایه‌اي و اصول تکنیک‌هاي روزنامه‌نگاري به آنان آموزش داده شود. تجربه کنیا و نیجریه در برقراري دوره‌هاي کوتاه مدت بسیار مفید بوده است. آن‌ها دوره‌هاي فشرده ۶ ماهه‌اي را با کمک مقامات دانشگاه طراحی کردند به این ترتیب روزنامه‌نگاراني که حداقل دو سال سابقه کار داشتند می‌توانستند در آن دوره‌ها شرکت کنند. نیاز به دوره‌هاي کوتاه مدت همیشه وجود دارد و باید برنامه‌هاي آموزشی مختلفی برای سطوح گوناگون از خبرنگاران تا سردبیران، تشکیل داد.

### آموزش‌هاي تکنیکی و بازرگانی

علاوه بر آموزش‌ها و تخصص‌هاي فوق، موفقیت مطبوعات دیگری نیز وابسته است. مهارت‌هاي چاپ، عکاسی، آگهی‌هاي بازرگانی، مدیریت مطبوعات و روش‌هاي حسابداري از این مقولات هستند که برای پیشرفت مطبوعات و افزایش تیراژ آن‌ها باید به آموزش و تربیت نیروي انسانی در این زمینه‌ها نیز اقدام کرد.

### تحقیق در ارتباط جمعي

يکي از موانع در اداره و توسعه وسایل ارتباط جمعي عدم دسترسی به عکس‌العمل‌ها است. «تحقیق» در ارتباط جمعي می‌تواند با گردآوری سلايق، نظرات و عکس‌العمل‌ها به سردبیران کمک کند که بدانند مردم چه فکر می‌کنند، از پیام‌ها چه می‌فهمند و به وسیله چه چیزی تحت تاثیر قرار می‌گیرند، الگوی توزیع باید چگونه باشد و از این قبیل، در واقع بدون در نظر داشتن عکس‌العمل‌ها روزنامه‌نگار در تاریکي کار خواهد کرد. روزنامه‌نگار باید بداند که آیا پیامش به مخاطبان می‌رسد؟ آیا درک می‌شود؟ در مقابل آن مقاومتی صورت می‌گیرد یا پذیرفته می‌شود؟ آیا آن تأثیر آرمانی را دارد؟ البته انجام تحقیقات در زمینه ارتباط جمعي کار دشواری است که ایجاب می‌کند کشورهای در حال توسعه به دانشگاه‌هاي خارجی تکیه کنند. بنابراین تربیت محققان وسایل ارتباط جمعي نیز باید در برنامه‌هاي آموزشی این کشورها منظور شود.

با توجه به آنکه طرف دهه‌هاي اخیر علوم ارتباطات و به تعبیری «ارتباط شناسی»، بسیار توسعه یافته و بی‌شک این توسعه در کار روزنامه‌نگاري نیز اثر گذاشته است، لذا باید در آموزش روزنامه‌نگاران، تدریس علوم ارتباطات توجه ویژه‌اي کرد.

از میان کسانی که درباره آموزش علوم ارتباطات نظریات منسجمی ارائه کرده‌اند می‌توان به آر.تی کرایچ (R.T.Craig) نویسنده کتاب «ارتباطات به عنوان قواعد عملي» (Communication as a practical Disciplin - 1989) اشاره کرد. او معتقد است که رفتارهاي ارتباطی را می‌توان با يك هدف دوگانه مورد مطالعه قرار داد:

۱. درک ساخت، الگوها و اثرات ارتباطات انسانی

۲. ایجاد تسهیلات ارتباطی با کیفیت برتر، چه برای خود و چه در سطوح وسایل ارتباط جمعي و برای جامعه.

بنابراین متخصصان ارتباطات باید سه فرض کلیدی را در ماهیت آموزش و پژوهش دانشگاهي ارتباطات در نظر گیرند.

نخستین فرض بر این باور استوار است که ارتباطات مهم‌ترین و متمایزترین رفتار انسانی است و در عین حال اولین پایه‌های سواد نیز می‌باشد. این مسئله از طریق فراگردی چند حسی دنبال می‌شود که از آن طریق ما هم خودمان وهم محیطی را که در آن هستیم تعریف می‌کنیم و از طریق همین حواس است که قادر به برقراری ارتباط میان خودمان با محیط پیرامونی می‌شویم. برای ما انسان‌ها بدون وجود ارتباطاتی از این نوع مقدور نخواهد بود که اولاً به تفکری پیچیده دست یابیم و ثانیاً به این لحاظ از سایر موجودات کره زمین متمایز گردیم. علاوه بر آن، ارتباطات عاملی در جهت زیر ساخت آموزش‌های بالاتر محسوب می‌شود. همچنین برای فعالیت نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به عنوان يك اصل به حساب می‌آید. کرایچ به نقل از تئودورگروس (Theodore Gross) رئیس بخش علوم انسانی در کالج نیویورک می‌نویسد: «به آموزش ارتباطات باید در همان حد از اهمیت توجه شود که به آموزش زبان، جامعه‌شناسی و یا علوم سیاسی نگاه می‌شود. از آنجا که نمی‌توان برای مطالعه ادبیات، فلسفه و یا تاریخ صرفاً به توجیه مسئله براساس نیازهای شغلی پرداخت، به آموزش ارتباطات نیز نباید این‌گونه نگاه کرد. هر کس باید جامعه‌شناسی تاریخ، تکنولوژی، هنر و ادبیات خود را درک کند زیرا اینها موضوعات حال و آینده ما هستند. دومین فرض بر این باور است که تداوم آموزش ارتباطات امری است حیاتی و فرایندی است که از همان سال‌های نخست زندگی توسط مهارت‌های شنوایی و گفتاری شروع و ادامه می‌یابد. بنابراین فرد نباید در همان پله‌های نخستین درجا بزند بلکه باید از طریق آموزش‌های جدید و با گسترش الگوهای برجسته، با زمان تطابق یابد. استراتژی‌های ارتباطی همواره باید با تغییر نقش‌ها در جامعه، متحول و هماهنگ شوند. به همین دلیل متخصصین ارتباطات باید در جست‌وجوی راه‌هایی برای پیشرفت توانایی‌های افراد برای بهتر ایفا کردن نقش ارتباطیشان باشند. استادان ارتباطات باید ضمن کار در حوزه اختصاصی ارتباطات، آن را با تعمیق شناخت اجتماعی و فردی دانشجویان هماهنگ سازند. این متخصصین باید به‌گونه‌ای عمل کنند که نه تنها ماهیت مشکلات ارتباطی را تشخیص دهند بلکه مهم‌تر از آن، راه‌حل‌های آن‌ها را نیز ارائه دهند. در زمینه روزنامه‌نگاری پیگیری مباحث انتقادی در ارتباط جمعی، می‌تواند دریچه‌ای برای تحقیقات بیشتر بگشاید.<sup>۲۰</sup> کرایچ در انتها نتیجه می‌گیرد که حوزه ارتباطات، هم وسیع است و هم گوناگون، از طرف دیگر جاذبه‌های زیادی متخصصین را به سمت این حوزه جلب می‌نماید. موضوعی که متخصصین گوناگون ارتباطات را با یکدیگر پیوند می‌دهد، وجود علاقه‌ای مشترک برای درک ارتباطات به عنوان يك هنر عملی ( Practical Art) است.

# بخش دوم

## نظرسنجي از روزنامه‌نگاران ايران

### فصل اول

#### مشخصات عمومي نمونه مورد بررسي

ادامه گزارش حاضر، برنظرسنجي دقيقي استوار است که از ۳۱۵ روزنامه‌نگار ايراني (در تهران و شهرستان‌ها) در سال ۱۳۷۱ انجام شده است. براي انجام اين نظرسنجي، دو نوع پرسش‌نامه بدون نام، طراحي شده که پرسشنامه اول ويژه روزنامه‌نگاران با تحصيلات علوم ارتباطات (داراي جلد نارنجي که در گزارش از آن به عنوان پرسش‌نامه A ياد شده) و پرسش‌نامه دوم مخصوص ساير روزنامه‌نگاران (داراي جلد آبي که به آن پرسش‌نامه B گفته شده است) بود. نمونه هر دو پرسش‌نامه در پيوست يک و دو کتاب آمده است و مشخصات روزنامه‌نگاران پاسخ‌دهنده حاوي جنس، سن، تحصيلات، سابقه مطبوعاتي، نشريه محل اشتغال و شهر محل اشتغال (بدون ذکر نام و نام خانوادگي) در پيوست ۳ کتاب درج شده است.

هماهنگي سؤالات به شيوه تهيه ماتريس از پاسخ به سؤالات مرتبط، کنترل شده است و مي‌توان گفت که اکثر پاسخ‌دهندگان با صداقت، نظرات خود را منعکس کرده‌اند. با توجه به نتايج حاصل از سرشماري روزنامه‌نگاران ايران که ۸ ماه قبل از نظرسنجي حاضر انجام گرفت<sup>۲۱</sup> مي‌توان نمونه آماري مورد بررسي را با جمعيت آماري، مقايسه و ميزان نمايندگي نمونه را از جمعيت سنجيد. ضمن آنکه به دليل مضمون و اهداف بررسي حاضر، تفاوت‌هايي نيز بين نمونه و جمعيت آماري وجود دارد که در مجموع تحت عنوان «موارد منطبق با جمعيت آماري» (جنسيت، سن و شهر محل اشتغال)، موارد غيرمنطبق با جمعيت آماري (سابقه خدمت و نشريه محل اشتغال) و ساير موارد (سطح سواد، رشته‌هاي تحصيلي، کشور محل تحصيل، سال اخذ آخرين مدرک تحصيلي و دوره‌هاي کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاري طی شده) ارائه مي‌شود.

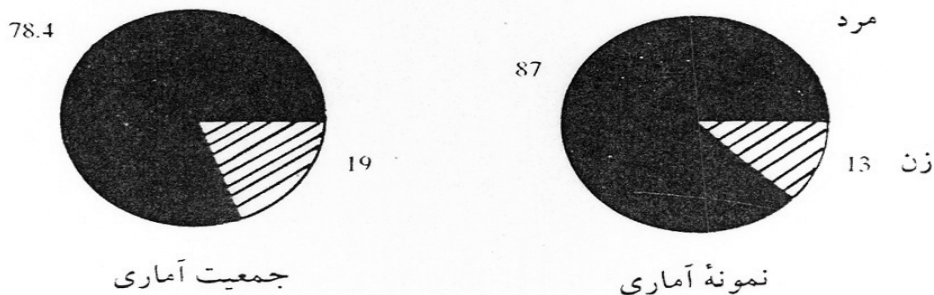
#### الف . موارد منطبق با جمعيت آماري

نمونه مورد بررسي از سه جنبه جنسيت، سن و شهر محل اشتغال، با جمعيت آماري روزنامه‌نگاران ايران کاملاً منطبق است و مي‌توان از اين سه جنبه، آن را نمونه‌اي متناسب دانست.

##### ۱. جنسيت

نمونه آماري مورد بررسي، مطالعه بر روي ۳۱۵ نفر از روزنامه‌نگاران ايراني است که حدود ۱۲ درصد آن را زنان و ۸۴ درصد آن را مردان روزنامه‌نگار تشکيل مي‌دهند (حدود ۴ درصد بي‌جواب است) با توجه به آنکه نسبت مذکور در جمعيت آماري ۱۳ و ۸۷ درصد است مي‌توان گفت که از اين نظر، نمونه با جمعيت آماري انطباق دارد، در نمودار شماره يک، نسبت مذکور در جمعيت آماري و نمونه آماري نشان داده شده است (جدول و نمودار ۱).

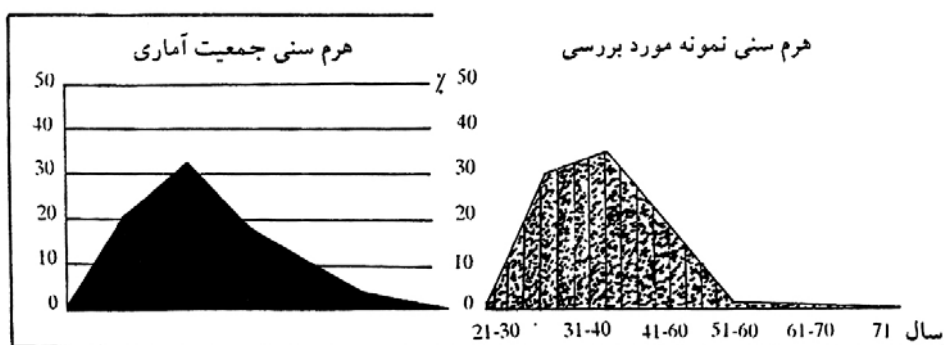
نمودار ۱- مقایسه جنسیت روزنامه‌نگاران نمونه مورد بررسی با جمعیت آماری



### ۲. سن

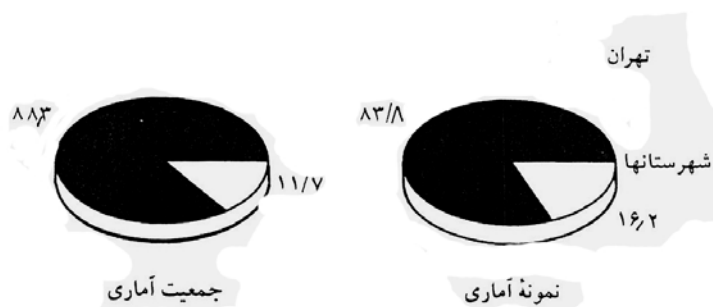
میانگین سن نمونه مورد بررسی ۳۴/۳ سال با انحراف استاندارد ۹ می‌باشد (میانگین جمعیت آماری ۳۷/۳ با انحراف استاندارد ۱۱/۱ است). نما مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال است که یک سوم نمونه را شامل می‌شوند (در جمعیت آماری نیز نما مربوط به همین گروه سنی و با همین نسبت است). ۱/۶ درصد نمونه از گروه سنی ۶۱ تا ۷۰ سال، ۱/۹ درصد ۵۱ تا ۶۰ سال، ۱۶/۵ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال، ۳۴/۳ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۰/۲ درصد ۲۱ تا ۳۰ سال و یک درصد از گروه سنی ۲۰ سال یا کمتر می‌باشند. جدول و نمودار شماره ۲، منحنی سن نمونه آماری و جمعیت آماری را نشان می‌دهد.

نمودار ۲- مقایسه هرم سنی نمونه مورد بررسی با جمعیت آماری



### ۳. شهر محل اشتغال

۸۳/۸ درصد نمونه مورد بررسی را روزنامه‌نگاران شاغل در تهران و ۱۱/۷ درصد را روزنامه‌نگاران شاغل در شهرستان‌ها تشکیل می‌دهند (نسبت روزنامه‌نگاران مقیم تهران در جمعیت آماری ۸۳/۳ درصد است که با نمونه مورد بررسی کاملاً تطبیق است). جدول و نمودار شماره ۳



## ب. موارد غیرمنطبق با جمعیت آماری

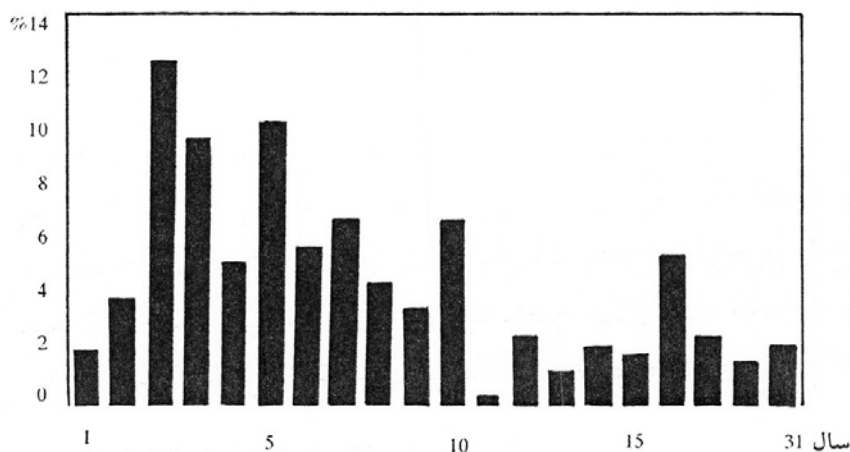
### ۱. سابقه خدمت

روزنامه‌نگاران پاسخ‌دهنده به پرسش‌نامه مأخذ این بررسی، از سابقه خدمت بیشتری نسبت به بقیه برخوردارند. در حالی که میانگین سابقه فعالیت‌های مطبوعاتی جمعیت آماری ۴/۱۴ سال با انحراف استاندارد ۴/۸ است. نمونه مورد بررسی به طور متوسط ۸/۱ سال سابقه فعالیت مطبوعاتی دارد. (با انحراف استاندارد ۷/۱ سال) در نمودار شماره ۴، منحنی سابقه فعالیت‌های مطبوعاتی جمعیت آماری و نمونه آماری نشان داده شده است. (جدول ۴)

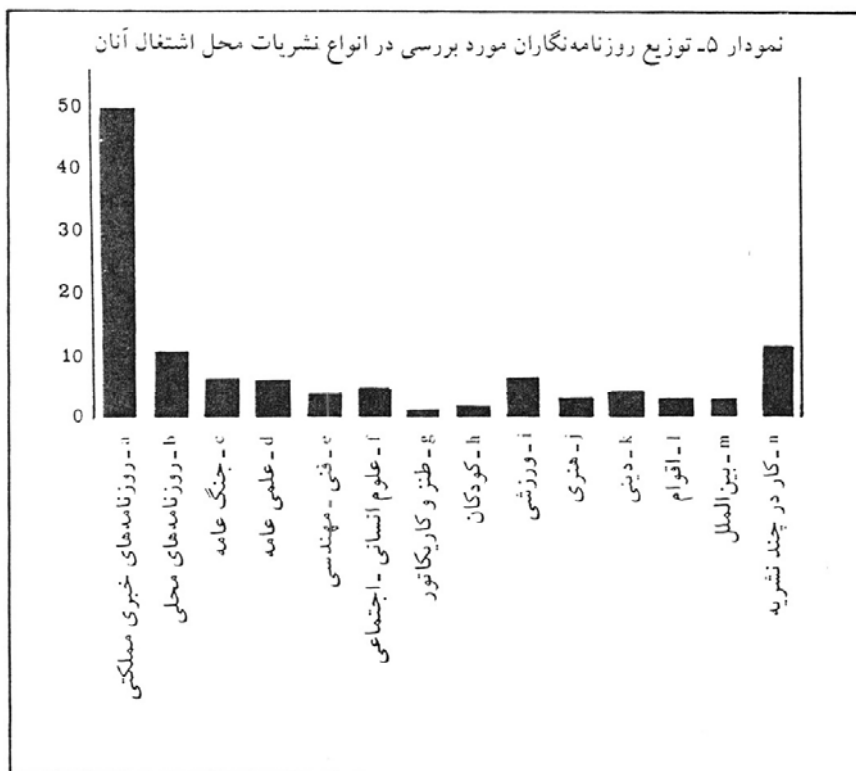
### ۲. نشریه محل اشتغال

۴۰/۶ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه مورد بررسی را روزنامه‌نگاران شاغل در روزنامه‌های مملکتی مستقر در تهران تشکیل می‌دهند. در حالی که این نسبت در جمعیت آماری ۱۵/۲ درصد است.

نمودار ۴- سابقه خدمت مطبوعاتی روزنامه‌نگاران مورد بررسی



مشخصات سایر روزنامه‌نگاران مورد بررسی به شرح زیر است: نشریه‌های محلی و ناحیه‌ای مانند روزنامه خراسان ۸/۹ درصد، مجلات جنگ عامه مانند اطلاعات هفتگی ۵/۴ درصد، مجلات علمی عامه مانند دانستنی‌ها ۵/۱ درصد، نشریات ورزشی ۴/۸ درصد، مجلات علمی علوم انسانی - اجتماعی ۲/۸ درصد، مجلات دینی و مذهبی ۲/۲ درصد، مجلات علمی فنی مهندسی ۳/۲ درصد، نشریات هنری ۲/۵ درصد، نشریات بین‌المللی مانند تهران تایمز ۲/۵ درصد، نشریات اقوام ۲/۲ درصد، نشریات اقوام ۲/۲ درصد، نشریات کودکان و نوجوانان ۱/۶ درصد، نشریات طنز و کاریکاتور یک درصد و روزنامه‌نگاران شاغل در چند نشریه از گروه‌های فوق ۹/۲ درصد، ۶ درصد نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند. (جدول و نمودار ۵)



به این ترتیب می‌توان گفت که نمونه آماری بیشتر نماینده روزنامه‌نگاران حرفه‌ای است و سهم پیام‌آفرینان مجلات تخصصی که اکثراً این حرفه شغل دوم آنان محسوب شده و به صورت پاره وقت در این زمینه نیرو می‌گذارند در نمونه حاضر کمتر از جمعیت آماری است. لازم به ذکر است که بنا به اهداف طرح تحقیق، ضرورت داشت که روزنامه‌نگاران ایرانی که دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های علوم ارتباطات هستند در این بررسی حداکثر مشارکت را داشته باشند زیرا آنان سخنگویان مناسبی برای سنجش میزان تأثیرگذاری «آموزش روزنامه‌نگاری» در فعالیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری بودند. در نتیجه حدود ۶۷ درصد روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات دانشگاهی روزنامه‌نگاری، علوم ارتباطات و روابط عمومی شاغل در مطبوعات کشور در این بررسی حضور دارند و تمامی جداول نتایج بررسی به صورتی طراحی شده که نظر روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات مرتبط با این حرفه (روزنامه‌نگاری، علوم ارتباطات، روابط عمومی، عکاسی، فیلم‌برداری، سینما و ادبیات فارسی و زبان‌شناسی) در ستونی مجزا ارائه شود.

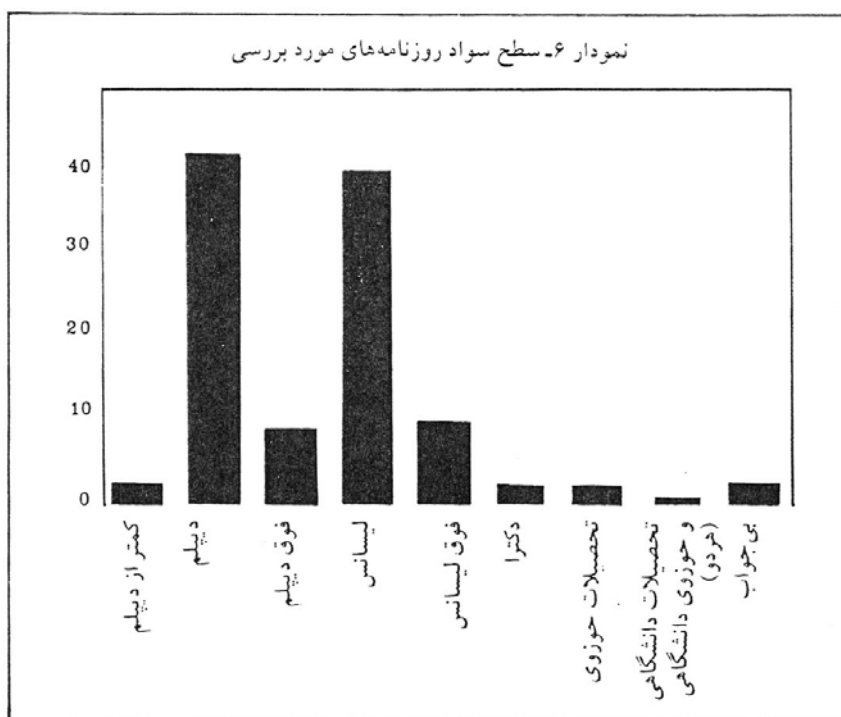
### ج. سایر موارد

بررسی جمعیت آماری نشان می‌دهد که اگر نمونه‌ای از نظر سابقه خدمت روزنامه‌نگاران و محل اشتغال ایشان (نشریات خبری و سایر موارد) متفاوت باشد، عملاً متغیرهای دیگر متفاوت خواهند بود. ضمن آنکه در نمونه‌گیری مورد بررسی، برخی متغیرها (مانند کشور محل تحصیل) اندازه‌گیری شد که در سرشماری مورد نظر نبود. بنابراین سایر مشخصات نمونه بررسی، صرفاً برای اطلاع از ساختار کلی پاسخ‌دهندگان به شرح زیر ارائه می‌شود:

#### ۱. سطح سواد

همان‌گونه که قبلاً گفته شد ۱۷ درصد نمونه مورد بررسی دارای تحصیلات دانشگاهی مرتبط با روزنامه‌نگاری هستند که بالغ بر ۵۴ نفر می‌باشند. ۲۶۱ نفر بقیه، همان افرادی هستند که در کلیه جداول این گزارش، در ستون روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات گنجانیده شده‌اند، از این عده ۲/۳ درصد کمتر از دیپلم، ۳۷/۹ درصد دیپلم، ۸ درصد فوق دیپلم، ۳۶ درصد لیسانس، ۸/۸ درصد فوق لیسانس، ۱/۹ درصد دکترا، ۱/۹ درصد تحصیلات حوزوی. ۰/۸ درصد (۲ نفر) تحصیلات حوزوی و دانشگاهی توأم و ۲/۳ درصد نیز به این سؤال پاسخ نداده‌اند. (جدول و نمودار ۶). اگر مدارک تحصیلی ۲۴۲ نفر دیپلمه تا دکترا را تبدیل به اعدادی نمایم که نماینده تحصیل آنان باشد (دیپلم ۱۲

سال، فوق دیپلم ۱۴ سال، لیسانس ۱۶ سال، فوق لیسانس ۱۸ سال و دکترا ۲۲ سال) میانگین سال‌های تحصیل آنان ۱۴/۵ سال، با انحراف استاندارد ۲/۴ سال است.



## ۲. رشته‌های تحصیلی

جدول شماره ۷. رشته‌های تحصیلی دارندگان مدارک دانشگاهی را نشان می‌دهد. با توجه به آنکه ۱۰۵ نفر از مجموعه ۲۱۵ نفر نمونه مورد بررسی، دارای تحصیلات حداکثر دیپلم هستند، می‌توان گفت که ۱۰ نفر از دارندگان مدارک دانشگاهی، رشته تحصیلی خود را ذکر نکرده‌اند. در نمونه مورد بررسی، «نما» مربوط به دارندگان مدارک دانشگاهی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری (۷/۳ درصد) است. پس از آن علوم ارتباطات با ۶/۷ درصد، زبان و ادبیات خارجی ۵/۷ درصد، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و علوم اجتماعی ۴/۸ درصد، رشته‌های فنی - مهندسی ۴/۸ درصد، ادبیات فارسی و زبان‌شناسی ۳/۲ درصد، روان‌شناسی و علوم تربیتی ۲/۹ درصد و پزشکی و رشته‌های مرتبط با آن ۲/۵ درصد می‌باشد. سهم سایر رشته‌ها که همگی کمتر از ۲ درصد می‌باشند در جدول شماره ۷ آمده است.

## ۳. کشور محل تحصیل

۵۴ درصد نمونه مورد بررسی، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایران هستند. ۱/۹ درصد از کشورهای آمریکا، انگلیس و یا سایر کشورهای انگلیس زبان غربی فارغ‌التحصیل شده‌اند. کشورهای فرانسوی زبان ۱/۳ درصد و هر یک از کشورهای آلمانی زبان و سایر کشورهای اروپایی و ترکیه ۰/۳ درصد، ۳۴/۹ درصد فاقد تحصیلات دانشگاهی و ۷ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند. (جدول ۸)

## ۴. سال اخذ مدارک دانشگاهی

نمای سال اخذ مدرک دانشگاهی، مربوط به آنانی است که پانزده تا ۲۰ سال قبل از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند (۱۲/۴ درصد)، پس از آن مربوط به افرادی است که یک سال از فارغ‌التحصیلی آنان می‌گذرد (۷/۶ درصد)، میانگین مدت مذکور ۸ سال با انحراف استاندارد ۱۷/۳ است. (جدول ۹).

## ۵. گذارندن دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری

۳۴/۱ درصد از روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات مرتبط، دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری را گذارنده‌اند (جدول ۱۰). میانگین فاصله گذارندن دوره‌های مذکور تا زمان مورد پرسش ۵/۶ سال با انحراف استاندارد ۶/۵ سال و نمای آن تا ۲ سال قبل ۱۲/۳ درصد است (جدول ۱۱). محل گذارندن دوره‌های مذکور، در مورد ۱۲/۳ درصد روزنامه‌نگاران نمونه مورد بررسی، مطبوعات، ۱۱/۱ درصد مؤسسات دولتی، ۰/۴ درصد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داخل کشور، ۱/۱ درصد خارج از کشور، ۰/۸ درصد داخل و خارج، ۰/۸ درصد خبرگزاری و ۰/۸ درصد صدا و سیما بوده است (جدول ۱۲).

۱۲). ۸۰ درصد روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط، آموزش‌های کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری تا ۳ ماه، ۷/۷ درصد تا ۶ ماه، ۶/۱ درصد تا ۲ ماه، ۳/۴ درصد تا یک ماه، ۲/۷ درصد تا ۴ ماه و ۱/۵ درصد تا ۱۰ ماه و بیشتر را طی کرده‌اند. (جدول ۱۳).

## فصل دوم

### نگرش روزنامه‌نگاران به آموزش روزنامه‌نگاری

#### ۱. نگرش درباره استعداد روزنامه‌نگاری و آموزش روزنامه‌نگاری

متخصصان علوم ارتباطات، اغلب معتقدند که داشتن ذوق و استعداد روزنامه‌نگاری همچون استعداد در برخی از هنرها، برای موفقیت در مشاغل روزنامه‌نگاری ضروری است و کسانی که قریحه مذکور را (اصطلاحاً بدان «شم خبری») می‌گویند نداشته باشند، در این راه نمی‌توانند پیشرفت زیادی حاصل کنند.

کتاب روش‌های مصاحبه خبری درباره «شم خبری» می‌نویسد:

«... شاید این واژه مبهم «شم خبری» را بتوان در ده خصیصه جست‌وجو کرد:

۱. داشتن ذوق و استعداد نویسندگی، نداشتن دشواری در انتخاب کلمات و ساختن جملات
۲. کنجکاو، تیزبینی و نکته‌سنجی
۳. داشتن هوش بیش از هوشمندی متوسط جامعه
۴. توانایی جوشش با طبقات مختلف مردم
۵. صبر و حوصله زیاد
۶. داشتن توانایی جسمی و روانی برای دوندگی‌های اضطراری
۷. قدرت تفکر سریع
۸. عشق به کار خبری
۹. مؤمن به رعایت اصول اخلاقی و داشتن تقوا
۱۰. نداشتن خودبینی، غرور و تکبر، انزواجویی، ساده‌لوحی، تعصب فکری، فضل‌فروشی، گزافه‌گویی و تندخویی.
۱۱. داشتن توانایی‌های ارتباطی (برای مصاحبه)
۱۲. داشتن حافظه‌ای بیش از حافظه متوسط جامعه (برای مصاحبه)

... یادآوری این نکته ضروری است که به ندرت ممکن است فردی بتواند از تمامی این خصایص برخوردار باشد. در اینجا تجسم فردی با ویژگی‌های دوازده‌گانه فوق، صرفاً به منظور ترسیم تصویری ایده‌آل از آن خصایص است که باید کوشش کرد تا حد امکان به آن‌ها دست یافت.<sup>۳۳</sup> با این دیدگاه در مورد سؤال شماره ۵ پرسش‌نامه B و سؤال ۸ پرسش‌نامه A (ویژه روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط)، به منظور آگاهی از میزان اهمیتی که روزنامه‌نگاران به آموزش‌های روزنامه‌نگاری در مقابل «شم خبری» قایل هستند طیفی به شیوه زیر ارائه شد:

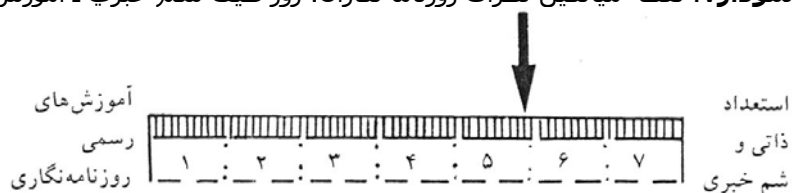
«عده‌ای معتقدند که برای داشتن یک روزنامه‌نگار خوب، انتخاب فردی که دارای استعداد ذاتی روزنامه‌نگاری و به اصطلاح «شم خبری» باشد بسیار مهم است و مسئله گذراندن آموزش



روزنامه‌نگاری در مقایسه با آن اهمیت کمتری دارد، گروهی دیگر عکس چنین عقیده‌ای را دارند. نظر جنابعالی چیست؟ لطفاً با علامت \* در طیف زیر نظر خود را مشخص فرمائید:» پاسخ‌های به دست آمده در جدول شماره ۱۴ آمده است. اما برای اینکه بتوان نتایج را به دقت ارزیابی کرد، لازم است علاوه بر تعداد افرادی که يك خانه مخصوص را روی طیف، علامت زده‌اند، فاصله آن خانه تا نقطه مرکز طیف یا ترازو (Scale) نیز سنجیده شود. ابتدا برای یافتن نقطه میانگین نقاط تعیین شده، نمراتی به شرح زیر در نظر گرفته شد.

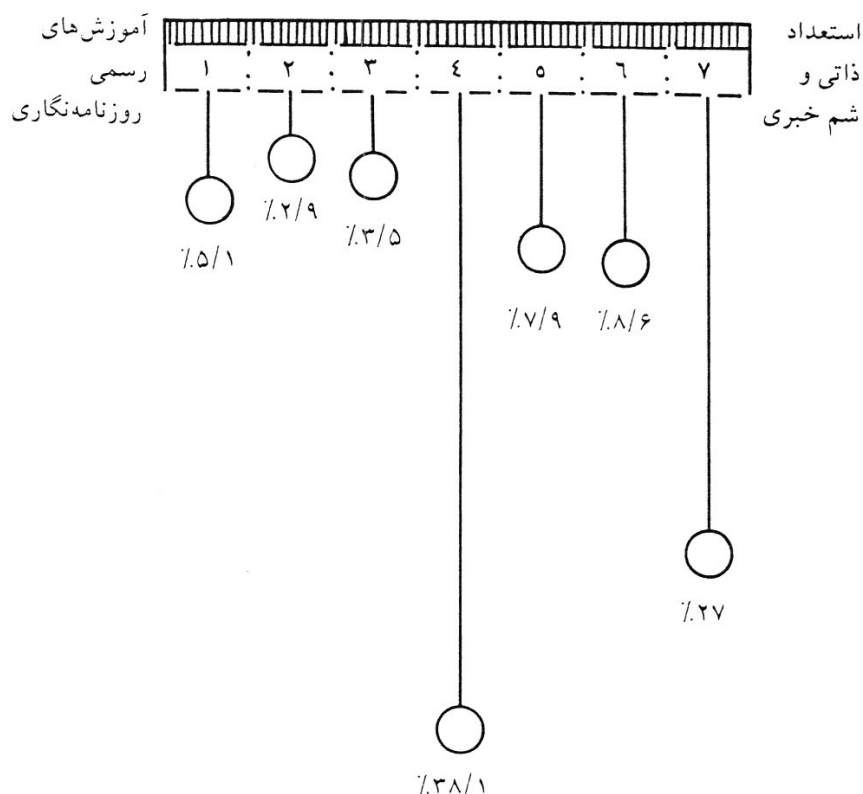
پیش از انجام چنین کاری، لازم به یادآوری است که ۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، به جای تعیین يك علامت ضربدر در يك خانه، چند خانه را علامت زده و در واقع ترکیبی از پاسخ‌ها را به وجود آورده‌اند. به عنوان مثال یکی از روزنامه‌نگاران روزنامه اطلاعات با لیسانس جامعه‌شناسی که دو خانه هر دو سوی طیف را علامت \* زده در توضیح خود نوشته است که روزنامه‌نگار خوب باید هر دو ویژگی را داشته باشد و یا یکی از روزنامه‌نگاران دبیلومه در ابرار که خانه دوم از استعداد ذاتی و خانه اول از آموزش را علامت زده نوشته است: «توضیح آنکه اینجانب به آموزش دیدن افراد معتقد و به استعداد ذاتی نیز اعتقاد دارم و معتقدم که این دو عامل، در برابر هم نیستند بلکه یکدیگر را تکمیل می‌کنند». در واقع احتمالاً این گروه از پاسخ‌دهندگان با پاسخ‌گویی به طیف‌های دارای خانه‌هایی به تعداد منفرد چندان آشنا نبوده‌اند، زیرا ممکن بود نظر خود را در خانه وسط که نماینده بالانس و اعتقاد داشتن به هر دو مقوله دو سر طیف است ارائه دهند. اما برای حفظ امانت‌داری، برای این گروه کد شماره ۸ (جدول ۱۴) در نظر گرفته شد ضمن آنکه برای محاسبات بعدی، خانه شماره ۴ منظور گردید. (۷ درصد از نمونه مورد بررسی به این سؤال پاسخ نداده‌اند که در محاسبات منظور نشد) با توضیح فوق میانگین به دست آمده، عدد ۴/۹ با انحراف استاندارد ۱/۷ می‌باشد. این نقطه را می‌توان روی نمودار شماره ۷ مشخص کرد.

**نمودار ۷.** نقطه میانگین نظرات روزنامه‌نگاران، روز طیف شم خبری - آموزش



همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین نظر روزنامه‌نگاران در جایی قرار گرفته که ضمن نشان‌دادن ارزش برای هر دو مقوله، متمایل به سوی «شم خبری» است. وجود انحراف استاندارد برابر ۱/۷ نشان می‌دهد که در قرار گرفتن میانگین در نقطه مذکور چندان اتفاق نظری میان آنان نیست. همان‌گونه که در نمودار ۸ دیده می‌شود، ۳۸/۱ درصد روزنامه‌نگاران حد وسط را گرفته و وزن یکسان برای شم خبری و آموزش قائل شده‌اند، ۲۷ درصد طرفدار مطلق بودن شم خبری و ۵/۱ درصد طرفدار مطلق بودن آموزش هستند.

**نمودار ۸.** نیروی وارد بر طیف، از سوی طرفداران استعداد ذاتی و شم خبری از یکسو و آموزش از سوی دیگر (مجموع روزنامه‌نگاران)



برای اینکه بدانیم اگر این اوزان را در یک ترازوی واقعی بگذاریم، تمایل ترازو به کدام سو خواهد بود، می‌توان به طور فرضی هر یک از این درصدها را به وزنه‌ای تبدیل کرده فاصله آن را نیز با مرکز ترازو رعایت کرد. نحوه محاسبه به شرح زیر است:

وزنه‌های شم خبری و استعداد ذاتی =  $X$

وزنه‌های آموزش =  $Y$

فاصله قرارگرفتن وزنه تا مرکز ترازو =  $L$

$$\sum xL = 27 \times 3 + 8/6 \times 2 + 7/9 = 106/1$$

$$\sum yL = 5/1 \times 3 + 2/9 \times 2 + 3/5 \times 1 = 24/6$$

$$\frac{x}{y} = \frac{106/1}{24/6}$$

$$\frac{x}{y} = \frac{106/1}{24/6}$$

$$24/6 x = 106/1 y$$

$$x = \frac{106/1}{24/6} y$$

$$x = 4/3 y$$

$$x + y = 180 \text{ درجه}$$

$$4/3 y + y = 180$$

$$5/3 y = 180$$

$$y = 24 \text{ درجه}$$

$$180 - 24 = 156 \text{ درجه}$$

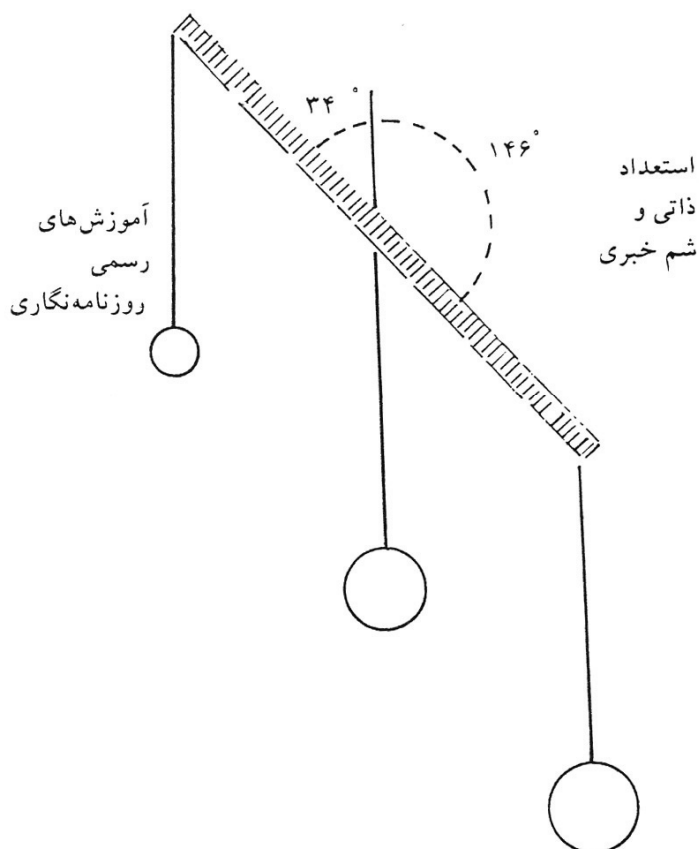
از آن سو، نیروی وارد از سمت طرفداران آموزش‌های رسمی روزنامه‌نگاری بر ترازو برابر  $24/6$  واحد می‌باشد که به طور قراردادی وزنه‌ای به شعاع  $0/25$  سانتی‌متر در آنجا قرار می‌دهیم. مقدار نیروی

وارد از سوی طرفداران استعداد ذاتی و شم خبری ۱۰۶/۱ واحد است که ۴/۳ برابر نیروی نخست می‌باشد، پس دایره‌ای با مساحت ۴/۳ برابر می‌تواند نماینده نیروی مذکور باشد.  
 مساحت دایره مربوط به نیروی آموزش (الف)  $0/19625 = 0/25 \times 0/25 \times 3/14$   
 مساحت دایره مربوط به نیروی استعداد ذاتی (ب)  $0/842875 = 0/19625 \times 4/13$   
 مجذور شعاع دایره ب  $0/26875 = 842875/14$   
 شعاع دایره ب  $0/5184 = \sqrt{0/26875}$

حال اگر فرض کنیم وزنه طرفداران استعداد ذاتی و وزنه طرفداران نقطه وسط (هر دو مقوله) را به یک فاصله بر ترازو قرار دهیم، نسبت‌ها برابر با رابطه میان ۲۸/۱ و  $43/5 = 27 + 8/6 + 7/9$  خواهد شد که به همین ترتیب شعاع دایره وسط  $0/454$  بدست خواهد آمد (ابداع طراحی نمودار از بنیاد پژوهش‌های ارتباطی‌شناسی).

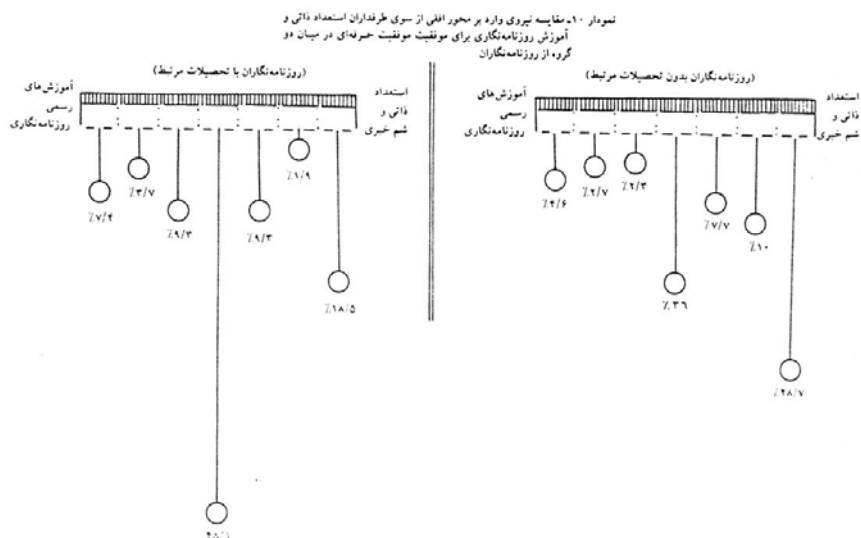
نمودار ۹ نشان می‌دهد که گروهی از روزنامه‌نگاران (حدود ۲۸/۱ درصد) برای داشتن شم خبری و آموزش، ارزش یکسان قایل هستند. سواي این گروه، طرفداران شم خبری و استعداد ذاتی بیش از طرفداران آموزش می‌باشند و متوسط نیروی وارد از سوی آنان بر ترازوی فرضی ۴/۳ برابر طرفداران آموزش است.

نمودار ۹- نیروی وارد بر طیف، از سوی طرفداران استعداد ذاتی و شم خبری از یکسو و آموزش از سوی دیگر (مجموع روزنامه‌نگاران)

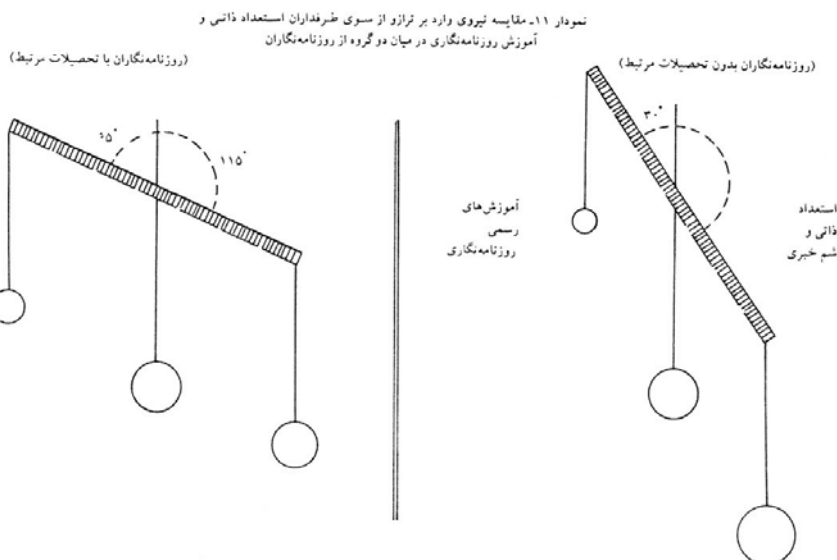


در مقایسه نقطه‌نظرات روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی ارتباطات و سایر روزنامه‌نگاران ملاحظه می‌شود که میانگین نظر آنان در نقطه ۴/۳ با انحراف استاندارد ۱/۷ و میانگین نظر سایر روزنامه‌نگاران در نقطه ۵ با انحراف استاندارد ۱/۷ است. مقایسه دو میانگین بدست آمده با روش تجزیه واریانس ( $d.f \text{ Error} = 1, d.f \text{ Alpha} = 1, F = 7/267$ ) نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۷/۵ درصد، میان نظر روزنامه‌نگاران با تحصیلات ارتباطات و سایر روزنامه‌نگاران تفاوت وجود دارد.

اگر فراوانی نقاط مختلف طیف را برای دو گروه روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و سایر روزنامه‌نگاران به صورت نمودار شماره ۱۰ رسم کنیم، می‌توان تفاوت مذکور و اختلاف نظر موجود را به خوبی نشان داد و در این نمودار دیده می‌شود که سهم بالایی



از هر گروه در نقطه وسط ترازو متمرکز هستند و این خود نشانگر باور تحصیل‌کرده‌های رشته ارتباطات و سایرین به نقش استعداد روزنامه‌نگاری و شم‌خبری از یک سو و آموزش از سوی دیگر می‌باشد. در نمودار ۱۱ با همان شیوه عمل در ترسیم نمودار ۹، نیروهای وارد بر دو سوی ترازوی مربوط به سنجش شم‌خبری و استعداد ذاتی از یک سو آموزش‌های رسمی روزنامه‌نگاری از سوی دیگر، برای هر دو گروه روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و سایر روزنامه‌نگاران نشان داده شده است. در این نمودار به خوبی مشخص است که سهم‌عده‌ای از هر دو گروه، نیروی خود را بر وسط طیف وارد کرده‌اند، اما آنانی که فاقد تحصیلات مرتبط هستند نیروی بیشتری برای استعداد ذاتی و شم‌خبری قائل شده‌اند به طوری که بیش از گروه دوم ترازوی آنان متمایل به استعداد ذاتی شده است. (۱۵۰ درجه و ۱۱۵ درجه).

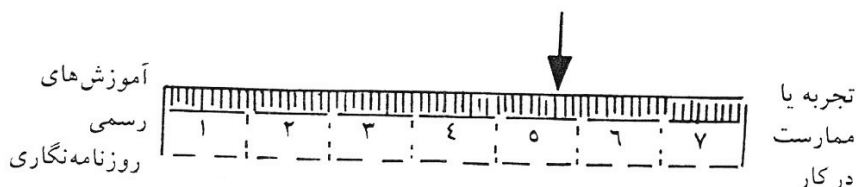


## ۲. نگرش درباره تجربه روزنامه‌نگاری و آموزش روزنامه‌نگاری

تا چند دهه قبل، حتی در کشورهای غربی، روزنامه‌نگاری از طریق کسب تجربه در مؤسسات مطبوعاتی شکل می‌گرفت و نه به شکل کسب آموزش در دانشکده‌های این رشته. اکنون نیز در ایران فقط ۱/۶ درصد روزنامه‌نگاران کشور، دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته روزنامه‌نگاری هستند. (۱/۵ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی علوم ارتباطات و ۰/۱ درصد مدرک روابط عمومی دارند).<sup>۲۳</sup> از سوی دیگر سابقه کار روزنامه‌نگاران ایرانی پایین بوده و حدود ۴ سال با انحراف ۴/۸ سال است که نمای آن کمتر از یک سال می‌باشد.<sup>۲۴</sup>

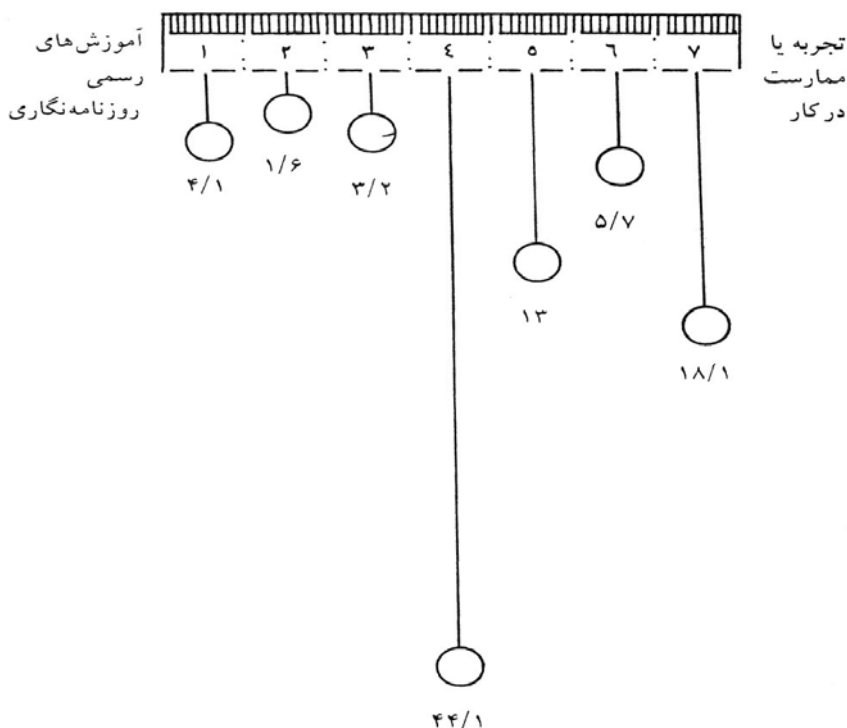
با توجه به موارد فوق، در سؤال ۶ پرسش‌نامه B و سؤال ۸ پرسش‌نامه A پرسیده شده بود: «لطفاً نظر خود را در مورد نقش تجربه درکار روزنامه‌نگاری از یک‌سو و نقش گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری از سوی دیگر، در زمینه موفقیت حرفه روزنامه‌نگاری، در طیف زیر مشخص فرمائید». در این مورد نیز به صورتی قراردادی برای نزدیک‌ترین خانه به تجربه، نمره ۷ و نزدیک‌ترین خانه به آموزش، نمره ۱ در نظر گرفته شد (حد وسط نمره ۴). در جدول شماره ۱۵، فراوانی و درصد نقاط تعیین شده از سوی پاسخ‌دهندگان بر روی طیف مذکور آمده است. میانگین به دست آمده از نتایج آن جدول عدد ۴/۷ با انحراف استاندارد ۱/۵ است که می‌توان نقطه مذکور را در نمودار شماره ۱۲ نشان داد:

نمودار ۱۲- نقطه میانگین نظرات روزنامه‌نگاران روی طیف تجربه - آموزش



انحراف استاندارد ۱/۷ نشان‌گر میزان اختلاف نظر میان روزنامه‌نگاران در تعیین نقطه موردنظرشان است. این اختلاف را می‌توان در نمودار ۱۳ مشاهده کرد.

**جدول ۱۲.** نیروی وارد بر محور افقی از سوی طرفداران تجربه از یک‌سو و آموزش از سوی دیگر (مجموع روزنامه‌نگاران)

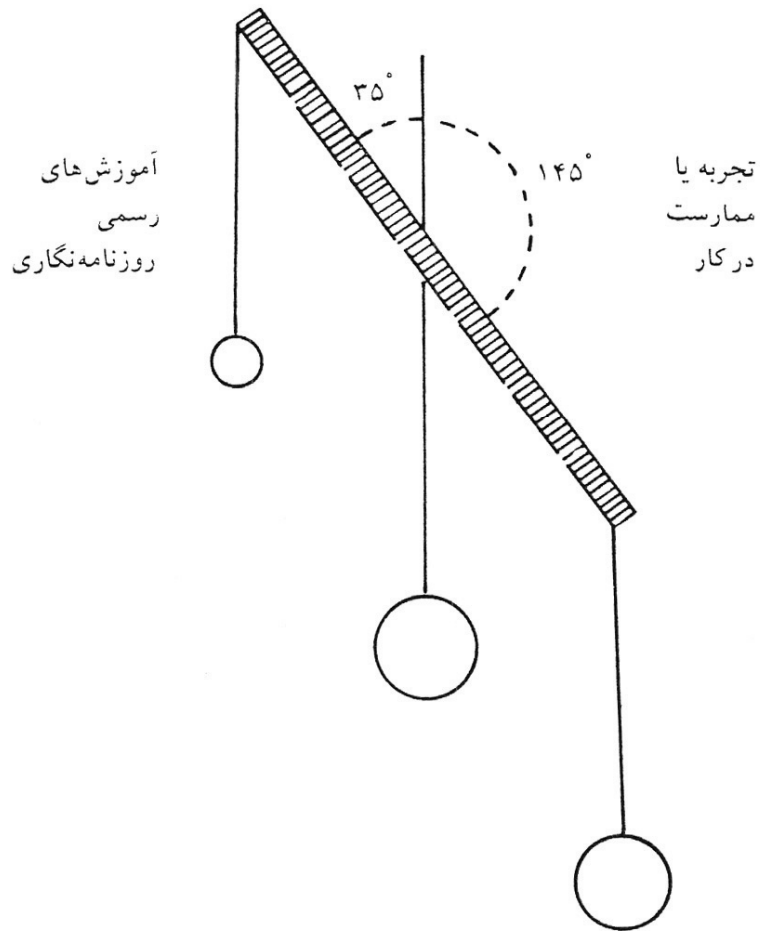


به همان شیوه که در مورد مقایسه نظرات مربوط به «شم خبری» و «آموزش روزنامه‌نگاری» عمل شد، می‌توان نتایج مذکور را در ترازوی مربوط به نمودار شماره ۱۴ ملاحظه کرد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود ۴۴/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان برای تجربه و آموزش روزنامه‌نگاری ارزش یکسانی قایل هستند. اما آنانی که معتقد به تجربه بیش از آموزش باشند، نیروی حدود ۴ برابر بیشتر از معتقدان به آموزش، بر ترازو وارد کرده‌اند.

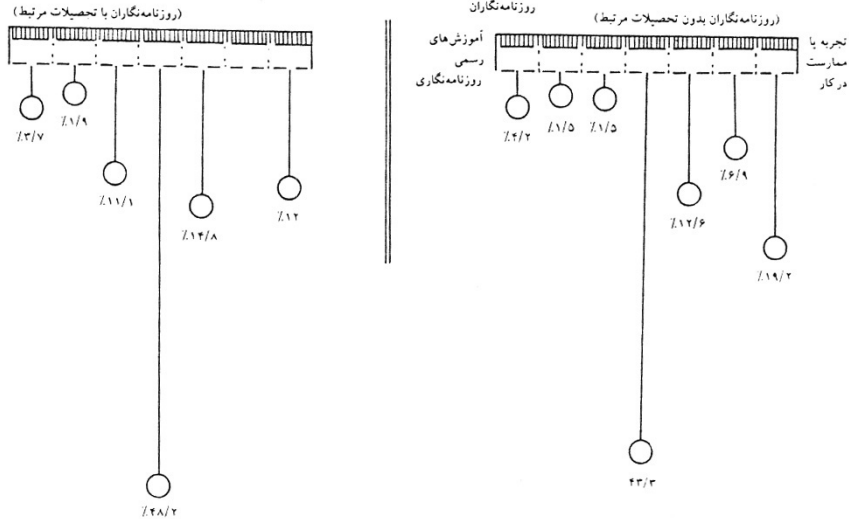
نقطه میانگین نظر روزنامه‌نگاران با تحصیلات ارتباطات ۴/۳ با انحراف استاندارد ۱/۴ و نقطه میانگین نظر سایر روزنامه‌نگاران ۴/۷ با انحراف استاندارد ۱/۵ است. «تحلیل واریانس» نشان می‌دهد که میان این دو گروه، در سطح اطمینان ۹۰ درصد تفاوت، معنی‌دار است (df. Error = 1, F = ۳/۶). این تفاوت ناشی از آن است که احتمالاً در میان روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط، گرایش بیشتری به آموزش نسبت به تجربه وجود دارد.

نمودار ۱۴- نیروی وارد بر ترازو از سوی طرفداران تجربه از یکسو و آموزش از سوی دیگر (مجموع روزنامه‌نگاران)



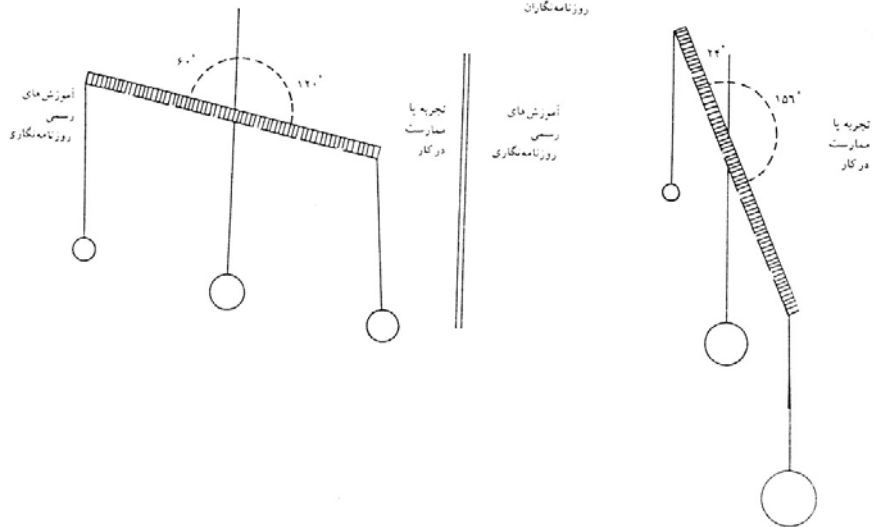
نمودار ۱۵ نیروی وارد بر محور افقی طیف را برای دو گروه روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و سایر روزنامه‌نگاران نشان می‌دهد:

نمودار ۱۵- مقایسه نیروی وارد بر محور افقی از سوی طرفداران تجربه و آموزش روزنامه‌نگاری برای مسوئیت حسرت‌های در میان دو گروه از روزنامه‌نگاران



همان‌گونه که توجه به مجموع وزنه‌های موجود در سمت چپ طیف (آموزش‌های رسمی)، مربوط به روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط،  $16/7$  درصد و مجموع وزنه‌های همان سمت سایر روزنامه‌نگاران  $7/2$  درصد است. اگر فواصل وزنه‌ها را از مرکز طیف نیز در نظر بگیریم نمودار مذکور به نمودار شماره ۱۶ تبدیل خواهد شد. این نمودار نشان می‌دهد که میزان تمایل طیف به سوی تجربه در هر دو گروه بیشتر از آموزش است اما این تمایل در میان روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط بیشتر است (۱۴۵ درجه و ۱۲۰ درجه) علاوه بر آن، نیروی وارد بر مرکز طیف در میان روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط، کمتر از روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط است.

نمودار ۱۶- مشابه نیروهای وارد بر ترازو از سوی طرفداران تجربه و آموزش روزنامه‌نگاری برای مسوئیت حسرت‌های در میان دو گروه از روزنامه‌نگاران



در يك جمع‌بندی می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از روزنامه‌نگاران، چه آنانی که تحصیلات دانشگاهی مرتبط با روزنامه‌نگاران دارند و چه سایر روزنامه‌نگاران، برای تجربه و آموزش ارزشی یکسان قائل هستند و گروهی نیز برای تجربه، ارزشی بیش از آموزش قائل می‌باشند و اقلیتی که در میان آنان تحصیل‌کرده‌های رشته‌های مرتبط بیشتر دیده می‌شوند، ارزش بیشتری به آموزش می‌دهند تا تجربه و در يك جمله، در مقایسه بین تجربه و آموزش، نگرش روزنامه‌نگاران به «تجربه» نگرشی مثبت‌تر است تا به آموزش.

برای این‌که بتوان نظر پاسخ‌دهندگان را با توجه به میران سابقه خدمت و در واقع تجربه روزنامه‌نگاری آنان سنجید. ماتریس سؤال ۶ و ۹ پرسش‌نامه A و B از يك سو و سؤال ۲۲ و ۲۳ همان پرسش‌نامه‌ها از سوی دیگر استخراج شد. ماتریس مذکور را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

ج		بیشتر موافق با تجربه		حد وسط		بیشتر موافق با آموزش		تجربه یا آموزش سابقه مطبوعاتی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۱۹	۳۷/۸	۴۵	۵۱/۳	۶۱	۱۰/۹	۱۳	تا ۵ سال سابقه
۱۰۰	۷۵	۴۰	۳۰	۴۹/۳	۳۷	۱۰/۷	۸	تا ۱۰ سال سابقه
۱۰۰	۲۲	۴۵/۵	۱۰	۵۰	۱۱	۴/۵	۱	تا ۱۵ سال سابقه و بیشتر
۱۰۰	۳۱	۵۴/۸	۱۷	۴۵/۲	۱۴	-	-	۱۶ سال و بیشتر

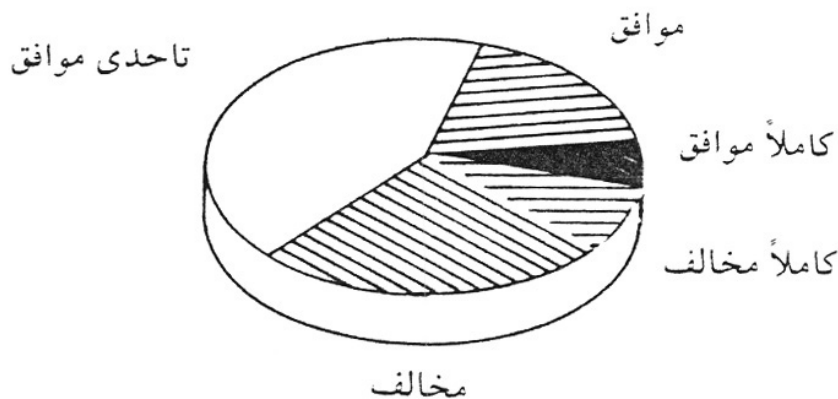
این ماتریس نشان می‌دهد که هر چه سابقه فعالیت‌های مطبوعاتی روزنامه‌نگاران بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به امر تجربه بیش از آموزش است. اما محاسبه ضریب همبستگی پوینت‌بال سریال Point - biserial دو متغیر «سابقه خدمت» و «گرایش به آموزش و یا تجربه»، عدد ۰/۲ می‌باشد که ضریب بسیار کوچکی است.

### ۲. نگرش درباره تأثیر دوره‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری در موفقیت‌های حرفه‌ای

در سؤال شماره یک پرسش‌نامه روزنامه‌نگاران (پرسش‌نامه B) و سؤال شماره ۴ پرسش‌نامه روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی ارتباطات (پرسش‌نامه A) از پاسخ‌دهنده خواسته شده بود که نظر خود را با این عقیده که عده‌ای می‌گویند موفقیت در روزنامه‌نگاری چندان رابطه‌ای با گذراندن دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری ندارد، به صورت کاملاً موافق، تا حدی موافق، مخالف و کاملاً مخالف مشخص کنند. ۴۱/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان با این عقیده تا حدودی موافقت، ۲۶/۷ درصد مخالف، ۱۴ درصد موافق، ۱۰/۸ درصد کاملاً مخالف و ۶/۳ درصد کاملاً موافقت (جدول ۱۶ و نمودار ۱۷). اگر به صورتی فرضی به «کاملاً موافق» امتیاز ۴ و به «کاملاً مخالف» امتیاز صفر بدهیم، میانگین به دست آمده ۱/۸ با انحراف استاندارد یک می‌شود که نماینده حوزه تا حدودی موافق است.

میانگین مذکور برای روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی ارتباطات ۱/۳ (انحراف استاندارد ۱/۲) و برای سایر روزنامه‌نگاران ۱/۹ (انحراف استاندارد یک) می‌باشد.

**نمودار ۱۷.** میزان موفقیت پاسخ‌دهندگان با این عقیده که موفقیت در روزنامه‌نگاری چندان رابطه‌ای با تحصیلات دانشگاهی ندارد.



از آنجا که طیف مذکور یک طیف پیوسته نیست، میانگین‌های فوق صرفاً جنبه نمادی دارند. محاسبه فوق کای اسکور با نتیجه ۱۷/۲، درجه آزادی ۴ نشان می‌دهد که با ۹۹ درصد اطمینان، نگرش روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط نسبت به نقش دوره‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری در موفقیت‌های حرفه‌ای، متفاوت با سایر روزنامه‌نگاران است. ۲۲/۲ درصد روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط، با نظریه مذکور کاملاً مخالف هستند، در حالی که این نسبت برای سایر روزنامه‌نگاران ۸/۴ درصد می‌باشد. از آن سو، در حالی که فقط ۳ درصد روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط، با نظر مذکور کاملاً موافقت در میان سایر روزنامه‌نگاران، این نسبت ۱۷ درصد است (جدول ۱۶، نمودار ۱۶) اما همین نتایج، نشانگر وجود نوعی سرخوردگی، در میان روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات دانشگاهی مرتبط می‌باشد. در واقع این سؤال مطرح است که چرا ۱۳ درصد



روزنامه‌نگارانی که تحصیلات دانشگاهی ارتباطات را گذرانده‌اند معتقدند این‌گونه تحصیلات در موفقیت حرفه‌ای نقش چندانی ندارد؟

از آن سو دیده می‌شود که ۸/۴ درصد از روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات دانشگاهی ارتباطات با این نظر که این تحصیلات نقش چندانی در موفقیت‌های حرفه‌ای ندارد کاملاً مخالف هستند و اگر گروه «مخالفان» را نیز بر «کاملاً مخالف» بیفزاییم، نسبت مذکور به ۳۲/۵ درصد می‌رسد، به این ترتیب می‌توان گفت که حدود یک سوم روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات دانشگاهی ارتباطات با این عقیده که تحصیلات مذکور نقش چندانی در موفقیت حرفه‌ای ندارد، مخالف یا کاملاً مخالف هستند. آیا آن‌ها خلأ چنین تحصیلاتی را احساس می‌کنند؟ مطالعه دلایل ارائه شده از سوی پاسخ‌دهندگان می‌تواند پاسخ سؤالات فوق را تا حدودی روشن سازد (۶۷/۳ درصد روزنامه‌نگاران مورد بررسی، دلیل گزینش خود را توضیح داده‌اند. به این ترتیب ۲۲/۱ درصد روزنامه‌نگارانی که میزان موفقیت یا عدم موافقت خود را با عقیده مذکور ابراز داشته‌اند از ارائه دلیل موفقیت یا عدم موافقت مذکور خودداری نموده‌اند).

اگر پاسخ‌های «کاملاً موافق» و «موافق» را در گروه «موافق» و پاسخ «تاحدودی موافق» را در گروه «ممتنع» و پاسخ‌های «کاملاً مخالف» و «مخالف» را در گروه «مخالف» جای دهیم، دلایل ارائه شده از سوی هر یک از روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط و سایر روزنامه‌نگاران به شرح زیر است:

### ۳/۱. موافق

خلاصه دلایل موافقت روزنامه‌نگاران با این نظریه که تحصیلات ارتباطات چندان نقشی در موفقیت‌های حرفه‌ای ندارد عبارت است از:

تجارت به دست آمده حاکی از این امر است - روزنامه‌نگاری به علاقه و پشتکار نیاز دارد و ربطی به گذراندن دوره آموزش ندارد - ایران فاقد روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است - در مطبوعات حجم کار بیش از کیفیت کار مورد نظر است - در حال حاضر کار در مطبوعات را روابط تعیین می‌کند نه تخصص.

خلاصه دلایلی که گروه بیشتری از سایر روزنامه‌نگاران مطرح کرده‌اند عبارت است از:

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، عملی و تجربی است (نظر ۱۴ نفر) - روزنامه‌نگاری علاقه و پشتکار نیاز دارد و یک حرفه ذوقی است (نظر ۱۴ نفر) - روزنامه‌نگاری هنر است (۴ نفر) - دانشگاه‌ها آموزش‌های نظری می‌دهند و کار عملی وجود ندارد (۴ نفر) - علوم ارتباطات چه به طور علمی و چه عملی در مطبوعات ما به علت جو حاکم، مفید و مؤثر واقع نمی‌شود (۲ نفر) - روزنامه‌نگاری یک کار اجتماعی است و فرد باید در جامعه حضور داشته باشد (۲ نفر) - بعضی از اصول را می‌توان با مطالعه کتب و مقالات به دست آورد و نیازی به تحصیلات دانشگاهی نیست (۲ نفر).

از آنجا که آگاهی به نظرات مکتوب بسیاری از پاسخ‌دهندگان می‌تواند در ترسیم جزئیات بیشتر نگرش آنان کاملاً مفید باشد، نمونه‌هایی از دلایل ارائه شده از سوی هر یک از موافقان عقیده مذکور ارائه می‌شود:

توضیح اینکه در انتهای هر نقل قول، شماره پرسش‌نامه با حرف «پ» و جواب داده شده به سؤال یک با حرف «ج» (کاملاً موافق=۲، تا حدی موافق=۳، مخالف=۴ و کاملاً مخالف=۵) مشخص شده است:

### ۳/۱/۱. کاملاً موافق و موافق از سوی روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط

- «متأسفانه روزنامه‌نگاری به شکل حرفه‌ای و تخصصی در جامعه ما مورد توجه نیست و به تعداد مطلب، بیشتر از تخصص‌کاری بهاء داده می‌شود، یعنی اگر فردی حجم زیادی کارایی مطبوعاتی داشته باشد (بدون انجام کار تخصصی و محتوایی) بیشتر مورد علاقه است» - پ ۲۹۵، ج ۱

- «روزنامه‌نگاری علاقه و میل (انگیزه) می‌خواهد. در مدت ۱۸ سال روزنامه‌نگاری بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشکده روزنامه‌نگاری را دیده‌ام که عملاً از بعضی خبرنگاران که حتی دیپلم هم نداشته‌اند در کار خود ضعیف‌تر بوده‌اند.» پ ۲۷۰ - ج ۱ - «تجارب بدست آمده این مسئله را نشان می‌دهد» - پ ۲۶۶ - ج ۱

- «با توجه به شرایط موجود، این گفته چندان هم بی‌ربط نیست که آن چیزی که در واقع کار در مطبوعات را تعیین می‌کند تخصص نیست بلکه رابطه است. به همین جهت بسیاری از افراد دیده می‌شوند که فارغ‌التحصیل این رشته نیستند و روزنامه‌نگار شده‌اند.» پ ۲۶۷ - ج ۲

«با توجه به کهنه بودن منابع درسی دانشگاهی و دوری استادان این رشته از کار در مطبوعات، در عمل رابطه‌ای بین اطلاعات آن‌ها و روزنامه‌نگاری ملی وجود ندارد؛ به نظر من، اکنون زمان آن رسیده که در منابع آکادمیک زشته روزنامه‌نگاری يك تحول انجام پذیرد» - پ ۲۸۷ ج ۲

- «روزنامه‌نگاری يك حرفه ذوقی است چه بسا افراد فارغ‌التحصیل این رشته را دیده‌ام که اگر درهای دانشگاه‌های دیگر به رویشان باز بود در این رشته مشغول تحصیل نمی‌شدند و بسیار کسانی را دیده‌ام که فارغ‌التحصیل این رشته بوده‌اند اما در مطبوعات با چهره متوسط باقی مانده‌اند.» - پ ۲۸۴ - ج ۲

## ۲/۱/۲ . کاملاً موافق و موافق از سوی سایر روزنامه‌نگاران

- «علوم ارتباطات به صورت عملی در مطبوعات و در محیط‌های کاری اجرا نمی‌شود و اکثر کارها اصولی نیست.» - پ ۶ - ج ۱

- «باتوجه به تجربه ۱۲ ساله‌ام دریافته‌ام که تحصیلات آکادمیک و تئوریک همکاران تحصیل کرده‌ام در رشته ارتباطات و روزنامه‌نگاری چندان کاربردی برایشان نداشته و اصولاً فضای مطبوعات جامعه به شکلی است که تحصیلات زیاد مفید واقع نمی‌شود.» - پ ۴۵ - ج ۱

- «چون اینجانب هیچ‌یک از دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات و حتی کلاس‌های در سطح پایین‌تر را نگذرانده‌ام و تنها بر حسب علاقه و سایر مسائل این کار را آغاز کرده‌ام و از نتیجه کار راضی هستم.» - پ ۴۶ - ج ۱

- «روزنامه‌نگاری نوعی الهام گرفتن و تأثیرپذیری از محیط زندگی است و کسی موفق است که قریحه و ذوق کاری داشته باشد. با تحصیلات دانشگاهی نمی‌توان این قریحه و ذوق را به دست آورد.» - پ ۶۱ - ج ۱

- «در ایران دانشگاه‌ها به چند علت در رشته روزنامه‌نگاری موفق نبوده‌اند: ۱. کنکور، به‌طوری که در روزنامه‌نگاری علاقه شرط مهم است در حالی که در کنکور ایران، دانشجویان به ناچار رشته انتخاب می‌کنند. ۲. تلفیق کار عملی و نظری در دانشکده‌ها وجود ندارد. ۳. درس، به ویژه در ارتباط با علوم پایه و علوم اجتماعی، کهنه، تکراری و خشک هستند و در عمل کارایی ندارند. آمار نشان می‌دهد که بیشتر روزنامه‌نگاران تحصیلاتی به غیر از روزنامه‌نگاری دارند.» - پ ۶۶ - ج ۱

- «اگر غیر از این باشد، باارزش کاری خودم با توجه به شرایطی که دارم مخالفت کرده‌ام. کار مطبوعاتی من، تجربی است» - پ ۹۵ - ج ۱

- «روزنامه‌نگاری يك هنر است تا گذراندن دوره‌های کلاسیک» - پ ۱۴۱ - ج ۱

- «چون در نشریه محل فعالیت من افرادی هستند که در رشته علوم ارتباطات متخصص هستند ولی استعداد ذاتی ندارند» - پ ۱۴۲ - ج ۱

- «نویسندگی، يك هنر است همانند شاعری، که باید در ذات اشخاص باشد. ضمن اینکه من روزنامه‌نگارانی را می‌شناسم که دوره خاصی در این رشته ندیده‌اند.» - پ ۲۲ - ج ۲

- «روزنامه‌نگاری يك کار اجتماعی است و فرد باید همیشه در جامعه حضور داشته باشد و به قول معروف گیرنده‌اش قوی باشد و قدرت تجزیه و تحلیل داشته باشد به این ترتیب روزنامه‌نگاری ربطی به دانشگاه و تئوری ندارد.» - پ ۴۴ - ج ۲

- «چون علم به همراه تجربه و استعداد ذاتی می‌تواند مفید واقع شود.» - پ ۵۰ - ج ۲

- «زیرا برخی از روزنامه‌نگاران در طول سالیان متمادی با کار مستقیم خود در مطبوعات تجاربی را کسب کرده‌اند که فارغ‌التحصیلان رشته علوم ارتباطات فاقد آن هستند.» - پ ۵۱ - ج ۲

- «افراد بسیاری را در جامعه رسانه‌های جمعی می‌شناسم که بدون گذراندن دوره‌های روزنامه‌نگاری موفق و معروف شده‌اند اما این مسئله را هم رد نمی‌کنم که باید اطلاعاتی در این زمینه کسب کرد.» - پ ۶۸ - ج ۲

- «اول اینکه تجربه ثابت کرده که اکثر افراد مطرح در روزنامه‌نگاری افرادی هستند که سابقه طی مدارج علمی ندارند و دوم اینکه به نظر من اگر حرفه روزنامه‌نگاری به عنوان يك فن یا يك انگیزه غیرمادی همراه نباشد هیچ‌چیز برای عرضه نخواهد داشت و نکته آخر اینکه اگر چه روزنامه‌نگاری هنوز رشته نوپایی است ولیکن کیفیت کار فارغ‌التحصیلان این رشته چنان که باید باشد مطلوب نیست.» - پ ۷۴ - ج ۲

- «به دلایل زیر موافقم:

۱. مصونیت سیاسی لازم برای قشر خبرنگار وجود ندارد.
۲. خبرها غالباً از پیش تعیین شده هستند.
۳. خبرنگار خوب بیشتر از مسائل تئوری به تجربه احتیاج دارد.
۴. وقتی هر خبری را نمی‌شود چاپ کرد چه فرق می‌کند که خبرنگار لیسانسیه باشد یا نباشد. « - پ ۱۱۲ - ج ۲
- «به دلیل ضعف بسیار شدید سیستم آموزشی کشور حرف اول در رابطه با روزنامه‌نگاری را عشق و علاقه و پشت‌کاری فردی می‌زند.» - پ ۱۲۰ - ج ۲
- «زیرا نمونه‌های بسیاری از روزنامه‌نگاران موفق غیردانشگاهی و ناموفق دانشگاهی را دیده‌ام که درصد آنها از روزنامه‌نگاران موفق دانشگاهی بیشتر بوده است.» - پ ۱۳۱ - ج ۲
- «داشتن استعداد و تجربه‌کاری و تکیه براندوخته‌های فکری و فرهنگی از عوامل مهم موفقیت در حرفه روزنامه‌نگاری است و تنها با گذراندن دوره‌های دانشگاهی و آموزش تئوریک نمی‌توان یک روزنامه‌نگار موفق بود.» ط پ ۱۳۹ - ج ۲
- «با توجه به تجربه‌های موجود، مشاهده می‌شود کسانی که درس روزنامه‌نگاری خوانده‌اند نسبت به کسانی که آن را نخوانده‌اند، کار قابل ملاحظه‌ای انجام نمی‌دهند؛ به نحوی که اگر کسی نداند که فلانی تحصیلات روزنامه‌نگاری دارد یا ندارد، فرق چندانی در قضاوت او نمی‌کند.» - پ ۱۵۱ - ج ۲
- «روزنامه‌نگاری سواد کلاسیک نمی‌خواهد، تجربه نیاز دارد.» - پ ۱۶۷ - ج ۲
- «این امر فقط در مورد روزنامه‌نگاری صادق نیست بلکه در سایر رشته‌ها نیز این قضیه صادق بوده و سابقه کار و علاقه‌مندی می‌تواند در این مورد نقش اساسی را داشته باشد.» - پ ۱۷۴ - ج ۲

### ۳/۲. ممتنع

گروهی که پاسخ «تأحیدی» را انتخاب کرده‌اند، افرادی هستند که برای تحصیلات دانشگاهی و تجربه، وزنی یکسان در نظر گرفته و هر دو را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند؛ خلاصه مهم‌ترین دلایل روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط عبارت است از: روزنامه‌نگاری به ذوق، استعداد و پشت‌کار و علاقه نیاز دارد (۷ نفر) - کار عملی و تجربه مهم است (۲ نفر) - کسانی هستند که دوره دیده‌اند و موفقند و کسانی هستند که دوره دیده و ناموفق هستند - روزنامه‌نگاری ترکیب علم و تجربه است - دانشگاه روح و شعور روزنامه‌نگاری را نمی‌آموزاند - با توجه به بافت شغلی روزنامه‌نگاران و سیاست روزنامه‌ها، تحصیلات دانشگاهی این رشته ارزش خود را از دست داده است.

#### خلاصه نظرات سایر روزنامه‌نگاران نیز به شرح زیر است:

روزنامه‌نگاری به ذوق، استعداد پشت‌کار و علاقه نیاز دارد (نظر ۳۴ نفر) - کار عملی و تجربه مهم است (۲۷ نفر) - کسانی هستند که تحصیلات ارتباطات دارند و موفق نیستند و بالعکس کسانی هستند که تحصیل کرده این رشته نیستند و موفق می‌باشند (۷ نفر) - روزنامه‌نگاری هنر است (۳ نفر) - داشتن اطلاعات مختلف از عوامل گوناگون (۲ نفر) - آگاهی کامل نسبت به تجربه‌های مختلف جامعه نیز مورد نیاز است (۲ نفر) - داشتن شم خبری مؤثر است (۲ نفر) - باید تحت نظر یک متخصص در این زمینه به کار عملی پرداخت (۲ نفر).

### ۳/۲/۱. ممتنع از سوی روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط

- «چون روزنامه‌نگاری بیش از آنکه یک فن و یک علم باشد، کاری ذوقی است و نیازمند استعداد و سلیقه خارق‌العاده‌ای است که این مهم می‌تواند ذاتی یا اکتسابی باشد.» - پ ۳۱ - ج ۳

- «آنچه در ابتدا باعث موفقیت یک روزنامه‌نگار می‌شود ذوق نوشتن و استعداد ذاتی اوست، اما در طول کارم با افرادی برخورد کرده‌ام که با تحصیلات دیگری در این کار موفق بوده‌اند ولی به طور کل من طرفدار افزایش روزنامه‌نگاران تحصیل کرده و حرفه‌ای هستم.» - پ ۲۶۴ - ج ۳

- «روزنامه‌نگاری بدون خصلت‌های لازم فردی مؤثر نیست. این دانش همانند چراغی است که یک نابینا از آن بهره نمی‌برد.» - پ ۲۶۹ - ج ۳

- «روزنامه‌نگاران موفق در عرصه عمل و به تجربه موفقیت‌های قابل توجه دست یافته‌اند، البته آموزش آکادمیک را نمی‌توان انکار کرد ولی در هر حال ویژگی‌های فردی و تجربه حتی بدون دانش آکادمیک می‌تواند به نحو چشمگیری در روزنامه‌نگاری توفیق حاصل کند.» - پ ۲۷۳ - ج ۳

- «افرادی وجود دارند که براساس عشق و علاقه به کار روزنامه‌نگاری روی آورده‌اند و بهتر از تحصیل‌کرده‌های این رشته مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کنند و جالب است که عمده مدیران مسئول و سردبیران مطبوعات کسانی هستند که در این رشته تحصیلاتی ندارند، اما در عوض توانا، مستعد و آگاه به قدرت تأثیرگذاری مطبوعات هستند.» - پ ۲۷۴ - ج ۳

- «موفقیت در این رشته بیشتر بستگی به استعداد ذاتی و علاقه و ممارست فردی دارد.» - پ ۲۷۵ - ج ۳

- «چون نمونه‌هایی را مشاهده کرده‌ام که بدون گذراندن دوره‌های آموزشی روزنامه‌نگاری موفق بوده‌اند از طرف دیگر روزنامه‌نگاری در ایران تخصصی نیست چون به تخصص بهائی داده نمی‌شود.» - پ ۲۸۰ - ج ۳

- «لازمه موفقیت در این حرفه داشتن قریحه، استعداد ذاتی و علاقه‌مندی و پرورش آن در مراکز آموزشی است.» - پ ۲۸۲ - ج ۳

- «با توجه به بافت فعلی قشر روزنامه‌نگار و سیاست‌های روزنامه‌ها، تحصیلات دانشگاهی مرتبط با این رشته ارزش خود را از دست داده‌اند و از سوی دیگر اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل تحریری در مؤسسات مطبوعاتی بیشترین ضربه را به دارندگان مدرک روزنامه‌نگاری زده است.» - پ ۲۸۸ - ج ۳

- «رشته روزنامه‌نگاری مانند بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی احتیاج به تجربه و به اصطلاح عامیانه، چشیدن سرد و گرم روزگار دارد و بسیاری از مطالب تئوری در عمل ملموس‌تر و روشن‌تر بروز می‌کنند به همین دلیل اگر مطالب تئوری با عمل هماهنگ شوند بسیار باارزش جلوه‌گر می‌شوند.» - پ ۲۸۹ - ج ۳

- «دانشکده روزنامه‌نگاری علم روزنامه‌نگاری می‌آموزد نه شعور و روح روزنامه‌نگاری.» - پ ۳۰۱ - ج ۳

- «بدون داشتن ارتباط با مراکز تهیه خبر به هیچ عنوان موفق بود از این رو افرادی وجود دارند که علی‌رغم داشتن تحصیلات دانشگاهی خام و بی‌تجربه هستند و در واقع ابتدای کار هستند و باید گفت مدارک، مدارک معتبر نیست.» - پ ۳۰۳ - ج ۳

### ۲/۲/۲. ممنوع از سوی سایر روزنامه‌نگاران

- «چون کسانی هستند که قبل از مطرح‌شدن این رشته در ایران سال‌ها به طور تجربی با موفقیت به حرفه روزنامه‌نگاری پرداخته‌اند اما همین افراد اگر بتوانند دوره‌های دانشگاهی علوم ارتباطات را بگذارند با توجه به تجارب قبلی بیشتر موفق خواهند شد.» - پ ۸ - ج ۳

- «ذوق و استعداد نوشتن، یک عامل مهم است و شکی نیست که گذراندن دوره‌های دانشگاهی در مورد افراد مستعد مؤثر خواهد بود.» - پ ۹ - ج ۳

- «زیرا بدون دانستن اصول روزنامه‌نگاری نمی‌توان در این کار موفق شد ولی تنها راه یادگیری گذراندن دوره‌های دانشگاهی نیست بلکه تجربه و تحت نظر فردی آگاه و خبره کارکردن تا حدی موفقیت در روزنامه‌نگاری را تضمین می‌کند.» - پ ۱۳ - ج ۳

- «این حرفه تا حد زیادی بستگی به علاقه درونی دارد به عبارتی این علاقه باید در خون شخص وجود داشته باشد.» - پ ۱۵ - ج ۳

- «به این دلیل که با توجه به رشته خودم که علوم ارتباطات نبوده توانستم با مطالعه جزوات اصول روزنامه‌نگاری و گزارش‌نویسی و تجربیاتی که به دست آوردم تا حدی در کارم موفق باشم.» - پ ۱۷ - ج ۳

- «بستگی به علاقه شخص دارد به صرف اینکه کسی رشته ارتباطات را فرا بگیرد یک روزنامه‌نگار واقعی نخواهد شد.» - پ ۲۲ - ج ۳

- «چون به نظر من علاقه و تبحر شخصی در حرفه روزنامه‌نگاری نقش زیادی دارد.» - پ ۲۴ - ج ۳

- «زیرا این حرفه علاوه بر تخصص، عشق، علاقه و پشت‌کار و از همه مهم‌تر استعداد ذاتی را طلب می‌کند.» - پ ۲۸ - ج ۳

- «گذراندن دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات بی‌تأثیر نیست و حتی روزنامه‌نگار را به سوی ترقی سوق می‌دهد اما روزنامه‌نگاری به علاقه ذاتی و مطالعه زیاد بستگی دارد که در جمهوری اسلامی ایران اکثر روزنامه‌نگاران از روی عشق و علاقه به این حرفه پرداخته‌اند و هیچ دوره‌ای ندیده‌اند.» - پ ۲۹ - ج ۳

- «روزنامه‌نگاری هر چند رعایت صحیح ضوابط خبری و ارتباطی است اما در کنار آن کار تجربی نیز بسیار مهم است. چه بسا تئوری‌هایی که هنگام عمل ناموفق است؛ البته این امر گذراندن دوره‌های دانشگاهی را منتفی نمی‌کند ولی می‌توان گفت که این دو عامل لازم و ملزوم یکدیگر هستند.» - پ ۳۰ - ج ۳

- «به دو دلیل: دلیل اول بافت اجتماعی جامعه است که مدرک‌گراست و در دیدارهای اولیه مدرک جلب توجه می‌کند و دلیل دوم به علت وسعتی است که علم پیدا کرده و حرفه روزنامه‌نگاری نیز از این قاعده مستثنی نیست.» - پ ۲۵ - ج ۳

- «چون خبرنگار ذوق می‌خواهد آیا دانشگاه ذوق ذاتی می‌دهد؟» - پ ۴۱ - ج ۳

- «به نظر من گذراندن صرف یک دوره روزنامه‌نگاری نمی‌تواند عامل موفقیت شخص در این حرفه باشد، چون روزنامه‌نگاری یعنی فعالیت و به عبارتی نویسندگی در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که شرط اصلی در نوشتن هر یک از موضوعات آگاهی کامل نسبت به آن بخش می‌باشد، لذا یک روزنامه‌نگار برای موفقیت خود باید به یکی از علوم مجهز باشد.» - پ ۴۲ - ج ۳

- «برای اینکه حرفه روزنامه‌نگاری یک حرفه تجربی است و کسی که مقداری تجربه داشته باشد می‌تواند به خوبی کار کند.» - پ ۵۹ - ج ۲

- «کار مطبوعاتی در بخش‌های مختلف آن قبل از گذراندن مراحل دانشگاهی نیازمند کسب تجربه عملی می‌باشد. افرادی را می‌شناسم که فارغ‌التحصیل رشته روزنامه‌نگاری هستند ولی در عمل از خبرنگاران حرفه‌ای غیردانشگاهی ناموفق‌تر بوده‌اند.» - پ ۶۵ - ج ۳

- «برخی از جنبه‌های روزنامه‌نگاری بیشتر شبیه یک هنر است تا یک تخصص آموزشی، بنابراین در ارتباط با استعداد ذاتی فرد قرار می‌گیرد. به عنوان مثال یک خبرنگار موفق، موفقیت خود را بیشتر مرهون ویژگی‌های شخصی خود می‌داند تا مطالب تدریس شده در سر کلاس؛ به عبارتی مطالب بدون وجود آن ویژگی‌ها، کارآئی لازم را نخواهند داشت بنابراین مطلق کردن آموزش‌های کلاسیک صحیح نیست.» - پ ۶۹ - ج ۳

- «به این دلیل که موفقیت در روزنامه‌نگاری در حد زیادی بستگی به شم و استعداد افراد دارد نه به آموزش، لذا مشاهده می‌شود که عده‌ای با وجود داشتن تحصیلات مربوط به این رشته از موفقیت چندان‌ی برخوردار نیستند و برعکس کسانی هم هستند که بدون داشتن تحصیلات این رشته با استفاده از تجربه خود بسیار موفق بوده‌اند.» - پ ۷۳ - ج ۳

- «تجربه با کسب علم و فن، ارتباط تنگاتنگی دارد اما اولویت با تجربه است چه بسا یک فرد دانشگاه رفته، نتواند کار یک فرد مجرب در امور روزنامه‌نگاری را انجام دهد اما آن فرد با تجربه در این امور به نحو احسن می‌تواند کارها را انجام دهد.» - پ ۷۷ - ج ۳

- «چون زمان دوره مهم است. کسی که ۲۰ سال پیش دوره خبرنگاری را گذرانده، نمی‌تواند از روش‌های آن زمان برای امروز استفاده کند. چون سبک خبرنگاری عوض شده است.» - پ ۷۹ - ج ۳

- «تجربه کار خبرنگاری را به مراتب مهم‌تر از گذراندن دوره‌های دانشگاهی می‌دانم. البته گذراندن دوره‌های دانشگاهی، زمینه را برای یادگیری و پیشرفت در این رشته مهیا می‌سازد.» - پ ۸۱ - ج ۳

- «چون امروزه در کشور ما، روزنامه‌نگاری نیز از اهداف خود عدول کرده و یک روزنامه‌نگار در پیچ و خم مشکلات زندگی اسیر شده و ناگزیر در شکل و شمایل مختلف نقش منعکس‌کننده نقطه نظرات مثبت همه مجموعه‌هایی را دارد که برای انعکاس خبر و اخبار با آنان در ارتباطات است. امروزه اگر چه افرادی که دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات را طی کرده‌اند برای شروع کار موفقیت‌هایی به دست می‌آورده‌اند اما این به معنای اتمام کار نیست بلکه زوایای دیگر نیز باید بررسی شود.» - پ ۸۳ - ج ۳

- «روزنامه‌نگاری تا ۹۵-۹۰ درصد بستگی به استعداد ذاتی و شوق و علاقه افراد دارد. افرادی که از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند و حتی توان تهیه یک خبر را هم ندارند، کارشان با یک دیپلمه که چند سالی تجربه دارد، قابل مقایسه نیست.» - پ ۸۵ - ج ۳

- «چون کسانی که این دوره‌ها را نگذرانده‌اند نیز می‌توانند روزنامه‌نگاران موفقی محسوب شوند و بالعکس کسانی که این دوره‌ها را گذرانده‌اند در بعضی مواقع در کارشان موفق نبوده‌اند.» - پ ۹۸ - ج ۳

- «خیلی‌ها هستند که اصلاً تحصیل روزنامه‌نگاری را ندیده‌اند اما در این کار موفق شده‌اند و خیلی‌ها هم هستند که این تحصیل را دیده‌اند اما موفق نشده‌اند.» - پ ۱۰۳ - ج ۳

- «چون اگر در کنار تحصیلات آکادمیک و عملی، تجربه‌کاری در میان نباشد، داشتن دنیایی از اطلاعات و دانسته‌ها نمی‌تواند عملاً کاربرد مثبتی داشته باشد. مثل تعلیم شنا به دور از آب.» پ ۱۱۷ - ج ۳

- «روزنامه‌نگاری تلفیقی است از هنر علم و تجربه، هنر روزنامه‌نگاری همان چیزی است که باید داشت و چندان اکتسابی نیست، علم آن را باید آموخت و تجربه نیز با ممارست و تمرین به دست می‌آید. بنابراین روزنامه‌نگار خوب باید واجد همه این خصوصیت‌ها باشد.» - پ ۱۳۵ - ج ۳

- «به نظر من لازم و ملزوم یکدیگر هستند. البته مهم‌ترین مسئله، ذوق و استعداد است که شرط اصلی روزنامه‌نگاری است.» - پ ۱۴۵ - ج ۳

- «استعداد و علاقه به علاوه آموزش‌های کلاسیک می‌تواند باعث موفقیت شود و نه هیچ‌یک به تنهایی.» - پ ۱۵۴ - ج ۳

- «دانشگاه رفتن، فرد را الزاماً روزنامه‌نگار نمی‌کند اما فرد علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری با رفتن به دانشگاه نسبت به کار خود آگاه‌تر می‌شود.» - پ ۱۶۶ - ج ۳

- «به نظر بنده در انتخاب شغل، فرد باید ۳ فاکتور را در نظر داشته باشد:

۱. علاقه (انگیزه)

۲. استعداد درونی

۳. آموزش. یعنی اگر قبل از انتخاب یک شغل دو فاکتور در وجود فرد باشد و فاکتور سوم که اکتسابی است به آن افزوده شود، آنگاه شغل مناسب انتخاب شده و در انجام امور آن توفیق حاصل می‌شود.» - پ ۱۷۲ - ج ۳

- «چه بسا افرادی که در این رشته تحصیل می‌کنند ولی علاقه و عشقی به این کار ندارند و بالعکس.» - پ ۱۹۸ - ج ۳

- «روزنامه‌نگاران موفق هم تنها بر پایه نبوغ خود موفق نشده‌اند بلکه تجربیاتی به دست آورده‌اند که دوره‌های علوم ارتباطات آن تجربیات را سریعاً در اختیار آنان گذاشته است.» - پ ۲۲۲ - ج ۳

- «چون یک روزنامه‌نگار «عاشق» این شغل شریف و حرفه پیامبری، می‌تواند متون اساسی و کتاب‌ها و نظریه‌های جدید ارتباطات و روزنامه‌نگاری را به آسانی مطالعه کرده و توفیق یابد، اما فارغ‌التحصیل «غیرعاشق» مثل هر کارمندی می‌ماند که شاید در امور دفتری موفقیتی یابد در حالی که روزنامه‌نگاری، «عاشق» می‌خواهد نه کارمند.» - پ ۲۲۹ - ج ۳

- «چون روزنامه‌نگاری علاقه و استعداد ذاتی می‌طلبد و استقبال مردم عامل موفقیت آن است. وقتی روزنامه مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد که مردم خواسته‌های خود را در آن بیابند و این خواسته‌ها با گذراندن دوره آموزشی روزنامه‌نگاری به کمال می‌رسد.» - پ ۲۵۵ - ج ۳

- «چون اغلب کتاب‌ها برداشتی از روزنامه‌نگاری با ویژگی‌های غربی یا ترجمه‌ای از کتاب‌های خارجی است و مطالب بومی که مستند بر تجربیات کشورمان باشد، کم داریم، بنابراین روزنامه‌نگاری را گاهی باید در عمل تجربه کرد.» - پ ۲۶۰ - ج ۳

### ۳/۲. مخالف

خلاصه مهم‌ترین دلایل مطرح شده از سوی روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط در مخالفت با این عقیده که گذراندن دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری چندان رابطه‌ای با موفقیت در روزنامه‌نگاری ندارد عبارت است از:

روزنامه‌نگاری کار تجربی مطلق نیست بلکه به تحصیلات دانشگاهی نیاز دارد (نظر ۷ نفر)، شناخت ارتباطات پایه اساسی روزنامه‌نگاری است (۶ نفر)، گذراندن دوره دانشگاهی برای روزنامه‌نگاری بسیار لازم و حیاتی است (۴ نفر)، روزنامه‌نگاری یک رشته تخصصی است (۴ نفر)، انجام هر کاری منوط به کسب تخصص در همان زمینه است (۲ نفر)، یک خبرنگار به کمک تکنیک‌های روزنامه‌نگاری و حرکت با زمان می‌تواند موفق شود (۲ نفر).

### همچنین خلاصه دلایل این دسته از سایر روزنامه‌نگاران عبارت است از:

روزنامه‌نگاری یک رشته تخصصی است (۸ نفر)، آگاهی از علوم ارتباطات اساس روزنامه‌نگاری است (۶ نفر)، انجام هر کاری منوط به کسب تخصص در آن کار است (۵ نفر)، تلفیق تجربه و تئوری‌های

ارتباطات راندمان کار را بالا می‌برد (۴ نفر)، نقش آموزش در روزنامه‌نگاری انکارناپذیر است (۴ نفر)، تحصیلات دانشگاهی روزنامه‌نگار را وسیع‌تر می‌کند (۲ نفر).

نمونه‌ای از نوشته‌های روزنامه‌نگاران در مخالفت با عقیده مذکور به شرح زیر است:

### ۲/۳/۱. مخالف از سوی روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط

- «اگر به دانش روزنامه‌نگاری توجه می‌شد وضع مطبوعات ما این‌گونه نبود.» - پ ۲۶۳ - ج ۵
- «اگر روزنامه‌نگاری را در آنچه هم‌اکنون متداول است خلاصه کنیم، پاسخ به این سؤال مثبت است ولی خبرنگاری که استعداد کافی در زمینه کارش داشته باشد می‌تواند به کمک تکنیک‌های روزنامه‌نگاری خواننده‌اش را راضی نگه‌دارد.» - پ ۲۶۸ - ج ۵
- «بی‌شک با کاربرد جنبه‌های تئوریک روزنامه‌نگاری می‌توان اخبار، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و... را جذاب، گیرا، عقلایی و مطلوب تهیه کرد.» - پ ۲۸۳ - ج ۳
- «ارتباط، اصولی‌ترین کار روزنامه‌نگاری است. وقتی که روزنامه‌نگار فقط حرف دل خود را روی کاغذ می‌آورد و توجهی به خصوصیات مخاطبان خود ندارد فقط برای دل خودش می‌نویسد.» - پ ۲۸۶ - ج ۵
- «درست است که روزنامه‌نگاری با قلم‌زدن همراه است ولی صرفاً هر کسی که قلم بدست باشد روزنامه‌نگار موفق نمی‌شود.» - پ ۲۸۷ - ج ۵
- «روزنامه‌نگاری خود به خود یک تخصص شده نه یک حاشیه، بنابراین روزنامه‌نگار بایستی متخصص روزنامه باشد. یک روزنامه‌نگار بهتر می‌تواند با جامعه حرف بزند.» - پ ۳۰۰ - ج ۵
- «در طول ۲۰ سال سابقه کاری و ۱۰ سال سردبیری کسی را ندیده‌ام که دوره‌های روزنامه‌نگاری را نگذرانده باشد و در کار مشکلی نداشته باشد.» - پ ۳۰۵ - ج ۵
- «دانستن تکنیک‌های روزنامه‌نگاری و حرکت با تحولات زمان (اگر چه در دانشگاه حرکت با تحولات روز وجود ندارد) ضرورت کار روزنامه‌نگاری است و کسب تجربه می‌تواند به عنوان عامل دوم به مدد روزنامه‌نگار بیاید ضمن آنکه پیشرفت روزافزون اقناع و اثرگذاری از نقش تجربه به طور نسبی می‌کاهد و دانستن تکنیک‌ها را ضروری می‌نماید.» - پ ۳۱۴ - ج ۵
- «وقتی من عملاً با کار روزنامه‌نگاری روبرو شدم، دیدم که تا چه حد درس دانشگاهی منسجم با کار عملی است، شاید فردی به طور عملی و تجربی دانسته یک روزنامه‌نگار شود ولی من معتقدم که کار او ناقص خواهد بود. تجربه و درس دانشگاهی توأم با هم موفقیت بیشتری حاصل می‌کنند.» - پ ۳۶۴ - ج ۴
- «آموزش، داده‌هایی را در خدمت انسان می‌گذارد که در پیوند با تجربه کارآیی بسیاری را به وجود می‌آورند.» - پ ۳۶۵ - ج ۴
- «ممکن است در شرایط استثنائی، فرد یا مجموعه‌ای بتواند به موفقیت‌هایی در زمینه روزنامه‌نگاری دست یابد اما نمی‌توان این به کل تعمیم داد. دانستن اصول اولیه کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری شرط لازم برای شروع کار است؛ این شرط در کنار سایر عوامل می‌تواند موفقیت را تضمین کند.» - پ ۳۷۱ - ج ۴
- «البته داشتن انگیزه و علاقه شرط عمده است و هر آموزش چنانچه بر بستر این عوامل جای‌گیر شود می‌تواند بازده مطلوب داشته باشد، اما روزنامه‌نگاری امروز دارای ویژگی‌هایی است که آن را از ذوقی‌بودن صرف خارج و تاحدی علمی کرده است.» - پ ۳۷۶ - ج ۴
- «اگر دانش ارتباطات نباشد اشکالات موجود در روزنامه‌های ایران روز به روز افزایش خواهد یافت یعنی روزنامه‌ها به دور از رعایت قواعد و مقررات روزنامه‌نگاری بیشتر سلیقه‌ای اداره خواهند شد تا علمی.» - پ ۳۸۱ - ج ۴
- «روزنامه‌نگارانی که در رشته علوم ارتباطات تحصیل کرده‌اند علاوه بر داشتن دید ژرف درباره عناصر و ارزش‌های خبری، ابراز بیشتری برای روزنامه‌نویسی نسبت به سایر روزنامه‌نگاران دارند. این دید و کارآیی، روزنامه‌نگاران دسته اول را قادر می‌سازد به آسانی در هر حوزه خبری موفق باشند.» - پ ۳۹۲ - ج ۴
- «کسانی که بدون گذراندن دوره‌های دانشگاهی، روزنامه‌نگار موفق بوده‌اند استثناء هستند، اگر این افراد تحصیلات روزنامه‌نگاری را طی می‌کردند می‌توانستند به چهره‌های درخشانی در عالم روزنامه‌نگاری تبدیل شوند. به این علت معتقدم ممکن است افرادی بدون تحصیلات تخصصی در روزنامه‌ها خبرنگار باشند ولی نمی‌توانند به طور کامل در این زمینه موفقیت داشته باشند، از این رو بین دو عامل یادشده ارتباط وجود دارد.» - پ ۳۹۷ - ج ۴

- «گذراندن دوره‌های دانشجویی روزنامه‌نگاری نتیجه سال‌ها بررسی و کنکاش محققان مطبوعات بوده که امروزه به صورت واحدهای درسی تدوین گردیده و این اشتباه است که موفقیت در این زمینه را بدون ارتباط با تحصیلات دانشجویی آن پنداشت.» - پ ۳۰۲ - ج ۴

- «چون فارغ‌التحصیلان روزنامه‌نگاری حداقل حدود ۶۰ واحد درس اختصاصی روزنامه‌نگاری گذرانده‌اند و با خبرنگاری، مقاله‌نویسی، گزارش‌نویسی و... آشنا هستند و احتمالاً چندین واحد کار عملی در نشریات مختلف گذرانده‌اند با لیسانسیه‌های رشته‌های دیگر مثل ادبیات یا حقوق قاعدتاً متفاوت هستند.» - پ ۳۰۶ ج ۴

- «تغییرات بسیاری که در صفحه‌بندی، تیتراژ و آگهی‌های طبقه‌بندی شده در روزنامه‌های بزرگ کشور انجام یافته مدیون مطالبی است که سال‌ها پیش در کلاس‌های روزنامه‌نگاری تدریس شده که اثر خوبی هم داشت است.» - پ ۳۰۷ - ج ۴

- «نیاز به دانش و تخصص در هر زمینه‌ای از جمله روزنامه‌نگاری یکی از ضروریات جامعه است که می‌تواند در ارائه روش‌های صحیح‌تر روزنامه‌نگاران را یاری کند.» - پ ۳۱۳ - ج ۴

- «اگر از استثنائاتی که روزنامه‌نگاری را به طور تئوری نیاموخته‌اند بگذریم، آیا یک پزشک می‌تواند بدون طی دوره پزشکی به درمان بیمار بپردازد یا آیا امکان کار در یک آزمایشگاه برای فردی غیرمتخصص فراهم است؟ از این رو اگر روزنامه‌نگاری را یک علم بدانیم باید بگوییم که روزنامه‌نگاری تجربی محکوم به شکست است.» - پ ۳۱۵ - ج ۴

### ۲/۲/۲. مخالف از سوی سایر روزنامه‌نگاران

- «زیرا عمده مسائل و موضوعات و تحلیل‌هایی که روزنامه‌ها مطرح می‌کنند، سیاسی بوده و رشته علوم ارتباطات نیز یک رشته سیاسی است.» - پ ۲۳ - ج ۴

- «اگر چه مقداری از کار روزنامه‌نگاری جنبه تجربی دارد لیکن دیدن آموزش‌های لازم برای هر کاری از جمله شغل حساس روزنامه‌نگاری حیاتی است.» - پ ۱۱ - ج ۴

- «یک روزنامه‌نگار اگر دوره‌های دانشجویی علوم ارتباطات را طی کند، در حقیقت ۵۰ درصد راه را رفته است و ۵۰ درصد بقیه در دوران کار و با تجربه کسب شده به دست می‌آید.» - پ ۱۹ - ج ۴

- «هر چند داشتن ششم خبری دخیل است ولی گذراندن دوره‌های دانشجویی از اهمیت خوبی برخوردار است، زیرا استعداد افراد علاقه‌مند به این حرفه شکوفا می‌گردد و رشد می‌کند.» - پ ۲۵ - ج ۴

- «انجام دقیق و مثبت هر کاری، منوط به کسب آگاهی‌هایی در همان زمینه می‌باشد.» - پ ۳۸ - ج ۴

- «روزنامه‌نگاری دارای اصول و ویژگی‌هایی است که بدون گذراندن دوره‌های آموزشی که معمولاً در دانشگاه طی می‌شوند، این اصول رعایت نخواهند شد. به نظر من روزنامه‌نگار بدون تحصیلات مانند دندان‌ساز تجربی، فاقد اعتبار لازم و کافی است.» - پ ۵۴ - ج ۴

- «چون روزنامه‌نگاری نیز خود نوعی تخصص را می‌طلبد، ششم طبیعی و تجربی در واقع باید از منشور این تخصص - دانشجویی - بگذرد. تجربه دانشجویی، تجارب دیگر را به اصطلاح یک کاسه می‌کند.» - پ ۶۴ - ج ۴

- «به این دلیل که کار تا اندازه‌ای تخصصی است و دانستن مقدمات و تکنیک‌های اولیه ضروری است اما این که «کاملاً مخالفم» را زده‌ام به این علت است که تنها راه وصول به این هدف، دانشگاه نیست و ممکن است از طرق دیگری نیز بدان رسید.» - پ ۷۰ - ج ۴

- «بدون شك با توجه به اهمیت روزنامه‌نگاری و کاربرد وسیع آن، هر نوع دانش و تخصصی که به کیفیت بهتر این امر کمک کند، رابطه مستقیمی با موفقیت در امر روزنامه‌نگاری دارد، به طوری که در درازمدت این تخصص جزء لاینفک روزنامه‌نگاری شده و به بهتر شدن کیفیت آن کمک شایانی خواهد کرد.» - پ ۸۰ - ج ۴

- «برای موفقیت در روزنامه‌نگاری، گذراندن دوره‌های دانشجویی به همراه استعداد و علاقه‌مندی لازم است. چرا که این روزها تعدادی از نشریات از افراد غیرکارشناس استفاده می‌کنند و جامعه روزنامه‌نگاری را از هر نظر دچار مشکل کرده‌اند.» - پ ۸۸ - ج ۴

- «فقدان یک تعریف واحد از موفقیت در روزنامه‌نگاری در کشورمان باعث شده است که مسئله تحصیلات دانشجویی مرتبط با روزنامه‌نگاری تحت‌الشعاع مسائل دیگر قرار بگیرد. به نظر بنده عامل عمده این قضیه قطع ارتباط مطبوعات با مراکز دانشجویی مرتبط با روزنامه‌نگاری است.»



لذا بنده معتقدم اگر روی تعریف واحد موفقیت توافق حاصل شود، هیچ‌کس مخالف ضرورت گذراندن دوره‌های دانشگاهی مرتبط با روزنامه‌نگاری نخواهد بود.» - پ ۹۲ - ج ۴

- «چون عصر، عصر ارتباطات است و کسانی می‌توانند خواسته خود را حاکم سازند که مسلح به علوم زمان خویش باشند. می‌دانیم که علم ارتباطات، چگونگی تسخیر افکار اجتماعی را می‌آموزد.» - پ ۹۶ - ج ۴

- «ارتباطات از علوم پایه و انسانی تلقی می‌شود، بدون تحصیلات آکادمیک، مخاطب‌شناسی ممکن نیست و باید این نکته را مدنظر داشت که روزنامه‌نگاری، نویسندگی نیست. بنابراین صرف ذوق و شمع در این رشته موفقیت به همراه نخواهد داشت و از سوی دیگر وظیفه روزنامه‌نگار مهم‌تر از نویسندگی است.» - پ ۱۰۹ ج ۴

- «بدون آموزش نمی‌توان در هیچ‌رشته‌ای موفق بود. فراموش نکنیم که تعدادی از فارغ‌التحصیلان این رشته را سراغ دارم که اصلاً به درد روزنامه‌نگاری نمی‌خورند ولی بسیاری هم از بهترین‌ها هستند. در هر حال باید روزنامه‌نگار دوره‌های عالی را سپری کند.» - پ ۱۱۵ - ج ۴

- «مخالفم به این دلیل که مسلماً خود شما نیز نظاره‌گر کشورتان هستید و ضعف‌های ناشی از عدم آموزش‌های لازم را در نشریات می‌بینید و به این دلیل کاملاً مخالف نیستم چون روزنامه‌نگارانی را می‌شناسم که بسیار موفقند و این آموزش‌های لازم را هم ندیده‌اند.» - پ ۱۱۸ - ج ۴

- «به این دلیل روشن که دانشگاه به هر حال مکان ارائه «دانش» در هر زمینه از جمله «روزنامه‌نگاری» است. حال اگر به دلایلی، دانشگاه‌های ما از عهده این مهم برنایند، نباید «اصل رجوع به دانشگاه» منسوخ شود بلکه باید دانشگاه‌ها را به وضع اساسی خویش نزدیک کرد.» - پ ۱۳۰ - ج ۴

- «روزنامه‌نگاری رشته‌ای کاملاً تخصصی است و تئوری حتماً باید در کنار کار عملی قرار گیرد و تحصیلات کلاسیک در این زمینه ضروری است تا بتوان به نتیجه مطلوب رسید و تغییر و تحولی در مطبوعات بوجود آورد.» - پ ۵ - ج ۵

- «امروز فن روزنامه‌نگاری یکی از دروس دانشگاهی و تخصصی محسوب می‌شود. از طرف دیگر برای پیشرفت در هر کاری باید استاد و معلم داشت.» - پ ۴۲ - ج ۵

- «چون این حرفه حداقل یک فن است و باید دوره این فن نیز گذرانیده شود.» - پ ۷۲ ج ۵

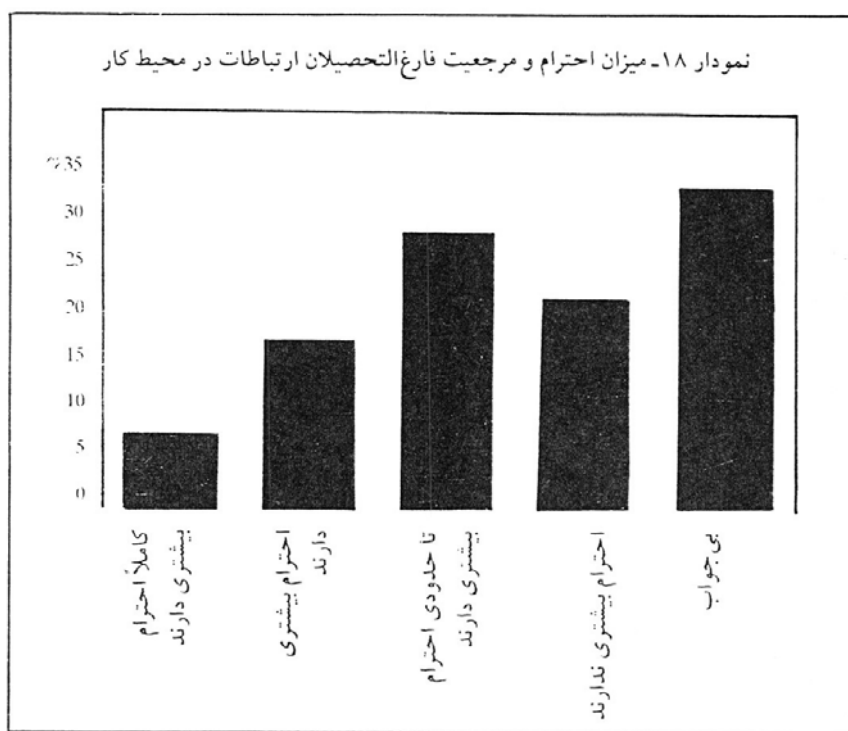
- «چون روزنامه‌نگاری همچون یک علم در حال پیشرفت است و باید هر روز با تکنولوژی جدید این شغل آشنا شد، نیاز به طی سطوح دانشگاهی وجود دارد.» - پ ۱۲۷ - ج ۵

- «زیرا تحصیلات دانشگاهی، دید شخص را وسیع‌تر می‌کند و استفاده از امکانات را بهتر فراهم می‌آورد. شخص تحصیل‌کرده دانشگاهی، نیازهای جامعه را بهتر از افراد تجربی تشخیص می‌دهد و دقیقاً در جهت نیاز واقعی جامعه گام برمی‌دارد.» - پ ۲۳۱ - ج ۵

#### ۴. میزان احترام روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط در میان همکاران

در سؤال شماره ۴ پرسش‌نامه B و سؤال شماره ۷ پرسش‌نامه A پرسیده شده بود که آیا در سازمان مطبوعاتی که جنابعالی فعالیت دارید، آنانی که تحصیلات رسمی علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند (بی‌توجه به ویژگی‌های شخصیت فردی) از احترام بیشتری برخوردارند و حالت مرجعیت بیشتری در مقابل دیگران دارند؟ (اگر در آن سازمان چنین افرادی کار نمی‌کنند، به این سؤال پاسخ نفرمائید) پاسخ‌ها به صورت ۱. بلی کاملاً دارند، ۲. بلی دارند، ۳. تا حدی دارند و ۴. ندارند، تنظیم شده بود.

۲۶/۳ درصد گفته‌اند که تا حدی احترام بیشتری دارند، ۲۰ درصد نوشته‌اند که احترام بیشتری ندارند. ۱۶/۲ درصد گفته‌اند که از احترام بیشتری برخوردارند و ۷/۲ درصد نوشته‌اند که به دلیل رشته تحصیلی کاملاً از احترام بیشتری برخوردارند. ۳۰/۲ درصد به این سؤال پاسخ نگفته‌اند. (جدول ۱۷ و نمودار ۱۸)



محاسبات فرمول کای اسکویر نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری میان پاسخ روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و بدون تحصیلات مذکور وجود ندارد (کای اسکویر برابر  $7/6$ ، درجه آزادی ۳) به این ترتیب ملاحظه می‌شود که میزان کسانی که تفاوتی را از نظر میزان احترام روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط مشاهده می‌کنند  $2/5$  برابر کسانی است که چنین اقدامی را احساس نمی‌کنند (بدیهی است در پاسخ‌ها، نگرش پاسخ‌دهنده نیز جای دارد).

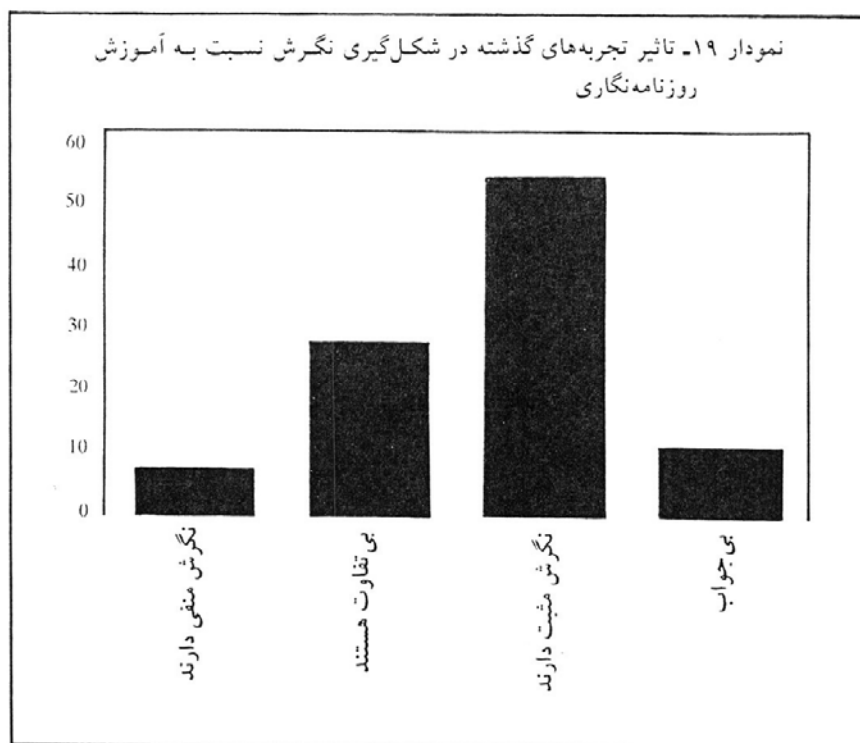
#### ۵. تجربه گذشته و نگرش درباره آموزش روزنامه‌نگاری

در سؤال شماره ۲ پرسش‌نامه B و ۵ پرسش‌نامه A گفته شده بود:

«به نظر جنابعالی، آنانی که سال‌های زیادی از عمر خود را در مطبوعات این کشور گذرانده‌اند، اعم از روزنامه‌نگاران تجربی و همچنین اقلیت کسانی که تحصیلات دانشگاهی مرتبط دارند، وقتی به پشت سر و سال‌های سپری شده نگاه می‌کنند نسبت به آموزش دانشگاهی، یا دوره‌های مشابه برای روزنامه‌نگاری چه نگرشی دارند؟»

جواب‌ها به صورت ۱. نگرش منفی دارند ۲. بی‌تفاوت هستند ۳. نگرشی مثبت دارند، ارائه شده بود. براساس جدول شماره ۱۸ و نمودار ۱۹،  $53/7$  درصد گفته‌اند نگرشی مثبت دارند،  $27/9$  درصد نوشته‌اند که بی‌تفاوت هستند و  $7/6$  درصد گفته‌اند که نگرشی منفی دارند.

از این نظر تفاوت معنی‌داری میان تحصیل‌کردگان رشته‌های مرتبط با سایر روزنامه‌نگاران دیده نمی‌شود (کای اسکویر  $1/96$ ، درجه آزادی ۲).



دو متغیر سابقه خدمت مطبوعاتی و نوع نشریه محل اشتغال از مواردی است که تفاوت پاسخ‌ها می‌تواند مورد سؤال ما باشد.

ماتریس میان سؤال ۲۳ پرسش‌نامه B و ۲۲ پرسش‌نامه A از یک سو و سؤال شماره ۲ پرسش‌نامه B و ۵ پرسش‌نامه A رابطه میان سابقه خدمت و پاسخ‌های مذکور را نشان می‌دهد، اما با توجه به کای اسکویر برابر ۵/۹ (درجه آزادی ۶) تفاوت معنی‌داری میان نظر روزنامه‌نگاران پرسابقه و کم‌سابقه دیده نمی‌شود.

در مورد متغیر نوع محل اشتغال روزنامه‌نگار، ماتریس میان سؤال ۲۴ پرسش‌نامه B و ۲۳ پرسش‌نامه A از یک سو و ۲ پرسش‌نامه B و ۵ پرسش‌نامه A می‌تواند رابطه مذکور را نشان دهد.

جمع		نگرش منفی		بی‌تفاوت		نگرش مثبت		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۴۳	۶	۹	۳۳	۴۷	۶۱	۸۷	روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه و محلی
۱۰۰	۱۹۱	۵	۱۰	۱۷	۳۳	۷۷	۱۴۸	سایر روزنامه‌نگاران

با توجه به کای اسکویر برابر ۱۱/۷ (درجه آزادی ۲) با بیش از ۹۹ درصد اطمینان، از این نظر میان روزنامه‌نگاران مطبوعات یومیه و محلی (خبری) با سایر مطبوعات تفاوت است.

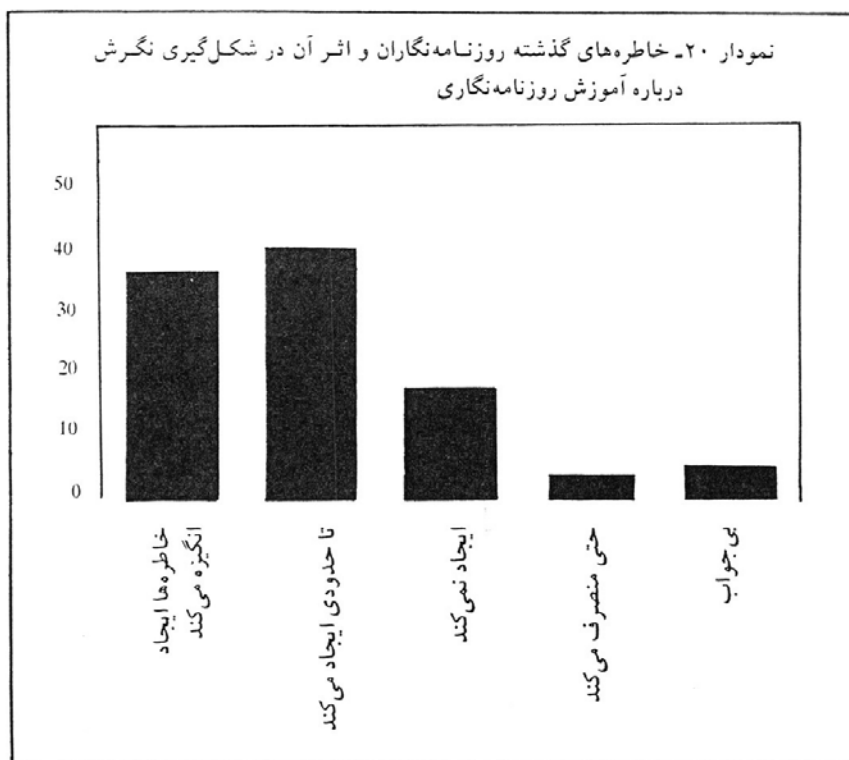
در واقع علت این تفاوت بیشتر ناشی از این است که سهم بیشتری از روزنامه‌نگاران مطبوعات خبری - در مقایسه با سایر روزنامه‌نگاران - معتقد به بی‌تفاوتی همکاران نسبت به آموزش روزنامه‌نگاری هستند (۳۳ و ۱۷ درصد - حدود ۲ برابر) علاوه بر آن روزنامه‌نگاران مطبوعات خبری در مقایسه با سایرین، بیشتر معتقد به وجود نگرش مثبت در میان همکاران خود نسبت به آموزش روزنامه‌نگاری می‌باشند. در واقع عده قابل توجهی نگرش مثبت را و عده‌ای دیگر بی‌تفاوتی را می‌بینند.

**۶. خاطره‌های گذشته و اثر آن در ایجاد انگیزه نسبت به آموزش روزنامه‌نگاری**  
در سؤال شماره ۳ پرسش‌نامه B و ۶ پرسش‌نامه A گفته شده بود:

اگر پای صحبت با تجربه‌های روزنامه‌نگاری که سال‌ها در این حرفه فعالیت داشته‌اند بنشینیم و به خاطراتشان گوش کنیم، آیا خاطره‌ها و حرف‌های آنان انگیزه‌ای برای تمایل همکاران روزنامه‌نگار جوان به گذراندن دوره‌های آموزشی ایجاد می‌کند یا خیر؟»

### پاسخ‌ها به صورت زیر ارائه شده بود:

۱. ایجاد می‌کند، ۲. تا حدی ایجاد می‌کند، ۳. ایجاد نمی‌کند، ۴. منصرف می‌کند. ۴۰/۶ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند تا حدودی ایجاد می‌کند، ۲۶/۲ درصد پاسخ یک را به مفهوم ایجاد می‌کند علامت زده‌اند، ۱۴/۹ درصد گفته‌اند ایجاد نمی‌کند و ۳/۵ درصد معتقدند که منصرف می‌کند. (جدول ۱۹، نمودار ۲۰)



به این ترتیب می‌توان گفت حدود ۷۷ درصد روزنامه‌نگاران معتقدند که خاطرات تجربه‌های روزنامه‌نگاران ایران به نحوی است که کمبود آموزش روزنامه‌نگاری را به عنوان یک عامل مؤثر در ذهن شکل می‌دهد و برای جوان‌ترها، تقریباً ایجاد انگیزه به منظور گرایش به آموزش روزنامه‌نگاری می‌نماید.

با توجه به کای اسکور برابر ۰/۶۶ (درجه آزادی ۳) هیچ‌گونه تفاوتی میان نظر روزنامه‌نگاران با تحصیلات ارتباطات و سایر روزنامه‌نگاران دیده نمی‌شود.

از این نظر میان روزنامه‌نگاران مطبوعات خبری و سایر مطبوعات تفاوت معنی‌داری نیست. (کای اسکور برابر ۰/۶۶، درجه آزادی ۳) اما میان سابقه فعالیت مطبوعاتی و نوع پاسخ داده شده همبستگی دیده می‌شود. (کای اسکور برابر ۱۶/۵۵، درجه آزادی ۹)، پاسخ روزنامه‌نگاران به تفکیک سال‌های سابقه مطبوعاتی طبق جدول زیر است:

جمع	ایجاد انگیزه می‌کند		تا حدودی ایجاد انگیزه می‌کند		ایجاد انگیزه نمی‌کند		آن‌ها را منصرف می‌کند		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
تا ۵ سال	۴۷	۳۶	۵۸	۴۵	۲۰	۱۵	۵	۴	۱۳۰

										سابقه
۱۰۰	۸۰	۳	۲	۱۱	۹	۴۸	۳۸	۳۸	۳۱	تا ۱۰ سال سابقه
۱۰۰	۲۵	۴	۱	۳۶	۹	۱۲	۳	۴۸	۱۲	تا ۱۵ سال سابقه
۱۰۰	۲۵	۹	۳	۲۰	۷	۳۷	۱۳	۳۴	۱۲	۱۶ سال و بیشتر

همان‌گونه که ماتریس فوق نشان می‌دهد. پرسابقه‌ها کمتر از کم‌سابقه‌ها معتقدند که این خاطره‌ها ایجاد انگیزه برای روی‌آوری به آموزش نمی‌کند.

### ۷. نگاه به تحصیلات در رشته ارتباطات به عنوان یک ارزش

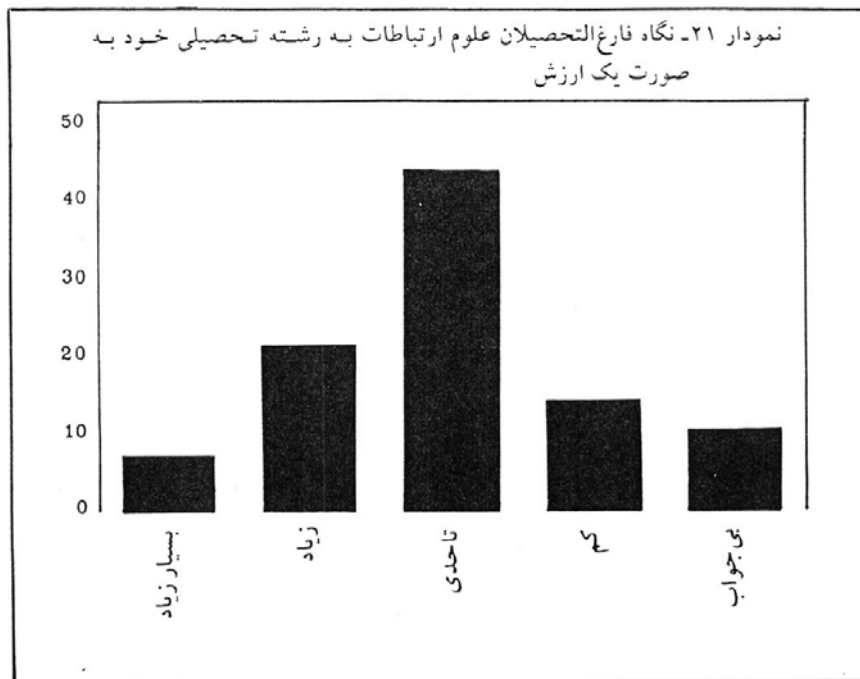
در سؤال شماره یک پرسش‌نامه A، مخصوص روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی مرتبط، گفته شده بود:

«به نظر شما، افرادی که مدارک دانشگاهی علوم ارتباطات، از جمله روزنامه‌نگاری را دارند، به رشته تحصیلی خود تا چه حد به صورت یک ارزش نگاه می‌کنند؟ (به عنوان مثال، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان پزشکی در ایران، رشته خود را بسیار باارزش می‌دانند) پاسخ‌ها به صورت ۱. بسیار زیاد، ۲. زیاد، ۳. تا حدی، ۴. کم، ۵. خیلی کم، ارائه شده بود. به موجب جدول ۲۰ و نمودار ۲۱، ۴۴/۴ درصد گفته‌اند تا حدی، ۲۲/۲ درصد زیاد، ۷/۴ درصد خیلی زیاد و ۱۴/۸ درصد کم (هیچ پاسخ‌دهنده‌ای، جواب خیلی کم را انتخاب نکرده بود). جدول پاسخ‌های فوق نشانگر آن است که اکثر روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط، به رشته خود به صورت یک ارزش نگاه می‌کنند.

### ۸. تخصص روزنامه‌نگاری در نشریات تخصصی

در سؤال شماره ۱۳ پرسش‌نامه B و A، گفته شده بود:

«مطبوعات تخصصی با یک سؤال مهم مواجه هستند که پاسخ آن در ایران به وضوح مشخص نشده است و پاسخ‌ها متنوع است. لطفاً ابتدا همه آن‌ها را ملاحظه فرمائید و سپس نظری را که به نظر شما نزدیک‌تر است با علامت \* مشخص فرمائید»



۱. یک متخصص در موضوع نشریه (مثلاً مدیریت) بدون نیاز به آنکه روزنامه‌نگاری خوانده باشد می‌تواند به راحتی در آن نشریه قلم بزند.

۲. يك متخصص در موضوع نشریه (مثلاً دکترا در رشته مدیریت) وقتي مي‌تواند روزنامه‌نگار تخصصي شود که روزنامه‌نگاري را نیز بداند. زیرا روزنامه‌نگاري تخصصي با نگارش کتب تخصصي متفاوت است.
۳. يك روزنامه‌نگار ورزیده که تحصیلات دانشگاهي روزنامه‌نگاري داشته باشد قادر است با مطالعه لازم در هر زمینه‌اي قلم بزند. مهم این است که روزنامه‌نگاري را به خوبي بداند.
۴. داشتن دو تخصص رسمي در هر دو زمینه (تخصص دانشگاهي در موضوع نشریه و تخصص دانشگاهي روزنامه‌نگاري) تنها راه‌حل است.
۵. نظرهای دیگر

نمای پاسخ‌ها مربوط به گروهی است که پاسخ شماره ۲ را گزینش کرده‌اند (تخصص در موضوع نشریه همراه با آگاهی از روزنامه‌نگاري) زیرا ۳۱/۷ درصد پاسخ‌دهندگان، این جواب را گزیده‌اند. ۱۷/۵ درصد معتقدند که يك روزنامه‌نگار ورزیده که تحصیلات دانشگاهي روزنامه‌نگاري داشته باشد قادر است با مطالعه لازم در هر زمینه‌اي قلم بزند، مهم این است که روزنامه‌نگاري را به خوبي بداند. ۱۷/۵ درصد گفته‌اند که داشتن دو تخصص رسمي در هر دو زمینه (تخصص دانشگاهي در موضوع نشریه و تخصص دانشگاهي روزنامه‌نگاري) تنها راه‌حل است.

۱۳/۷ درصد نظري دیگر را ابراز داشته و فقط ۳/۸ درصد پاسخ يك را گزیده‌اند. (يك متخصص در موضوع نشریه (مثلاً مدیریت) بدون نیاز به آنکه روزنامه‌نگاري خوانده باشد مي‌تواند به راحتی در آن قلم بزند.)

۷/۹ درصد، یکی از پاسخ‌های چهارگانه را انتخاب کرده و نظري دیگر داده‌اند و ۳/۸ درصد بیش از يك پاسخ از پاسخ‌های چهارگانه را انتخاب کرده‌اند. (جدول ۲۱، نمودار ۲۲)



نظرهای ابراز شده دیگر، تقریباً دربرگیرنده همان پاسخ‌های قبلي است. اما ۴ نفر گفته‌اند که نشریات تخصصي باید از روزنامه‌نگاران متخصص کمک بگیرند و این در واقع همکاری دو تخصص در کنار یکدیگر است. دو نفر گفته‌اند که يك روزنامه‌نگار حرفه‌اي، بدون داشتن تخصص دانشگاهي در موضوع نشریه و یا روزنامه‌نگاري مي‌تواند در چند نشریه قلم بزند. يك نفر پیشنهاد نموده که در دانشگاه‌ها، درس روزنامه‌نگاري نیز تدریس شود. يك نفر به مسئله ضرورت ساده‌نویسی در مطبوعات تخصصي اشاره کرده و آن را در توان روزنامه‌نگار متخصص دیده است. يك نفر به ضرورت وجود سردبیر روزنامه‌نگار و ویراستار ورزیده در نشریات تخصصي اشاره کرده است.

## فصل سوم نیازهای آموزشی روزنامه‌نگاران

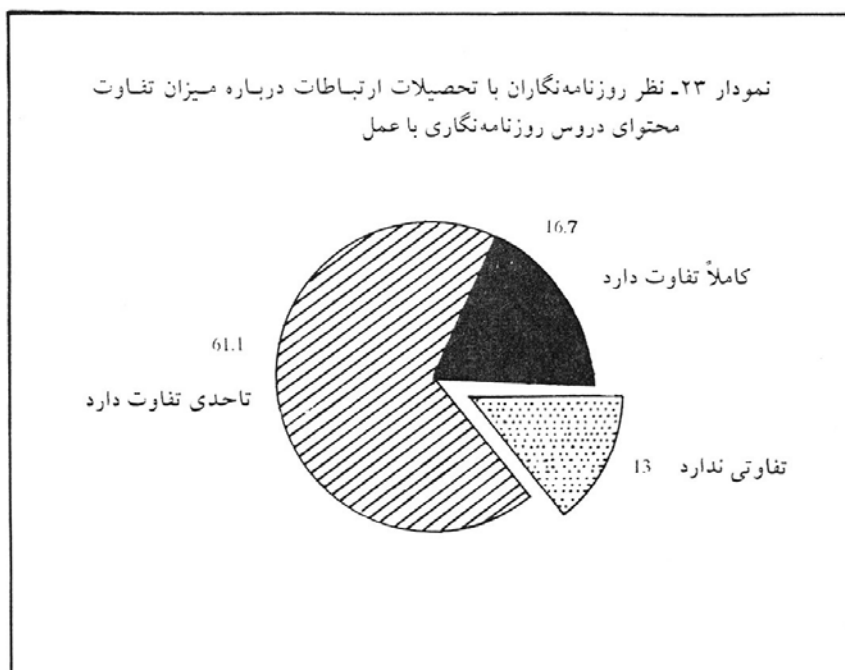
### ۱. میزان انطباق محتوای دروس روزنامه‌نگاری با عمل

در سؤال شماره ۲ پرسش‌نامه A از روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط پرسیده شده بود که آیا آنچه در دروس روزنامه‌نگاری در دانشگاه گذرانده‌اند با آنچه در عمل و در حرفه خود به کار می‌برند چه تفاوتی وجود دارد؟

پاسخ‌ها به صورت: ۱. کاملاً تفاوت دارد ۲. تا حدی تفاوت دارد ۳. تفاوتی ندارد ارائه شده بود. همان‌گونه که جدول شماره ۲۲ و نمودار ۲۳ نشان می‌دهد، ۶۱/۱ درصد گفته‌اند تا حدی تفاوت دارد. ۱۶/۷ درصد معتقدند که کاملاً تفاوت دارد و فقط ۱۳ درصد اظهار داشته‌اند که تفاوتی ندارد (۹/۳ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند).

در مورد علل وجود چنین عقایدی، در سوال بعدی خواسته شده بود که درباره پاسخی که به سؤال مذکور داده‌اند توضیح دهند. ۸۰ درصد نمونه مورد بررسی، توضیحاتی را ارائه داده‌اند: مهم‌ترین علل مطرح شده از سوی آنانی که گفته‌اند «کاملاً تفاوت دارد» و یا «تفاوت دارد» عبارت است از:

بسیاری از متون درسی دانشگاهی در عمل کاربرد ندارند (نظر ۹ نفر)، بسیاری از کتب دانشگاهی این رشته قدیمی هستند (۲ نفر)، تفاوت ه دلیل وجود پارامترهای گوناگونی است که در کار روزنامه‌نگاری تأثیر می‌گذارد (۲ نفر)، تئوری‌ها باید در عمل مطابقت داده شوند و اصلاح گردند، همواره بین دانشگاه و جامعه تفاوت وجود داشته است، بسیاری از استادان این رشته در مطبوعات کار نکرده‌اند، واحدهای تخصصی این رشته در دانشگاه کم است، کتب ترجمه شده در زمینه روزنامه‌نگاری مطابق با فرهنگ غرب است، تکنیک‌های تجربی روزنامه‌نگاری متنوع‌تر از تکنیک‌های روزنامه‌نگاری آکادمیک است. تئوری‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری تحت تأثیر شرایط حاکم قرار دارند، متولیان روزنامه‌ها اعتقادی به استفاده از روش‌های علمی روزنامه‌نگاری ندارند،



روزنامه‌نگاری در ایران حرفه‌ای نیست و در مطبوعات يك نظام آمرانه وجود دارد. گفتیم که ۱۳ درصد گفته‌اند که تفاوتی میان محتوای دروس دانشگاهی با آنچه در عمل و در حرفه به کار می‌برند وجود ندارد. سه نفر گفته‌اند که دروس تخصصی روزنامه‌نگاری در عمل نیز استفاده می‌شود و تفاوتی بین عمل و تئوری نیست. ۲ نفر نوشته‌اند که در حال حاضر روزنامه‌ها اصول علمی روزنامه‌نگاری را تشویق کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند، و يك نفر معتقد است که در اصول تفاوت وجود ندارد، اما در بخش‌هایی که سلیقه‌ای است، تفاوت وجود دارد. از آنجا که پاسخ‌ها تا حدودی متنوع و در مواردی نیز اشاره به مسائلی دیگر دارد و در مجموع تصویری از وضعیت را با جزئیات بیشتر نشان می‌دهد، نمونه‌هایی از نوشته‌ها عیناً به شرح زیر نقل می‌شود:

توضیح آنکه ج ۱ نماینده نظر آنانی است که پاسخ «کاملاً تفاوت دارد» را علامت زده‌اند، ج ۲ «تأخیدی تفاوت دارد» و ج ۳ «تفاوتی ندارد».

- «دروس دانشگاهی وسعت دید می‌دهند اما فاصله همانا فاصله دست و ذهن است» - پ ۲۶۶ - ج ۱.

- «علت این است که استادان تجربه کاری در مطبوعات کشور ندارند و يك سري کلیات و تئوری را بدون توجه به کار عملی تدریس می‌کنند و دانشجوی نیز در حین تحصیل به هیچ‌وجه با آنچه در روزنامه‌ها می‌گذرد در ارتباط نیست» - پ ۲۶۷ - ج ۱.

- «خبرهای روزنامه بیشتر متکی به تلکس است و چون این خبرها به صورت نارسا تنظیم می‌شوند امکان مانور در آن بسیار محدود است. البته این اخبار را می‌توان با نوشتن لید مستقل به سبک تاریخی تنظیم کرد ولی الزامی در این مورد وجود ندارد.» - پ ۲۶۸ - ج ۱.

- «متولیان کنونی رسانه‌ها اعتقاد چندانی به استفاده از دانش این علم در کار خود ندارند.» - پ ۲۸۲ - ج ۱.

- «کاربرد تئوری‌های دانشگاهی در این رشته تحت تأثیر شرایط حاکم قرار می‌گیرد و این شرایط صحت کار روزنامه‌نویسی را مخدوش می‌کند.» - پ ۲۹۲ - ج ۱.

- «از آنجا که در کشور ما روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نیست و کار از يك نظام آرمانی بهره می‌گیرد لذا طبیعی است که ارزش‌های کار، رنگ عوض می‌کند و محتوای تئوریک آن از بین می‌رود.» - پ ۲۹۵ - ج ۱.

- «تفاوت چندانی نمی‌بینم ولی متأسفانه در دانشگاه به اندازه کافی دروس تخصصی نداشتیم و اکنون که عملاً وارد این رشته شده‌ام احساس خلأ علمی دارم در صورتی که دانشگاه به راحتی می‌توانست این خلأ را پرکند.» - پ ۲۶۲ - ج ۲.

- «در خصوص سبک، تنظیم و صفحه‌آرایی خبر شاید تفاوت زیادی نباشد اما در ارتباط با محتوا تفاوت‌هایی وجود دارد که بیشتر ناشی از نوع فرهنگ و حکومت است.» - پ ۲۶۳ - ج ۲.



- «آنچه در دانشکده تدریس می‌شد اکنون نیز ظاهراً مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در عمل بسیاری از مطالب آن کتاب‌ها به کار روزنامه‌نگاری در ایران نمی‌آید.» - پ ۲۶۴ - ج ۲.

- «معمولاً اساتید این رشته کسانی هستند که شاید در گذشته روزنامه‌نگار بوده‌اند و آنچه آموخته‌اند متعلق به گذشته است و برخی نیز مطبوعات ما را با غرب یکسان می‌دانند که موجب نارسائی‌هایی می‌شود.» - پ ۲۶۵ - ج ۲.

- «ما به عنوان فارغ‌التحصیلان رشته روزنامه‌نگاری سعی می‌کنیم که تفاوت‌های بین تئوری و عمل را به حداقل برسانیم اما متأسفانه گاهی شرایط بر ما چیره است. در بسیاری از موارد این تفاوت‌ها ناشی از شرایط طبیعی نیست بلکه تئوری‌های فراگرفته شده در مرحله عمل به دلیل سیاست‌های حاکم بر نشریه تغییر می‌کند.» - پ ۲۷۱ - ج ۲.

- «واقعیت این است که ژورنالیسم را در عمل، علم تلقی نمی‌کنند اگر نه سلسله مراتب عملی را هم مدنظر قرار می‌دادند. در این صورت جای بسیار کسانی که در حال حاضر مسئولیت‌های مهمی در مطبوعات دارند در مطبوعات نبود زیرا تمام روزنامه‌نگاران ما شیوه‌ها و تکنیک‌های روزنامه‌نگاری علمی را به کار نمی‌بندند و مسئولان نشریات هم بی‌تفاوت از کنار آن می‌گذرند.» - پ ۲۷۲ - ج ۲.

- «تکنیک‌های روزنامه‌نگاری تجربی تنوع بیشتری نسبت به تکنیک‌های آکادمیک دارند و گاه در مواردی مشابه این دو نوع دیدگاه با یکدیگر تضاد پیدا می‌کنند.» - پ ۲۷۳ - ج ۲.

- «علت اساسی تفاوت‌ها را باید در متن دروس جست‌وجو کرد، برخی از کتب این رشته مربوط به سال‌های ۴۰ تا ۴۵ هستند و یا عین ترجمه کتب خارجی هستند که مطابق با فرهنگ آن‌هاست ولی به عنوان یک علم مطلق در ایران تدریس می‌شوند.» - پ ۲۷۴ - ج ۲.

- «شرایط اجتماعی و سیاسی، مدیریت‌ها، عوامل درون سازمانی و برون سازمانی از عمده تفاوت‌های تئوری و عمل هستند.» - پ ۲۷۶ - ج ۲.

- «با توجه به کهنه بودن منابع درسی دانشگاهی و دوربودن اساتید این رشته از کار در مطبوعات، در عمل رابطه‌ای بین اطلاعات آن‌ها و روزنامه‌نگاری وجود ندارد. به نظر من اکنون زمان تحول در منابع آکادمیک رشته روزنامه‌نگاری است.» - پ ۲۷۸ - ج ۲.

- «به عنوان مثال سبک‌های خبرنگاری و مراعات ارزش‌های خبری هیچ‌گاه در روزنامه‌های موجود اعتنا نمی‌شوند. گرافیک، صفحه‌بندی، عکاسی و تایپ و امثالهم تقریباً در روزنامه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.» - پ ۲۷۹ - ج ۲.

- «در حین کار می‌بینم که به آموخته‌های ما توجه نمی‌شود و از طرف دیگر آموخته‌های ما بدون تجربه برای کار عملی کافی نیست.» - پ ۲۸۰ - ج ۲.

- «متأسفانه نیروهای جدید مطبوعاتی که با روزنامه‌نگاری آشنایی ندارند فقط سعی می‌کنند مقاصد سردبیر را دنبال کنند و این هم اکنون به صورت یک قانون درآمد و روزنامه‌ها را از وظیفه اصلی خویش دور کرده است.» - پ ۲۸۱ - ج ۲.

- «دروس دانشگاه بیشتر جنبه تئوریک دارند از طرف دیگر تفکر تجربی دست‌اندرکاران روزنامه‌ها مانع به کار بستن آموخته‌های تئوریک می‌شود.» - پ ۲۸۲ - ج ۲.

- «روزنامه‌نگاری در ایران به صورت تجربی شروع شده است و ماهرترین روزنامه‌نگاران کشور کسانی هستند و بودند که تحصیلاتشان در این رشته نبوده است.» - پ ۲۸۴ - ج ۲.

- «متأسفانه در کشور ما روزنامه‌نگاری ارزش و جایگاه خاص خود را بین مردم به خصوص تحصیل‌کرده‌های این رشته پیدا نکرده همچنین آنچه در دانشگاه فرا گرفته می‌شود با آنچه در عمل به کار می‌رود تاحدی متفاوت است.» - پ ۲۸۵ - ج ۲.

- «کلیه واحدهایی که ما در چهار سال در دانشکده گذرانیم می‌شد آن‌ها را در زمان کوتاه‌تری هم سپری کرد به طوری که واحدهای عمومی ما زیاد و واحدهای اختصاصی روزنامه‌نگاری کم بود. این کمبود سبب شد که ما به طور همه جانبه از شیوه‌های گوناگون انجام مصاحبه و تهیه گزارش و... مطلع نشویم.» - پ ۲۸۷ - ج ۲.

- «آنچه ما در دانشکده خواندیم بیشتر فرمول‌های کاری بود و در واقع ابزاری بودند که ما در ارائه کار بهتر و درک بیشتر این حرفه یاری می‌کردند اما در عمل با واقعیت‌هایی روبرو شدیم که ناچار خلاف آن راهی که آموخته بودیم قلم و قدم زدیم.» - پ ۲۸۸ - ج ۲.

- «عمده تفاوت‌ها به این دلیل است که پارامترهای مهمی از قبیل مسائل سیاسی، خودسانسوری، مشکلات اقتصادی، اجتماعی در کارهای گوناگون روزنامه‌نگاری تأثیر می‌گذارد.» - پ ۲۹۳ - ج ۲.

- «مطالب تئوري يا عملي‌اي که در دانشگاه گذرانده‌ايم با سيستم حاکم بر ادارات هماهنگي نداشته و حتي عکس آن عمل مي‌شود.» - پ ۲۹۶ - ج ۲.

- «هميشه و در همه زمينه‌ها بين دانشگاه و جامعه در مقام عملي تفاوت‌هايي هست. به‌طور کلي روزنامه‌نگاري در ايران هنوز هم به تجربه گذشته متکي است.» - پ ۳۰۰ - ج ۲.

- «البته اين بستگي به انعطاف سردبير يا مدير مسئول دارد که خبرنگار يا فارغ‌التحصيل روزنامه‌نگاري در آنجا مشغول به کار مي‌شود. برخي از سردبيران خواهان پياده‌شدن مواد تخصصي دانشگاه‌ها هستند و برخي به آنچه مي‌دانند بسنده مي‌کنند.» - پ ۳۰۸ - ج ۲.

- «به عنوان مثال در دانشکده علوم ارتباطات در درس‌هاي روزنامه‌نگاري از رسالت و آزادگي و واژه‌هاي ديگر در اين زمينه صحبت مي‌شود که در عمل تاحدي متفاوت است و ديگري مسئله سانسور و اتوسانسور است که بدون تدريس در دوره‌هاي روزنامه‌نگاري، تقريباً همه روزنامه‌نگاران آن را به ميزان زيادي تجربه کرده‌اند.» - پ ۳۱۵ - ج ۲.

- «اگرچه زماني مسائل کاري ممکن است با آموخته‌هاي ما تطابق نداشته باشد ليکن چون روزنامه‌نگاري از تجربه برخاسته است عموماً در عمل کارآيي دارد. در ضمن کساني که وارد رشته روزنامه‌نگاري شده‌اند آن را بسياري با ارزش مي‌دانند.» - پ ۲۶۹ - ج ۲.

- «در دانشکده اصول و روش‌هاي علمي تدوين، نگارش و روش‌هاي تهيه و تنظيم گزارش و خبر آموزش داده مي‌شود و اکنون نيز روزنامه‌ها تلاششان بر اين است که همان اصول و روش‌ها مورد استفاده خود قرار دهند.» - پ ۲۷۰ - ج ۲.

- «در مطبوعات فعلي پايندي به اصول روزنامه‌نگاري از نظر فرم مورد نظر است و حتي تشويق هم مي‌شود و اگر قصوري در کار باشد ناشي از سهل‌انگاري شخصي است.» - پ ۲۹۱ - ج ۲.

- «در کار من دقيقاً همان چيزهايي را مي‌بينيم که در تئوري خوانده‌ايم. منتها آن معلومات بدون تجربه کوچک‌ترين ارزشي ندارد و در مرحله کار و تجربه مي‌فهميم آن چيزهايي که خوانده بوديم چيست و براي چه است؟» - پ ۳۰۳ - ج ۲.

- «درس‌هاي اختصاصي روزنامه‌نگاري که در دانشکده علوم ارتباطات تدريس مي‌شد همه به کار روزنامه‌نگاري مربوط بود البته کمبودهايي هم داشت.» - پ ۳۰۵ - ج ۲.

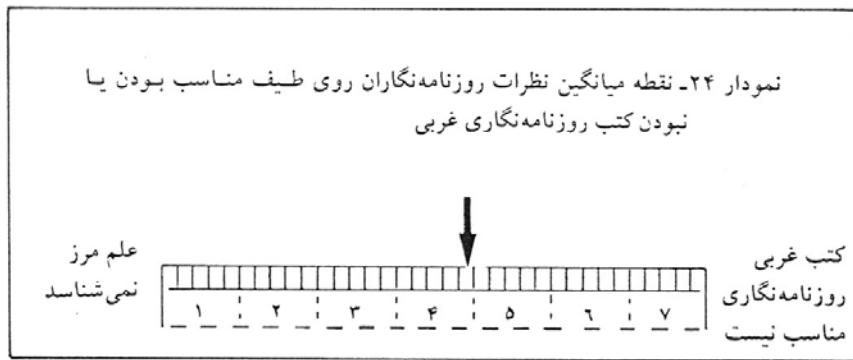
- «در اصول و روش تفاوت چنداني مشاهده نمي‌شود مثلاً تيتري، سوتيتري، خبرنگاري، گزارش‌نويسي و مصاحبه که اساس و رويه معينی دارند تفاوت زيادي در تئوري و عمل ندارند اما در بخش‌هايي از مطبوعات که سلیقه‌اي است و به سياست و خط مشي نشریه مربوط مي‌شود تا حدودي تفاوت وجود دارد.» - پ ۳۰۶ - ج ۲.

## ۲. توان متون درسي روزنامه‌نگاري در ارائه راه‌حل‌هاي جهان سوم

در سؤال شماره ۱۰ پرسش‌نامه‌هاي A و B، آورده شده بود:

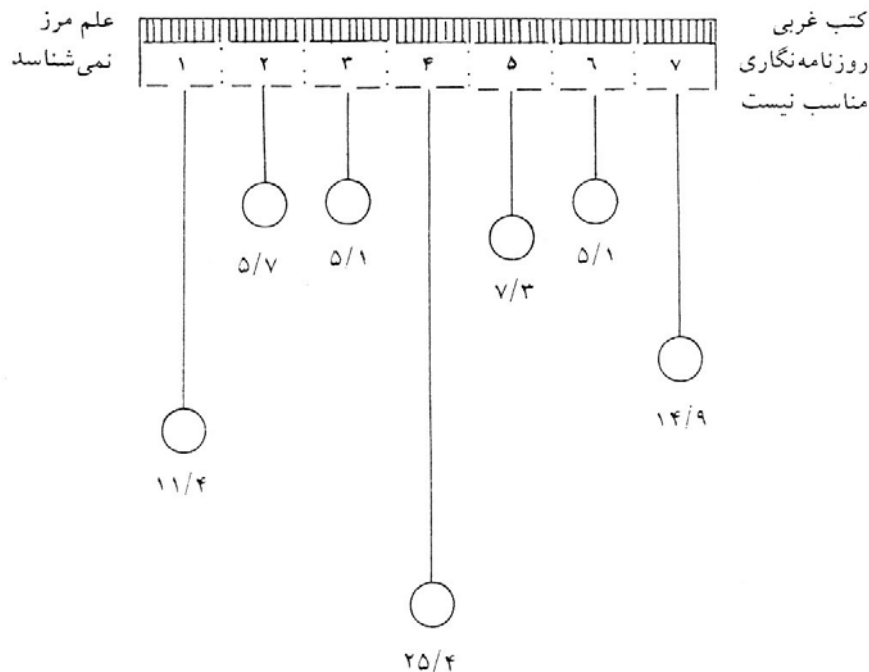
عده‌اي مي‌گويند که شرايط و اوضاع فعاليت‌هاي خيري در کشورهای جهان سوم با غرب متفاوت است. بنابر اين متون و کتب ترجمه شده از منابع دانشگاهي غربي نمي‌تواند راه‌حل‌هاي مسائل روزنامه‌نگاران جهان سوم را ارائه دهد و در واقع کتب مذکور جواب‌گوي مسائل آنان نيست و بايد براي اين جوامع متون درسي منطبق با آنچه در آنجا مي‌گذرد تدوين کرد. گروهی ديگر مي‌گويند علم مرز نمي‌شناسد و کتاب‌هاي روزنامه‌نگاري چه در جهان سوم و چه در کشورهای ديگر بايد کاربردي يکسان داشته باشد. لطفاً نظر خود را روي طيف زير با علامت \* مشخص فرموده علت پاسخ خود را توضيح دهيد.

اگر طبق جدول ۲۲، نمره افراي که نزديک‌ترين خانه به موافقت کامل با گروه اول پاسخ «کتب درسي غربي روزنامه‌نگاري مناسب نيست» را علامت زده‌اند ۷ و به همين ترتيب نزديک‌ترين خانه به موافقت کامل با گروه دوم پاسخ «علم مرز نمي‌شناسد، پس کتب غربي مناسب است» را عدد ۱ در نظر بگيريم و کساني که خانه وسط را علامت زده‌اند نمره ۴ و بقيه کساني که بيش از يك خانه را علامت زده‌اند را نيز ۴ در نظر بگيريم، ميانگين نمرات مذکور ۲/۹ با انحراف استاندارد ۲/۱ خواهد شد که مي‌توان روي طيف با يك فلش مشخص کرد. (نمودار ۲۴)



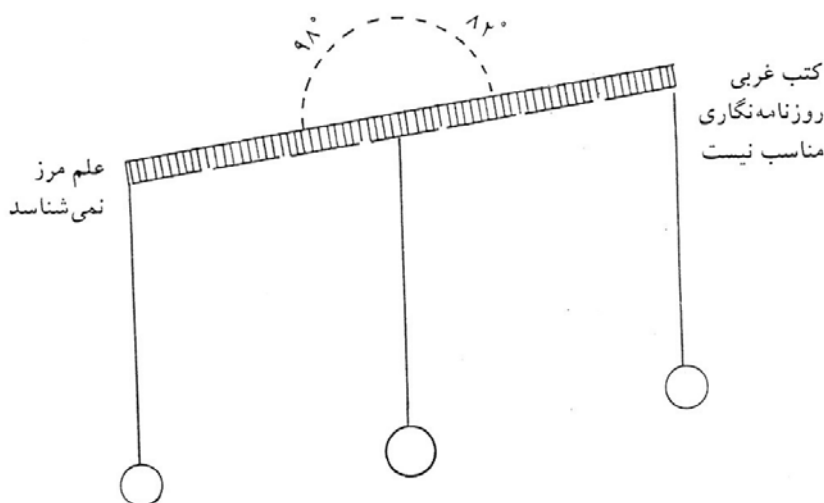
جدول ۲۳ نشان می‌دهد که ۲۵/۴ درصد پاسخ‌دهندگان نقطه وسط را علامت زده‌اند، ۱۴/۹ درصد کاملاً با گروه اول موافق و ۱۹/۴ درصد کاملاً با گروه دوم موافق می‌باشند و ۱۲/۴ درصد در درجاتی از توافق با گروه اول و ۱۰/۸ درصد در درجاتی از توافق با گروه دوم جای دارند و همین امر سبب انحراف استاندارد ۲/۱ شده است. وضعیت مذکور را می‌توان در طیف زیر نشان داد (نمودار ۲۵)

نمودار ۲۵. نیروی وارد بر محور افقی از سوی معتقدان به مناسب بودن یا نبودن کتب روزنامه‌نگاری غربی



برای اینکه بدانیم اگر بدانیم اگر این گرایش‌ها را به صورت وزنه در یک ترازوی واقعی بگذاریم، تمایل ترازو به کدام سو بیشتر خواهد شد، همان‌گونه که برای سؤال شماره ۵ عمل کردیم محاسباتی شد و نمودار ۲۶ به دست آمد:

نمودار ۲۶- نیروی وارد بر ترازو از سوی معتقدان به مناسب بودن یا نبودن کتب روزنامه‌نگاری غربی



میانگین نمره روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط  $2/7$  (با انحراف استاندارد ۲) و بدون تحصیلات مرتبط  $3/9$  (با انحراف استاندارد  $2/1$ ) می‌باشد. تجزیه و اریانس ( $F = 0/2545$ ,  $d.f = 11$  و  $d.f \text{ Alpha} = 1$ , Error) نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری میان این دو گروه نیست. مجموع این اطلاعات نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و همچنین بدون تحصیلات مرتبط هر کدام از سه گروه تقریباً هموزن تشکیل شده‌اند:

۱. آنانی که معتقد به تدوین منابع درسی منطبق با واقعیت‌های خبری ایران هستند.
۲. آنانی که معتقدند ترجمه منابع غربی می‌تواند رفع نیاز کند.
۳. گروهی که حالت ممتنع را دارند.

در زیر، نمونه‌ای از توضیحات ارائه شده از سوی پاسخ‌دهندگان آمده است. جواب ۷ نماینده نمره ۷ (نزدیک‌ترین خانه به موافقت کامل با گروه اول - کتب درسی غربی روزنامه‌نگاری مناسب نیست) و جواب ۱۱ نماینده نمره ۱ (نزدیک‌ترین خانه به موافقت کامل با گروه دوم - علم مرز نمی‌شناسد، پس کتب غربی مناسب است) می‌باشد. پرسش‌نامه‌های ۱ تا ۲۵۱ مربوط به روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط و پرسش‌نامه‌های ۲۵۲ تا ۳۱۵ مربوط به روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط است:

- «استفاده از وسایل گوناگون در ارسال خبر در کشورهای پیشرفته و عدم توان استفاده از آن‌ها در کشورهای جهان سوم، روزنامه‌نگاران را بر آن وامی‌دارد تا با استفاده از واقعیات جامعه خویش اقدام به تهیه خبر و گزارش نمایند بر همین اساس کتب مورد استفاده آن‌ها باید تهیه و تدوین شود.» - پ ۱۱ - ج ۷

- «جهان سوم ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختص به خود دارد که با کشورهای غربی متفاوت است، لذا روزنامه‌نگاران جهان سوم به مراتب بهتر می‌توانند به مسائل کشورشان بپردازند ولی مطالعه منابع دانشگاهی غربی می‌تواند صرفاً جهت کسب اطلاعات مفید باشد.» - پ ۲۹ - ج ۷

- «هر جامعه دارای شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص خود است از این رو کار نویسندگی در هر محیط بی‌تأثیر از شرایط آن جامعه نخواهد بود.» - پ ۳۲ - ج ۶

- «چون روزنامه‌نگاری با فرهنگ انسان‌ها سر و کار دارد و باید برای هر فرهنگ طبق ارزش‌های آن برنامه‌ریزی کرد.» - پ ۶۷ - ج ۷

- «بسیاری از اصول طراحی شده در غرب حتی در همان کشورها نیز قابل استفاده نیست و فقط به این دلیل وضع شده‌اند که دیگران را سرگرم کنند. به عنوان مثال یکی از اصول خبرنگاری، بی‌طرفی است که اصولاً با این فن منافات دارد همین که فردی مجبور است در ارائه اخبار دست به گزینش بزند مجبور می‌شود نظرات خود را دخالت بدهد به همین دلیل است که چنین اصولی غیرقابل پیاده‌شدن هستند و در هیچ‌جای دنیا نیز به آن‌ها عمل نمی‌شود.» - پ ۷۳ - ج ۷

- «داشتن منابع داخلی برای پیشبرد عملی روزنامه‌نگاری بسیار مهم است چرا که فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها در کشورهای مختلف با هم تفاوت می‌کنند بنابراین نگاهی از درون در موفقیت روزنامه‌نگار مؤثر است.» - پ ۷۸ - ج ۷

- «شرایط فرهنگی و فولکوریک مردم کشورهای مختلف امری است که در روند مطبوعات یک کشور نقش تعیین‌کننده دارد بنابراین علوم ارتباطات هر کشور باید با تفکر و فرهنگ بومی و اعتقادی کشور مربوطه هماهنگ باشد.» - پ ۸۴ - ج ۷

- «اول اینکه جهان غرب مجهز به پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها و وسایل است که یک روزنامه‌نگار با آن سر و کار دارد و مشکلات فردی روزنامه‌نگاران غربی به مراتب بسیار کمتر از یک روزنامه‌نگار در کشورهای جهان سوم است، دیگر آنکه یک روزنامه‌نگار غربی به عنوان یک حرفه‌ای به مسائل می‌نگرد در حالی که بسیاری از روزنامه‌نگاران جهان سوم یا بی‌تجربه‌اند یا اگر دوره آموزشی گذرانده‌اند به دلیل فقدان اساتید متبحر به جایی نرسیده‌اند.» - پ ۱۰۴ - ج ۷

- «با توجه به اینکه مطبوعات کشورهای مستبد شخصی می‌باشند جهت انتشار بسیاری از اخبار خارجی باید اجازه داشته باشند حتی خبرهایی که همه از آن مطلع هستند با این توضیح مشخص می‌شود که شیوه مطبوعات ما با غربیان متفاوت است.» - پ ۱۴۲ - ج ۷

- «از نظر کلیات شاید خوب باشد اما غرب همه کارهایش استعماری است و بدون غرض و کار نوشته‌ای را انجام نمی‌دهد یا نمی‌نویسد همچنین از نظر امکانات زمین تا آسمان با جهان سوم فرق می‌کند.» - پ ۱۴۵ - ج ۷

- «مشکل اساسی دروس ارتباطات و روزنامه‌نگاری کشور ما در این است که متون مذکور به تحولات کشور و جهان سوم نمی‌پردازد و اکثر دروس، غربی هستند که هیچ ربطی به مسائل کشور ما ندارد.» - پ ۲۶۷ - ج ۷

- «کشورهای جهان سوم مشکلات خاص خود را دارند بنابراین یک روزنامه‌نگار جهان سومی محتاج است که جهان خود را شناخته و بداند که چگونه باید وارد عمل شود.» - پ ۲۸۰ - ج ۷

- «توجه به نیازها و ویژگی‌های هر جامعه، نقش اصلی را در برنامه‌ریزی‌های فکری و فرهنگی به عهده دارد.» - پ ۲ - ج ۶

- «درست است که علم مرز نمی‌شناسد ولی متون و کتب ترجمه شده نیز باید متناسب فرهنگ کشورهای جهان سوم باشد.» - پ ۱۰ - ج ۶

- «عموماً دروس علوم انسانی از شرایط اجتماعی و فرهنگی محیط خویش تأثیر می‌پذیرند بدین نحو که مشکلات مربوط به یک موضوع خاص در کشورهای غربی با توجه به فرهنگ و تاریخ خاصشان در مقایسه با مشکلات جامعه ما فرق می‌کند بنابراین برای شناخت چنین مسائلی باید خصوصیات ایرانی آنها مورد توجه قرار گیرد البته این بدان معنا نیست که ما نتوانیم از نتیجه تحقیقات و علوم غربی‌ها بهره‌مند شویم.» - پ ۷۶ - ج ۶

- «در روزنامه‌نگاری گذشته از مطالب و محتوا، شیوه نگارش و روش القاء مفاهیم تا حد زیادی باید منطبق با عرف و آداب و رسوم هر منطقه باشد که البته منافاتی با اصول کلی روزنامه‌نگاری که به عنوان علم مطرح است ندارد.» - پ ۱۴۳ - ج ۶

- «با گروه نخست به این دلیل موافقم که امکانات جهان سوم از هر نظر با جهان اول متفاوت است، بنابراین بر مبنای امکاناتی که در جهان سوم هست باید کتاب مناسب نگاشته شود و یا امکانات جهان سوم را در حدی بالا ببرند که بتوانند از کتب غربی‌ها نیز استفاده کنند.» - پ ۱۵۱ - ج ۶

- «ممکن است متون غربی بتوانند در موارد تکنیکی به ما کمک کنند چون تجربه آنها از ما خیلی بیشتر است، ولی در مورد اصول باید تفاوت وجود داشته باشد زیرا همه‌ی هدف غربی‌ها براساس مادیات و موفقیت در تجارت و شهرت گذاشته شده است.» - پ ۲۲۲ - ج ۶

- «اگرچه بسیاری از تکنیک‌ها و فنون روزنامه‌نگاری قابل تعمیم است ولی باید بر روی شرایط داخلی و زمینه‌های فرهنگی، بومی هر کشور نیز کار شود و در عین حال مطبوعات ما باید بتوانند در سطح جهان قابلیت عرضه شدن داشته باشند.» - پ ۲۶۷ - ج ۶

- «روزنامه‌نگاری با زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عجین است و واضح است که زندگی مردمان کشورهای جهان سوم متفاوت با غرب است.» - پ ۳۰۸ - ج ۶

- «ما باید با توجه به پیشرفت منش‌های اجتماعی خویش، روزنامه‌نگاری خاص خود را داشته باشیم، تصور کنید که در کشوری که از حیاتی‌ترین ملزومات یک زندگی انسانی محروم است یک شبکه خبری همانند «C.N.I.N» ایجاد کنیم، پس از مدتی چیزی جز یک بافت خاص با رشد سرطانی نامعقول و ناهماهنگ با سایر مظاهر اجتماعی نخواهیم داشت.» - پ ۱۱۸ - ج ۵

- «اینکه شرایط در جوامع جهان سوم با کشورهای غربی متفاوت است قابل انکار نیست ولی از طرف دیگر بخشی از علم روزنامه‌نگاری کلی و عمومی است که دانستن آن برای تمام روزنامه‌نگاران جهان لازم و مفید است.» - پ ۱۳۱ - ج ۵

- «به هر حال تکنیک‌های روزنامه‌نگاری نیاپستی در دنیا دارای تفاوت‌های اساسی باشد البته دانستن برخی از خصوصیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع جهان سوم برای روزنامه‌نگار ایرانی الزام‌آور است و تکنیک‌های خاص خود را می‌طلبد.» - پ ۱۴۴ - ج ۵

- «به هر حال هر شاخه‌ای از علوم انسانی به ویژه علوم اجتماعی با شرایط و بافت آن جامعه مرتبط است و این بحث قابل انکاری نیست؛ البته مقصود از مرز نشناختن علم چیز دیگری است.» - پ ۱۵۴ - ج ۵

- «هر جامعه‌ای شرایط خاص خود را دارد مثل دوران فعلی ایران در مقایسه با قبل از انقلاب که تفاوت‌های بسیاری دارد و قابل چشم‌پوشی نیست. البته فراموش نکنیم که برخی از اصول کار در همه جای جهان یکسان است.» - پ ۲۶۰ - ج ۵

- «برای توضیح باید بگویم مثلاً در ایران ممکن است موانع کسب خبر بیشتر باشد و خبرنگار نیازمند آن است که راه‌های دیگری را برای از بین بردن این موانع بیاموزد یا اینکه شرایط داخلی را همراه با استفاده مثبت از علوم سایر کشورها و افزودن شیوه‌های خبرگیری و سوزه‌یابی ملی و اسلامی در نظر بگیرد.» - پ ۲۸۳ - ج ۵

- «درست به همین دلیل است که مسائل مردم و طرق فعالیت آن‌ها در حرفه روزنامه‌نگاری در کشورهای جهان سوم با کشورهای غربی متفاوت است و این امر تهیه و ترجمه متون رشته روزنامه‌نگاری مخصوص کشورهای جهان سوم را ضرورت می‌بخشد.» - پ ۲۸۸ - ج ۵

- «روزنامه‌نگاری یکسری قواعد و اصول بنیادی دارد که در همه جوامع قابل اعمال است اما به موازات آن باید به فرهنگ و شرایط اقتصادی، اجتماعی هر کشور توجه داشت.» - پ ۱۴ - ج ۴

- «من با هر دو گروه موافقم. دانستن شیوه روزنامه‌نگاری و تدریس آن در دانشگاه‌های غرب می‌تواند برای یک روزنامه‌نگار جهان سوم بسیار با ارزش باشد اما وقتی این آموزش با توجه به شرایط خاص کشورهای جهان سوم کاربردی ندارد آن وقت است که حرف گروه دوم کمی محق می‌نماید.» - پ ۱۹ - ج ۴

- «نخستین راه حل رضایت‌بخش استفاده از تجربه دیگران است، لکن ممکن نیست بدون تجربه‌های شخصی و به دور از تحقیقات منطقه‌ای ایده خویش را عملی سازیم.» - پ ۳۳ - ج ۴

- «بایستی تجربه غربیان را در قالب علوم و معارف اسلامی گنجانند چون علوم غربی به‌طور مستقل قابلیت طرح و اجرا ندارند.» - پ ۳۸ - ج ۴

- «سیستم‌های خبررسانی در کشورهای رو به رشد به لحاظ گستره کار خبر، خواه ناخواه با سیستم‌های خبری غرب ارتباط پیدا می‌کنند، لذا آموزش‌های غربی برای درک زیر و بم‌های کار لازم هستند، هر چند که شرایط خاص کشورهای جهان سوم نیز باعث می‌شود که خبرنگاران این کشورها با توجه به ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خود آموزش‌های کلاسیک نیز داشته باشند.» - پ ۸۲ - ج ۴

- «هر دو نظر حالت افراطی دارند زیرا برای تدوین متون درسی روزنامه‌نگاری در کشورهای جهان سوم حتماً باید از متون درسی کشورهای دیگر آگاه بود هر چند که به نظر من اصول پایه در هر کاری می‌تواند مشترک باشد اما اگر بخواهیم با افراط با این قضیه برخورد کنیم، می‌گویید: «به لقمان گفتند ادب از که آموختی گفت از بی‌ادبان» که البته نظر دانشمندان چه غربی چه شرقی نمی‌تواند بی‌ادبی باشد و حتماً آگاهی‌هایی برای یک روزنامه‌نگار چه شرقی، چه غربی وجود دارد. البته جای متون خاص جامعه‌مان خالی است.» - پ ۹۳ - ج ۴

- «به نظر من هر روزنامه‌نگار حرفه‌ای که کارشناس این رشته است باید با موضوعات آکادمیک رشته خویش که در سطح جهانی مطرح می‌شود آشنایی داشته باشد، یعنی تئوری‌ها را خوب بداند و فعالیت‌های عملی کار خویش را براساس خصوصیات و ساخت جامعه‌اش انجام دهد، چون کاربرد مواردی که در سطح هر جامعه مطرح است ممکن است با کاربرد موردی نظام بین‌الملل متفاوت باشد.» - پ ۹۹ - ج ۴

- «یک روزنامه‌نگار همواره در میان جامعه و برای مردم کار می‌کند در نتیجه کار او همیشه متأثر از فرهنگ و عقاید اجتماعی است پس علاوه بر اصول کلی و عام کار که برای همه روزنامه‌نگاران جهان عمومیت دارد، لازم است تا حساسیت‌های هر جامعه‌ای نیز مدنظر قرار بگیرد.» - پ ۱۰۲ - ج ۴

- «ما در اصول و سبک‌های روزنامه‌نگاری نمی‌توانیم خودمان را تافته جدا بافته از مطبوعات غربی بدانیم. در همه جای دنیا شکر شیرین و نمک شور است، اما مهم‌ترین وظیفه يك روزنامه‌نگار پاسخ‌گویی به نیازهای خبری و فرهنگی جامعه‌اش می‌باشد و انجام این وظیفه مستلزم شناخت مخاطبان و آشنایی با انگیزه‌های اجتماعی آنان است.» - پ ۱۱۷ - ج ۴

- «باید با توجه به مسائل موجود کشورهای جهان سوم و با استفاده از تجربیات مؤفق کشورهای پیشرفته اقدام به تدوین متون درسی روزنامه‌نگاری کرد.» - پ ۱۲۸ - ج ۴

- «آگاهی از فرهنگ، باورها و سنت‌های موجود کشورهای جهان سوم و شناخت سیستم‌های حکومتی و شیوه‌های اعمال قدرت در این کشورها برای روزنامه‌نگاران جهان سوم الزامی است و در عین حال لازم است که این روزنامه‌نگاران با آخرین دستاوردهای علمی و تکنولوژی یکی در زمینه وسایل ارتباط جمعی آشنا شده و در این زمینه آموزش ببینند.» - پ ۱۳۹ - ج ۴

- «با اینکه شرایط متفاوت است ولی اصل روزنامه‌نگاری در همه جای جهان یکسان است. نه ما می‌توانیم آنچه غربی‌ها تألیف کرده‌اند بپذیریم و نه می‌توانیم اصول خاصی برای کشورمان تدوین کنیم.» - پ ۲۸۴ - ج ۴

- «من معتقدم برای موفقیت در روزنامه‌نگاری باید آخرین تئوری‌های روزنامه‌نگاری و اطلاعات روز مطرح شده در سطح جهان را فرا گرفته و آن‌ها را آگاهانه مطابق شرایط محلی به کار گیریم.» - پ ۲۷۱ - ج ۴

- «شیوه‌های تهیه و نگارش اخبار و مطالب که به صورت علمی مطرح می‌شوند چه در غرب و چه در کشورهای جهان سوم می‌توانند مورد استفاده واقع شوند ولی از نظر محتوا نحوه برخورد با مسائل آموزشی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این جوامع تفاوت‌هایی وجود دارد که کتب و منابع دیگری را طلب می‌کند.» - پ ۲۹۱ - ج ۴

- «عقاید هر دو گروه مهم و اساسی است اما باید متون علوم و پدیده‌های جهان را طوری ترجمه و تألیف کرد که با فرهنگ جامعه ما تطبیق و هماهنگی داشته باشد.» - پ ۲۹۹ - ج ۱

- «در جوامع جهان سوم موقعیت تبلیغات و نسبت آن با ارتباطات شناخته نشده است در حالی که کتب مطبوعه در این زمینه به هر دو مسئله عنایت دارند و با چشم‌پوشی آن‌ها کتاب گنگ وی مفهوم خواهد شد.» - پ ۳۰۱ - ج ۴

- «به نظر من تلفیقی از تکنیک پیشرفته غرب با مقتضیات و ویژگی‌های کشورهای جهان سوم می‌تواند برای کشورها چاره‌ساز باشد.» - پ ۳۱۲ - ج ۴

- «درست است که معیارها، اصول و ارزش‌هایی که در کتب خارجی درباره روزنامه‌نگاری نوشته می‌شود در بسیاری از موارد با اصول و فرهنگ حاکم بر جوامع جهان سوم مغایرت دارد ولی نباید به این بهانه خود را از روش‌های جدید علوم ارتباطات و تحولاتی که در زمینه رشته روزنامه‌نگاری صورت می‌گیرد دور نگاه داریم. بلکه باید با برنامه‌ریزی درازمدت به تدریج معیارهای جدیدی جانشین معیارهای قدیمی کرد و گذشته از این‌ها در مواردی با توجه به فرهنگ حاکم اصول جدیدی را پایه‌ریزی کرد.» - پ ۳۱۲ - ج ۴

- «هرچند علم روزنامه‌نگاری در جهان سوم متفاوت با غرب است ولی باید از شیوه‌های روزنامه‌نگاری غرب اطلاع داشته و خود را از نظر فنی و تخصصی به آن‌ها برسانیم. البته خبرنگاران غربی از نظر وجدان کاری و معنوی کمبود دارند.» - پ ۷۷ - ج ۳

- «برای اینکه شناختی از يك علم داشته باشیم باید به پایه و اساس و عناصر اصلی آن علم آگاهی پیدا کرده و در جهت استفاده مؤثر از آن بکوشیم مخصوصاً علوم اجتماعی که بایستی آن را با مسائل کشور خود منطبق کرده و از آن استفاده بهینه بکنیم.» - پ ۱۱۳ - ج ۳

- «چون کار مطبوعات جهانی در رابطه با افکار عمومی است باید افراد جامعه خویش را به خوبی شناخته و براساس ویژگی‌هایشان با آنان برخورد کنیم.» - پ ۱۷۴ - ج ۳

- «ما باید با استفاده از تکنیک‌های غربی بتوانیم خود را به سطح استاندارد بین‌المللی برسانیم البته شرایط خاص این موضوع نیز باید فراهم شود تا برای کشورهای جهان سوم سوددهی داشته باشد. در این رابطه وسایل ارتباط جمعی نقش بسیار حساسی ایفا می‌کنند.» - پ ۱۹۲ - ج ۳

- «اینکه علم مرز نمی‌شناسد و بیشتر متون علمی در دانشگاه‌ها غربی است، شکی وجود ندارد ولی نظر گروه اول نیز قابل تأمل است چرا که شرایط جهان سوم به لحاظ سیاسی و

تکنولوژی چاپ و امثالهم کاربرد علم روزنامه‌نگاری را دچار اختلال کرده و کاربری لازم آن را گرفته است.» - پ ۲۷۹ - ج ۲

- «البته بهره یافتن از علوم روز دنیا نه تنها بد نیست بلکه کاملاً پسندیده است ولی متأسفانه غربی‌ها در لابه‌لای کار خود اصول فرهنگی خود را به شدت القاء می‌کنند. از طرف دیگر معیارهای آنان با ما متفاوت است برای آنها ارزش‌های ما ضدارزش است و بسیاری از ارزش‌های آنها برای ما ضدارزش است لذا ما بایستی تا اندازه «آموختن تکنیک‌های روزنامه‌نگاری» از آنها بیاموزیم.» - پ ۴۶ - ج ۲

- «در این زمینه ابتدا باید ماهیت خبرنگار، ارزش خبر و رابطه خبر با مردم در هر جامعه‌ای بررسی شود ولی متأسفانه در کشورهای جهان سوم از جمله ایران اگرچه خبرنگار با کمترین امکانات، حداکثر فعالیت خود را در جهت بهبود کیفیت اخبار انجام می‌دهد ولی مردم به روزنامه بهاء نمی‌دهند و از آن در اموری چون بسته‌بندی اشیاء استفاده می‌کنند البته مهم، رساندن هدف است.» - پ ۱۷۲ - ج ۲

- «دوره‌های آموزشی روزنامه‌نگاری چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای جهان سوم حد و مرزی ندارد، البته راه‌حل‌های قطعی فرق می‌کند چرا که شرایط هر جامعه‌ای راه‌حل مناسب خود را اقتضاء می‌کند.» - پ ۲۸۵ - ج ۲

- «اصولاً ایجاد ارتباط با خواننده هیچ مرز مشخصی ندارد و اینکه جهان سوم را با غرب دو فاز جدا دانستن یک اشتباه محض است مطمئناً منابع دانشگاهی غرب برای پیشرفت یک خبرنگار جهان سومی مؤثر هستند.» - پ ۷ - ج ۱

- «به نظر من علم و تکنیک مرز نمی‌شناسد و باید آن را از هر کشوری که دارای تکنیک برتر است فرا گیریم.» - پ ۲۶ - ج ۱

- «درست نیست که بگوییم چون پیشرفت روزنامه‌نگاری در جوامع مترقی بالا بوده ما نباید از آن استفاده کنیم بلکه برعکس باید از فعالیت‌ها و منابع خبری آنها در بهبود سیستم روزنامه‌نگاری کشورمان استفاده کنیم.» - پ ۵۱ - ج ۱

- «اصول روزنامه‌نگاری همه جا یکسان است و تنها در نگرش‌ها اندکی تفاوت وجود دارد.» - پ ۶۳ - ج ۱

- «چون آشنایی با مسائل و اطلاعات پیشرفته علمی جهانی را برای رقابت با مطبوعات سایر کشورها مفید و موثر می‌دانم.» - پ ۱۰۸ - ج ۱

- «آشنایی با یافته‌ها و تجارب دیگران مفید است منتها در عمل باید با توجه به نگرش‌های اجتماعی جانب احتیاط را رعایت نمود.» - پ ۱۲۷ - ج ۱

- «وسایل ارتباط جمعی در غرب روز به روز گسترش یافته و مدرن‌تر می‌شوند و چنانچه از مسائل روزنامه‌نگاری نوین جهانی آگاهی نداشته باشیم قادر به درک مسائل و مقابله با آن رسانه‌ها نخواهیم بود.» - پ ۱۴۱ - ج ۱

- «چون روزنامه‌نگاران جهان سوم عملکرد ضعیف‌تری نسبت به روزنامه‌نگاران غربی دارند مطالعه کتب تخصصی به آنها کمک می‌کند تا ضعف‌های خود را شناخته و درصدد رفع آن برآیند.» - پ ۱۸۰ - ج ۱

- «علم مرز نمی‌شناسد، برای مثال وقتی کتاب روزنامه‌نگاری در عصر الکترونیک تألیف دکتر مارتین ال گیسن را می‌خواندم حس کردم که کتاب با روزنامه‌نگار گمنام جهان سومی صحبت می‌کند.» - پ ۲۲۹ - ج ۱

- «دنیا امروز دنیای علم است، نشاید که چشم بر علم و تکنولوژی از جمله ژورنالیسم ببندیم. در حال حاضر به دلیل بی‌توجهی به علم روزنامه‌نگاری در کشورهای جهان سوم از جمله ایران علی‌رغم حرکت‌هایی که شده از زمین تا آسمان تفاوت است و تا این فاصله پر نشود، اهرم قدرت همیشه در دست کشورهای پیشرفته خواهد بود.» - پ ۲۷۲ - ج ۱

- «هر علمی بستگی تام به نحوه استفاده و کاربرد آن دارد و قطعاً ملحوظ داشتن فاکتورها و ارزش‌های مورد نظر هر جامعه‌ای می‌تواند در کاربرد آن علم مؤثر باشد.» - پ ۲۸۲ - ج ۱

- «با توجه به اهمیت تبلیغات و روان‌شناسی و پیشرفت آنها، منابع، متون و کتب غربی راه‌های خاصی جهت نفوذ در افکار عمومی به ما آموزش و نقش مؤثری برای فعالیت‌های روزنامه‌نگاری ایجاد می‌کند.» - پ ۳۰۲ - ج ۱

- «من از درک نظر افراد گروه اول در شرایطی که ماهواره سراسر جهان را تحت تأثیر گرفته عاجزم.» - پ ۳۰۵ - ج ۱



- «اصول علمي هر فن و حرفه‌اي مانند اصول رياضي در همه جا يكسان است.» - پ ۳۰۷ - ج

۱.

## ۲. دروس مورد نیاز

در سؤال ۱۱ پرسش‌نامه‌های A و B کوشش شده بود که از طریق دست‌یابی به رتبه‌بندی‌های پاسخ‌دهندگان برای هر یک از مقوله‌های آموزشی، نیازهای آنان مشخص شود. به این منظور در سؤال مذکور آمده بود: «از میان مباحث آموزشی زیر، پنج مورد را که بیش از بقیه، خود و همکارانتان را نیازمند گذراندن آن‌ها می‌دانید به ترتیب اولویت مشخص فرمایید. (داخل پرانتزها، اولویت‌ها را ذکر فرمایید. اولویت اول با شماره يك و اولویت پنجم با شماره ۵ مشخص شده است.) لازم به توضیح است پاسخ‌دهندگان بیش از ۵ رتبه را تعیین کرده‌اند و حتی در مواردی تا ۱۲ رتبه را مشخص نموده بودند. به همین دلیل رتبه از ۱ تا ۷ کدگذاری شد.

اگر میانگین رتبه‌های تعیین شده برای هر موضوع درسی را که در جداول ۲۴ تا ۲۵ آورده شده شاخص رتبه‌بندی نظر مجموع پاسخ‌دهندگان قرار دهیم به ترتیب درجه اهمیت، دروس مورد نیاز پاسخ‌دهندگان به شرح زیر است:

۱. روش تدوین خبر (شناخت عناصر و ارزش‌های خبر، سبک‌های خبرنویسی، تیترونیسی و ...)
۲. شیوه نگارش فارسی در روزنامه‌نگاری
۳. روش‌های مصاحبه خبری
۴. روش گزارش‌نویسی (رپرتاژ)
۵. مقاله‌نویسی
۶. آنکت‌نویسی (گزارش تحقیقی)
۷. نگارش نقدهای سیاسی - اجتماعی
۸. جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی
۹. شناخت تئوری‌های علوم ارتباطات
۱۰. تاریخ مطبوعات ایران
۱۱. عکاسی خبری

در انتهای سؤال ۱۱، از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود دروس دیگری را که در این مورد ضروری می‌دانند نام ببرند. پاسخ‌های روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط به ترتیب فراوانی، عبارت است از: زبان خارجی، تاریخ معاصر جهان، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، کامپیوتر، اصول طراحی، روش‌های صفحه‌بندی، شیوه‌های تدوین‌نویسی، سبک‌های ورزشی‌نویسی، جامعه‌شناسی سیاسی، آشنایی با مطبوعات جهان سوم و غرب.

پاسخ‌های روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط به ترتیب فراوانی، عبارت است از:

آشنایی با گرافیک و صفحه‌آرایی، آشنایی با روزنامه‌نگاری نوین، آموزش زبان تخصصی، آموزش عمومی زبان خارجی، روش تحقیق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات ایران و جهان. برای مقایسه رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و سایر روزنامه‌نگاران، فراوانی هشت رتبه تعیین شده (رتبه يك تا ۷ و صفر) برای هر مقوله با فرمول کای اسکور محاسبه شد. اگر سطح اطمینان ۹۵ درصد و بیشتر را مبنای قرار دهیم، اختلاف نظر فقط در مورد «شیوه نگارش فارسی در روزنامه‌نگاری» وجود دارد که روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط، رتبه بالاتری به آن داده‌اند (میانگین رتبه‌ها ۲/۴ و ۲/۸) و در واقع رتبه‌های تعیین شده از سوی هر دو گروه روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و بدون تحصیلات مرتبط، در بسیاری موارد مشابه است.

## ۴. نتایج گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری

در فصل اول این گزارش گفته شد که ۳۴/۱ درصد روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات مرتبط، دوره‌های کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند، در آن فصل، فاصله گذراندن دوره‌های مذکور تا زمان پرسش، مدت دوره و محل گذراندن دوره معرفی شد.

در سؤال ۹ پرسش‌نامه B، از روزنامه‌نگارانی که دوره مذکور را گذرانده‌اند خواسته شده بود که نتایج دوره مذکور را توضیح دهند.

۳۴ درصد از آنانی که چنین دوره‌هایی را گذرانده‌اند به نحوی اظهار داشته‌اند که کلاس‌ها و محتوای آن‌ها بسیار مفید بوده است. (۳۸ نفر)، ۱۵ نفر گفته‌اند که این دوره‌ها به آنان کمک کرده که با اصول روزنامه‌نگاری آشنا شوند. ۳ نفر گفته‌اند که فرصتی بوده تا با اساتید مطبوعات آشنا شوند. ۲ نفر آن را وسیله‌ای برای آشنایی با تاریخچه و اهمیت روزنامه‌نگاری دانسته‌اند، ۲ نفر آن را

وسيله‌اي براي آشنائي با تاريخچه و اهميت روزنامه‌نگاري دانسته‌اند، ۲ نفر آن را وسيله‌اي براي آشنائي با اصول ارتباطات گفته‌اند.

از بين رفتن كمبودها و نقاط ضعف حرفه‌اي و پي‌بردن به تفاوت تئوري‌ها و عمل، از نظرات ديگر افرادي بود كه از اين دوره‌ها تجربيات مثبتي داشتند. ۹ نفر از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند كه اين آموزش‌ها تا حدي مؤثر بوده است، ۷ نفر آن‌ها را دوره‌هايي كم‌بار و غيرمفيد ناميده‌اند و ۳ نفر مطالب و محتوای دروس را كليشه‌اي و تكراري دانسته‌اند. نمونه‌اي از نوشته پاسخ‌دهندگان در اين باره به شرح زير است:

- «تشكيل اين كلاس‌ها بازتاب بسيار خوبي در كار روزنامه‌نگاري داشته و بسياري از نقاط ضعف و كمبودها را البته تا حدودي كاسته كه به نظر من در صورت استمرار پيوسته چنين كلاس‌هايي، مي‌توان به آن نتيجه مطلوب كه مورد نظر همگان است رسيد.» - پ ۵

- «در طي دوره مذکور ضمن اصلاح از وضعيت روزنامه‌نگاري در جهان و تاريخچه آن به اهميت اين شغل پي‌بردم و با رسالتي كه يك خبرنگار با آن مواجه است آشنا شدم. همچنين اصول روزنامه‌نگاري، نگارش فارسي در مطبوعات را با تجربياتي كه در دوران خبرنگاري به دست آورده بودم مقايسه و راه بهتر را در انجام كار مدنظر قرار دادم و اگر اين كلاس‌ها در شهرستان‌ها هم داير شود بسيار مؤثر خواهد بود.» - پ ۱۱

- «ترم اول به لحاظ اينكه به طور عملي خبرنگاري كرده بودم دروس مربوط به اين بخش زياد مؤثر نبود ولي از ساير دروس استفاده كردم و ديد بازتري نسبت به اين كار پيدا كردم. در ترم دوم درس‌ها متأسفانه فشرده بود و حجم دروس نسبت به مدت زمان آن بسيار زياد بود كه نتايج مطلوبي به دنبال نداشت ولي با اين وجود استفاده‌هاي زيادي كردم كه مثمرتر بود.» - پ ۲۵

- «اگرچه در طي اين دوره امتياز مناسب كسب نكردم اما دانسته‌هايم در رابطه با اين حرفه به طور کاربردي زياد شد و اثر زيادي بر روي كارم گذارد كه يكي از تجارب كاري‌ام است.» - پ ۳۶

- «متأسفانه بايد بگويم كه به علت بافت كلاس و افراد شركت‌كننده، هيچ‌كدام از مواد آموزشي به درد آن‌ها نخورد زيرا من در ميان حدود ۶۰ نفر، تنها خبرنگار نشريات روزانه بودم و بقيه، كارمندان مجلات ماهيانه و تخصصي بودند كه هيچ‌كدام از مواد آموزشي به اعتراف خودشان در پروسه كار برايشان مفيد نيست و از سر اجبار و دستور اداري در اين دوره شركت كرده بودند و بعد از مدتي از حضور در كلاس مذکور خودداري كردم.» - پ ۴۵

- «از نظر آشنائي با فنون روزنامه‌نگاري و تاريخچه و سير تحولات اين رشته همچنين آشنائي با علوم ارتباطات و تعيين جايگاه مطبوعات در وسايل ارتباط جمعي خيلي مفيد بود.» - پ ۶۷

- «در اين دوره تنها با طرز كار با دوربين و عكاسي خبري آشنا شدم. البته فعاليت كاري و عملي نيز انجام داديم كه عكس‌هايي گرفته شد و كارشناس مربوط به آن‌ها امتياز مي‌داد.» - پ ۷۷

- «موضوعاتي كه در اين دوره آموزش داده شد براي روزنامه‌نگاراني كه در روزنامه فعاليت مي‌كنند مفيد بود ولي براي افرادي چون من كه در مجلات فعاليت دارند تنها مصاحبه و آشنائي با تاريخ رسانه‌هاي گروهی مفيد هستند ولي اصول خبرنويسی و ساير دروس چندان کاربردي ندارند، البته بهتر است كه در اين كلاس‌ها شيوه مقاله‌نويسی تدریس شود تا نويسندگان مقاله در مجلات بتوانند از آن بهره ببرند.» - پ ۹۹

- «اين دوره تا حدودي ديد من را نسبت به كار كلاسيك روزنامه‌نگاري باز كرد و نقطه‌هاي كور را تا حدودي براي روشن كردن و نسبت به گذشته ديده‌گام فرق كرد. اصولاً بايد گفت كه هيچ دوره آموزشي را نبايد بي‌اهميت قلمداد كرد و آموزش همراه با كار عملي موفق‌ترين آموزش است.» - پ ۱۱۵

- «اگر بگويم كه دوره نتايج مثبتي داشت بيش از حد غلو كرده‌ام و اگر هم بگويم كه مفيد نبوده بي‌انصافي كرده‌ام. آنچه مسلم است از كلاس‌هاي ترم اول بهره بردم كه به ترم دوم روي آوردم اما معتقدم كه مركز آموزش رسانه‌ها بيشتر از اينها مي‌توانست كار كند و هنوز هم جا دارد كه به آموزش روزنامه‌نگاري اهميت بيشتري داده شود.» - پ ۱۱۷

- «در زمان كار عملي در روزنامه به مشكلات بسياري برخورد كردم كه نمي‌دانستم از كجا براي آن‌ها پاسخي بيابم. چون در محل كار من فارغ‌التحصيل اين رشته وجود ندارد و تنها فرد آشنا به اين رشته پست ديگري گماشته شده است، نشريه به دست كساني افتاده كه تخصصي در اين زمينه ندارند. كلاس‌هاي روزنامه‌نگاري هر چند كه موارد نقصي داشت اما از كلاس‌هاي شيوه نگارش فارسي در مطبوعات، جامعه‌شناسي ارتباطات، خبرنويسی،

گزارش‌نویسی بهره‌سپاری گرفتم و به مرکز رسانه‌ها توصیه می‌کنم که فرصت گذراندن این کلاس‌ها را برای همه فراهم کند.» - پ ۱۳۶

- «اگرچه هنوز دوره‌ام را به پایان نبرده‌ام اما با این حال خوشحالم که به رغم داشتن تجربه کار و داشتن مسئولیت سردبیری مجله، بسیاری از نکات مورد بحث در کلاس برای من تازگی داشت و خیلی جالب بود.» - پ ۱۴۴

- «چون هنوز دوره‌ام تمام نشده، نمی‌توانم اظهار نظر کلی بکنم ولی تا حدودی با اصول روزنامه‌نگاری و نکاتی که باید در این حرفه رعایت شود آشنا شده‌ام و اثر مثبتی در کارم گذاشته و خواهد گذاشت. در ضمن اگر دوره‌های آموزشی ادامه داشته باشد تأثیر بسیار مطلوبی در روزنامه‌نگاری خواهد داشت.» - پ ۱۶۵

- «البته این دوره‌ها مفید است به شرط اینکه چند نکته رعایت شود:

۱. خبرنگاران و روزنامه‌نگاران باتجربه هر چند اندک در کنار مبتدیان در کلاس آن‌ها قرار نگیرند.

۲. اساتید، نمونه‌های عملی خبر و گزارش و... را به همراه تئوری از دانشجویان بخواهند.

۳. دانشجویان در پایان دوره گزارش گونه‌ای داشته باشند که عناصر و سبک‌های مورد نظر استاد در آن مشخص باشد.» - پ ۱۸۱

- «دوره‌ها مؤثر است و در تأثیر آن نمی‌توان انکار نمود اما آنچه بیشتر سبب موفقیت در این کلاس‌ها بوده است ذوق و علاقه است به طوری که دوستانی که از این عناصر خالی بوده‌اند علی‌رغم هوش بالا در این کلاس‌ها، از ادامه دادن آن منصرف شدند.» - پ ۱۸۹

- «دوره بسیار عالی بود. من از سال ۶۳ وارد مطبوعات شدم و در بخش‌های مختلف کار کردم. از سال ۶۶ بیش از ۴۰ درصد سرمقاله‌های مجله دنیای ورزش را من می‌نوشتم، اما پس از شرکت در کلاس آموزشی روزنامه‌نگاری دانستم که از کار علمی روزنامه‌نگاری نوین بسیار دور هستم حال این وضعیت کسی است که شمه‌ای از فعالیت‌هایش ذکر شد دیگر خودتان بخوانید حدیث مفصل از این مجمل - مسئله آموزش بسیار حیاتی است و باید اجباری شود حتی پیشنهاد می‌شود برای علاقه‌مندان شاغل در مطبوعات سهمیه‌ای برای ادامه تحصیل در دانشکده‌های علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری در نظر گرفته شود. یکی از فواید این دوره برای من این بود که دریافتم کاری که هم‌اکنون در بسیاری از رسانه‌های گروهی مکتوب صورت می‌گیرد کار روزنامه‌نگاری نیست.» - پ ۱۹۱

- «این دوره چون اطلاعات ضروری را به طور فشرده در اختیارم گذاشت بسیار مفید بود و به طور کل نگرش من را نسبت به روزنامه‌نگاری اصلاح کرد، اما هنوز معتقدم که تنها راه را برای من کوتاه کرد و چنین دوره‌هایی توانایی شرکت‌کننده را تنها تا سطح معینی ارتقاء می‌بخشد و بیشتر از آن برعهده تیزبینی، هوشیاری و شم خبری فرد است.» - پ ۱۹۵

- «البته این دوره یکماه، نخستین آشنایی من با روزنامه‌نگاری نبود. من زمینه قبلی داشتم و کتاب روزنامه‌نگاری دکتر معتمدنژاد را خوانده بودم. این یک ماه بسیار مفید بود و مطالبی را که خوانده بودم به طور عملی تجربه کردم.» - پ ۲۴۳

- «اگر در چنین دوره‌هایی استاد و دانشجو قیودات خاص سیاسی و اجتماعی نداشته باشند و بتوانند نظرات خود را بدون واژه‌ها از تجسس یا تأثیر بر سرنوشت کاریشان با یکدیگر مبادله کنند، گذراندن چنین دوره‌هایی علاوه بر ضرورت مفید نیز خواهد بود.» - پ ۲۴۹

## ۵. توصیه‌هایی برای تدوین برنامه جامع آموزشی حین خدمت روزنامه‌نگاران

در سؤال ۱۵ در پرسش‌نامه‌های A و B گفته شده بود: «اگر بخواهند یک برنامه آموزشی حین خدمت جامع و گسترده برای روزنامه‌نگاران ایرانی تدوین کنند، جناب‌عالی برای برنامه‌ریزان چه توصیه‌هایی دارید؟»

در جدول زیر پیشنهادات مطرح شده همراه با تعداد روزنامه‌نگارانی که مطرح کننده پیشنهاد بوده‌اند، به شرح زیر است:

توصیه	تعداد نفر
۱. روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط	۱۵ نفر
- دوره‌های آموزش تکنیک‌های روزنامه‌نگاری تشکیل شود	۱۱ نفر
- از اساتید متخصص و باتجربه استفاده شود	۱۱ نفر
- به ادبیات فارسی و شیوه نگارش توجه شود	۶ نفر
- روزنامه‌نگاران علاقه‌مند به آموزش گزینش شوند	۶ نفر
- اقداماتی برای ایجاد انگیزه به آموزش به عمل آید	۶ نفر

- روش‌های نوین روزنامه‌نگاری و آخرین اطلاعات مربوط به آن تدریس ۵ نفر
- شود ۵ نفر
- در برنامه‌های آموزشی، تئوری باعمل همراه شود ۴ نفر
- به مباحث جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی توجه شود ۴ نفر
- برنامه‌ریزی متون درسی منطبق با جو حاکم بر مطبوعات ایران باشد ۴ نفر
- علوم انسانی و پایه تدریس شود ۳ نفر
- دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت بیشتری برگزار شود ۲ نفر
- فرهنگ اسلامی در دوره‌های آموزشی در نظر گرفته شود ۲ نفر
- جزوه‌های آموزشی منتشر شود ۲ نفر
- پس از پایان دوره مدرک داده شود ۲ نفر
- تجربیات روزنامه‌نگاران برجسته جهانی عنوان شود ۲ نفر
- به اخلاق و خصوصیات روزنامه‌نگار توجه شود ۱ نفر
- نحوه کار در انواع نشریات آموزش داده شود ۱ نفر
- دوره‌های آموزشی با برنامه‌های آموزش عالی مرتبط باشد ۱ نفر
- برنامه‌های آموزشی بی‌توجه به محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی تنظیم شود ۱ نفر
- آموزش مکاتباتی به شیوه دانشگاه پیام نور برقرار شود ۱ نفر
- بولتن‌های تخصصی منتشر شود ۱ نفر
- شیوه‌های تحلیل محتوا تدریس شود ۱ نفر
- به آموزش نایپ، کامپیوتر و تلکس توجه شود. ۱ نفر
- کلاس‌ها صبح و عصر برگزار شود ۱ نفر
- به شیوه تحقیق، نقاط قوت و ضعف روزنامه‌نگاران مشخص شود ۱ نفر
- برقراری سفر خارج از کشور برای آشنایی روزنامه‌نگاران با مطبوعات غرب ۹ نفر
- فراهم‌کردن امکانات مطالعه و تحقیق برای روزنامه‌نگاران ۷ نفر
- ۲. نظر روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط ۶ نفر
- دروس تخصصی روزنامه‌نگاری تدریس شود ۶ نفر
- آگاه کردن روزنامه‌نگاران از تحولات جهانی و آخرین رویدادهای علمی این رشته ۵ نفر
- ۴ نفر
- روزنامه‌نگاران علاقه‌مند گزینش شوند ۴ نفر
- به آموزش زبان‌های خارجی توجه شود ۳ نفر
- از اساتید متخصص و باتجربه استفاده شود ۳ نفر
- تئوری باعمل همراه باشد ۲ نفر
- آموزش نحوه مخابره خبر از طرق فاکس، تلکس و غیره ۲ نفر
- آموزش علوم انسانی و پایه ۲ نفر
- مدت دوره‌ها کوتاه باشد ۲ نفر
- ابتدا روزنامه‌نگاران را به اهمیت شغلشان آشنا کنند ۱ نفر
- تاریخ روزنامه‌نگاری تدریس شود ۱ نفر
- جامعه‌شناسی وسایل ارتباطات جمعی تدریس شود ۱ نفر
- به شیوه نگارش فارسی اهمیت داده شود ۱ نفر
- روزنامه‌نگاران به خارج از کشور اعزام شوند ۱ نفر
- برنامه‌ریزی متون درسی منطبق با جو حاکم بر مطبوعات کشور باشد ۱ نفر
- نحوه کار در نشریات مختلف تدریس شود ۱ نفر
- از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای سایر کشورها جهت آموزش دعوت شود ۱ نفر
- کوشش شود که از طریق آموزش اخلاق فعلی روزنامه‌نگاری تغییر کند ۱ نفر
- تخصص همراه با تعهد آموزش داده شود ۱ نفر

**نمونه‌ای از نوشته روزنامه‌نگاران به شرح زیر است:**

### **۱. روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط:**

- «استفاده از قدیمی‌های صاحب صلاحیت مطبوعات، ارزش‌گذاشتن برای خبرنگاران، تهیه امکانات برای آگاهی به مسائل روز جهان، آشنایی با حداقل يك زبان خارجي.» - پ ۱.

- «دوره‌هایی در خصوص روش‌های روزنامه‌نگاری و تحقیق در مطالب مختلف لحاظ گردد. آموزش زبان انگلیسی به منظور بهره‌گیری از مطبوعات خارجي و نیز توان پرداختن به مطالب ذریبط را تقویت خواهد کرد.» - پ ۲.

- «مهم‌ترین کلاس، کلاس خبرنگاری است که طی آن اصول اولیه خبرنگاری و خبرنگاری را بیاموزد.» - پ ۴.

- «توجه عمیق به جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعي و تأکید بر شناخت ادبیات فارسي.» - پ ۸.

- «در وهله اول باید این آموزش‌ها در سطح مراکز استان‌ها برگزار شود تا روزنامه‌نگاران شهرستانی با خیالی آسوده به فراگیری آموزش بپردازند. دوم آنکه اگر از طریق دانشگاه‌ها (مثل دانشگاه آزاد) می‌خواهد اقدام شود، باید به گونه‌ای باشد، فشارمالي نداشته باشد و انجام کارهایی که افراد را تشویق به ترك کلاس نکند مثل دادن حق مأموریت، پایان‌نامه و...» - پ ۱۱.

- «باید کمی از امور سیاسی خارج شده و مطالب علمی را تقویت نمایند.» - پ ۱۲.

- «شناساندن آداب و سنن قومیت‌های مختلف در ایران، شناسایی عمیق فرهنگی این مرز و بوم، شناسایی جغرافیایی کشور در ارتباط با اقوام مختلف، تاریخ سیاسی و تاریخ ایران می‌بایستی در سرلوحه تمام فعالیت‌های آموزشی قرار گیرد.» - پ ۱۵.

- «اولاً برنامه‌ها استانی باشد. دوم اینکه مدارك قابل قبول داده شود. سوم، با توجه به مشکلات مالی خبرنگاران، از این لحاظ حمایت شوند. چهارم، برای رشته‌های مربوطه از قبیل ادبیات، علوم ارتباطات و زبان انگلیسی برای خبرنگاران سهمیه‌ای قائل شوند تا راه‌یابی به دانشگاه برای آنان ممکن شود.» - پ ۲۵.

- «۱. سمعی و بصري باشد تا روزنامه‌نگار از طریق فیلم‌های خبري جسارت و شجاعت خبرنگارهای جهان را ببیند و به وظیفه خبرنگاری، روزنامه‌نگاری و عکاسی خبري پی ببرد.

۲. پیوسته باشد (دوره‌های کوتاه مدت اثری ندارد)

۳. گسترده و وسیع باشد (محتوی کلاس‌ها از سطح عالی برخوردار باشد.)» - پ ۲۷.

- «روزنامه‌نگاران تجربی و قوی را جدا کنند و به تحصیلات دانشگاهی برسانند و بقیه را در دوره‌های کوتاه مدت غیردانشگاهی آموزش دهند.» - پ ۳۶.

- «اگر در این مقوله، کارشناس کارکشته نیست، زحمت‌کش را نکشند.» - پ ۳۶.

- «آموزش‌های ترمی و کسب مدارك عالی با پیشرفته‌ترین فنون روزنامه‌نگاری.» - پ ۴۳.

- «این برنامه باید به نحوی تنظیم شود که بتواند روزنامه‌نگاران تخصصی تربیت کند یعنی افرادی را تعلیم دهد که کنار روزنامه‌نگاری، يك علم خاص را هم مثل اقتصاد، سیاست، علوم اجتماعي و... بیاموزد و بتواند با استفاده از مطالعات روزنامه‌نگاری خود به راحتی در رشته مربوطه قلم بزنند.» - پ ۴۳.

- «بایستی در وهله اول افرادی را که توانایی انجام این کار را دارند شناسایی کرد، آنگاه در جهت آموزش حرفه‌ای آنان اقدام نمود، به آنان ارزش و امکان داد و سپس از آنها مسئولیت خواست.» - پ ۴۶.

- «اول روزنامه‌نگاری منطبق بر ارزش‌های اسلامي را تدوین کنند.» - پ ۴۷.

- «۱. هفته بیش از ۲ روز نباشد.

۲. ایام تشکیل کلاس‌ها بعدازظهر باشد.

۳. این دوره‌ها پیوسته تا آخرین مراحل (دکتر!!) باشد.» - پ ۴۹

- «می‌گویم همه بروند قصه‌های کوتاه نویسندگان خارجي تا دهه ۶۰، ۷۰ را خوب بخوانند، دیگر چیزی نمی‌دانم.» - پ ۵۷.

- «يك برنامه که سهل است، اگر صدها برنامه آموزشی نیز برگزار شود، فایده‌ای به حال روزنامه‌نگاران و خبرنگاران نخواهد داشت زیرا قلمی که خواسته‌اش بر روی کاغذ جاری و نتواند در روزنامه و یا نشریه چاپ شود، در اصل اسلحه بدون فشنگ است و روزنامه‌های ما مانند اداره هواشناسیمان ناقلان خوبی برای آنچه که در تاریخ‌های قدیمی گذشته روی داده، می‌باشند.» - پ ۶۰

- «باتوجه بیشتر به آن دسته از افرادی معطوف شود که تصادفاً به این حرفه روی آورده‌اند. نوعی آموزش که ایجاد شوق و مسئولیت در این دسته از همکاران شود به ویژه که این افراد گاه تعیین‌کننده مسائل روزنامه‌نگاری هم هستند.» - پ ۶۴.

- «مدرسان و استادان باید حرفه روزنامه‌نگاری را درست بشناسند، از افراد باصلاحیت در امر تدریس استفاده شود، سانسور از متون درسی و کلاس‌ها حذف شود.» - پ ۶۶.

- «برنامه باید مطابق نیازهای فرهنگی جامعه تدوین شود.» - پ ۶۷.

- «گذراندن دوره‌های روزنامه‌نگاری در خارج از کشور، سفر تحقیقی و گزارش در داخل و آشناکردن روزنامه‌نگاران با آداب، سنن و اقوام مختلف می‌تواند مناسب باشد. همچنین دادن آموزش چگونگی داشتن استقلال فکری و عملی لازم است.» - پ ۷۸.

- «توصیه من به برنامه‌ریزان در درجه اول، پرورش خبرنگار به معنای واقعی است، متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خبرنگاران و کسانی که به این حرفه روی آورده‌اند به هیچ وجه با آن سنخیت ندارند و بدون هیچ‌گونه انگیزه خبرنگاری فقط آن را به عنوان یک شغل برای خود در نظر گرفته‌اند. اصولاً یک بنگاه مطبوعاتی (روزنامه، خبرگزاری و ...) زمانی مطرح است که خبرنگاران خبره در آن قلم بزنند. خلاصه کلام: خبرنگار تربیت کنید وگرنه در آینده نزدیک مرگ مطبوعات را می‌بینید.» - پ ۸۱.

- «۱. ساعت آموزش حین خدمت باید جزء ساعات کار باشد و اضافه کار برای این ساعات پرداخت شود.

۲. به صاحبان نشریات تکلیف شود کسانی که این دوره‌ها را با موفقیت می‌گذرانند، پاداش و اضافه حقوق در خور توجه پرداخت نمایند.» - پ ۸۸.

- «خارج ساختن تقریبی مباحث تئوری‌وار و کلیشه‌ای و پرداختن به جنبه‌های عینی و عملی حرفه روزنامه‌نگاری.» - پ ۱۱۷.

- «در ابتدا با حل مشکلات اشخاص (به خصوص مسئله مالی) ایجاد عشق و علاقه کنند و بعد از آن به آموزش آنان بپردازند.» - پ ۱۲۰.

- «تا ایران را (با تمامی محاسن و معایب نهفته و آشکارش) نشناخته‌اند، دست به چنین اقدامی نزنند.» - پ ۱۳۰.

- «در این برنامه آموزشی آخرین شیوه‌های روزنامه‌نگاری با تکیه بر روزنامه‌های پرتیراژ جهان تدریس شود.» - پ ۱۳۴.

- «کلاس‌ها، تئوری صرف نباشد، از اساتید با تجربه استفاده شود.» - پ ۱۴۲.

- «هم مقتضیات جامعه خود را در نظر گرفته و تنها به تکرار نظریات ارتباطاتی غربی‌ها اکتفا نکنند، هم اینکه (موکداً) در داخل یک طرح کلی، فضا و خصوصیات هر نشریه را به طور جداگانه مدنظر قرار دهند.» - پ ۱۵۴.

- «من معتقدم روزنامه‌نگاری را باید در سطح دیستان و سپس دوره‌های دیگر آموزشی مطرح کرد و وقتی جوان از دوران کوچکی با این علم آشنا شد، آنگاه احتیاجی به برپایی دوره‌های یاد شده نخواهد داشت.» - پ ۱۸۷.

- «آموزش زمانی مفید است که طرف بتواند یک انشای نیم‌بند بنویسد و گرنه از آموزش چه سود؟ پیشنهاد می‌کنم از همان آغاز به عاشقان جوان این حرفه میدان بدهند.» - پ ۲۰۰.

- «ابتدا باید نقش مطبوعات را درک کنند.» - پ ۲۰۴.

- «آموزش تمامی فنون لازم به علاوه آموزش اصل مهم مردم دوستی و بی‌طرفی.» - پ ۲۱۶.

- «برای سنین بالا بی‌فایده است ولی برای جوانان که به تدریج درآینده، همه دست‌اندرکاران مطبوعات دوره دیده باشند، مفید خواهد بود.» - پ ۲۲۲.

- «۱. آموزش زبان بین‌المللی

۲. در دسترس قراردادن مطبوعات خارجی به آن زبان.» - پ ۲۲۷.

- «۱. به تجربه‌های روزنامه‌نگاران مشهور جهان - اوریانا فالاچی، محمد حسنین هیکل، فرید هالیدی و دیگران - توجه بفرمایید.

۲. کتب درسی را جذاب‌تر کنند، نه خشک و بی‌روح مثل سایر کتاب‌های ارتباطات.» - پ ۲۲۹.

- «مدرک بدهند.» - پ ۲۳۵.

- «فقط یک حرف دارم (یک حرف مرکب):

الف. شناخت تاریخ کشور (دست کم تاریخ دو قرن اخیر)

ب. شناخت جامعه و دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه

ج. شناخت فرهنگ و وضعیت‌های فرهنگی جامعه

- د. شناخت کامل الگوهای نوین ارائه اطلاعات و شیوه‌های تبلیغات و درک مفهوم ارتباطات.» - پ ۲۲۸
- «یک روزنامه‌نگار با کمی دقت و وسواس در حین کار می‌تواند بسیاری از مسائل لازم در روزنامه‌نگاری را یاد بگیرد و این چندان نیاز به آموزش حین خدمت ندارد اما با تکتیر جزوات آموزشی مفید می‌توان قدم مؤثری در این مورد برداشت.» - پ ۲۴۷.
- «۱. برنامه را بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی تدوین کنند.
۲. از جهت دادن فکری خودداری کنند.
۳. مسائل اجتماعی مؤثر بر عالم مطبوعات را به خوبی بشکافند.» - پ ۲۴۹.
- «تهیه گزارش، خبر، روش روزنامه‌نگاری.» - پ ۲۵۵.

## ۲. روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط:

- «آنچه مسلم است با یک دوره کوتاه مدت نمی‌توان روزنامه‌نگار متخصص تربیت کرد آن هم در شرایطی که آموزش آکادمیک ۴ ساله این رشته نیز هنوز نارساست. آموزش ضمن خدمت باید کاربرد داشته باشد و گرنه اگر به طور انتزاعی و تئوریک اجرا شود و روزنامه نیز به همان سبک سنتی وفادار بماند، چاره‌ساز نخواهد بود. آموزش ضمن خدمت، شامل مقدمات کار روزنامه‌نگاری از جمله: شیوه تهیه و تنظیم خبر، مصاحبه و رپرتاژ است. علاوه بر آن آموزش زبان خارجی نیز می‌تواند در چارچوب این برنامه قرار گیرد. ولی با همه اینها خبرنگاری که فاقد استعداد ذاتی است و مطالعه کافی ندارد، نمی‌تواند کارایی کافی داشته باشد.» - پ ۲۶۸.
- «رعایت اصول ارتباطی در تهیه خبر و آموزش درست و با صداقت‌نویسی را توصیه می‌کنم.» - پ ۲۷۵.
- «آموزش زبان خارجی، دعوت از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای خارجی و جهان سومی و بیان تجربیات آنان جهت آموزش روزنامه‌نگاران ایرانی با تکنیک‌های خبرنگاری.» - پ ۲۷۷
- «ابتدا با آموزش دروس روزنامه‌نگاری، قواعد و مقررات حاکم بر روزنامه را (نه در ایران بلکه آن‌طور که باید باشد = علم روزنامه‌نگاری) به آن‌ها بیاموزند و سپس اخلاقی که هم‌اکنون بر روزنامه‌نگاران ما حاکم است را از بین ببرند و کار روزنامه‌نگاری را از دیگر مشاغل جدا کنند زیرا روزنامه جایی نیست که افراد برای رسیدن به مقاصد شخصی از آن استفاده کنند، خبری را بنویسند و مطلبی دیگر را ننویسند بلکه روزنامه برای آگاهی صحیح به مردم دادن و راهنمایی مردم است بنابراین باید در خدمت مردم باشد، همه باید صادقانه وقایعی را که اتفاق می‌افتد به دور از اغراض شخصی به اطلاع مردم برسانند.» - پ ۲۸۱.
- «بهتر است روی بسیاری از عناصر که اکنون به عنوان روزنامه‌نگار و خبرنگار در مطبوعات کشور فعالیت می‌کنند، حساب نکنید و بی‌جهت با گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت، وقت و هزینه خود را هدر ندهید. بسیاری از این عناصر از بد حادثه به این شغل رو آورده‌اند و به قول معروف مایه این کار را ندارند. بروید دنبال آدم‌های مایه‌دار و علاقه‌مند و آنان را پرورش دهید.» - پ ۲۸۲.
- «اولاً بنده پیشنهاد می‌کنم روزنامه‌نگاران دانشگاهی حتماً در طی دوران تحصیلات باید حداقل ۲۰ واحد عملی داشته باشند و با این کار، کار در روزنامه‌ها و نشریات قابل تجربه است. ثانیاً ارتقای سطح تحصیلات روزنامه‌نگاران و تخصصی کردن دروس مثلاً ارائه واحدهایی تحت عنوان لید، تیتیر، سوژه‌یابی، نقد و ...» - پ ۲۸۳.
- «از روزنامه‌نگاران شاغل، آنان که علاقه‌مندتر و با ذوق‌ترند برای گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت رونامه‌نگاری انتخاب شوند.» - پ ۲۸۴.
- «تعهد و تخصص را با هم به کار گیرند. هر یک از این دو به تنهایی کارساز نخواهد بود.» - پ ۲۸۷.
- «روزنامه‌نگاران ما دو گروه هستند. گروه اول تحصیلات دانشگاهی دارند و گروه دوم فاقد این تخصص دانشگاهی هستند. برای گروه اول آشنایی با دیدگاه‌های جدید در حرفه روزنامه‌نگاری در داخل و خارج و برای گروه دوم دروس تخصصی روزنامه‌نگاری را می‌توان توصیه کرد.» - پ ۲۸۷.
- «وادیار ساختن روزنامه‌نگاران به مطالعه بیشتر و تخصصی کردن کار روزنامه‌نگاری در زمینه‌های مختلف مثل مقاله‌نویسی، گزارش و خبرنگاری، مصاحبه و نقدنویسی، متأسفانه در شرایط فعلی هر کار تحقیقی «شل و ول» و آبکی را عنوان ژورنالیستی می‌دهند و اصولاً

ژورنالیسم به عنوان يك كار سطحي و بي‌پايه و بي‌منطق جا افتاده است و اين به دليل حضور اشخاص بي‌دانش و بي‌صلاحيت در اين رشته است.» - پ ۳۰۶.

- «تنها آموزش كافي نيست، بايد حوزه عمل روزنامه‌نگاران را نيز وسيع‌تر كنند. آموزش وقتي به كار نيايد و يا در برخورد با واقعيات، اين آموخته‌ها عملي نشوند، بي‌فايده است.» - پ ۳۰۸.

- «بنده قبل از آن‌كه به آموزش بينديشم به نحوه كار روزنامه‌هاي فعلي فكر مي‌كنم كه چطور و چگونه از رسالت واقعي و هميشگي خود كه از مردم و براي مردم گفتن است، دور افتاده‌اند. اول بايد اين مهم را محقق كرد و بعد به چارچوب و چند و چون‌ها پرداخت.» - پ ۳۱۰.

## **بخش سوم**

### **نظر ديگران**



## فصل اول

### نظر اساتید و روزنامه‌نگاران چند کشور جهان سوم

همان‌گونه که در قسمت نخست فصل سوم ملاحظه شد، از دیدگاه اکثر روزنامه‌نگاران تحصیل کرده در رشته‌های ارتباطات، میان محتوای دروس دانشگاهی در ایران و آنچه که در عمل و پس از فارغ‌التحصیل شدن با آن مواجه می‌شوند تفاوت وجود دارد.

مفهوم این نظر این است که تخصص آن‌ها در عمل ممکن است چندان کارآیی نداشته باشد. در حالی که امروز در ایران این بحث مطرح است که کمبود روزنامه‌نگار متخصص یکی از عوامل بازدارنده رشد مطبوعات ملی می‌باشد.

با این مقدمه، از چند سال پیش، این دیدگاه در من شکل گرفته بود که شرایط حرفه‌ای و عوامل اجتماعی در کشور ما چندان انطباقی با محتوای دروس روزنامه‌نگاری ندارد و در واقع همین دیدگاه منتج به تألیف کتاب «روش‌های مصاحبه خبری» شد. در مقدمه آن کتاب نوشته‌ام:

«... اگر بیندیشیم، شاید به این نتیجه برسیم که در این مدت - ۴۰ سال گذشته و عدم توسعه کشورهای در حال توسعه - روزنامه‌نگار جهان سوم خود گرفتار و درگیر کارهای عجیب و غریب تنیده به جانش بوده و بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که یکی از این تارها، تضاد میان محتوای متون درسی دانشگاهی مربوط به آموزش از یک طرف و روزنامه‌نگاری و آنچه که یک روزنامه‌نگار جهان سوم عملاً با آن مواجه است از طرف دیگر، می‌باشد. متون درسی مذکور، اکثراً ترجمه‌هایی از کتب آمریکایی و اروپایی است، در حالی که آنچه در داخل محیط خبری این کشورها می‌گذرد جریان خاصی است که متفاوت با فضای کتب روزنامه‌نگاری غربی است. مهم این است که این شرایط با راه‌حل‌های کتاب‌ها متفاوت است.»<sup>۲۵</sup>

بر این نکته نیز باید تأکید کنم که به نظر من، آنچه گفته شد مغایر نیاز شدید ما به وجود تحصیل‌کردگان روزنامه‌نگاری در مطبوعات نیست، بلکه فقط بحث بر سر محتوای آن چیزی است که روزنامه‌نگاران جهان سوم به آگاهی از آن نیاز دارند. در واقع دو فرضیه مطرح شده است:

۱. مهم‌ترین مسئله نیروی انسانی وسایل ارتباط جمعی در جهان سوم، کمبود افرادی با تخصص‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری است.

۲. شرایط اجتماعی - اقتصادی جهان سوم به گونه‌ای است که محتوای دروس روزنامه‌نگاری دانشگاه‌های غربی، پاسخگوی نیاهای فعالیت در این وسایل نیست و ضرورت دارد که برای مراکز آموزشی این کشورها متون درسی منطبق با شرایط اجتماعی و عینیت‌های موجود در فعالیت‌های خبری آنان، تدوین شود.

مشارکت در تدوین کتاب Hand book of Mass Media که از سوی دانشگاه Purdo منتشر خواهد شد و همکاری با ۲۸ محقق از کشورهای خارمیانه از یک‌سو و برگزاری اجلاس خبرگزاری‌های

غیرمتعهدها در تهران و متعاقباً برگزاری دوره آموزش این اجلاس در تهران و تدریس در آن دوره از سوی دیگر، این فرصت را فراهم کرد که نظر ۲۷ استاد روزنامه‌نگاری و یا روزنامه‌نگار از کشورهای هند، پاکستان، الجزایر، فلسطین، عراق، قبرس، اندونزی، مالزی، کوبا، افغانستان، بنگلادش، سنگال، زیمباوه، نیجریه، اتیوپی، نامیبیا، غنا، سیرالئون، زامبیا، تانزانیا، مغولستان، گامبیا و سیشل درباره دو فرضیه مذکور را چه در ملاقات حضوری و چه از طریق پست کسب شود. قبل از ارائه پاسخ‌های افراد فوق به دو سؤال مرتبط با فرضیه‌های مذکور، مشخصات آنان در زیر آورده می‌شود:

کد	نام	کشور	شغل
۱	دکتر کریشنا ویجای	هند	Krishna Vijay استاد علوم ارتباطات در دانشگاه اوهایو
۲	دکتر آرویند سینگهال	هند	Arvind Singhal استاد علوم ارتباطات در دانشگاه اوهایو
۳	آنانتا اس بابیلی	هند	Anantha S.Babbili رئیس و استاد روزنامه‌نگاری بخش روزنامه‌نگاری دانشگاه مسیحیت تگزاس
۴	دکتر مسکین علی حجازی	پاکستان	Miskeen Ali Hijazi رئیس و استاد بخش ارتباط جمعی دانشگاه پنجاب
۵	دکتر لیدز اقلامی	الجزایر	Laid Zaghلامي روزنامه‌نگار و محقق ارتباطات در انگلستان و الجزایر
۶	اوریب نجار	فلسطین	Orayb Najjar استاد روزنامه‌نگاری در دانشگاه ایلینویز شمالی
۷	لیزا لیدیچ	عراق	Lisa leidig روزنامه‌نگار، تحلیل‌گر سیاسی در مرکز تحقیقات Ntia - واشینگتن
۸	دکتر جان ای کشیش اوقلو	قبرس	John E Keshishoglou استاد روزنامه‌نگاری در دانشگاه Ithaca در نیویورک
۹	آبرام موآیا	اندونزی	Abram Muaya روزنامه‌نگار
۱۰	هدوش کاسو	اتیوپی	Haddush Kassu
۱۱	نقید نیواهامونیم	نامیبیا	Nghidinwa Hamuume روزنامه‌نگار
۱۲	برایت بلیکو	غنا	Bright Bleixiu روزنامه‌نگار (لیسانس روزنامه‌نگاری)
۱۳	کواولوتسو	غنا	Kwao Lotsu روزنامه‌نگار (فوق لیسانس روزنامه‌نگاری)
۱۴	رودمک جانسون	سیرالئون	Rod - Mac - Johnson روزنامه‌نگار (فوق لیسانس روزنامه‌نگاری)
۱۵	پاتریک جبانی	زامبیا	Patrick - Jabani روزنامه‌نگار
۱۶	هنری موهامیکا	تانزانیا	Henry Muhamika روزنامه‌نگار (فوق لیسانس روزنامه‌نگاری)
۱۷	اردن چولوبنات	مغولستان	Erdene Chulunbat روزنامه‌نگار
۱۸	کلارنو جالو	گامبیا	Claerno A.jallow

روزنامه‌نگار (لیسانس روزنامه‌نگاری) Glenn Mark Anthony Pillay	سیشل	گلن مارک آنتونی پی لای	۱۹
روزنامه‌نگار (لیسانس علوم ارتباطات) Mohammad Luzman	پاکستان	محمدلو زمان	۲۰
خبرنگار آسوشیتدپرس در پاکستان Nasir Mansur	نیجریه	نصیر منصور	۲۱
روزنامه‌نگار Salatier M. Mutasa	زیمباوه	سالاتیر. ام. ماتاسا	۲۲
روزنامه‌نگار Manadou Anat	سنگال	مانادو آنات	۲۳
سردبیر خبر در خبرگزاری APS Mohammad G. Rahman	بنگلادش	محمد گازیب رحمان	۲۴
روزنامه‌نگار تخصصی Ohiuonez G. Leovawi	کوبا	اوهیونز جی لووایی	۲۵
روزنامه‌نگار Abdul Sadoor Roheel	افغانستان	عبدل صدور روکیل	۲۶
روزنامه‌نگار Azman Zakarva	مالزی	آزمان زاکاروا	۲۷
خبرنگار			

### آیا مهم‌ترین مسئله نیروی انسانی وسایل ارتباط جمعی در جهان سوم کمبود افراد تحصیل‌کرده روزنامه‌نگاری است؟

ترجمه نخستین سؤال مطرح شده از ۲۷ استاد روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران برخی از کشورهای جهان سوم چنین بود که عده‌ای معتقدند یکی از مهم‌ترین مسائلی که وسایل ارتباط جمعی در کشورهای جهان سوم با آن مواجه هستند، کمبود نیروهای تحصیل‌کرده دانشگاهی در رشته روزنامه‌نگاری است. پاسخ‌ها به صورت: A. کاملاً موافق، B. موافق، C. تاحدی موافق و D. مخالف تنظیم شده بود.

توزیع پاسخ‌ها بر اساس کدهای ارائه شده برای ۲۷ صاحب‌نظر مورد پرسش به شرح زیر است:

C	۶
D	۷
A	۸
C	۹
A	۱۰
B	۱۱
C	۱۲
C	۱۳
A	۱۴
B	۱۵
C	۱۶
C	۱۷
D	۱۸
D	۱۹
C	۲۰
D	۲۱
B	۲۲
B	۲۳
D	۲۴

A	۲۵
C	۲۶
B	۲۷

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ۲۱ نفر از ۲۷ نفر مورد پرسش (حدود ۷۸ درصد) با این نظر مخالف نیستند (۶ نفر کاملاً موافق، ۶ نفر موافق و ۹ نفر تا حدی موافق).  
از پاسخ‌دهندگان تقاضا شده بود که پس از تعیین درجه موافقت یا مخالفت خود با عقیده مذکور، دیدگاه‌های خود را توضیح دهند. پاسخ‌های ارائه شده به تفکیک درجه موافقت، به شرح زیر است:

### ۱. کاملاً موافق

\* دکتر کریشناویچای از هند (استاد علوم ارتباطات در دانشگاه اوهایو)  
- «بسیاری از کشورهای جهان سوم، فاقد برنامه‌های آموزشی با کیفیت خوب در زمینه روزنامه‌نگاری و کار وسایل ارتباط‌جمعی هستند و این امر منتهی به آسیب رسیدن به کار وسایل ارتباط‌جمعی در این کشورها می‌شود.»

\* دکتر آناتا اس بایلی از هند (رئیس و استاد بخش روزنامه‌نگاری دانشگاه مسیحیت تگزاس)  
- «از آنجا که یک جهان سومی هستیم، اطلاعات دست اولی از این معضل دارم. اگرچه روزنامه‌نگاران جهان سوم، بسیار با استعداد می‌باشند، لیکن آنان همیشه در جستجوی شرایط شغلی بهتر و نیازمند دستمزد بیشتر هستند. از همین رو این ضرورت و نیاز وجود دارد که به تعریف مجددی از حرفه روزنامه‌نگاری - با توجه به یک هدف اجتماعی مشخص و تأکید روی یک محیط فرهنگی خاص، به عنوان یک ضرورت امروزی، پرداخته شود، دانشگاه‌ها در کشورهای جهان سوم باید این تعهد را داشته باشند که روزنامه‌نگاران آینده را تعلیم و آموزش دهند و این آموزش نه در غالب روزنامه‌نگاری غربی، بلکه مطابق با نیازمندی‌های اجتماعی یک کشور خاص انجام شود. بله ما به روزنامه‌نگارانی با درجات دانشگاهی برای روزنامه‌هایمان احتیاج داریم. من خود محصول این پدیده هستیم و درجه روزنامه‌نگاری را از دانشگاهی در هند به دست آورده‌ام.»

\* دکتر جان ای کشیش اوفلو از قبرس (استاد روزنامه‌نگاری در دانشگاه Ithaca در نیویورک)  
- «تحصیلات مربوط به ارتباطات، هیچ‌وقت به صورت یکی از اولویت‌های اکثر کشورهای جهان سوم نبوده و هنوز هم نیست. فقط در طول دهه ۱۹۸۰ بود که نقش ارتباطات در توسعه آشکار شد. اما همان موقع نیز، کشورهای رو به رشد، موضوع آموزش ارتباطات را مورد توجه قرار ندادند. از همین رو این مسئله که ما آن‌ها را هنگامی آموزش می‌دهیم که به آن‌ها احتیاج داشته باشیم - از لحاظ فکری - به عنوان یک فرضیه غالب مطرح بود.  
در طول ۲۰ سال گذشته، من کارورزی‌های (Workshop) متعددی در زمینه توسعه ارتباطات و رسانه‌های جمعی در بسیاری از نقاط جهان برگزار کرده‌ام. علاوه بر آن به تعدادی از کشورهای خاورمیانه، آفریقا و جنوب شرقی آسیا سفر کرده و در زمینه‌های برنامه‌ریزی آموزش ارتباطات (به‌طور اعم از روزنامه تا رادیو و تلویزیون و تبلیغات و سینما) به آن کشورها کمک کرده‌ام.  
این موضوع که چگونه می‌توان پشتیبانی فیزیکی، انسانی و مالی از آموزش ارتباطات به عمل آورد، بسیار جدی است و به عنوان مانعی در راه ایجاد چنین برنامه‌هایی به شمار می‌رود.»

\* هدوش کالو (روزنامه‌نگار از اتیوپی)  
با عقیده مذکور کاملاً موافق است بدون آنکه توضیح خاصی را ارائه دهد.

\* رود مک جانسون (روزنامه‌نگار از سیرالئون)  
- «به عقیده من این امر یک ضرورت است زیرا استانداردهای بالایی تخصصی برای این حرفه مورد نیاز است.»

\* اوهیونزجی لووای از مالزی (روزنامه‌نگار)  
- «اینکه سطح توسعه علمی و فنی در اکثر کشورها به مراحل بالایی رسیده به این علت است که پرسنل وسایل ارتباط‌جمعی کاملاً تعلیم دیده، مسئولیت تجزیه و تحلیل و تفسیر اخبار را به عهده داشته‌اند. آن‌ها به دلیل تحصیلات دانشگاهی در ارتباطات توانسته‌اند این

وظیفه را به خوبی عهده‌دار شوند. بسیاری از مسائل دیگر مربوط به توسعه نیز که نیاز به تفحص و تحلیل دارد نیز با مهارت پرسنل وسائل ارتباط جمعی رابطه پیدا می‌کند. این روزنامه‌نگاران اطلاعاتی را در اختیار مردم می‌گذارند که می‌تواند بسیار مفید و مهم باشد. مردمی که بسیاری از آن‌ها نیز تحصیل کرده هستند.»

## ۲. موافق

### \* دکتر آرویند سینگهال از هند (استاد علوم ارتباطات در دانشگاه اوهایو)

- «حداقل در هندوستان، عقیده فوق واقعیت پیدا می‌کند و شرایط احتمالاً در بسیاری از دیگر کشورهای جهان سوم نیز مشابه است. حوزه ارتباط جمعی و روزنامه‌نگاری در بسیاری از کشورهای رو به توسعه، فقط در مرحله جنینی، از لحاظ تبدیل شدن به یک رشته دانشگاهی قرار دارد. آشکار است که این موضوع شکل خاصی را ایجاد می‌کند، هر چند مشکلات دیگری از قبیل منابع ناکافی، وجود تضمین‌گیران تنگ‌نظر و یا مسائل سیاسی بطور کلی، از قبیل سانسور و غیره نیز در آموزش ناکافی روزنامه‌نگاران حرفه‌ای مؤثرند.»

### \* نقیدنیواها مونیم از نامیبیا (روزنامه‌نگار)

- «آموزش تا سطح بالا ضروری است ولی این آموزش الزاماً مدرک دانشگاهی نیست. مهم‌ترین جنبه این کار که نتیجه آن به حساب می‌آید، تجربه و دانش فراوان است.»

### \* پاتریک جیانی از زامبیا (روزنامه‌نگار)

- «دارنده یک مدرک دانشگاهی به تنهایی بهترین روزنامه‌نگار نیست ولی ضروری است که مدرک دانشگاهی را به عنوان ورودی کار روزنامه‌نگاری در استانداردهای بین‌المللی بالا به حساب آوریم. دانشجویان دانشگاه‌ها همچنین این برتری را دارند که مسائل را سریع‌تر درک می‌کنند و این همان چیزی است که روزنامه‌نگاران به آن احتیاج دارند.»

### \* مانادو آتات از سنگال (روزنامه‌نگار)

- «با این نظر موافقم، طبق آنچه که در کشور خودم مشاهده کرده‌ام، درست پس از استقلال (۱۹۶۰)، از آنجا که هیچ روزنامه‌نگار حرفه‌ای وجود نداشت. از روزنامه‌نگاران تجربی برای آموزش استفاده می‌شد؛ اما آن‌ها هرگز در مقابل تصمیمات دولت‌ها شیوه انتقادی در پیش نمی‌گرفتند و جز پشتیبانان بی‌قید و شرط دولت به حساب نمی‌آمدند. اما اکنون، بسیاری از روزنامه‌نگاران، در سنگال دارای مدرک دانشگاهی هستند و شرایط بسیار بهتر شده است. ولی در هر حال مدرک دانشگاهی الزاماً به وجود آورنده روزنامه‌نگار خوب نیست.»

### \* سالاتیرام ماتاسا از زیمبابوه (روزنامه‌نگار)

- «توسعه علمی و فنی در هر کشوری با پیشرفت آن در زمینه‌های اجتماعی و معنوی بستگی دارد. این توسعه توسط نیروهای انسانی دست‌اندرکار وسایل ارتباط جمعی می‌تواند تکامل پیدا کند. آن‌ها باید بیشتر تفحص‌گر و تحلیل‌گر، برای مردم باشند و از همین رو آموزش‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری ضروری است.»

### \* آرمان زاکاروا از مالزی (روزنامه‌نگار)

- «کشورهای جهان سوم برای هدایت جامعه به افراد حرفه‌ای کاملاً آموزش دیده و برجسته احتیاج دارند.»

## ۳. تاحدی موافق

### \* دکتر لیدزاقلامی از الجزایر (روزنامه‌نگار و محقق ارتباطات در انگلستان و الجزایر)

- «در حقیقت این موضوع بیشتر بستگی به نظام سیاسی دارد که در آن وسایل ارتباط جمعی عمل می‌کنند. از همین رو فقدان آزادی و دموکراسی یکی از مشکلات عمده‌ای است که در برابر رسانه‌های کشورهای جهان سوم قرار دارد.»

### \* اوریب نجار فلسطینی (استاد روزنامه‌نگاری در دانشگاه ایلینویز شمالی)

- «تحصیلات دانشگاهی ضروری است اما الزاماً نه در رشته روزنامه‌نگاری. به عنوان مثال، کسی که در زمینه اقتصاد مطلب می‌نویسد، می‌تواند فارغ‌التحصیل اقتصاد باشد و به

همین‌گونه در سایر رشته‌ها. آنچه که سبب پایین‌بودن کیفیت کار می‌شود، آن است که مالکین نشریات به روزنامه‌نگاران دستمزد کافی پرداخت نمی‌کنند و به دستاوردهای آنان اهمیت نمی‌دهند. حرف‌های آنها را نمی‌شنوند و احترامی برای آنان قائل نمی‌شوند. زمانی که این موضوع حل شود و این وضعیت تغییر کند، جایگاه روزنامه‌نگاری تغییر می‌کند و افراد مجرب و باکفایت جذب مطبوعات می‌شوند.»

#### \* آبرام موآیا از اندونزی (روزنامه‌نگار)

- «مدرک دانشگاهی همیشه تضمین‌کننده این امر که شخص، یک روزنامه‌نگار خوب باشد، نیست. در حالی که یک روزنامه‌نگار بااستعداد، انگیزه مناسب برای آموزش‌های حرفه‌ای خواهد داشت ضمن اینکه می‌تواند فاقد مدرک دانشگاهی باشد.»

#### \* برایت بلیکو از غنا (روزنامه‌نگار)

- «داشتن یک مدرک دانشگاهی تضمینی برای اینکه بتوان روزنامه‌نگار خوبی بود نیست. به عنوان مثال در کشور من روزنامه‌نگاران برجسته‌ای وجود دارند که فقط در مورد حرفه خود دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی دیده‌اند. ضمن آنکه این امر بدان معنی نیست که یک آموزش رسمی خوب تأثیری در قضیه ندارد. شکی نیست که این امر تا اندازه زیادی بستگی به تلاش‌ها، علائق و تعهدات افراد دارد. حال اگر این تلاش‌ها، علائق و تعهدات با طی کردن دوره‌های آموزشی صحیح و مستمر همراه باشد می‌توان روزنامه‌نگاران برجسته‌ای را تربیت کرد.»

#### \* کواولوتسو از غنا (روزنامه‌نگار)

- «اگر روزنامه‌نگاران، درجه دانشگاهی در رشته روزنامه‌نگاری داشته باشند، بسیار مطلوب است ولی آن‌هایی که تحصیل کرده در رشته‌های غیر روزنامه‌نگاری بوده و علاقه‌مند به یادگیری باشند، در بسیاری از مواقع می‌توانند روزنامه‌نگاران ورزیده‌ای باشند. به ویژه آنکه بتوان آنان را تحت آموزش‌های تخصصی قرار داد.»

#### \* هنری موهامیکا از تانزانیا (روزنامه‌نگار)

- «روزنامه‌نگارانی که دارای مدرک دانشگاهی از مدارس مشهور روزنامه‌نگاری باشند می‌توانند کارهای برجسته‌ای انجام دهند به ویژه اگر متکی به زبان ملی و بومی خود باشند.»

#### \* محمدلو زمان. پاکستانی (خبرنگار آسوشیتدپرس در پاکستان)

- «بدون شک کمبود متخصص حرفه‌ای و نبود مهارت‌های ارتباطی در کشورهای جهان سوم یک مشکل به شمار می‌آید. اما این تنها عامل نیست. مشکلات مربوط به توسعه وسایل ارتباط جمعی در نیم‌کره جنوبی، معضلات اقتصادی، منهیئت فرهنگی - اجتماعی و تکنیک‌های محروم‌سازی از آزادی سخن که به وسیله دولت‌های مربوطه به کار برده می‌شود، از جمله عوامل محدودکننده رشد سالم وسایل ارتباط جمعی در کشورهای جهان سوم به حساب می‌آید.»

#### \* عبدال صدور روحیل از افغانستان (روزنامه‌نگار)

- «اگر چه نقش عدم تخصص در میان روزنامه‌نگاران جهان سوم را نمی‌توان نادیده گرفت ولی در این مورد مشکلات درونی و بیرونی بسیار دیگری نیز وجود دارد. انحصارگرایی سیاسی و بی‌سوادی مردم از این دست است.»

#### ۲. مخالف

#### \* دکتر مسکین علی حجازی از پاکستان (رئیس و اسناد بخش ارتباط جمعی دانشگاه پنجاب)

- «به نظر من هیچ‌گونه کمبودی از این نظر در مطبوعات وجود ندارد.»

#### \* لیزا لیدیچ از عراق (روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی در مرکز تحقیقات NTIA واشینگتن)

- «من هرگز در مورد این سوال تحقیق نکرده‌ام ولی به نظر می‌رسد که این مسئله ماهیت مالی و حقوقی دارد. منظورم این است که بیشتر کشورهای رو به رشد فاقد منابع مالی لازم برای حمایت از سیستم‌های رسان‌های گسترده، مورد نظر هستند و ساختارهای حقوقی زیادی وجود دارد که مانع ظهور رسانه‌های جمعی در قالب شرکت‌های بازرگانی است. همین امر تنوع و تعدد نشریاتی را که در اختیار مردم قرار می‌گیرد را محدود می‌کند.»

**\* کلارنو و جالو از گامبیا (روزنامه نگار)**

- «بعضی از بهترین روزنامه نگاران، هرگز داخل دانشگاهی را ندیده‌اند. روزنامه نگاری نیاز به استعداد و تعهد دارد.»

**\* گلن مارک آنتونی پی لای از سیشل (روزنامه نگار)**

- «... از طریق تجربه‌های فردی به راحتی می‌توان به تجربه حرفه‌ای در روزنامه نگاری رسید. علاوه بر این یک فرد بایستی بیشتر روی تجربه جمعی تأکید بگذارد تا بتواند تجارب عملی بیشتری بدست آورد.»

**\* نصیرمنصور از نیجریه (روزنامه نگار)**

- «راستش مدرک لیسانس دلیلی بر روشن فکری و فهم تمامی مسائل نیست. زیرا سوابق موجود نشان می‌دهد اشخاصی که روزنامه نگاری خوانده‌اند به همان اندازه اشخاصی که روزنامه نگاری خوانده‌اند در حرفه خود موفق هستند. روزنامه نگاری یک حرفه بسیار گسترده است که فرد در زمینه‌های گوناگون مطلب می‌نویسد. بنابراین داشتن احاطه به رشته‌های متنوع مورد نیاز است. ضمن آنکه علاقه نیز دخالت قابل ملاحظه‌ای دارد. پاره‌ای از افراد روزنامه نگاری می‌خوانند و فقط مبلغ مدیران هستند زیرا علاقه‌ای به انجام حرفه روزنامه نگاری ندارند.»

**\* محمد گازیو رحمان از بنگلادش (روزنامه نگار)**

- «چنین کمبودی در کشور من وجود ندارد. فقط مدرک دانشگاهی اهمیت ندارد. استعداد و آموزش ضمن خدمت بیشترین اهمیت را داراست.»

**آیا برای جهان سوم، باید محتوای دروس روزنامه نگاری خاص تدوین کرد؟**

در دومین سؤال مطرح شده برای صاحب‌نظران جهان سوم، گفته شد:

برخی براین باورند که شرایط اقتصادی و اجتماعی در جهان سوم از طبیعت خاصی برخوردار است که منطبق با استفاده از برنامه‌ها و محتوای دروس ارتباطات دانشگاه‌های غرب برای تدریس روزنامه نگاری نیست و ضرورت دارد که برای آموزش روزنامه نگاران این جوامع براساس ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و علائق درازمدت آنان و همچنین عینیت‌های حاکم بر جریان شکل‌گیری خبر، متون درسی خاص تدوین کرد. نظر شما درباره این عقیده چیست؟

پاسخ‌ها به سه گونه ارائه شده بود: A. کاملاً موافق B. تا حدی موافق C. تفاوتی وجود ندارد و برنامه‌ها و متون درسی غربی قابل استفاده است.

توزیع پاسخ‌ها براساس کدهای فوق، برای ۲۷ پاسخ‌دهنده مذکور به شرح زیر است:

کد	ج
۱	B
۲	A
۳	A
۴	A
۵	B
۶	B
۷	B
۸	B
۹	B
۱۰	A
۱۱	B
۱۲	B
۱۳	A
۱۴	B
۱۵	B
۱۶	C
۱۷	A

A	۱۸
C	۱۹
B	۲۰
A	۲۱
B	۲۲
A	۲۳
C	۲۴
A	۲۵
A	۲۶
A	۲۷

۱۲ نفر از پاسخ‌دهندگان با این نظریه کاملاً موافق (۴۴ درصد)، ۱۲ نفر موافق (۴۴ درصد) و ۳ نفر مخالف (۱۲ درصد) می‌باشند. توضیحات آنان برای گزینش پاسخ‌ها به شرح زیر است:

### ۱. کاملاً موافق

#### \* دکتر آرونید سینگهال از هند:

- «من يك اعتقاد راسخ نسبت به اهمیت متون آموزش روزنامه‌نگاري (اعم از برنامه‌ها، کتاب‌ها، دستورالعمل‌ها و غیره) براساس عوامل فرهنگی و اجتماعی دارم و هر روش دیگر فقط تا اندازه‌ای موفقیت آمیز خواهد بود.»

#### \* دکتر آنانتا بابلی از هند:

- «موضوع را به این نحو نیز می‌توان بیان کرد که ما با شیوه‌ای از غرب تقلید می‌کنیم، آموزش می‌بینیم و رشد می‌کنیم و به این ترتیب با این خطر روبه‌رو می‌شویم که نسبت به مردم، آداب و سنن فرهنگی و سرنوشت خود بی‌توجه و بیگانه شویم.»

#### \* دکتر مسکین علی حجازی از پاکستان:

- «جایگاه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی در کشورهای جهان سوم با آنچه که در جوامع غربی وجود دارد متفاوت است. روزنامه‌نگاری نمی‌تواند با نظام ارزشی و جایگاه اجتماعی فرهنگی آن جوامع متفاوت باشد. از همین رو من نیز کاملاً معتقدم که برنامه‌ها و متون کشورهای غربی نیازمندی‌های ما را مرتفع نمی‌کند.»

#### \* کواولوتسو از غنا:

- «اگر چه می‌توان چنین پنداشت که تکنولوژی يك عامل تعیین‌کننده در ارائه خبر محسوب می‌شود ولی برای ما ضرورت دارد که محتوای دروس روزنامه‌نگاری را به طور متناسب طراحی و تدوین کنیم.»

#### \* کلارنوجالو از گامبیا:

- «برنامه‌های غربی می‌توانند به عنوان خطوط راهنمای این حرفه مورد استفاده قرار گیرند. ولی در زمینه گزارش‌دهی رویدادها، خبرنگاران باید نسبت به نیروهای که در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نقش ایفا می‌کنند، دانش عمیقی داشته باشند.»

#### \* نصیر منصور از نیجریه:

- «استاد هر درس، خواه روزنامه‌نگاری، خواه درس دیگر، باید نیازمندی‌های جامعه‌ای را که در آن درس می‌دهد مدنظر قرار دهد. از همین رو توجه به منافع کوتاه‌مدت و درازمدت جامعه و نیز پیشینه تاریخی و سوابق فرهنگی آن اهمیت زیادی در تدوین متون درسی روزنامه‌نگاری دارد.»

#### \* مانادوانات از سنگال:

- «استانداردهای مورد استفاده ما در روزنامه‌نگاری از کشورهای غرب اقتباس شده است و این استانداردها پاره‌ای اوقات با آنچه که می‌خواهیم متفاوت است. بنابراین آموزش روزنامه‌نگاران در جوامع جهان سوم نیاز به آن دارد که متخصصین ارتباطات برداشت‌های تازه‌ای در مورد اهداف توسعه داشته باشند.»



### \* **اوهيونز جي لوواوي از كوبا:**

- «به اعتقاد من هر کشوري داراي پيشينه تاريخي و فرهنگي متفاوتي با جوامع ديگر است. بنابراین روشي که وسايل ارتباط جمعي يك کشور مي‌توانند در زمينه توسعه اتخاذ نمايند به همان شيوه و روشي نيست که متخصصان وسايل ارتباط جمعي پيش مي‌گيرند.»

### \* **عبدل صدور روحيل از افغانستان:**

- «مسئله قابل اعتمادبودن وسايل در جهان سوم بسيار مهم است. مثلاً در جوامع اسلامي مسجد قابل اعتمادترين است. چيزي که در غرب مفهومي ندارد.»

### \* **آزمان زاكاروا از مالزي:**

- «شرایط اجتماعي و اقتصادي کشورهای جهان سوم نسبت به کشورهای غربي متفاوت است. کشورهایي که داراي ارزش‌هاي اسلامي هستند بايد از اسلام براي سمت‌دهي به ترتيب روزنامه‌نگاران استفاده کنند و هنجارها و ارزش‌هاي کشورهای جهان سوم را مدنظر قرار دهند.»

### ۱. **تاحدي موافق**

#### \* **دکتر کریشنا ويجاي از هند:**

- «بايستي ترکيبي از هر دو مورد توجه قرار گیرد، کتاب‌ها و مواد درسي کشورهای جهان سوم بايستي با توجه به پيشينه تاريخي و علايق فرهنگي هر کشور به طور بي‌طرفانه تدوين و مورد استفاده قرار گیرد.»

#### \* **دکتر ليدز اقلامي از الجزاير:**

- «مشخصات تاريخي و فرهنگي يك کشور خاص بايد براي هر برنامه‌اي، از جمله آموزش روزنامه‌نگاري مورد استفاده قرار گیرد. هر چند که تکنیک‌هاي آماده‌سازي و نوشتن متون در همه جا یکسان است.»

#### \* **اورب نجار از فلسطين:**

- «در حالي که متون غربي از لحاظ فلسفي يا ايدئولوژيکي بهترين نيستند (به عنوان مثال در تعريف آن چيزي که ارزش خبري دارد، در تجاوز به خلوت اشخاص و گروه‌ها به شکلي برون‌گرايانه آن را در قالب يك عمل تشريفاتي استراتژيک مردود مي‌دانند). شيوه‌هاي جمع‌آوري اطلاعات کتاب‌هاي درسي غربي بايد مورد استفاده قرار گرفته و آموخته شوند. همچنين روش‌هاي انجام پژوهش‌هاي دشوار، حقيقت‌يابي و... نیز مي‌توانند در کشورهای غيرغربي به کار آیند. کتاب زیر چاپ من با عنوان «قدرت مطبوعات فلسطيني، سانسور اسرئيل در ساحل غربي» مي‌تواند مفيد باشد.»

#### \* **ليزا ليدج از عراق:**

- «من با اين عقیده موافقم که متون مربوط به روزنامه‌نگاري غربي نمي‌تواند تکافوي نيازهاي کشورهای جهان سوم باشد، اما آنها حاوي اطلاعاتي هستند که براي کشورهایي که قصد دارند سيستم رسانه‌هاي موجود خود را گسترش دهند بسيار مفيد است. اين وضعيت براي مديريت رسانه‌هاي راديويي مصداق پيدا مي‌کند.»

#### \* **دکتر جان اي کنشيش اوقلو از قبرس:**

- «پاره‌اي از شيوه‌هاي روزنامه‌نگاري (جمع‌آوري خبر، گزارش‌دهي، مصاحبه و غيره) به طور جهاني کاربرد پيدا مي‌کند ضمن آنکه مي‌توان آن را براساس مسئوليت‌هايي که روزنامه‌نگاري اقتضا مي‌کند بهبود بخشيد. البته با تدوين متون روزنامه‌نگاري منطبق با شرایط اجتماعي موافقم به شرط آنکه روزنامه‌نگاران نیز نسبت به جريان جهاني اطلاعات و موارد مربوط به آن، يك آموزش جهاني ببينند.»

#### \* **آبرام موآيا از اندونزي:**

- «روزنامه‌نگاري براي اولين بار توسط غربي‌ها به وجود آمد و مورد تمرين قرار گرفت. روزنامه‌نگاران جهان سوم بايد سعي کنند مهارت‌ها و تکنیک‌هاي پايه‌اي روزنامه‌نگاران را بدان شکل که در غرب آموزش داده مي‌شود فراگيرند. ضمن آنکه اين ممارست‌ها و تکنیک‌ها بايد با شرایط اجتماعي و نيازمندي‌هاي کشورهای جهان سوم انطباق داده شود.»

**\* نقد نیواهامونیم از نامیبیا:**

- «نمی‌توان منکر این موضوع شد که علائق مردم در کشورهای رو به رشد، تا حد زیادی با علائق مردم در کشورهای پیشرفته متفاوت است. این وضعیت طبعاً باید در درک آنها از خبر نیز تأثیر بگذارد.»

**\* پاتریک جیانی از زامبیا:**

- «علی‌رغم وضعیت مشخص در کشورهایایمان، اهمیتی ندارد که موارد آموزشی غربی را به دانشجویان روزنامه‌نگاری آموزش دهیم، مشروط بر آنکه این امر با برگزاری دوره‌های توجیهی و سخنرانی‌های بومی همراه باشد.»

**\* محمدلو زمان از پاکستان:**

- «از آنجا که وسایل ارتباط جمعی مدرن به صورت یک موضوع وارداتی است، بسیار مشکل است که بتوان از شکل‌ها و فراگردهای ارتباطی غالب در غرب تکنیک کرد. تکنیک‌های ارتباطی غربی می‌تواند به عنوان پایه یا نمونه آموزشی مورد استفاده باشد ولی بازسازی وسایل ارتباط جمعی غرب برای تأمین نیازهای ملی جوامع جهان سوم یک ضرورت است.»

**\* سالاتیر، ام. ماتاسا از زیمباوه:**

- «گرچه این امر پذیرفتنی است که آموزش روزنامه‌نگاری در کشورهای جهان سوم باید تا آنجا که می‌تواند منافع مردم را مدنظر داشته باشد ولی بسیاری از کشورهای جهان سوم، بسیار از این حقیقت دور بوده‌اند و به اندازه کافی برای آموزش مجهز نشده‌اند. از همین رو اتکا به دانش و تجهیزات کشورهای به اصطلاح پیشرفته اجتناب ناپذیر است.»

**۱. تفاوتی وجود ندارد (مخالف)**

**\* هنری موهامیکا از تانزانیا:**

- «مشخصات یک خبر در همه جا یکسان است و این بدون توجه به موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و زیست محیطی است به همین نحو تکنیک تهیه یک برنامه تلویزیونی، بی‌توجه به موقعیت جغرافیایی تلویزیون یکسان است. آنچه که مورد نیاز است، آشناکردن دانشجویان با نیازهای مناسب و هنجارهای فرهنگی و علائق اجتماعی است.»

**\* گلن مارک آنتونی پی‌لای از سیشل:**

- «روزنامه‌نگاران جهان سوم، بایستی در جریان وقایع و وسایل ارتباط جمعی غرب قرار گیرند. بنابراین باید برای آموزش روزنامه‌نگاران به این متن دست یافت و آنچه را که مورد نیاز جهان سوم است از آن استخراج کرد.»

**\* محمد گازی رحمان از بنگلادش:**

- «من فکر می‌کنم چنین اختلافی وجود ندارد و برنامه‌های غربی و متون درسی آنها می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. هیچ‌گونه ضرر و زیانی در استفاده از برنامه و متون درسی آنها وجود ندارد، به شرط آنکه آنها با نیازمندی‌ها و سیستم برنامه‌ها و متون ما، مطابقت داده شوند.»

## فصل دوم

### نظر فارغ‌التحصیلان ارتباطات غیرشاغل در مطبوعات

می‌دانیم که حدود ۲۲ سال است که فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم ارتباطات از مؤسسات آموزشی ایران فارغ‌التحصیل می‌شوند. تعداد آنها در حدود یک‌هزار نفر برآورد می‌شود که حدود ۶۰ نفر آنها در مطبوعات مشغول کار هستند و نظرات آنها در بخش‌های دیگر این گزارش مورد توجه قرار گرفت، اما ۹۴۰ نفر بقیه افرادی هستند که حرفه غیرمطبوعاتی دارند.

کوشش بسیار به عمل آمد که با فارغ‌التحصیلان مذکور که در نقاط مختلف کشور و در حرفه‌های گوناگون پراکنده هستند، ارتباط برقرار گردد. حاصل کار دسترسی به حدود ۹۰ نفر از آنان بود که در واقع فارغ‌التحصیلانی بودند که فاقد شغل مطبوعاتی هستند، ۴۷ درصد آنان از فارغ‌التحصیلان سال‌های قبل از انقلاب اسلامی و ۵۳ درصد بقیه مربوط به بعد از انقلاب اسلامی هستند. ۲۴ درصد آنان زن و ۷۶ درصد بقیه مرد می‌باشند. ۴۷ درصد فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۴۲ درصد فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبایی و ۸ درصد فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳ درصد فاقد شغل و ۸۷ درصد دارای مشاغل غیرمطبوعاتی می‌باشند.

از این عده سؤال شد «علت آنکه شغل غیرمطبوعاتی دارید و یا شاغل نیستید چیست؟» نمای پاسخ‌ها (۱۸ درصد) مربوط به کسانی است که گفته‌اند مدتی کار مطبوعاتی کرده و به دلایل گوناگون آن را رها کرده‌اند، نمونه‌ای از توضیحات آنان به شرح زیر است:

- «به دلیل علاقه به روزنامه‌نگاری مدت کوتاهی با مجله صنعت حمل و نقل و روزنامه کیهان همکاری داشتم، اما به دلیل مشکلات عدیده در قسمت استخدامی و دردهای تعهد و گزینش از این شغل منصرف شدم و تا حدی ناامید به شغل غیرمطبوعاتی پرداختم.»

- «به مدت یکسال خبرنگار روزنامه جهان اسلام بودم، از کارم راضی بودم ولی حقوقی که می‌دادند نسبت به کاری که انجام می‌دادم واقعاً کم بود. ولی چون علاقه داشتم تا آخرین روزی که می‌خواستم به سربازی بروم به کار خودم ادامه دادم.»

- به دو دلیل: نخست آنکه مطبوعات را محیط مناسبی برای فعالیت ندیدم و دیگر آنکه وابستگی شدید مطبوعات به ارگان‌های دولتی و محدودیت آنها سبب شد که احساس کنم کسی که مستقیماً در یک ارگان خبری کار کند آزادانه‌تر و راحت‌تر از یک فرد مطبوعاتی غیردولتی، می‌تواند با مسائل مختلف برخورد کند.»

- «مطبوعات دولتي براي جذب نيرو شرايط نسبتاً دشواري در نظر گرفته بودند، البته من نيز تلاش زيادي نکردم. مطبوعات خصوصي هم حقوق چنداني به يك تازه کار نمي دادند و از اين رو مشاغل پردرآمد با شرايط مناسب و پست هاي مالي سازماني سبب تحريك من براي انتخاب شغل غيرمطبوعاتي شد.»

- «مدتي به عنوان شغل اصلي، کار مطبوعاتي کردم ولي به لحاظ غيرفرهنگي و گاه ضدفرهنگي و صداخلاقه بودن محيط کار مجبور به ترك آن شدم و اکنون بطور غيرمستقيم فقط تاليف و ترجمه مقالات با مطبوعات همکاري مي کنم.»

- «به دلايل زير:

۱. مشکل اقامت در تهران و ساير مراکز استان ها

۲. ضعف هاي حرفه مطبوعاتي

۳. جبهه گيري هاي بي مورد سياسي.»

- «به دليل حقوق کم و محيط کاري بسته، حرفه مطبوعات را رها کردم.»

۱۱ درصد گفته اند علت عدم گزينش شغل مطبوعاتي اين بوده که مايل نبوده اند سوابق خدمت آنان در شغلي که پيش از شروع تحصيل و يا در خلال تحصيل به دست آورده بودند از بين برود. ۸ درصد گفته اند که روزنامه نگاري را شغل مناسب نمي دانند، همچنين ۸ درصد گفته اند که درآمد شغل قبلي آنها بيش از درآمدي بوده که از کار مطبوعاتي بدست مي آوردند. به همين نسبت گفته اند که تمايل به کار در مطبوعات را داشته اند، محيط مطبوعات و شرايط حقوق و مزايای آنها نيز پذيرفته بودند، اما نتوانستند شغلي در اين زمينه بيابند. ۵ درصد نوشته اند که تمايل به کار در مطبوعات را داشته اند، اما شهر محل سکونت آنها زمينه هاي براي جذب فارغ التحصيلان اين رشته را نداشته است. ۲ درصد نيز گفته اند که تحصيل آنان در رشته علوم ارتباطات، صرفاً بر حسب امتيازات کسب شده در کنکور بوده و در واقع گرايشي به اين حرفه نداشته اند.

بيان شد که ۸ درصد گفته اند علت عدم روي آوري آنان به شغل مطبوعاتي اين بوده که روزنامه نگاري را شغل مناسب نمي دانسته اند. توضيحات آنها به شرح زير است:

- «در حال حاضر به صورت حاشيه اي در زمينه مطبوعات فعاليت دارم ولي معتقدم که روزنامه نگاري در اين برهه زماني شغل مناسب نيست، چون آنچه را که هست نمي توان نوشت و ۹۵ درصد مطالب ديکته مي شود لذا تحصيلات، علاقه و تجربه ديگر نمي تواند مفيد و ارزشمند باشد.»

- «چون کار را دست نااهل مي ديديم و مي بينم. چنان که افتد و داني و افتاد و ديدي.»

- «با تجربه اي که در زمان دانشجويي از روزنامه نگاري بدست آوردم به اين نتيجه رسيدم که رسيدن به هدف، کسب موفقيت و مشهور شدن در مطبوعات و تأمين زندگي ام از طريق کار در مطبوعات براي من ميسر نيست بلکه کار افراي نظير همايون ها، دکتر شريعت ها و ديگران است.»

- «قبل از فارغ التحصيل شدن از دانشگاه به مدت ۸ سال در آموزش و پرورش به تدریس مشغول بودم و پس از فارغ التحصيل شدن به استخدام شرکت دخانيات درآمدم به دليل علاقه ام به حرفه روابط عمومي و تبليغات که به جهاتي با روزنامه نگاري مرتبط است کار تدریس را رها کرده به خدمت دولت درآمدم.»

۵ درصد روزنامه نگاري را شغل مناسب نمي دانستند اما محيط مطبوعات ايران را براي فعاليت مناسب نمي بينند. نمونه اي از توضيحات آنها به شرح زير است:

- «با توجه به ۹ سال تجربه در کار خبر راديو و تلويزيون و تماس با مطبوعات و دست اندرکاران اين رشته، محيط شغلي مطبوعات را مناسب براي حتي فعاليت پاره وقت خود نديدم.»

- «به علل زير:

۱. حقوق کم نسبت به شغل هاي مشابه و بي در دسر دولتي.

۲. کينه ها و دسته بندي هاي شديد مطبوعاتي که گاه به مسائل خصوصي و ناموسي يکديگر نيز اهانت مي کنند.

۳. من اهل تبليغ و دروغ پراکني نبودم.»

۳۲ درصد بقيه گفته اند که به کار در اين حرفه تمايل داشته اند اما به دلايل ديگري سبب شده که نتوانند روزنامه نگار شوند، نمونه اي از توضيحات آنها به شرح زير است:

- «من ابتدا به رشته ارتباطات علاقه چندانی نداشتم اما در حین تحصیل این علاقه در من ایجاد شد و واقعاً مایل بودم در مطبوعات کار کنم اما متأسفانه بنا به دلایل زیر نتوانستم به این کار ادامه دهم:

۱. نبودن بازار کار در این رشته

۲. احساس نیاز به داشتن نیروی متخصص در مطبوعات وجود نداشت که زمینه‌های جذب این نیروها را فراهم کند

۳. نداشتن معرف

۴. مشکلات خانوادگی نیز مؤثر بود.»

- «روزنامه‌های گذشته و امروزی همگی روزی‌نامه بوده و هستند نه روزنامه.»

- «من علاقه زیادی به شغل مطبوعاتی داشتم ولی متأسفانه سالی که فارغ‌التحصیل شدم امکان اشتغال در این حرفه وجود نداشت و به ناچار به عنوان کارشناس تبلیغات جهان‌گردی در معاونت امور سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استخدام شدم.»

- «به‌علت تعهد خدمتی که در دوره دانشجویی داشتم می‌بایست دو برابر مدت تحصیل در محل خدمت فعلی کار کنم. این تعهد سال آینده به اتمام می‌رسد و با توجه به سابقه شغلی‌ام که دارم مشخص نیست در آینده به کار مطبوعاتی ادامه بدهم.»

- «من به حرفه روزنامه‌نگاری علاقه فراوان دارم و متأسفانه موفق به کار کردن در مطبوعات نشده‌ام و در حال حاضر جویای شغل مطبوعاتی هستم و حقوق کم آن را به شغل‌های دیگر ترجیح می‌دهم.»

- «من از کودکی به این رشته علاقه داشتم و با انتخاب آن در کنکور وارد دانشگاه شدم. پس از فارغ‌التحصیل شدن در رشته ارتباطات، مایل بودم در رادیو کار کنم اما چون متأسفانه در ادارات، رابطه بر ضابطه برتری دارد و پارتی هم نداشتم و دانشکده هم برای کاریابی اقدامی نکرد نتوانستم به هدفم برسم. یکسال بعد از این موضوع در امتحان استخدامی یکی از وزارت‌خانه‌ها شرکت کردم و پس از ۱۴ ماه انتظار مشغول به کار شدم. یکی از رشته‌های مورد نیاز این وزارت‌خانه، رشته ارتباطات اجتماعی بود و فکر می‌کردم کارم با رشته‌ام تناسب دارد ولی بعداً متوجه شدم که این‌طور نیست. در حال حاضر حتی کاری را که انجام می‌دهم با پست سازمانی‌ام تفاوت دارد.»

- «مؤسسات مطبوعاتی برای تأمین نیروهای انسانی خود شرایط دشواری را در نظر گرفته بودند و مطبوعات دولتی نیز سد گزینش را در پیش پای فارغ‌التحصیلان گذاشتند. مطبوعات خصوصی هم تجربه را ملاک استخدام می‌دانستند. در حالی که سایر ادارات دولتی بدون این مشکلات اقدام به تأمین نیروی انسانی خود می‌کردند.»

- «به علت سکونت در شهر کوچکی که حتی مرکز آن نیز فاقد روزنامه است مجبور شدم به کار غیرمطبوعاتی مشغول شوم. کار مطبوعاتی ممکن است در تهران دلس‌چسب باشد ولی در مرکز استان‌ها شاید یک کار کسل‌کننده باشد.»

- «به دلیل علاقه‌ای که عده‌ای غیرمتخصص به حرفه سابق من یعنی گویندگی اخبار ورزشی و خبرنگاری در صدا و سیما داشتند، از کارم طرد شدم، در حالی که کوچک‌ترین گناهی نداشتم. به همین دلیل در جوانی بازنشسته شدم و به ناچار به چند شغل دیگر روی آوردم و اکنون در یک شرکت حمل و نقل بین‌المللی مشغول به کار هستم.»

- «من پس از فارغ‌التحصیل شدن، از کار غیرتخصصی خود در سازمان تربیت بدنی استعفاء دادم و بعد از آزمایشات متعدد در رادیو و تلویزیون ملی به عنوان خبرنگار و گزارش‌گر استخدام شدم و پس از آن در کلیه بخش‌های خبر مشغول به کار بوده‌ام و چند ماه دیگر نیز بازنشسته می‌شوم و مطمئناً بعد از بازنشستگی در مطبوعات به کارم ادامه خواهم داد.»

- «به دلیل عدم استقلال فکری، کار کردن در مطبوعات را مناسب ندیدم.»

در سؤال دیگری از فارغ‌التحصیلان ارتباطات غیرشاغل در مطبوعات سؤال شد که با فرض مطلوب بودن شغل مطبوعاتی، مهم‌ترین ضعف آموزشی رشته ارتباطات در مورد آماده کردن فارغ‌التحصیل این رشته برای کار مطبوعاتی چیست؟

۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان کمبود کار عملی را مهم‌ترین ضعف دانسته‌اند، ۵ درصد کمبود واحدهای تخصصی، ۱۰ درصد هر دو مورد یعنی کمبود واحدهای تخصصی و کمبود کار عملی، ۱۲ درصد عدم انطباق محتوای دروس با واقعیت‌های حرفه‌ای در روزنامه‌نگاران ایران، ۱۳ درصد دلایل دیگر را ذکر کرده‌اند، ۱۳ درصد نیز گفته‌اند که ضعفی وجود نداشته است.

نمونه‌ای از توضیحات پاسخ‌دهندگان به شرح زیر است:

- «به نظر من تنها گذراندن ۲۸ واحد درسی نمی‌تواند يك روزنامه‌نگار بسازد.»
- «مهم‌ترین ضعف‌های آموزشی ما، کمبود واحدهای عملی و کاربردی گزارش نویسی مطبوعاتی است. قلم دانشجوی علوم ارتباطات باید مداوم به نگارش مشغول باشد. روزنامه‌نگار توانا کسی است که علاوه بر آگاهی از مسائل کشور و جهان در نوشتن نیز چالاک و شیرین‌نگار باشد.»
- «کمبود کارهای عملی و تحقیقاتی در میان واحدهای مختلف گرایش ارتباطات، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته را از نظر عملی دچار ضعف کرده است و آشنایی با تشکیلات فعلی مطبوعات جهان در میان آموزش‌های ما جایی ندارد. درس نظری و غیرمطبوعاتی یا شاید غیراختصاصی بیش از واحدهای دیگر به چشم می‌خورد، کار عملی و تکنیک‌های جدید مطبوعاتی و اطلاعاتی جدید و مرتبط با آن می‌تواند از این نظر راه‌گشای بسیاری از دانشجویان این رشته باشد.»
- «ضعف اساسی، عدم وجود فضای کافی برای رشد و توسعه و حرکت این حرفه می‌باشد.»
- «دانشجویان دانشگاه‌های دولتی را نمی‌دانم ولی در دانشگاه آزاد چون بیشتر درس‌ها تئوری و حتی نامربوط است و دانشجویان نمی‌توانند در مطبوعات کارآیی لازم را داشته باشند و وقتی وارد مطبوعات شدند باید از يك دیپلمه اصول روزنامه‌نگاری را به شیوه قدیمی بیاموزند، از این رو دانشجویان باید کلاس‌های کارورزی داشته باشند.»
- «در حال حاضر از وضعیت آموزشی رشته ارتباطات، اطلاعی ندارم اما زمانی که دانشجوی این رشته بودم اغلب درس تئوری بود و کار عملی در زمینه مطبوعات ارائه نمی‌شد.»
- «از مهم‌ترین ضعف‌ها، می‌توان غیرحرفه‌ای تربیت کردن دانشجوی این رشته، آشنا نکردن دانشجو با واقعیت‌های مطبوعات و حمایت نکردن به موقع و لازم از فارغ‌التحصیلان این رشته در برابر بی‌سوادهایی که جذب مطبوعات شده‌اند را نام برد.»
- «تعداد واحدهای تخصصی این رشته بسیار کم است همچنین کارهای عملی در این رشته باید بیشتر شود مثل خبرنگاری، گزارش نویسی و...»
- «به نظر من در زمان گذشته دانشجویان قوی در رشته ارتباطات تربیت نشده‌اند و متأسفانه زمان حاضر را اطلاع ندارم.»
- «به نظر من فضای آموزشی که دانشجو در آن بتواند با تکنیک‌های جدید آشنا شود وجود ندارد، از دیگر ضعف‌ها کمبود کتب روزنامه‌نگاری، کمبود واحدهای کارورزی و کمبود مراکز تحقیق است.»
- «به نظر من باید در میان کسانی که به کار مطبوعاتی مشغول هستند انگیزه وجود داشته باشد و دیگر اینکه آموزش در دانشکده باید همراه با عمل و کار باشد چرا که اصول تئوری موفقیت و پیشرفت افراد را کاهش می‌دهد.»
- «تعداد واحدهای تخصصی در مقایسه با کل واحدها کم است اگر ارتباطات از شکل فعلی خود که گرایشی از رشته علوم ارتباطات است خارج شود ولو اینکه دوره کاردانی باشد بهتر است و در صورت مستقل شدن رشته ارتباطات باید گرایش‌های روابط عمومی، مطبوعات (رادیو و تلویزیون) به‌طور مجزا در آن تدریس شود.»
- «به نظر من کار عملی و مطبوعاتی باید بیشتر شود تا عملاً دانشجویان مسائل را لمس کرده و در جریان آن باشند.»
- «از آنجا که روزنامه‌نگاری و ارتباطات يك حرفه و فن می‌باشند به نظر من بهتر است علاوه بر درس تئوری، کارآموزی‌های لازم نیز برای دانشجویان این رشته تدارک دیده شود و محیطی برای جذب فارغ‌التحصیلان وجود داشته باشد تا این رشته جذاب‌تر شود.»
- «مهم‌ترین ضعف گروه ارتباطات این است که به فکر کاریابی برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته نیست. در شرایطی که اکثریت شاغلین در رسانه‌های جمعی غیرمتخصص هستند، آن‌هایی که واقعاً استحقاق کار در این رسانه‌ها را دارند از تخصص و علاقه خود دور می‌باشند.»
- «استادان ارتباطات فقط یکسری تئوری به دانشجویان آموزش می‌دهند. زمانی که من درس می‌خواندم هیچ‌چیز درباره گزارش به من یاد ندادند و هیچ کلاس عملی که برای من مفید باشد وجود نداشت.»
- «مهم‌ترین ضعف، مغایرت واقعیت‌های درون جامعه با آموزش کلاسیک است.»

- «مهم‌ترین ضعف، تضاد تئوری‌های آموزشی با عمل است. به تجربه ثابت شده که دانشجویان پس از فراغت از تحصیل و جذب در مؤسسات مطبوعاتی، عملاً با مسائلی درگیر می‌شوند که به هیچ‌وجه آمادگی مقابله با آن را ندارند و از سوی دیگر تئوری با عمل چنان تفاوتی دارد که سبب می‌شود فارغ‌التحصیلان این رشته کار خود را از اول شروع کنند و در مکتب اساتید تجربی کار بیاموزند.»

- «آموزش فراوان و تئوری بدون انجام کار عملی از مهم‌ترین ضعف‌های رشته ارتباطات است.»  
- «چون اولاً درس‌ها بیشتر تئوری بودند و ثانیاً وضع رسانه‌های جمعی مخصوصاً مطبوعات کشورمان رضایت‌بخش نیست و بیشتر مطبوعات در تهران هستند که برای شهرستانی‌ها مشکل آفرین است. ثالثاً ارتباط با دستگاه‌های مطبوعاتی بسیار ضعیف است و فارغ‌التحصیل این رشته به حال خود واگذاشته می‌شود و او نیز مجبور است شغل دیگری برای خود انتخاب کند.»

- «مهم‌ترین ضعف این رشته عدم وجود واحدهای عملی در سیستم آموزشی آن است. گذراندن واحدهای عملی به‌طور جدی باعث می‌شود که:

۱. دانشجویان قبل از فارغ‌التحصیل شدن به واقعیت شغلی خود پی می‌برند.

۲. شور و شوق کاری در آنها به‌وجود می‌آید.

۳. استادان از ایده‌های دانشجویان آگاه شوند.

۴. نقاط ضعف کار رسانه‌ها با توجه به نظر طرفین مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.»

- «من ضعف آنچنانی نمی‌بینم اگرچه ما در گرایش ارتباطات تحصیل می‌کردیم اما از تجربه عملی بهره‌ای نبردیم. اگر هم‌اکنون نیز وضع به همین شکل باشد باعث تأسف است.»

- «این رشته باید حاوی یک دوره کارورزی باشد و در عین حال نشریه مخصوصی به‌صورت آزمایشی و دوره‌ای باید منتشر شود که از همکاری دانشجویان به‌طور عملی سود جسته و زمینه آموزش تجربی را برای آنها فراهم کند.»

- «مهم‌ترین ضعف عدم بورسیه دانشجویان توسط مطبوعات است.»

- «کار عملی بسیار کم انجام می‌شود یا این‌که تقریباً انجام نمی‌شود. کار در مطبوعات و رادیو و تلویزیون در حین تحصیل بسیار ضروری است.»

- «در جهان امروز ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی آنچنان گسترده شده‌اند که بحث درباره آن در چند کلمه مقدور نیست و بحث‌های عمیق‌تر و مفصل‌تری را می‌طلبد.»

- «مهم‌ترین ضعف‌ها عبارتند از:

۱. عدم موفقیت در اجرای دوره‌های کارورزی دانشجویان در مطبوعات

۲. عدم ارتباط نزدیک با مطبوعات

۳. عدم ارتباط با محیط‌های آموزشی و مطبوعات جهانی

۴. عدم موفقیت در بیان پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاری نزد دانشجویان این رشته و افکار عمومی.»

- «به نظر من دانشجویان این رشته به محض آغاز آموزش‌های تخصصی دانشگاهی باید به‌صورت کارآموز در یکی از مطبوعات آغاز به کار کنند تا در این میان با محیط و شرایط کار آشنا شده و آموزش‌های عملی لازم را کسب کنند و احتمالاً پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در همان مؤسسه مطبوعاتی به کار بپردازند.»

- «دانشجویان روزنامه‌نگاری در زمان تحصیل بایستی عملاً در این حرفه کار کنند تا از نزدیک مسائل و مشکلات مبتلا به آن را لمس کنند و در واقع کسب تجربه مهم‌تر از مطالعه دروس تئوری است و متأسفانه این ضعف به‌طور عمومی در این رشته مشهور است.»

- «آنچه می‌دانم در گذشته بهاء و ارزش بیشتری به ادبیات داده می‌شد و مسائل فنی و حرفه‌ای کمتری تدریس می‌شد و فارغ‌التحصیلان این رشته کمتر آگاهی حرفه‌ای و سیاسی داشتند در صورتی که در کشورهای اروپایی روزنامه‌نگاری جزء رشته‌های علوم سیاسی است. با این همه ادبیات، شناخت فنی و حرفه‌ای و دانش اجتماعی محورهای سه‌گانه ارتباطات هستند.»

- «بیشتر از آنکه ضعف آموزشی مطرح باشد ضعف در انتخاب و گزینش مطرح است. شرایط به شکلی است که داوطلب واقعی کمتر پیدا می‌شود و صرفاً مسئله ورود به دانشگاه و کسب مدرک است. اگر خیلی خوش‌بینانه برخورد کنیم تنها ۱۰ درصد از داوطلبین رشته اول خود را ارتباطات انتخاب کرده‌اند و بعضی‌ها هم این رشته را با رشته مهندسی اشتباه می‌کنند.»

- «مهمترین ضعف رشته ارتباطات کم بها دادن به زمینه‌های آموزش عملی این رشته است. همچنین عدم آموزش دروسی در زمینه‌های عکاسی، چاپ، صفحه‌بندی، کامپیوتر و بسیاری از دروس دیگر از مهم‌ترین ضعف‌های این رشته است.»

- «باید به جنبه‌های عملی روزنامه‌نگاری در حین تحصیل آکادمیک بهای بیشتری داده شود تا دانشجوی بعد از فارغ‌التحصیل شدن کمبودی در این رابطه نداشته باشند.»

- «علاوه بر آموزش‌های کلاسیک و زحماتی که اساتید این رشته برای آموزش دانشجویان در دانشکده می‌کنند لازم است با هماهنگی مطبوعات واحدهایی تحت عنوان کار در مطبوعات جزء واحدهای درسی محسوب شده و دانشجو ملزم به گذراندن این واحدها در طول تحصیل باشد.»

در آخرین سؤال، از فارغ‌التحصیلان رشته ارتباطات خواسته شده بود که فرض کنند که همین امروز، از ایشان دعوت شود که مثلاً در روزنامه کیهان و یا اطلاعات و یا یکی از مجلات مشغول کار شوند، به دعوت کننده چه جوابی خواهند داد؟

۲۷ درصد گفته‌اند که ترجیح می‌دهند در آنجا نیمه‌وقت کار کنند. ۲۴ درصد گفته‌اند که بدون هیچ قید و شرطی این دعوت را خواهند پذیرفت، ۵ درصد گفته‌اند که اگر حقوق و مزایای آن خوب باشد دعوت را می‌پذیرند، ۱۳ درصد گفته‌اند که شروطی را مطرح خواهند کرد که اگر با آن موافقت شود، خواهند پذیرفت و ۱۰ درصد گفته‌اند: «هر چه فکر می‌کنم، کار من نیست، نمی‌پذیرم.» (۱۱ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند.)

آن عده‌ای که شروطی را مطرح کرده‌اند در توضیح شروط خود نوشته‌اند:

- «به‌طور کل اگر فضای عمومی و خصلت حاکم هر نشریه با سلیق و طرز تلقی‌های من در تضاد و تعارض نباشد و یک هم‌خوانی و هم‌سنجی وجود داشته باشد از پیشنهاد همکاری آن‌ها استقبال می‌کنم.»

- «باید:

۱. اختیار اداره شغل از نظر برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل با خودم باشد.

۲. حقوق و مزایا کافی باشد.

۳. همکارانم را خودم انتخاب کنم.»

- «فقط گزارش تحقیقی و مقاله بنویسم و ترجمه و تألیف هم داشته باشم و دیگر اینکه بر گوشه‌ای از امور و فعالیت‌های مرکز مطبوعاتی و محتوای مطالب آن نظارت داشته باشم.»

- «۱. حداقل بتوانم یک مسکن برای اقامت تهیه کنم

۲. حقوق و مزایای متناسب با وضعیت فعلی اقتصاد کشور بگیرم

۳. شغلم با اهمیت باشد.»

- «آزادی عمل داشته باشم، خبرهایم سانسور نشود چون به اندازه کافی خودمان سانسور کرده‌ایم، حقوق دریافتی‌ام مناسب باشد، زیر دست کسانی که تحصیلات و درک اجتماعی کمتر از من دارند کار نکنم و از لحاظ رفت و آمد مقید ساعت خاصی نباشم.»

- «در صورتی که مطلب عنوان شده قابل درج باشد از سانسور یا عدم درج آن خودداری شود و مطالب اگرچه به نظر تصمیم‌گیرندگان جالب نیست ولی برای قضاوت جامعه منتشر شود.»

- «۱. به صورت پاره‌وقت کارکنم

۲. کارم به صورتی باشد که مجبور نباشم در محیط مؤسسه یا اداره محصور شوم بلکه فقط

برای تحویل کار و مبادله اطلاعات به اداره مراجعه کنم

۳. روزنامه یا مجله جبهه‌گیری، باندبازی و تعصب نداشته باشد.

۴. مدیران و مسئولان نشریات، افراد تحصیل کرده و متخصص باشند.»

گفتیم که ۱۰ درصد گفته‌اند که به این نتیجه رسیده‌اند که این حرفه کار آن‌ها نیست و پیشنهاد را نخواهند پذیرفت دلایلی که مطرح کرده‌اند به شرح زیر است:

- «چون در حال حاضر در رشته‌های دیگر فعال هستم و برای خود احترام، موقعیت و درآمد خوبی دارم.»

- «چون:

۱. احساس مسئولیت در مطبوعات آن هم در شرایط کنونی جهان، خردکننده است

۲. کار قلم حدیث آب و نان را بر نمی‌تابد

۳. رفتن این راه «دل به دریا زدن و دم زدن می‌خواهد» پس نباید با دم شیر بازی کرد.»



– «کلاس‌های دانشکده در گذشته مخلوطی از شاغلین و دانشجویانی بود که پس از دبیرستان، بلافاصله مشغول تحصیل شده بودند و دانشجویان با داشتن شغل قبلی جهت ارتقاء رتبه و علاقه‌مندی به مطبوعات جذب گردیده بودند. خدمت در مطبوعات عمل آسانی نبود بایستی از فیلترهای متعددی از قبیل آشنایی فامیلی و صلاحیت شغلی مطروحه عبور می‌کردی و چون من ترجیح دادم که از مزایای قانونی استفاده کنم از علاقه‌مندی به مطبوعات چشم‌پوشی کردم.»

– «حدود ۴ سال است که به استخدام رسمی يك وزارتخانه درآمده‌ام و امکان هیچ‌گونه انتقال یا جابه‌جایی شغلی هم وجود ندارد، پس بهتر است به آن فکر نکنم چون بیشتر ناراحت می‌شوم.»

– «رشته من مطبوعات است، ترجیحاً متخصصان رشته مطبوعات باید به کار وارد باشند ولی به فرض محال که دعوت را پذیرا شوم این دو روزنامه زرد (کیهان، اطلاعات) را به کلی فراموش کنید.»

## بخش چهارم

## بستر نگرش‌ها

## فصل اول

### مسائل مطبوعات و روزنامه‌نگاران از دیدگاه آنان

در این فصل از گزارش، پاسخ به سه سؤال به ظاهر غیرمرتبط با آموزش، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سه سؤالی که پاسخ آن می‌تواند جو و بستر نگرش به روزنامه‌نگاری مبتنی بر آموزش را نشان دهد. بحث اول مربوط به سؤال ۱۴ پرسشنامه ماخذ این بررسی است که از هر دو گروه روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و بدون تحصیلات مرتبط پرسیده شده و از آنان خواسته شده بود که بگویند بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات ایران کدام است؟ بحث دوم مربوط به سؤال ۱۲ هر دو پرسشنامه است که پرسیده شده بود «تیراژ مطبوعات در ایران نسبت به جمعیت باسواد کشور (۲۵ میلیون باسواد) در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی و بسیاری از کشورهای جهان سوم در سطح مناسبی نیست، سواي مسائلي چون تأمين كاغذ، مشكلات چاپ، توزيع و مشكلاتي از اين قبيل، چه سهمي از اين وضعیت مربوط به روزنامه‌نگاران می‌شود؟ لطفاً «توضیح دهید.» بحث سوم مربوط به پاسخ‌های سؤال ۱۶ هر دو پرسشنامه است. در این سؤال گفته شده بود، «در برخی از کشورها، روزنامه‌نگار دارای منزلت اجتماعی بالایی، هم‌سطح مشاغلی که نیاز به تخصص‌های بالایی دارند، مانند پزشکان، اساتید دانشگاه، قضاوت و از این قبیل، است. به نظر شما پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران چیست؟ چگونه می‌توان آن را ارتقاء داد.»

روزنامه‌نگاران مورد پرسش به دقت به هر سه سؤال پاسخ داده‌اند به طوری که نسبت پاسخ‌دهندگان به سؤال ۱۶ برابر ۹۴/۳ درصد، سؤال ۱۲، ۹۱/۴ درصد و سؤال ۱۴، ۹۰/۸ درصد است. این چنین نسبت‌هایی برای پاسخ به سؤالات باز را در کمتر نظرسنجی می‌توان به دست آورد. نگرش‌هایی مطرح شده که دلیلی در پس آن نیست، عقایدی گفته شد که دلایل نسبتاً محکمی نیز دارند و معرفت‌هایی بیان شده که از واقعیت نشئت می‌گیرد. تفکیک آن‌ها چندان امکان‌پذیر نیست اما آنچه که مهم است این است که «روزنامه‌نگاران چنین فکر می‌کنند.»

#### ۱. بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات کشور

همان‌گونه که گفته شد، سؤال ۱۴ ناظر بر کسب نظر روزنامه‌نگاران درباره بزرگ‌ترین انتقاد از مطبوعات کشور بود که ۹۰/۸ درصد روزنامه‌نگاران مورد بررسی به آن پاسخ داده‌اند. پاسخ‌ها را می‌توان در ۴۲ مقوله جای داد که خودسانسوری و سانسور، کلیشه‌ای بودن محتوا، کمبود روزنامه‌نگار متخصص، خطی و سیاسی شدن مطبوعات، بی‌توجهی به بازخورد در ارتباط مطبوعات با مردم، عدم رعایت اصول روزنامه‌نگاری از سوی مطبوعات و تجاری شدن مطبوعات، انتقاداتی است که از سوی ۱۳ تا ۵ درصد روزنامه‌نگاران مطرح شده است.

اگرچه در این‌گونه موارد، فراوانی و درصدها کماکان اهمیت دارد، ولی چون سؤال دارای پاسخ‌های باز است، لذا تک نظرها نیز می‌تواند قابل توجه باشند. دسته‌بندی انتقادات مذکور به شرح زیر است:

تعداد	درصد	
۴۱	۱۳/۰	- خودسانسوري و سانسور
۳۸	۱۲/۰	- کليشه‌اي بودن محتوای مطبوعات و نبود خلاقيت
۳۰	۹/۵	- کمبود روزنامه‌نگار متخصص
۲۸	۸/۹	- خطي و سياسي شدن مطبوعات
۲۲	۷/۳	- عدم شناخت سلیقه‌ها و نیازهای خوانندگان و ناتواني در دسترسي به بازخورد
۲۱	۶/۷	- عدم رعایت اصول روزنامه‌نگاري
۱۷	۵/۴	- تجاري و تبليغاتي شدن مطبوعات
۱۵	۴/۸	- عدم توجه روزنامه‌نگاران به مسائل واقعي جامعه
۱۲	۳/۸	- عدم امنيت شغلي روزنامه‌نگاران
۱۱	۳/۵	- تنبلي خبرنگاران و متکي بودن به اخبار خبرگزاری‌ها
۹	۲/۹	- اعمال سلیقه‌ها در محتوای مطبوعات و محدودیت‌های روزنامه‌نگاران
۸	۲/۵	- جهت‌گيري مطبوعات عليه یکدیگر و نبود رقابت سالم
۵	۱/۶	- پایین بودن سطح کیفیت و شکل ظاهري مطبوعات
۴	۱/۳	- عدم شجاعت در روزنامه‌نگاران
۴	۱/۳	- نبود سندیکاي حرفه‌اي
۴	۱/۳	- عدم اشتغال حرفه‌اي روزنامه‌نگاران
۲	۱/۰	- بي‌توجهي روزنامه‌نگاران به اهميت شغلشان
۲	۱/۰	- عدم تفکيک حوزه‌های خبري براي روزنامه‌نگاران
۲	۱/۰	- محرومیت روزنامه‌نگاران از پایگاه اجتماعي بالا در جامعه
۲	-	- تبدیل شدن روزنامه‌ها به بولتن خبري
۲	-	- نهادي شدن مطبوعات
۲	-	- مطبوعات بیشتر خبري هستند تا تفسيري
۲	-	- يکي شدن مفهوم خبر و تبليغ
۲	-	- دولتي بودن برخي از روزنامه‌ها
۲	-	- عدم دسترسي به منابع جهاني اطلاعات
۲	-	- وجود ارتباط یکسويه در مطبوعات
۲	-	- عدم اعتماد مردم به مطبوعات
۲	-	- اعطاي امتياز انتشار به افراد، بدون توجه به سوابق آنان
۲	-	- کثرت مطبوعات موجود
۱	-	- نبود فرهنگ صحيح انتقاد
۱	-	- رابطه‌اي شدن مدیریت در مطبوعات
۱	-	- عدم رابطه مراکز تحقيقاتي با مطبوعات
۱	-	- بي‌توجهي به نیروهای متخصص
۱	-	- کمبود نشریات تخصصي
۱	-	- گرایش روزنامه‌نگاران به مادیات
۱	-	- غلط بودن سيستم توزیع مطبوعات
۱	-	- بي‌صلاحيتي برخي مدیران مطبوعات
۱	-	- عدم ارائه به موقع خبر
۱	-	- بي‌هدف بودن مطبوعات
۱	-	- چاپ اخبار از منابع غيرموثق
۱	-	- عدم استفاده از وسايل پیشرفته ارتباطي
۱	-	- سرسپردگی به سياست‌های فرهنگي رژیم‌های خودکامه
۱	-	- عدم نظارت وزارت ارشاد بر مطبوعات

\* \* \*

نمونه‌اي از نوشته روزنامه‌نگاران، در پاسخ به سؤال ۱۴ به شرح زیر است. لازم به توضیح است که در نقل قول‌ها کوشش شده که سبک نگارش و واژه‌های به کار گرفته شده از سوی نویسندگان،

کاملاً مراعات شود زیرا در لابه‌لای همین واژه‌هاست که عمق احساس و نگرش پاسخ‌دهنده را به حرفه می‌توان دید. برای جلوگیری از اطاله کلام، از نقل نوشته‌های ۱۳۸ روزنامه‌نگار که تقریباً مفاهیم مشابه نوشته آنان، در مطالب نقل شده، دیده می‌شود خودداری گردید. (پرسشنامه‌های شماره یک تا ۲۶۱ مربوط به روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط و ۲۶۲ تا ۲۱۵ مربوط به روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط است).

۱ - «عدم مرزبندی، آلوده شدن تقدس مفاهیم و به‌کاربردن آن‌ها در جای غیرخود، عدم آگاهی‌های عمومی و تخصصی روزنامه‌نگاران، وضعیت اقتصادی موجود، عدم تفاهم بین صاحب امتیازهایی که از روزنامه‌نگاری گاه‌گاه هیچ نمی‌دانند و روزنامه‌نگاران مشغول به‌کار در نشریه، وجود سلیقه‌های گوناگون و باری به هر جهت بودن کسانی که خود را روزنامه‌نگار می‌پندارند و...» - پ ۱.

۲ - «بایستی در بین مطبوعات یک وحدت استراتژیک باشد. بدین معنی که در دفاع از کیان اسلام و تمامیت ارضی و ملیت ایران و تحکیم وحدت بین مردم کوشا باشند - سلیقه‌ها و نظرات مختلف بایستی در چارچوب امر مذکور در فوق مطرح شود - نه تنها از تشنج‌آفرینی در جامعه پرهیز گردد بلکه در قوام و وحدت جامعه حرکت صورت پذیرد. بایستی از رهبری اطاعت نظری و عملی داشته باشند.» - پ ۲.

۳ - «تشابه محتوایی بسیار از مطالبی که چاپ می‌کنند، عدم توجه به کیفیت ارائه مطالب و چگونگی عرضه (در برخی از مطبوعات) - عدم توجه به گروه سنی مخاطبین در برخی از مطبوعات - نبود تنوع لازم از حیث محتوا و شکل در برخی از مطبوعات.» - پ ۳.

۴ - «تعداد کم خبرنگاران متخصص.» - پ ۴.

۵ - «نبودن فضای آزاد برای روزنامه‌نگار و محدود کردن او در یک چارچوب و کمبود نیروی انسانی متخصص و آگاه در این رشته که یکی از اشکالات عمده روزنامه‌نگاری کشور ماست و مشکلات بعدی روزنامه‌نگاری نیز حول همین محور می‌چرخد.» - پ ۵.

۶ - «بی‌کیفیت بودن مطالب، عدم ارزش‌گذاری به شخصیت افراد در مطبوعات، عدم وجود مدیریت در اکثر نشریات و شاغل بودن افراد بی‌صلاحیت.» - پ ۶.

۷ - «عدم کیفیت چاپ و جاذبه‌های لازم در مقایسه با نشریات خارج.» - پ ۸.

۸ - «خواست اصلی خوانندگان را مدنظر قرار نمی‌دهند.» - پ ۹.

۹ - «شاید بتوان کثرت انواع مطبوعات را بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات دانست. مثلاً در زمینه ورزش در کشور ما انواع و اقسام نشریه وجود دارد که با اسم‌های رنگارنگ، همه یک مطلب را می‌نویسند.» - پ ۱۰.

۱۰ - «بزرگ‌ترین انتقادی که بر مطبوعات ایران جدای از کیفیت کاغذ می‌توان بدان اشاره کرد، همسانی خبرها با رادیو و تلویزیون که می‌تواند خبرها را زودتر از مطبوعات به مخاطبان ارائه دهند و همچنین کمبود گزارش‌های تحقیقی است. از طرفی مطبوعات هم‌اکنون سخنگوی مسئولانی شده‌اند که دائماً حرف‌های یکسان می‌زنند و حرف‌هایشان هم برای مخاطبان تکراری شده است. مشکل دیگر سانسوری است که بنا به دلایل مختلف بر هر گزارش و یا خبری که جنبه انتقادی داشته باشد از سوی مسئولان به عنوان مسائلی که مغایر با مصالح است، اعمال می‌شود.» - پ ۱۱.

۱۱ - «تمامی مطالب خود را صرف مطالب سیاسی می‌کنند.» - پ ۱۲.

۱۲ - «لازمه انتقاد صحیح از یک موضوع، احاطه داشتن بر کیفیت آن است در حالی که بنده اعتراف می‌کنم که آگاهی لازم را برای تشخیص خوبی و بدی مطبوعات ندارم.» - پ ۱۳.

۱۳ - «کمبود احساس مسئولیت در برابر خوانندگان، یکی از این موارد درخور انتقاد است و اما نه بزرگ‌ترین! آن‌ها...» - پ ۱۴.

۱۴ - «نبودن تأمین کافی برای کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند که نتایجاً باعث می‌شود که بسیاری از افراد با استعداد که می‌توانند در این رشته فعالیت مفید و پربختری داشته باشند را روی گردان کرده و به حرفه‌های دیگر روی آورند.» - پ ۱۵.

۱۵ - «سخن بسیار است، گر نویسم مثوی هفت من کاغذ شود.» - پ ۱۶.

۱۶ - «از نظر شیوه نگارش و رعایت قواعد دستوری و رعایت مسائل ادیتی و تیترونیسی و... رعایت کلیه جوانب را نمی‌کنند و در صفحه‌آرایی نیز فاقد ابتکارات جالب و جاذب هستند.» - پ ۱۷.

۱۷ - «سرسپردگی به سیاست فرهنگی رژیم‌های خودکامه.» - پ ۱۸.

۱۸ - «دور بودن از مردم و مسائل آنان»

۲. در خدمت مسئولان بودن
۳. بیش از اندازه سیاسی بودن
۴. استفاده از هر نیرویی تحت عنوان خبرنگار یا روزنامه‌نگار
۵. فراری دادن مردم از مطالعه روزنامه‌ها (به دلایلی که در بالا اشاره شد).» - پ ۱۹.
- «در درجه اول می‌بایست این نکته را یادآور شویم که مسئولین ما در مراکز تحقیقاتی و علمی کشور، همکاری لازم را با مطبوعات ندارند و در نتیجه این موضوع باعث می‌شود که مطبوعات ما از واقعیت‌ها کمی دور باشند.» - پ ۲۲.
- «در زمینه تهیه گزارش‌های مفید اقتصادی و علمی کمتر کار می‌کنند و بیشتر به تبلیغ و کسب درآمد از راه آگهی فعالیت می‌کنند تا شناخت و درک مشکلات اجتماعی و اقتصادی.» - پ ۲۶.
- «عدم صراحت.» - پ ۲۷.
- «عدم توجه به خواسته‌های «واقعی و عینی» اقشار مردم به ویژه قشر رنج کشیده، محروم و مستضعف واقعی.» - پ ۲۸.
- «کثرت بیش از همه نشریات و یکنواختی آنان، اجازه رشد و خودنمایی را نمی‌دهد. باید در مطبوعات ایران رقابت و ابتکار در تمام زمینه‌ها باشد. لزوم مجمع و یا اتحادیه می‌تواند این امکانات را فراهم نماید.» - پ ۲۹.
- «مطبوعات کشور بایستی حاوی انتقادات سازنده همراه با راه‌حل‌های اصولی و بدون غرض‌ورزی باشند، مشکلات را به مسئولین انعکاس دهند و همراه با ارائه راه‌حل آن‌ها، به حل مشکلات کمک کنند اما متأسفانه اغلب این موضوع یکجانبه رعایت می‌شود.» - پ ۳۰.
- «یکنواختی کار نشریات، کمبود خلاقیت و ابتکار در اجرای طرح‌های جدید.» - پ ۳۲.
- «اینان، ارتباط‌گیری را بازی و بسیار سطحی در نظر می‌گیرند، و به زبان معمولی‌تر آشفتگی و پارازیت.» - پ ۳۳.
- «عدم صداقت - خبرهای کلیشه‌ای - صفحه‌بندی‌های شلوغ - گمراه کردن خواننده با تیتروهای دروغین - مطالب تکراری - مقالات پیچیده از نظر نگارش.» - پ ۳۵.
- «مطبوعات ایران و روزنامه‌نویسان عموماً این شغل و حرفه را جدی نمی‌گیرند. البته بزرگان نیز همچنین!» - پ ۳۶.
- «اخبار جهان فقط از يك منبع رسمي (ایرنا) مخابره می‌شود و اخبار مطبوعات عین هم است.» - پ ۳۷.
- «استقلال فکری کمتر مشاهده می‌شود - البته این عدم استقلال از سوی خود مطبوعات است نه از سوی نظام اسلامی.» - پ ۳۸.
- «سیاسی شدن آن‌ها.» - پ ۳۹.
- «خودسانسوری.» - پ ۴۱.
- «هیچ مرجعی وجود ندارد تا جلوی ضد فرهنگ را در مطبوعات بگیرد. مطبوعات باید به گروهی وابسته نباشند. مطبوعات را باید از تجارت بیرون کرد.» - پ ۴۲.
- «عدم پرداختن به موضوعات روز و به عبارتی بی‌توجهی خبرنگاران نسبت به سخنان افراد، از جمله ایرادهای وارده است که متأسفانه اکثر خبرنگاران ما قادر به نقد و بررسی موضوعات روز نبوده و شاید بتوان گفت که با موضوع بیگانه هستند. به عبارت بهتر خبرنگاران کشور ما به دلیل مشکلات اقتصادی در روزنامه‌نگاری تنها به عنوان يك کاتب و املاء‌نویس رشد کرده‌اند و ترجیح می‌دهند بیشتر به کارهای دیگر بپردازند یعنی در واقع «ضمناً روزنامه‌نگار» هستند و روزنامه‌نگاری را پس از سایر کارهای خود در نهایت خستگی انجام می‌دهند.» - پ ۴۳.
- «عدم شناخت نیازهای جامعه، آشنا نبودن به فرهنگ و تاریخ دیرینه این سرزمین.» - پ ۴۴.
- «خودسانسوری و سلیقه‌ای عمل کردن.» - پ ۴۵.
- «ضعف مطبوعات ما عدم انجام کارهای تحقیقاتی است. رسالت مطبوعات تنها این نیست که اخبار را منتشر کند - هر چند که خبررسانی از وظایف عمده مطبوعات است - مطبوعات باید هر چه بیشتر درد جامعه را منعکس کرده و در پی آن کارهای حساب‌شده‌ای در ارتباط با به‌دست آمدن شیوه حل این مسائل انجام دهند و راه پیش پای مسئولین بگذارند.» - پ ۴۶.
- «ناآشنایی با فرهنگ اسلام و الگوگرفتن از غرب.» - پ ۴۷.
- «وضع نامناسب اقتصادی روزنامه‌نگاران و کمی حقوق
۲. عدم درک مسئولان از جایگاه رسانه‌های گروهی. در نتیجه مطبوعات برای مردم جاذبه نداشته و از مطالب خواندنی تهی هستند.» - پ ۴۹.

- «هياهو و جنجال به خاطر جلب توجه خوانندگان و بالا بردن تیراژ.» - پ ۵۰.

- «لازم است به جای «بزرگ‌ترین»، کلمه «اصلی‌ترین انتقاد» بکار برده شود و این به اعتقاد من فاصله و شکافی است که مطبوعات بین خود و مخاطبینشان ایجاد می‌کنند.» - پ ۵۲.

- «این که فرهنگ صحیح انتقاد را یا ندارند و یا به دلیلی آن عمل نمی‌کنند، البته قبل از آن خود به نوعی باور نسبت به هدفشان نرسیده‌اند. بسیاری برای گذراندن زندگی این‌کاره‌اند و بسیاری جهان‌بینی و هدف معقولی ندارند. محدودند کسانی که باایمان به هدف معقول، پی‌گیرند.» - پ ۵۳.

- «یکنواختی.» - پ ۵۷.

- «از هم‌گسیختگی - پراکندگی و عدم وجود یک جهت و موضع روشن و مشخص.» - پ ۵۸.

- «بی‌جرأتی و عدم شهامت لازم‌کاری، پرهیز از به مخاطره‌افتادن آسایش مدیر مسئول.» - پ ۶۱.

- «در مورد مجلات، سطحی‌بودن - سطحی‌نگری - توجه به جنبه تجاری آن با استفاده از سطح نازل فرهنگ عامه مردم، غیرتخصصی‌بودن مجلات، به اصطلاح از هر چمن گلی در مجله مطرح‌کردن، تلفنی‌کردن مطبوعات.» - پ ۶۴.

- «وارد شدن در وادی جناح‌های موجود و گاهاً وابستگی به یک جناح خاص به لحاظ ملاحظات سیاسی.» - پ ۶۵.

- «۱. مطبوعات با سانسور و خودسانسوری مواجه‌اند.

۲. سیستم امتیازدهی وزارت ارشاد فقط افراد غیرحرفه‌ای و ناصالح را در برمی‌گیرد.

۳. به این دو دلیل، مطبوعات کهنه بوده و به مسائل مردم نمی‌پردازند و نیز کار اصلی اطلاع‌رسانی را نمی‌توانند انجام دهند.» - پ ۶۶.

- «از تخصص بهره کافی ندارند و نیازهای واقعی جامعه را مطرح نمی‌کنند.» - پ ۶۷.

- «عموم مجلات ما دارای صداقت نیستند و در روزنامه‌ها باید حساسیت بیشتر باشد.» - پ ۶۸.

- «فقدان کادرهای ورزیده، نداشتن نمایندگی‌های خبری در نقاط مختلف جهان و لزوم استفاده از منابع خبری بیگانه، نداشتن تشکل صنفی نیز اگر چه انتقادی بر جامعه مطبوعات به نظر می‌رسد اما از دیگر سو نباید شکل‌گیری «نخبگان صنفی» را در صورت تشکیل اتحادیه صنفی از نظر دور داشت که خود می‌تواند به یک «انتقاد بزرگ» تبدیل شود.» - پ ۶۹.

- «سستی و رکود و عدم برخورد فعال با مطبوعات مبتلا به جامعه، متأسفانه اغلب مطبوعات‌تجاری‌های ما یا به دنبال سودجویی و کسب درآمد هستند یا در مطبوعات غیرخصوصی به دنبال گذراندن وقت.» - پ ۷۳.

- «کلیشه‌گری - سطحی‌نگری - فقدان مدیریت صحیح.» - پ ۷۴.

- «به نظرم بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات ایران این است که همواره حقایق را بیان نمی‌کنند. این امر باعث بی‌اعتمادی مردم نسبت به مطبوعات می‌شود و بر اثر خلأ ایجاد شده، گرایش جامعه به مطبوعات خارجی و اخبار بیگانه افزایش می‌یابد از سوی دیگر موجب خودمحوری مسئولین کشور می‌شود که بدون نگرانی از انتقاد مطبوعات بتوانند اشتباهات خود را تکرار کنند. هیچ‌گاه نباید فراموش کرد که رسالت اصلی مطبوعات در آشکارکردن نقاط ضعف مسئولین است تا از این طریق مسئولین تلاش نمایند و هر چه بهتر خدمت کنند و جامعه را به سعادت برسانند. انتقاد سازنده - که در مطبوعات ایران جایگاهی ندارد - می‌تواند در آینده بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه را برطرف نماید.» - پ ۷۶.

- «برای نوشته‌هایشان هیچ‌گونه منبع و مأخذی ندارند، در مطالب اقتصادی به آمار و اطلاعات دریافتی به هیچ‌وجه تکیه نمی‌کنند و هر چه دلشان می‌خواهد می‌نویسند، بدون اینکه هیچ‌گونه مدرکی ارائه دهند.» - پ ۸۱.

- «عدم اتکاء به منابع آماری دقیق و موثق که سبب می‌شود واقعیات جامعه به خوبی و دقت مطرح نشود.» - پ ۸۲.

- «مطبوعات کشور هیچ‌یک مطبوعات سال ۵۷ - پس از پایان اعتصاب و سال‌های اول انقلاب نیستند. مطبوعات سخن مردم را نمی‌گویند. حرف مردم کمتر در مطبوعات جا دارد.» - پ ۸۳.

- «این روزها امتیاز نشر روزنامه و مجله به کسانی داده می‌شود که کمتر تخصص‌های لازم را در موضوع نشریه دارند و کمتر از افراد تحصیل‌کرده برای کار در نشریه خود استفاده می‌کنند چرا که هزینه‌های بالا این امکان را نمی‌دهد و بیشتر این مطبوعات از بی‌تجربه‌ها استفاده می‌کنند.» - پ ۸۸.

- «روشن نبودن جایگاه قانونی روزنامه‌نگار که نتیجه‌اش خودسانسوری است. مقوله‌ای بدتر از سانسور.» - پ ۸۹.
- «در روزنامه «ما» خودمحوری مدیریت روزنامه.» - پ ۹۰.
- «هر چند که شعار حمایت از مردم و آرمان‌های اسلامی را دارند اما با آن فاصله دارند و خطی برخورد می‌کنند.» - پ ۹۳.
- «بار علمی کمی به همراه دارد.» - پ ۹۴.
- «اینکه افراد بی‌صلاحیت صاحب امتیاز، صاحب قلم و صاحب منصب مطبوعات می‌شوند - به راحتی، که گاه مایه حیرت می‌شود.» - پ ۹۵.
- «نداشتن الگوی مناسب و ارتباط لازم با جهان مطبوعات.» - پ ۹۷.
- «مطبوعات فعلی کمتر به بیان مسائل جدید جامعه می‌پردازند. در حالی که طرح مسائل تازه یکی از مهم‌ترین وظایف مطبوعات است. زیرا کار مطبوعات طرح مسئله است و یافتن به عهده مسئولان. بهتر است همکاران روزنامه‌نگار به این نکته توجه بیشتری نشان دهند.» - پ ۹۹.
- «رقابت خبری در میان مطبوعات ایران، چندان محسوس نیست، به نظر می‌رسد که اخبار همه آنان مثل یکدیگر است و تفاوت فاحشی در داده‌های آنها نمی‌توان دید. در مطبوعات تخصصی، به خصوص مجلات علمی نیز روی صحت مطالب توجه لازم وجود ندارد.» - پ ۱۰۲.
- «یکی از بزرگ‌ترین انتقادهای بر مطبوعات ایران بی‌هدف بودن بدین معنی که آنها بی‌هیچ‌هدف مشخصی حرکت می‌کنند. آنها فقط مطالبی می‌خواهند که صفحات روزنامه یا مجله پر شود و دیگر هیچ، در حالی که جامعه بالنده ما تشنه مطالبی است که عطش سیری‌ناپذیر آن را فرو نشاند و هدف مطبوعات باید پاسخ به نیازقشرهای مختلف مردم باشد.» - پ ۱۰۴.
- «عدم ارج نهادن به نیروهای فعال مطبوعات و ایجاد میدان فعالیت به میزان استعداد و لیاقت هر فرد که باعث ایجاد انگیزه تلاش بیشتر در بین پرسنل نشریات می‌شود و رعایت برخی محدودیت‌ها در چاپ و انعکاس اخبار.» - پ ۱۰۸.
- «بی‌هویتی!» - پ ۱۰۹.
- «غیرحرفه‌ای عمل کردن آنان.» - پ ۱۱۰.
- «استقلال کمتری دارند (منظور اینکه وابسته به خبرگزاری‌ها هستند).» - پ ۱۱۴.
- «گروه‌های اقشار، گماردن غیرمتخصصان به کار، تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل.» - پ ۱۱۵.
- «مادی‌گرایی» - پ ۱۱۶.
- «باور نداشتن حرفه روزنامه‌نگاری از جانب اکثریت خود روزنامه‌نگاران دخیل بودن انگیزه‌های مادی - عدم آشنایی جامعه با رسالت و تأثیرات مثبت و منفی روزنامه‌نگاری و کلاً مطبوعات و یکسو نگریستن به آن - عدم اعتماد جامعه به مطبوعات - عادت نداشتن جامعه به مطالعه.» - پ ۱۱۷.
- «سؤال جالبی نیست. چون مطبوعات ما یک مشکل بزرگی یا تنها یک ضعف بزرگ ندارند و فقط یک کوتاهی بزرگ نکرده‌اند که شما بتوانید «یک انتقاد بزرگ» از آنها بکنید. به نظر من و شما بزرگ‌ترین ناراحتی انسانی که کر و کور، لال و فلج تمامی اعضاست. چیست؟ کدامیک از این عیوب میان او یک زندگی طبیعی مانند سایرین فاصله می‌اندازد؟ لطفاً بریزید و از پنجره اتاقتان یک نگاه دقیق به محیط خارج بیافکنید، حال اگر تصور می‌کنید که مطبوعات ما می‌توانسته‌اند بهتر از این که هستند، باشند، لطفاً صد من کاغذ و ۲۰۰ لیتر مرکب برای من بفرستید تا از آنها انتقاد کنم.» - پ ۱۱۸.
- «۱. مطبوعات ما بولتن روابط عمومی نهاد حاکمیت هستند و این بزرگ‌ترین لطمه به نهاد حاکمیت است.
۲. مطبوعات ما فاقد یک سندیکای صنفی که از حقوق و شئون روزنامه‌نگاری دفاع کند هستند و در نتیجه روزنامه‌نگاران ما بیشتر به فکر داشتن شغل دوم یا سوم، تأمین آتیه و... هستند. به عبارتی همیشه دغدغه نان دارند تا کار.
۳. ما در ایران فاقد چهره‌های شاخص مطبوعاتی هستیم که نظرشان حتی برای نهاد دولت نیز حجت باشد. این ضعف از سویی متوجه روزنامه‌نگاران است که یکسویه فضاوت می‌کنند و از سویی متوجه نهاد دولت است که به روزنامه‌نگار به چشم کارمند خود می‌نگرد. چرا ما در ایران نباید یک «حسنین هیکل» داشته باشیم که یک مقاله‌اش منطقه را تکان می‌دهد؟» - پ ۱۱۹.

- «خطي برخورد کردن با مسائل مخصوصاً به خاطر دخالت داشتن مسائل اقتصادي بر جزء جزء اجتماع مردم ایران.» - پ ۱۲۴.

- «فاقد خلاقیت هستند.» - پ ۱۲۸.

- «در مطبوعات ما هرگونه انتقادي، به معنای تخریب محسوب می‌شود نه به معنای بیان دردها و مشکلات و ایجاد امید در برطرف کردن آنها.» - پ ۱۲۹.

- «عدم آزادي کافي مطبوعات که البته بخش بسیار کمی از آن متوجه دولت است و بخش وسیع آن شاید همان پدیده خوسانسوري باشد.» - پ ۱۳۱.

- «عاقبت طلبی!!!» - پ ۱۳۵.

- «مطبوعات از مشکلات مردم دور هستند و هنوز هم بیشترین حجم مطالب مرتبط به دولت و دولتیان است و مطبوعاتیان درگیر غم آب و نان خویش هستند.» - پ ۱۳۶.

- «خود را در این مورد صاحب نظر نمی‌بینم.» - پ ۱۴۰.

- «بزرگ‌ترین انتقاد این است که از لحاظ تکنیک و شیوه و اسلوب هم‌پای پیشرفت علوم تبلیغاتی در سایر نقاط جهان پیشرفته نیست زیرا گاهی مشاهده می‌شود که مطالب بسیار ارزشمند در شکلی نامناسب و کیفیتی پایین و اسلوبي غیرجذاب عرضه می‌شود به طوری که هیچ خواننده‌ای رغبت مطالعه آن را ندارد.» - پ ۱۴۳.

- «حزبی و گروهی بودن آنهاست. اگر مثلاً مجلاتی که در مورد زن است، همه با هم می‌آمدند و با هم کار می‌کردند در این صورت می‌توانستند يك مجله زن به بهترین نحو به جامعه عرضه کنند، مجله‌ای که تمام نیاز يك زن را چه از نظر حقوقي و چه از نظر اجتماعي برآورده کند.» - پ ۱۴۵.

- «افکار را نمی‌توانند به سمت خود جذب کنند.» - پ ۱۴۷.

- «به نظر من بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات ایران مربوط به کارکنان مطبوعات است، چرا که کارکنان هر نشریه‌ای برای پیشبرد اهدافشان حاضرند همکاران خود در نشریه دیگر را لگدمال هواهای نفسانی خود کنند و به جای انتقاد از یکدیگر کار را به انتقام می‌کشند. وقتی نشریات از یکدیگر دفاع نمی‌کنند پس چه انتظاری داریم که کسی از جامعه مطبوعات دفاع کند؟» - پ ۱۴۸.

- «مهم‌ترین انتقاد آن است که مصرف‌کننده هستند نه تولیدکننده. بر این اساس وقتی مصرف‌کننده خبر، تفسیر، گزارش و... شوند، امکان بروز هر نوع رشد و خلاقیت در زمینه‌های فوق در خودشان از بین می‌رود. به علاوه تنگ‌نظری برخی مطبوعات که به عنوان گروه‌های اقشار در جامعه عمل می‌کنند، مجالی برای بروز اندیشه‌های نوین نمی‌دهد و انسان همواره خود را در يك زندان فکري احساس می‌کند که از آن چارچوب نباید فراتر رفت و...» - پ ۱۵۱.

- «مطبوعات بزرگ کشور ما متأسفانه به وضع معیشت کارکنان خود توجه ندارد و این امر موجب شد که از خلاقیت و ویژگی لازم تهی باشد.» - پ ۱۵۲.

- «کم‌سوادی!» - پ ۱۵۳.

- «۱. تعریف معینی از مردم ندارند، مردمی که سنگ آنها را به سینه می‌زنند.

۲. به همان مردمی که سنگ‌شان را به سینه می‌زنند، اعتقاد ندارند.

۳. اصولاً کار را با اعتقاد و ایمان قلبی انجام نمی‌دهند.» - پ ۱۵۴.

- «اهمیت بیش از حد به آگهی - تملق همیشگی از دستگاه حاکم - سطحی‌نگری.» - پ ۱۵۸.

- «انتقاد خاصی ندارم.» - پ ۱۵۹.

- «محدودیت - در واقع صرف‌نظر از مسائلي که لازم است محدودیت را در نظر داشت (مانند مسائل امنیتی)، روزنامه‌نگاران خود را ملزوم به محدود بودن می‌دانند (حتی اگر واقعاً اینطور نباشد). نکته دیگر در مطبوعات ایران، معمولاً طبق سلیقه سردبیر هر نشریه، خبر یا گزارش تهیه می‌شود که یکی از انتقادات مهم است.» - پ ۱۶۰.

- «۱. مطبوعات در ایران بلندگوي مدیران و اداره‌کنندگان است و سخنگوي شوراي سردبيري است، لذا روزنامه کثیرالانتشار در ایران با خطوط فکري صاحبانش مطرح است و از این جهت، جهت‌گیری‌های غلط و غیراصولي را به جامعه القاء می‌نماید.

۲. ضرورت طرح خطوط فکري و مواضع سياسي، گروهی را وامی‌دارد تا به داشتن موضع سياسي اکتفا کرده و به جنبه‌های علم روزنامه‌نگاری بی‌توجه باشند و بر این مینا اقدام به راه‌اندازی روزنامه نمایند. به جرئت می‌توان گفت که نیمی از مطبوعات‌چی‌های ما آموزش ندیده‌اند. (خواه رسمي و خواه غیررسمي).» - پ ۱۶۱.



- «رفیق بازی!» - پ ۱۶۷.
- «عدم درك مسئولیت در قبال جامعه ملي و بین المللی و منفعت طلبی که به شدت شیوع می یابد.» - پ ۱۶۸.
- «نداشتن خط مشی دقیق و عدم شناخت خوانندگان و سلیقه آنان.» - پ ۱۶۹.
- «فقر علمی.» - پ ۱۷۰.
- «عدم همکاری.» - پ ۱۷۱.
- «چنان که در توضیحات سؤالات عنوان شد، یکی از مواردی که بر مطبوعات باید انتقاد کرد، بی توجهی مسئولان و کارداران نسبت به مطالب و گزارش هایی است که در روزنامه درج می شود. روزنامه تنها منبع و شاید بهترین جا برای انتقاد و ارشاد است. دیگر اینکه خود وزارت محترم ارشاد نسبت به مطبوعات چندان عنایت ندارد و به کمبودها و مشکلات کارکنان و خبرنگاران رسیدگی نمی کند برای نمونه، مسکن، پرداخت وام و بسیاری از موارد دیگر.» - پ ۱۷۲.
- «ضعف کارکردی، نشریات جایگاه خود را نیافته اند، زیرا نهادی نشده اند.» - پ ۱۷۳.
- «قلت نشریات تخصصی با مطالب منسجم و عمیق علمی، فرهنگی و... در زمینه های خاص و کثرت نشریاتی که به قول معروف هر دم بیل بوده و به هر دری می زنند.» - پ ۱۷۵.
- «نان را به نرخ روز می خورند و با مردم روراست نیستند، تازه اگر هم به مسئله ای بپردازند، پشتوانه اجرایی ندارند.» - پ ۱۷۷.
- «مثل طوطی از هم تقلید می کنند، هیچ وقت حرف دلشان زده نمی شود. همه منتظر می مانند که ببینند روزنامه جمهوری اسلامی چه می نویسد تا بقیه هم آن را دنبال کنند.» - پ ۱۷۸.
- «برخی از مطبوعات از جمله یکی از روزنامه های پرتیراژ عصر تهران، به جای ایفای نقش فرهنگی، به عنوان حربه ای در جهت ایجاد سکوت و منکوب کردن هر حرکت مورد استفاده قرار می گیرد.» - پ ۱۷۹.
- «بستگی دارد که تعریف مطبوعات در ایران چه باشد، اگر به عنوان واسطه ای میان دولت و ملت محسوب شود و یا نماینده مردم نزد دولت باشد، مطبوعات ما قابل انتقاد هستند. ما اگر تعریف مطبوعات، قانونی برای نشر برخی افکار باشد، انتقادی بر آنها وارد نیست.» - پ ۱۸۴.
- «عدم آگاهی کامل در مسائل تجربی روزنامه نگاری و عدم بینش سیاسی و اجتماعی و فلسفی و...» - پ ۱۸۵.
- «مطبوعات کشور ما تقریباً تنها زمینه خبری پیدا نموده اند که باید از این حالت خارج شده و به نقد و بررسی بپردازند.» - پ ۱۸۸.
- «نشناختن و تجاهل نسبت به فرهنگ اصیل ملی و هویت فرهنگی و آینده آرمانی فرهنگ کشور.» - پ ۱۸۹.
- «۱. نداشتن کمیته ای به نام و برای روزنامه نگاران
۲. رشد و نفوذ عده ای بی سواد در اکثر هفته نامه ها
۳. حضور افراد نالایق و بی سواد در رأس این هفته نامه ها.» - پ ۱۹۴.
- «عدم جسارت برای طرح واقعیت ها.» - پ ۱۹۵.
- «مهم ترین انتقاد بر مطبوعات کشور، برخورد انفعالی با مسائل مهم جامعه است. اغلب جریانات و رویدادها، پس از آنکه در سطح مسئولین رده بالای کشور مطرح شد، به تاسی از روشی که مورد نظر آنان است مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. مطبوعات بیش از گذشته به نظرات مردم و جریانات حاکم بر جامعه توجه داشته باشند و مسئولین و دست اندرکاران تأثیر بگذارند، نه آنکه بطور یکجانبه از آنان تأثیر پذیرد.» - پ ۱۹۷.
- «مثل نان بیات می مانند، بعضی وقت ها هم مثل نان خشک، اما به هر تقدیر فقط زنده اند تا تسلیت چاپ کنند و از زیبایی کمتر بهره می برند، یا حتی در بعضی موارد با استفاده از عکس های رنگی فقط سعی در جلب مشتری دارند اما کمتر حرف تازه ای برای گفتن دارند. مطبوعات چندان در پی ریشه یابی نیستند و از مقالات تحقیقی جدید غالباً بی بهره اند و خبرهای کهنه شده را با آب و تاب فراوان دوباره و دوباره نقل می کنند و از دیگر قضایا اعم از کیفیت چاپ و... دیگر هیچ.» - پ ۱۹۹.
- «عموم پرسنل آنها نه خلاقیت دارند، نه سواد و نه جوهر... خدا پدر خبرگزاری را بیامرزد که مدام کار می کند تا آنها اسمشان را بگذارند خبرنگار... آنها فرقی با یک حسابدار شرکت و یا

کارمند بانک ندارند، می‌آیند تا بامی به شام برسد و حقوقی بگیرند. تازه در این گیر و دار جای خلاقیت کجاست، نمی‌دانم. اوضاع به گونه‌ای است که آدم از کار سر می‌خورد!» - پ ۲۰۰.

- «بی سر و سامانی.» - پ ۲۰۴.

- «عدم تأمین امکانات و نیازهای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران.» - پ ۲۰۵.

- «ملعبه دست بودن آن‌ها.» - پ ۲۰۷.

- «به جای «مطبوعات» بهتر بود که نوشته می‌شد «نیروهای مطبوعاتی» که دچار خودسانسوری هستند. به یاد می‌آورم موسوی (نخست وزیر وقت در سال‌های ۶۴ یا ۶۵) در جمع همکاران کیهانی فرمودند: من متأسفم که شما دچار خودسانسوری هستید، روزنامه‌نگار شجاع به دولت خط می‌دهد و هیئت دولت را به کار علاقه‌مندتر می‌سازد. بزرگ‌ترین مشکل مطبوعات ما خودسانسوری نیروهای خبری است.» - پ ۲۱۰.

- «وابسته بودن به جناح‌های سیاسی مختلف.» - پ ۲۱۳.

- «اغلب مطبوعات تک قطبی هستند یعنی یا می‌خواهند با عوام ارتباط داشته باشند و یا با متخصصین و به همین خاطر مشاهده می‌شود که رابطه دوجانبه مطلق و محبوبیت همه‌جانبه‌ای وجود داشته باشد.» - پ ۲۱۴.

- «سانسور و اختناق.» - پ ۲۱۵.

- «عدم رعایت بی‌طرفی که شرط اول روزنامه‌نگاری است. امروزه صفحات روزنامه‌ها، میدان مبارزه مدیران مسئول و گروه‌های سیاسی و محل انتقام‌گیری‌های شخصی و غرض‌ورزی‌های خصوصی شده است.» - پ ۲۱۶.

- «من می‌توانم درباره مطبوعات تخصصی صحبت کنم زیرا چندین سال است که با چهار یا پنج مجله علمی همکاری داشته‌ام. غالباً (منهای یکی دو مورد استثنایی) بیشتر به دخل و خرج مجله توجه می‌شود تا خوانندگان. شاید یکی از علل مهم آن، مشکلات مالی باشد اما به هر حال به عقیده من اگر خواننده مطرح نیست و هر ابتدالی را می‌شود به خوردش داد، چرا به کار دیگر نپردازیم که پردرآمد هم خواهد بود.» - پ ۲۱۷.

- «شتاب‌زدگی و عدم دقت، هدف مشخص اسلامی و ملی نداشتن، طیف‌گرایی، فقدان بینش ژرف و واقع‌بینانه از ارزش‌های انسانی الهی.» - پ ۲۲۱.

- «۱. در وهله اول همه نگران وضع مادی خود هستند زیرا تأمین مالی ندارند.

۲. به روش‌های تعیین شده از طرف وزارت ارشاد اسلامی پایبند نیستند و همواره به سوی نشر مطالب عامه‌پسند و عوام فهم سوق داده می‌شوند. مثلاً مجله‌ای که روش تحقیقی را يدك می‌کشد از ترشی لپته مطلب می‌نویسد.» - پ ۲۲۲.

- «به نظر می‌رسد نبودن سیستم صحیح توزیع مهم‌ترین مشکل مطبوعات باشد.» - پ ۲۲۳.

- «عدم مصونیت، تملق‌گویی، چاپلوسی.» - پ ۲۲۴.

- «عدم توجه به ستون خواسته‌ها.» - پ ۲۲۶.

- «۱. فقدان ابتکار و خلاقیت در مسائل مختلف سیاسی و اقتباس و ترجمه از نشریات غرب

۲. چرا در کشور جمهوری اسلامی، هیچ مجله سیاسی - به تمام معنی کلمه - وجود ندارد؟ سوال این است!» - پ ۲۲۹.

- «الان مطبوعات ایران خوب است فقط بعضی از مسئولان انتقادپذیر نیستند و هر چیزی را فوری تکذیب می‌کنند.» - پ ۲۳۵.

- «اینکه دست‌اندرکاران آن از موضوعات حیطة فعالیتشان شناخت دقیق و لازم را ندارند. نسبت به زمینه‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی و... آن موضوع بی‌خبر یا کم‌خبر هستند، و تازه آن اطلاعاتی را هم که دارند، عمیق نیست.» - پ ۲۳۸.

- «اغلب دولتی نویسند.» - پ ۲۳۹.

- «نامرغوبی صفحات و کلمات مندرج در صفحات - عکس‌های مربوطه - کیفیت پایین کاغذ و از همه مهم‌تر نفس مدیریت می‌باشد که در بعضی از مطبوعات مشکل آفرین شده است.» - پ ۲۴۰.

- «رعایت نکردن اصول ادبیات فارسی در نگارش‌های خود، تفاوت‌های فاحش در درج رویدادها و نقد بررسی‌ها و دامن‌زدن به يك سري اختلافات شخصي و عقیدتي توسط برخي نشریات.» - پ ۲۴۱.

- «بی‌اعتنایی به علم روزنامه‌نگاری.» - پ ۲۴۴.

- «عدم ارائه خبر به موقع - بیشتر مطالب آن‌ها تبلیغات مستقیم و شعاردادن است.» - پ ۲۴۵.

۱. «به نظر من در مطبوعات کشور رقابت سالم وجود ندارد. اگر رقابت هم هست سالم و مناسب نیست.»
۲. مطبوعات دارای امکانات کافی نیستند، موضوع تأمین کاغذ، مشکلات چاپ، توزیع و امثال آنها که شما در این پرسش‌نامه به راحتی از آن گذشته‌اید می‌تواند بخش عمده ذهن یک سردبیر خوب و ورزیده یک نشریه را به خود مشغول کند. در حالی که ذهن او باید متمرکز به ارتقاء سطح کیفی نشریه باشد.» - پ ۲۴۷.
- «متأسفانه مسئولان بیشتر روزنامه‌های ایران - سوای چند روزنامه - روزنامه‌دار هستند نه روزنامه‌نگار. آنها از این راه می‌خواهند به شهرت یا ثروت - هر چند دورنمای غلطی است - برسند، برای همین کمتر روزنامه‌نگاری در ایران بدون کمک مالی دولتی توانسته‌اند به کار خود ادامه دهد و دیده‌ام که با مشکلاتی که بعدها مواجه شده‌اند از این کار به اجبار دست کشیده و دیگر دنبالش نرفته‌اند.» - پ ۲۴۸.
- «عدم استقلال، وابستگی‌های مالی، ترس از عدم امنیت شغلی، عدم صراحت و عدم شهامت حرفه‌ای.» - پ ۲۴۹.
- «به دلیل نیازهای مالی، تبدیل‌شدن به ابزار دست صاحبان سرمایه‌ها و نردبان افزایش‌خواهی آنان، چه می‌شود کرد، اقتصاد است و شاید زیرینا نباشد! اما فعلاً هر چیز را تقریباً او بنا می‌گذارد! به نظر من سیطره اقتصاد بر مطبوعات به زیان رسالت فرهنگی مطبوعات و از ضعف‌های بزرگ آن است.» - پ ۲۵۱.
- «چاپ اخبار از هر منبع غیرموثق که باعث سلب اعتماد خوانندگان مطبوعات می‌شود.» - پ ۲۵۳.
- «جز دو یا سه مورد بقیه مطبوعات وظیفه اصلی خود را که امر به معروف و نهی از منکر دولتمردان و رشد فکری و فرهنگی جامعه است، به کلی فراموش کرده‌اند.» - پ ۲۵۵.
- «متماایل شدن به سوی پول و تجارت و آگهی.» - پ ۲۵۶.
- «۱. مطالبی که نمی‌توانند منتشر کنند، بسیار بیشتر از مطالبی است که قدرت انتشار آن را دارند و این هم تنها گناه مطبوعات نیست بلکه به جو حاکم بر جامعه مربوط است.
۲. بسیاری از نشریات ما هنوز نمی‌دانند چرا و برای چه کسانی منتشر می‌شوند و اصولاً قرار است کدام جای خالی را پر کنند و کدام نیاز جامعه را برآورد سازند.» - پ ۲۶۰.
- «بیشتر نقش یک رپرترا دارند تا انعکاس اخبار روز به جامعه.» - پ ۲۶۱.
- «به عقیده من عدم تأمین شغلی و حمایت حرفه‌ای می‌تواند باعث تضعیف روحیه روزنامه‌نگاران شود که البته در این زمینه تلاش‌هایی صورت گرفته ولی کافی نیست. شخصی که عاشق این حرفه است باید حس کند که کار در مطبوعات نیاز به از خودگذشتگی و پایداری دارد. متأسفانه اغلب کسانی که به این کار روی می‌آورند، مخصوصاً پس از انقلاب، شناخت کافی از این حرفه ندارند، بنابراین خیلی زود دل‌سرد شده، درصدد یافتن شغل دیگری برمی‌آیند. به این موضوع در میان نسل جوان و پرشوری که طی سال‌های اول انقلاب به این حرفه روی آوردند بسیار مشاهده شده است و این یکی از دلایل رکود کار مطبوعات ایران است. استفاده از تلکس خبرگزاری هم یکی از بلاپایبی است که گریبان‌گیر مطبوعات ما شده و موجبات ضعف و تبیلی روزنامه‌نگاران را فراهم کرده است.» - پ ۲۶۴.
- «۱. مطبوعات نمی‌توانند جاذبه‌ای برای یافتن خوانندگان دائمی ایجاد کنند.
۲. از نظر معیشتی کارکنان خود را حتی در حد طبقه متوسط تأمین نمی‌کنند.
۳. به فرد بهایی داده نمی‌شود.
۴. مدیریت‌ها براساس روابط است و کارآیی افراد مدنظر قرار نمی‌گیرند.» - پ ۲۶۵.
- «در ایران، روزنامه‌نگار حرفه‌ای، زیرک، باهوش و بافراست کم است. حتی از انگلستان دست جناب‌عالی هم کمتر، باور فرمایید.» - پ ۲۶۶.
- «مطبوعات ایران به‌طور عمده فاقد نوگرایی و خلاقیت بوده و دنباله‌رو سنت‌های دیرین روزنامه‌نگاری هستند. شیوه تنظیم خبر، گزارش و مصاحبه با اصول روزنامه‌نگاری خبری همخوانی ندارد. یکی از علت‌های عمده این عقب‌ماندگی، ساده‌انگاری کار روزنامه‌نگاری است به‌گونه‌ای که هر فردی که بتواند یک تلکس را به شیوه نارسا ویرایش کند یا به کمک ضبط صوت، یک مصاحبه خبری را عیناً در روزنامه منعکس کند به عنوان خبرنگار پذیرفته می‌شود. در شرایطی که از نیروی متخصص استفاده می‌شود فقط عنوان مدرک تحصیلی فرد مهم است به این معنی که لیسانسه علوم سیاسی می‌تواند در سرویس‌های سیاسی کار

کند و همین‌طور در مورد رشته‌های دیگر تحصیلی در حالی‌که کار جدی‌تر از اینها است.» - پ ۲۶۸.

- «چشم بر واقعیات جهان و آینده آن بستن، یک سیوه‌نگریستن، نبودن معیار واحد در اعمال آنچه مجاز است تفاوت دیدها در تشخیص مجاز از غیرمجاز که منجر به نوعی خودسانسوری و ترس می‌شود. در نشریات به اصطلاح آزاد که نیازی به ذکر نام آنها نیست نیز تمسک به شیوه‌های شکست خورده، روشن‌فکری و بالاتر از همه اینها برگردیم به اصل مسئله، انتقاد اصلی بر مطبوعات ایران، مطبوعاتی نبودن آنهاست.» - پ ۲۷۲.

- «پاسخ به این سؤال نه چند سطر، شاید نیازمند نگارش مقالات و کتاب‌های متعددی در این زمینه است به هر حال عوامل زیر از عمده‌ترین انتقادات است:

۱. بی‌اطلاعی روزنامه‌نگاران از دانش و فن و هنر روزنامه‌نگاری
۲. عدم حمایت کامل قانونی از روزنامه‌نگاران و مطبوعات
۳. نبود یک اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاری و مطبوعاتی
۴. تک‌بعدی‌نگری و برخورد از زاویه ایدئولوژیکی و تک‌خطی‌شدن و تبدیل مطبوعات به صحنه تسویه حساب‌های سیاسی جریان‌های مخالف
۵. عدم استفاده از امکانات پیشرفته تکنولوژیکی ارتباطی، همگنی موجب شده که مطبوعات نه خواننده مناسبی داشته باشد و نه محتوای قابل قبولی مطبوعات ایران آینه تمام‌نمای جامعه حاضر هستند یعنی فضایی بسته و خفقان‌آور، بی‌رشد، بی‌هنر و مبتذل وجود دارد.» - پ ۲۷۳.

- «بزرگ‌ترین انتقادات اینها هستند، نداشتن فیدبک (بازخورد) از جامعه، عدم شناخت و توجه به افکار عمومی، نداشتن سرعت، کیفیت و محتوای لازم کاری، سلیقه‌ای عمل کردن، دوری از مردم، باندبازی و سیاسی‌کاری، عدم توجه کافی به کار علمی و تخصصی حرفه‌ای، کم‌ریها دادن به نیروهای متخصص و توانمند، عدم توجه به آموزش نیروی انسانی و بالابرن سطح دانش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای.» - پ ۲۷۶.

- «مطبوعات ایران برنامه‌ریزی درستی ندارند و تمام نقش‌ها به یک روزنامه‌نگار داده می‌شود، مثلاً گزارش‌گر یک بار در مورد مسائل اقتصادی و بار دیگر در مورد مسائل اجتماعی گزارش تهیه می‌کند و مسلماً مسائل مطرح شده سطحی خواهد بود. در واقع مطبوعات ما یک مطبوعات سطحی و کم‌عمق و محتواست.» - پ ۲۸۰.

- «عدم دارا بودن روزنامه‌نگاران باتجربه و متخصص، عدم تجزیه و تحلیل مسائل مهم کشور، عدم آزادی و برخورد آراء و اندیشه‌ها در بستر مطبوعات، مدیریت‌هایی بعضاً نالایق در سطوح بالای مدیریت، عدم تحمل آراء مخالفان و ترجیح‌دادن مسائل خطی و جناحی خود بر مسائل مهم کشور و منافع ملت از جمله انتقادات مهم بر مطبوعات کشور است.» - پ ۲۸۵.

- «بزرگ‌ترین انتقادات عبارت‌اند از:

۱. نداشتن تیتروهای جذاب و جنجالی در مطبوعات
۲. عدم انعکاس واقعیت به معنای آنچه که هست
۳. صفحه‌آرایی نامناسب
۴. داشتن غلط‌های املایی فراوان در متن مطالب.» - پ ۲۸۹.

- «مفهوم خبر با تبلیغ در مطبوعات یکی شده است و هیچ نوع مرزبندی بین این موضوع دیده نمی‌شود، در صورتی‌که روزنامه‌نگاری علمی اقتضا می‌کند که بین دو مقوله فوق کاملاً تمایز قابل شویم.» - پ ۲۹۰.

- «بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات ایران از لحاظ سیاسی و وابستگی آنها به نظام و سیستم حکومتی است. مطبوعات ما حتی در بهترین شرایط دموکراتیک نتوانسته‌اند به عنوان یک نهاد مستقل در برابر حکومت‌ها قد علم کنند به همین دلیل در شرایط مختلف، نظام‌های سیاسی گوناگون به عنوان ابزار با آنها برخورد کرده‌اند. از سوی دیگر مطبوعات نتوانسته‌اند جایگاه اجتماعی خود را بیابند و متزلزل بودن جایگاه آنها سبب شده که در ارائه وظایف و رسالت خویش با مشکل روبه‌رو شوند.» - پ ۲۹۳.

- «من کمتر ارتباط بین‌المللی بین مطبوعات ایران و سایر کشورهای جهان را دیده‌ام. اگر چنین ارتباطی تحقق پذیرد می‌توان با تبادل تجربه و اطلاعات، فصل نوینی برای مطبوعات کشور باز کرد.» - پ ۳۰۲.

- «تأثیر قلم، صلاح و فساد مملکت است. بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات این است که نقش واقعی خود را که آگاه‌کردن مردم و عریان‌کردن حقایق نسبت به دستگاه حاکم و مسئولان

مملکتی است گم کرده‌اند و خود به مهره‌هایی تبدیل شده‌اند که حرفی برای گفتن ندارند.» - پ ۳۰۵.

- «بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات، عدم جلب اعتماد خواننده نسبت به ارائه خبر است. بعد از ۱۳۰ سال که از انتشار اولین روزنامه ایرانی به نام کاغذ/خبر می‌گذرد هنوز مردم نسبت به اخبار و مطالب مطبوعات اعتماد کاملی نشان نمی‌دهند. فقط طی یک مدت کوتاه آن هم در جریان انقلاب اسلامی روزنامه‌ها توانستند مقبولیت عامه بیابند. لذا بهترین هدف روزنامه‌ها باید جلب اعتماد عمومی و دوری از زد و بندهای خصوصی باشد.» - پ ۳۰۶.

- «بزرگ‌ترین انتقادی که بر مطبوعات ایران وارد است تکثیر بی‌رویه و غیرمنطقی مطبوعات است همچنین یکسان بودن اخبار چه از نظر محتوا و چه از نظر فرم که نتیجه وجود سال‌ها کنترل و نظارت بر اخبار و اطلاعات در گذشته است.» - پ ۲۱۳.

- «مطبوعات کشور ما پیش از آنکه بتوانند مسائل متنوع را مورد ارزیابی قرار دهند نماینده طیف‌های فکری هستند. آن‌ها در بررسی‌های خودگاهی دچار تعصب شده‌اند از این رو خوانندگانی که به سادگی به این امر پی‌برده‌اند نمی‌توانند حسن اعتماد را در خود پرورش دهند. روزنامه‌ها معمولاً به دنبال اعلام خبرهای رادیو و تلویزیون همان خبرها را تکرار می‌کنند و از نقش تحلیل مطالب که وظیفه اصلی آن‌هاست غفلت می‌نمایند. همچنین دور افتادن از خبرهای اصلی که باعث وجاهت انقلاب می‌شود از دیگر مشکلات روزنامه‌هاست. مجلات نیز اغلب در سطح عامه نبوده از این رو آن‌ها مخاطبان خود را به درستی پیدا نمی‌کنند.» - پ ۳۱۴.

- «مطبوعات ما در حال حاضر بولتن غیررسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی هستند، تولید آن‌ها در زمینه گزارش و خبر و... اندک است همچنین بزرگ‌ترین ضعف تبلی روزنامه‌نگاران و خودسانسوری است.» - پ ۳۱۵.

## ۲. نقش روزنامه‌نگاران در ایجاد وضعیت موجود مطبوعات ایران

سؤال دیگری که بطور غیرمستقیم بیشتر دیدگاه‌های مربوط به آموزش را تشکیل می‌دهد، سؤال ۱۲ پرسش‌نامه‌های A و B بود. در این سؤال گفته شده بود: «تیراژ مطبوعات در ایران نسبت به جمعیت باسواد کشور (۲۵ میلیون باسواد) در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی و بسیاری از کشورهای جهان سوم در سطح مناسبی نیست. سوابی مسائلی چون تأمین کاغذ، مشکلات چاپ، توزیع و از این قبیل، چه سهمی از این وضعیت مربوط به روزنامه‌نگاران می‌شود؟

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، ۹۱/۴ درصد روزنامه‌نگاران مورد بررسی به این سؤال پاسخ داده‌اند. برخی از پاسخ‌ها، طرح مسائلی است که جواب‌گویی سؤال ۱۴ نیز می‌تواند باشد ولی به لحاظ امانت‌داری، کلیه پاسخ‌ها در ۱۸ مقوله به شرح زیر دسته‌بندی شد (۷/۳ درصد گفته‌اند که وضعیت موجود ربطی به روزنامه‌نگاران ندارد).

درصد	تعداد	
۱۰/۴	۳۳	- حاصل کار روزنامه‌نگاران مطالب خشک و تکراری است
۷/-	۲۲	- کمبود روزنامه‌نگار متخصص
۷/-	۲۲	- ناآگاهی روزنامه‌نگاران از اهمیت شغلی که دارند
۶/-	۱۹	- عدم تأمین مالی، شغلی و امنیتی روزنامه‌نگاران
۵/۷	۱۸	- خودسانسوری در روزنامه‌نگاران و عدم بازگویی حقایق
۴/۸	۱۵	- عدم اعتماد جامعه به روزنامه‌نگاران
۴/۴	۱۴	- عدم شناخت نیازهای خبری جامعه
۲/۸	۱۲	- بی‌اطلاعی روزنامه‌نگاران از مباحث تخصصی و حرفه‌ای
۲/۸	۱۲	- آگاهی اندک روزنامه‌نگاران و برخورد سطحی آنان با مسائل اجتماعی
۲/۲	۷	- خطی کارکردن روزنامه‌نگاران
۲/۲	۷	- کمبود خلاقیت، حوصله و علاقه در روزنامه‌نگاران
۱/۳	۴	- روزنامه‌نگاران تأثیرپذیرند تا اثرگذار
۱/-	۳	- ناتوانی در ایجاد ارتباط با خوانندگان
-	۲	- عدم استقلال حرفه‌ای
-	۲	- وجود خودسانسوری در روزنامه‌نگاران
-	۱	- عدم روی‌آوری به تفسیر خبر

- ناآشنایی روزنامه‌نگاران به فارسی‌نویسی  
- بی‌توجهی به ریشه‌یابی مسائل

۱ -  
۱ -

نمونه‌ای از نوشته پاسخ‌دهندگان به شرح زیر است: قابل توجه اینکه بررسی این نوشته به خوبی نشان می‌دهد که برخی از پاسخ‌دهندگان بدون آنکه سهم روزنامه‌نگاران را در شکل‌گیری وضعیت موجود توضیح دهند به ادامه انتقاد از مطبوعات موجود پرداخته‌اند (نقل قول‌ها از میان حدود ۲۵ درصد مجموع نوشته‌های روزنامه‌نگاران گزینش شده است. پرسش‌نامه‌های يك تا ۲۶۱ مربوط به روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط و ۲۶۲ تا ۳۱۵ با تحصیلات مرتبط است).

- «بسیاری مسائل دیگر همراه با کمبود آگاهی‌های لازم در روزنامه‌نگاران، دست به دست هم داده و مردم را از توجه به مطبوعات بیزار می‌سازد. عدم وجود مرزبندی صحیح در تعیین صلاحیت‌ها، وجود سلیقه‌های گوناگون در اجتماع و... بی‌سوادی مردم و تکراری بودن مطالب در این مورد مؤثر است.» - پ ۱

- «بایستی فرهنگ مردم را در میان مردم تبلیغ و آنان را ترغیب نمود - اعتماد مردم را به مطالب مندرج در مطبوعات از طریق انعکاس صحیح اخبار جلب نمود.» - پ ۲  
- «مطبوعات بایستی مطالبی را درج نمایند که سطح آگاهی مردم را ارتقاء بخشد. تنوع مطالب نیز مؤثر است.» - پ ۳

- «متأسفانه روزنامه‌نگاران در این مورد کاری نمی‌توانند بکنند.» - پ ۴  
- «بله، مطالب اکثر نشریات بی‌کیفیت و بی‌ارزش است و دلیلی برای خرید و بالارفتن تیراژ وجود ندارد. از همه مهم‌تر اینکه مطالب را کسانی می‌نویسند که نه علم دارند و نه فهم درست.» - پ ۶

- «در حال حاضر هیچ روزنامه‌ای دارای کادر مناسب خبرنگاری نیست و اگر هم وجود دارد، دارای آموزش‌های لازم نیستند. از طرفی به دلیل عدم برخورداری خبرنگاران از يك تشکل مناسب نظیر سندیکا، از آنان حمایت به عمل نمی‌آید و برخی از آنها در صورت یافتن کار مناسب‌تر، خود را از روزنامه‌ها کنار می‌کشند و به شغل‌های دیگر روی می‌آورند. شاید دلیل عدم استقبال مردم از همین مقدار تیراژ روزنامه‌ها نیز به علت همسانی خبرها با سایر رسانه‌ها از قبیل رادیو و تلویزیون باشد.» - پ ۱۱

- «متأسفانه چون عده‌ای از روزنامه‌نگاران غرض ورزی‌ها و جناح‌بندی‌ها را در نوشتن مطالب دخالت می‌دهند و به طور خلاصه آنچه که حق است، نمی‌نویسند، موجب عدم اعتماد و بدبینی مردم می‌شود و تصور می‌کنند که روزنامه‌نگار صرفاً برداشت شخصی خود را می‌نویسد.» - پ ۱۷

- «روزنامه‌نگاران در وضع موجود سهم به‌سزایی دارند. علت آن گردن نهادن به سیاست فرهنگی سیستم‌ها و پیشبرد آن است.» - پ ۱۸  
- ۱. صداقت خبر

۲. پرداختن به مسائل مردم

۳. نحوه نگارش و ساده‌نویسی

۴. دور بودن از مسائل خطی و سیاسی

۵. پرهیز از خبرهای کهنه و تا حد امکان تکراری

۶. پرداختن به اخباری که جاذبه داشته باشد (هنری - اجتماعی - ورزشی و...) بشود شاید بتوان کمی امیدوار بود.» - پ ۲۰

- «صفر درصد.» - پ ۲۳

- «در ایران متأسفانه سطح محتوای مطبوعات بسیار پایین است و روش تنظیم خبر به گونه‌ای است که خواننده اگر ماهر نباشد، درک درستی از خبر نخواهد داشت و گزارش‌ها و مقاله و تحلیل‌ها نیز طولانی و پیچیده است و خواننده را خسته می‌کند و در نهایت تنوع خبری وجود ندارد و تمام جراید با استفاده از تلکس‌های خبرگزاری و واحد مرکزی خبر، خبرهای مشابه دارند.» - پ ۲۵

- «ایجاد ارتباط تنگاتنگ و صمیمی با مردم و حرف مردم را گفتن.» - پ ۲۷

- «وجود نشریات زیاد و تأمین امکانات چاپی و کاغذ برای همه آنان از جمله مشکلاتی است که اجازه بالابردن تیراژ به نشریات و روزنامه‌های معتبر را نمی‌دهد.» - پ ۲۹

- «متأسفانه در کشور ما روزنامه‌نگاری هنوز ناشناخته مانده است. بعضی فکر می‌کنند روزنامه‌نگاری یعنی پرکردن صفحات روزنامه یا تهیه خوراک روزنامه یا سرگرم کردن مردم، در

صورتی که روزنامه‌نگاران باید واقعیات جامعه را به جامعه منتقل کنند و در کنار آن، راه‌های اصولی درمان مشکلات را یادآور شوند تا نسبت به جذب اقشار مختلف موفق باشند.» - پ ۳۰

- «مناسفانه سهم نسبتاً زیادی متوجه روزنامه‌نگاران تجربی می‌شود چرا که فعالیت شغلی آن‌ها در اکثر موارد بی‌ارتباط با رشته تحصیلی ایشان است و این موضوع به عقیده من از کم‌توجهی مسئولین نسبت به رشته روزنامه‌نگاری در سطح تدریس دانشگاهی ریشه می‌گیرد، چنانکه بسیاری از جوانان مستعد که در حد یک رویا علاقه‌مند به کار روزنامه‌نگاری می‌باشند، حتی از وجود چنین رشته تحصیلی در میان رشته‌های دانشگاهی بی‌اطلاع‌اند. اصولاً محدودیت تدریس این رشته در ایران (فقط در تهران) یکی از عوامل محدودیت تیراژ روزنامه‌هاست.» - پ ۳۱

- «اگر مقصود از روزنامه‌نگاران، شامل مدیر مسئول و سردبیر هم بشود، ۷۰ درصد، زیرا یک روزنامه‌نگار ساده باید به کار دل‌گرم باشد و مطالبی که تهیه می‌کند فدای بند و بست‌های بالادستی‌ها نشود.» - پ ۳۵

- «مستقیماً سهمی ندارند. تنها نقش آن‌ها می‌تواند این باشد که ضرورت این امر را تبلیغ کنند.» - پ ۳۶

- «اگر منظورتان تهیه و درج تیترهای صحیح برای خوانندگان است، این سهم برای ژورنالیست‌ها شاید تا حدود ۳۰ درصد باشد.» - پ ۳۷

- «اگر امکانات باشد، روزنامه‌نگار کار خودش را کماکان انجام می‌دهد و مردم هم همچنان «کیهان و حوادث و آینه» را مثل نقل و نبات می‌برند.» - پ ۳۷

- «روزنامه‌نگاری به مفهوم رایج و غربی آن، جواب‌گویی نیازمندی‌های فرهنگ و جامعه ما نیست و ترغیب و تشویق مردم به این نوع روزنامه‌نگاری را چندان مثبت ارزیابی نمی‌کنم.» - پ ۴۷

- «هیچ سهمی به روزنامه‌نگاران تعلق ندارد بلکه این مسئولان هستند که درک درستی از فعالیت‌های روزنامه‌نگاری نداشته و به حفظ آبروی شخصی خود بیش از هر چیز دیگری می‌اندیشند.» - پ ۴۹

- «تیراژ هر روزنامه بستگی به خط مشی آن دارد و به نظر من روزنامه‌نگار سهم بسیار ناچیزی در بالابردن تیراژ دارد.» - پ ۵۰

- «عدم تأمین زندگی روزنامه‌نگاران سهم عمده‌ای در پایین آمدن کیفیت مطالب روزنامه - که در کاهش تیراژ مؤثر است - دارد. چون اغلب روزنامه‌نگاران ما که حرفه اصلی ایشان باید روزنامه‌نگاری باشد، چند شغله هستند و نمی‌توانند فقط به درآمد روزنامه‌نگاری اکتفا کنند.» - پ ۵۶

- «عدم دانش کافی در نگارش مطالبی که با انگیزه‌های قوی شروع شود.» - پ ۵۷

- «۸۰ درصد به کار تهیه خبر و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران مربوط می‌شود، چون کار روزنامه‌نگاری در ایران در چارچوب هدفی مشخص سیر طبیعی خود را طی می‌کند و روزنامه‌ها، مشترک خوبی برای خبرگزاری جمهوری اسلامی هستند. مگر غیر از این است؟» - پ ۶۰

- «بیشتر به دلیل دنباله‌روی‌های تکراری، نگاه کردن از روی دست رادیو و تلویزیون و عدم ایجاد تفاوت بین روزنامه و مجله، خبرنگار و رادیو و تلویزیون...» - پ ۶۱

- «احاطه هر روزنامه‌نگار به چگونگی تهیه خبر و گزارش‌نویسی - با توجه به نوع گزارش - باعث توجه هر چه بیشتر خواننده خواهد شد. حضور مجموعه‌ای از روزنامه‌نگاران آگاه در یک نشریه در بالابردن تیراژ آن کاملاً مؤثر است.» - پ ۶۳

- «یکسان بودن اخبار چاپ شده و بهره‌گیری از تلکس خبرگزاری‌ها و نداشتن تنوع در مطالب.» - پ ۶۵

- «علت اصلی، نرخ بالای بی‌سوادی و سانسور حاکم بر مطبوعات است که در پرسش ذکر شده است. اگر سانسور نبود، آنگاه می‌شد درباره سهم روزنامه‌نگاران نیز تحقیق کرد.» - پ ۶۶

- «اگر مطبوعات حرف دل مردم را مطرح کنند یقیناً تیراژ متناسب با سطح باسوادان خواهد شد.» - پ ۶۷

- «۱. به دلیل مسلط بودن فرهنگ شفاهی و شنیداری در جامعه

۲. علاقه کم به مطالعه

۳. وضع اقتصادي را هم بايد با جدي نبودن روزنامه‌نگاري به دليل کمتر شناختن جاگه خود در جامعه اضافه کرد که نمي‌توانند با جامعه ارتباط لازم را از راه مطبوعات برقرار کنند.» - پ ۶۸
- «بخش اندکي از اين وضعيت به روزنامه‌نگاران مربوط مي‌شود که عملاً نقشي که بايد داشته باشند را، ندارند و روزنامه‌ها ديگر حرف اول را نمي‌زنند و بيشتر منفعل از شرايط جامعه‌اند.» - پ ۷۰
- «اين ربطي به روزنامه‌نگاران ندارد، ما اصلاً کتاب‌خوان نداريم.» - پ ۷۲
- «اغلب روزنامه‌نگاران کشور متأسفانه اين کار را به عنوان شغلي براي کسب درآمد انتخاب کرده‌اند نه آنکه واقعاً بخواهند به عنوان چشم و گوش مردم، معضلات کشور را مطرح کنند. در صورتي که چنين باشد، مطمئناً هم خودشان از ارج و قرب بيشتري برخوردار خواهند شد و هم مردم به آنها و کارشان اقبال بيشتري نشان خواهند داد.» - پ ۷۳
- «۹۰ درصد، زيرا روزنامه‌نگاران و اصولاً روزنامه‌ها قادر به جذب مردم نيستند.» - پ ۷۵
- «فکر نمي‌کنم روزنامه‌نگاران در اين موضوع دخالتي داشته باشند.» - پ ۷۷
- «پايين بودن تيراژ مطبوعات در جامعه ايران از عدم تحول سبک روزنامه‌نگاري و متمرکز بودن مطبوعات در تهران که توزيع تأخيري را در نقاط مختلف کشور دارد، ناشي مي‌شود.» - پ ۷۸
- «به نظر من جامعه مطبوعات (به‌جز نشریات ورزشي و يکي دو نشریه ديگر) هنوز مخاطب خود را نمي‌شناسند، چنانکه اين مورد برطرف شود، تيراژ افزايش مي‌يابد. ضمناً اکثر مطبوعات ما هنوز داراي ضعف تکنیکی هستند و خبرنگاران، حرفه خبرنگاري را مانند يك شغل در وزارت مثلاً کشاورزي يا ثبت احوال مي‌بينند.» - پ ۸۱
- «مطبوعات کشور از جاذبه‌هاي کافي براي افزايش تقاضا و رشد تيراژ خود برخوردار نيستند که علت آن را مي‌توان در مجموعه ارگان‌هاي کشور که در ارائه اطلاعات جديد کوتاهي مي‌کنند و شرايط خاص سياسي - اجتماعي جستجو کرد. در اين ميان خودسانسوري نويسندگان نيز عامل مهمي است که مطبوعات را از روح و جاذبه تخليه کرده است.» - پ ۸۲
- «عدم وجود فرهنگ روزنامه‌خواني، عدم اعتماد به خبر.» - پ ۸۶
- «اين نقيصه مربوط به روزنامه‌نگاران نيست بلکه به مديران مسئول برمي‌گردد که نمي‌توانند مطبوعات را در سطح کشور عرضه نمايند که علاقه‌مندان فراوان داشته باشد.» - پ ۸۸
- «پيش از آنکه به روزنامه‌نگاران مربوط باشد بايد به نقش «روزنامه‌نگاري» و نگاه قانون و نظام به مطبوعات توجه کرد و آن را مورد بررسي قرار داد. نزديکي مطالب روزنامه‌ها به وقايع و حضور اخبار و مطالب مورد نيازتر مردم در رسانه‌ها به اين نقش رنگ بيشتري مي‌دهد.» - پ ۸۹
- «سهم قابل توجهي مربوط به آنها مي‌شود. اين را مي‌توان از طريق مقايسه خوانندگان روزنامه در سال‌هاي مختلف پي برد.» - پ ۹۳
- «سهم تعيين‌کننده. ديده‌ايم که مسائل مبتلا به و ميرم مردم با لحن و زبان قابل فهم، به سرعت از طرف عموم - خوانندگان - استقبال شده است.» - پ ۹۵
- «تقليد کورکورانه از مطبوعات ديگر کشورها، بدون آگاهي اجتماعي.» - پ ۹۶
- «کمبود نيروهاي انساني کارآمد.» - پ ۹۷
- «مربوط به روزنامه‌نگاران نيست، مربوط به دست اول نبودن خبر است.» - پ ۹۸
- «بايد بيشترين سهم را متوجه روزنامه‌نگاران کرد چرا که جامعه از مطبوعات و نشریاتي که حتي با قيمت‌هاي گران بتوانند مطالب غني و باارزش را ارائه نموده و در جهت منافع عمومي فعاليت نمايند قطعاً استقبال مي‌کند.» - پ ۱۰۰
- «به نظر بنده اين مسئله هيچ ارتباطي با روزنامه‌نگاران ندارد.» - پ ۱۰۵
- «در جايي که شغل روزنامه‌نگاري و هويت روزنامه‌نگار به هيچ پنداشته مي‌شود و با يك آري و يا نه، کار روزنامه‌نگار ساخته مي‌شود و شخصيت حقوقي و اجتماعي مشخصي ندارد جواب دادن به اين سؤال چه اهميتي دارد. روزنامه‌نگار بايد عرق بريزد، ديگران...» - پ ۱۱۵
- «روزنامه‌نگاران مي‌توانند با انتخاب سوژه‌هاي مناسب و پرداخت‌هاي مناسب‌تر، مردم را بيشتر جذب نمايند.» - پ ۱۲۲
- «روزنامه‌نگاران با پرداختن به مشکلات کليدي مردم مي‌توانند در بين آنها جاباز کرده و طرفدار بيايند.» - پ ۱۲۷
- «اين امر مربوط به خط مشي موجود در جامعه مطبوعات مي‌باشد.» - پ ۱۲۸



- «معني «چه سهمي از اين وضعيت» را در نمي يابم به علاوه اين سهم را موقعي مي توان معين کرد که «روزنامه نگاران» را جمعي بدانيم که رها از تلاش معاش که فقط «عشق» يا حداقل «ويار» روزنامه نگاري آنان را بدین حرفه رهنمون شده باشد.» - پ ۱۳۰

- «پايين بودن سطح مطالب روزنامه ها نسبت به فهم عموم مردم و عدم تغييرات لازم با توجه به تحولات زمان در جامعه.» - پ ۱۳۴

- «هدف بيشتري نشریات این مرز و بوم در مقابل هم قرارگرفتن و جواب هاي دندان شکن دادن به همدیگر است.» - پ ۱۴۴

- «البته باید عنوان کرد متأسفانه مجلات و يا روزنامه هايي که در کشور است، بيشتري حزبي و گروهی است و فقط منظور از چاپ آن مجله، عنوان نظرات و اهداف خودشان است و کمتر به کیفیت کار توجه می شود و يا عده اي به خاطر سودجويي دست به چاپ مجله و يا روزنامه می زنند و فقط دنبال این هستند که مردم از چه چیزی خوششان می آید.» - پ ۱۴۵

- «قضاوت در این مورد بسیار مشکل است چون روزنامه نگاران همیشه تابع نظام هستند و اگر غير از این باشد، قادر به کار نیستند.» - پ ۱۴۸

- «طبیعتاً زمانی که يك روزنامه نگار در فعاليت هاي خبري خود، يك فعاليت مثبت و يا يك گام جديد برمي دارد، بايد مورد تشويق مقام مافوق قرار گیرد تا موجب بروز فعاليت هاي جديد در وي شود، متأسفانه در اغلب مطبوعات ايران این مسئله مورد توجه قرار نمی گيرد و اکثر اوقات يا با بي توجهي و يا با برخورد منفي مواجه می شود، از این رو خلاقيت در مطبوعات کم می شود و عدم وجود جاذبه در مطبوعات سبب روي نیاوردن مردم به آنها می شود.» - پ ۱۵۱

- «اخبار و اطلاعات واقعي به اطلاع مردم نمی رسد و نحوه کار و فعاليت اکثر روزنامه نگاران در گذشته به نحوي بوده که مردم باسواد کشور را به «روزنامه» بي اعتماد کرده است. بعضي تلقينات هم موجب شده است که اکثر روزنامه نگاران ما، دچار خودسانسوري شوند...» - پ ۱۵۲

- «روزنامه نگاران نیز نقش مهمي دارند و اگر بتوانند دردهاي جامعه را منعکس کنند، خوانندگان بيشتري را جذب خواهند کرد، مثلاً يك ستون گل آقا مخاطبان زيادي دارد.» - پ ۱۵۳

- «درصد ناچيزي مربوط به روزنامه نگاران است، عوامل متعددي چون سطح عمومي سواد، فرهنگ روزمرگي يا غير آن، ماهيت رژيم سياسي حاکم، تکنولوژي چاپ و امثالهم عوامل مهمي هستند. در این ممالک، روزنامه نگار هم جزو همان مردمی است که روزنامه می خوانند.» - پ ۱۵۴

- «همه چیز به تصميم گيري نهايي مسئولين، روزنامه نگاران و خبرنگاران برنمی گردد.» - پ ۱۵۵

- «کلي گويي، شعارنويسي، کليشه اي کار کردن، نداشتن ابتکار، رونويسي کردن.» - پ ۱۵۶

- «این موضوع ارتباط زيادي با ميزان کاغذي دارد که در اختيار مطبوعات قرار داده می شود ولي شايد با بهبود مديريت ها و افزايش تخصص عوامل انساني بتوان از اتلاف کاغذ هنگام انتشار روزنامه جلوگیری کرد و به این ترتيب ميزان تيراژ را افزايش داد.» - پ ۱۵۷

- «وقتي سردبير هست، روزنامه نگار چه کاره است؟ وقتي مدام دست نويسنده بلرزد و نگران آینده اش از نظر سياسي و شغلي باشد چه می تواند بنويسد که براي خواننده جذاب باشد؟» - پ ۱۵۸

- «جز آنکه نگاه مسئولين را معطوف به این مسئله سازد، سهم ديگري ندارد.» - پ ۱۵۹

- «۲۰ درصد مربوط به کیفیت پايين روزنامه هاي کشور است البته همه مردم فرهنگ مطالعه را ندارند ولي با داشتن مطبوعات جذاب می توان مردم را به مطالعه تشويق کرد.» - پ ۱۶۱

- «به نظر من روزنامه نگاري در حال حاضر روزنامه نگاري نیست، علت هم در بعضي موارد فقر و بعضاً خودسانسوري است، بيشتري از این مايل به توضيح نیستم!» - پ ۱۶۶

- «فقدان رشد کافي و مسئوليت پذيري در روزنامه نگاران.» - پ ۱۶۸

- «سهم بزرگي دارد چون برانگیختن انگيزه مردم می تواند باعث افزايش خوانندگان شود و این مهم نیز با آشنايي با تکنیک هاي روزنامه نگاري ارتباط مستقيم دارد.» - پ ۱۶۹

- «ضعف نيروي انساني و عدم اطلاع از تئوري ها، حرفه اي نينگاشتن حرفه خود و حاشيه اي قلمداد کردن آن، ضعف منزلتي روزنامه نگاران، عدم اهميت نهادها، مسئولين و نيروهاي ذي ربط به مطبوعات.» - پ ۱۷۳

- «امروزه در کشورمان روزنامه‌ها نمی‌توانند مخاطب خود را دریابند و درد دل‌ها و مشکلات آنان را برآورده کنند. این مسئله در کنار مسائلی نظیر عدم عادت‌دهی افراد به مطالعه از جمله عواملی است که افراد روزنامه‌خوان کشور را به حداقل رسانده است.» - پ ۱۷۴

- «ناقص بودن سیستم اطلاع‌رسانی از سویی باعث شده تا توجه مردم نسبت به مطبوعات کم شود و بیشتر روی به شایعات و خبرگیری از یکدیگر و رادیوهای بیگانه بیاورند. در این رابطه روزنامه‌نگاران نیز که از مهارت کافی برخوردار نیستند، به این امر دامن می‌زنند.» - پ ۱۸۲

- «با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی - اجتماعی روزنامه‌نگاران، توان آن را ندارند که مسائل را مطرح کنند.» - پ ۱۸۳

- «در ایران روزنامه‌نگاری نوعی کارمندی است، طبق نظر سردبیر و با در نظر داشتن محدودیت‌های ایشان مطلبی را به عنوان کار مفید به‌طور روزانه انجام می‌دهد. روزنامه‌نگار به دلیل عدم امنیت شغلی نوعی بندبازی است. روزنامه‌نگار از مدرک خود برای استخدام در سازمانی کم مسئولیت‌تر و بی‌خطرتر استفاده می‌کند. ما در ایران روزنامه‌نگار نداریم تا بر آن‌ها انتقاد وارد باشد. ده سال است روزنامه‌نگاری تدریس نمی‌شود.» - پ ۱۸۴

- «وابستگی بسیاری از مطبوعات به ارگان‌ها و سودبردن از افراد کم‌تجربه.» - پ ۱۸۷

- «به عقیده من کمبود خبرنگاران باتجربه و متخصص یکی از دلایل عمده می‌باشد.» - پ ۱۸۸

- «مصلحت‌اندیشی‌های جراید - عدم شناخت مردم از جایگاه مطبوعات - عدم معرفی مطبوعات از سوی رسانه‌های دیگر چون رادیو و تلویزیون به مردم.» - پ ۱۸۹

- «اکثر روزنامه‌نگاران ما کم‌کار، بی‌حوصله، بی‌علاقه و به‌طور کلی تنبل هستند! انگیزه‌ای برای فعالیت جدی ندارند. بیشتر آن‌ها از مطالعه اصولی و دقیق در رابطه با حرفه‌شان غافل‌اند. تعصب و عرق روزنامه‌نگاری ندارند، چون فرق انشاء نوشتن را با خبر، گزارش، مقاله و تفسیر و... نوشتن در مطبوعات را نمی‌دانند. در کارشان تخصص علمی ندارند و به همین دلیل پای‌بند کلیشه‌های رایج هستند و نوآوری ندارند.» - پ ۱۹۱

- «شاید بیش از همه به سیاست‌گذاری مربوط باشد تا به روزنامه‌نگار، زیرا فرهنگ اظهار نظر بدون تعارف را نداریم و به توجیه بیش از تنقید ارج می‌گذاریم و نوعاً خیلی بیشتر از آنچه که مردم آگاهند در اختیار آنان قرار نمی‌دهیم. این مشکل اصلی در زمینه عدم اعتماد و توجه به مطبوعات است.» - پ ۱۹۵

- «متأسفانه گاهی کسانی در مطبوعات بر مسند کارند که نه تنها موجب نزدیکی مردم با مطبوعات نمی‌شوند بلکه به هر عنوانی موجب دل‌زدگی جامعه و سلب اطمینان جامعه نسبت به مطبوعات می‌شوند. وقتی خبری توسط رادیوهای بیگانه مطرح شود و همان خبر در داخل و توسط مطبوعات به گوش مردم نرسد، چنین توجیه می‌شود که مطبوعات کشور تشریفاتی هستند و آنچه را که خود می‌خواهند به سمع مردم می‌رسانند نه آنچه که باید برسانند.» - پ ۱۹۸

- «تا حد زیادی به مسائل یاد شده بالا برمی‌گردد، وقتی حقوق و مزایای يك روزنامه‌نگار چنانچه به‌گونه‌ای نباشد که بتواند سالم گذران روزگار کند، دیگر فرصت مطالعه کافی در تخصص خود را نخواهد داشت و این همان می‌شود که شاهد هستیم یعنی کمتر قوت و دقت دارند.» - پ ۱۹۹

- «روزنامه‌نگاران موجودات غربی هستند! نباید به جایی دل ببندند. شاید به خاطر تازه‌واردی، کارش را از دست بدهد و باز روز از نو، روزی از نو و سرگردانی. شاید اگر این عاشقان دربدر، اینقدر دغدغه نان نداشتند اینگونه به جوان‌مردگی و جوان‌پیری، دچار نمی‌شدند. اگر کار فراوان شود، بالطبع دغدغه هم کمتر است.» - پ ۲۰۰

- «در حال حاضر مطبوعات قشر تحصیل کرده و باسواد به معنی واقعی را اغنا نکرده و از طرفی بعضی از مطبوعات فقط جنبه تجاری دارند، اطلاع‌رسانی!!» - پ ۲۰۱

- «این مسئله ارتباطی با روزنامه‌نگاران ندارند. زیرا در حال حاضر نیز چنانچه تیراژ دو برابر شود، خریدار دارد.» - پ ۲۰۳

- «تا زمانی که سطح آموزش و فرهنگ روزنامه‌خوانی مردم پایین باشد، نمی‌توان امیدی به تیراژ بالا داشت. بعد هم اگر روزنامه‌نگار بتواند پاسخگویی نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد، قطعاً با استقبال مردم مواجه خواهد شد.» - پ ۲۰۵

- «جالب نبودن سوژه‌های مطرح شده و غیرحرفه‌ای بودن بسیاری از افرادی که در مطبوعات کار می‌کنند.» - پ ۲۰۹

- «جلب اعتماد افکار عمومی، وظیفه‌ای است که متوجه يك روزنامه‌نگار می‌شود.» - پ ۲۱۱

- «به نظر بنده رقابت مطبوعات موجود، يك رقابت سالم و سازنده نیست علي‌رغم اینکه در درجه اول در جمهوری اسلامی وظیفه يك مطبوعاتي بالا بردن آگاهی و ارزش‌های دینی و اخلاقی جامعه است ولي متأسفانه نه تنها این مقوله در مطبوعات مطرح نیست بلکه این مقام مقدس، محل تاخت و تاز علیه یکدیگر می‌باشد.» - پ ۲۱۲

- «عدم تشویق روزنامه‌نگاران سطح کیفی کارشان را بسیار پایین می‌آورد و از جذابیت روزنامه می‌کاهد و در نتیجه تعداد خوانندگان نیز کم می‌شود.» - پ ۲۱۶

- «در کشور ما، روزنامه‌نگار به معنای واقعی کلمه بسیار بسیار کم است و اگر سهم ترجمه را از روزنامه‌ها و مجلات کم کنیم، چیز زیادی برای بحث کردن باقی نمی‌ماند. بنابراین به نظر من موضوع حتی قابل بحث هم نیست (البته در مقایسه با روزنامه‌نگاری در کشورهای پیشرفته) یعنی اول باید روزنامه‌نگار واقعی را یافت و بعد از او مسئولیت خواست و اینکه چقدر مسئول است.» - پ ۲۱۷

- «روزنامه‌نگاران جزئی از جامعه ایران هستند و این جامعه متأسفانه به همان دلیل که کتاب کم می‌خواند و در واقع نمی‌خواند، روزنامه هم کم می‌خواند و احتیاج به بحث جداگانه‌ای دارد که چرا جامعه ایران به‌خصوص در سال‌های اخیر دچار چنین وضعی شده است و ارتباط چندان‌ی با روزنامه‌نگاران ندارد بلکه مربوط به کمبود آزادی و به طور کلی بی‌تفاوتی مردم است.» - پ ۲۱۹

- «این عدم استقبال مردم از مطبوعات مربوط به سابقه بد مطبوعات در اذهان عمومی و خاطره ناخودآگاه جامعه ایرانی است که در گذشته پیوسته دروغ‌گویی و تملق و بی‌محتوا بودن، روش اکثر مطبوعات ایران بوده است.» - پ ۲۲۲

- «تردیدی نیست که سهم قابل توجهی از این امر به عهده روزنامه‌نگاران و نویسندگان است. روزنامه‌نگار مثل يك آشپز است که باید به‌گونه‌ای مسائل مختلف و متنوع و مسائل مختلف خبری را به جامعه خویش ارائه دهد که همچون خوراکی دلپذیری به ذائقه مردم خوش آید و احساس نیاز به وسایل ارتباط جمعی و به‌خصوص مطبوعات در آنان زنده شود.» - پ ۲۲۳

- «نوشته‌های بسیاری از روزنامه‌نگاران ایرانی (در مرحله بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی) از جذابیت لازم برخوردار نیستند در حالی‌که روزنامه‌نگاری از پس‌مانده‌های طاغوت (از قبیل امیرطاهری) قادر است حتی خوانندگان غیر فارسی زبان را به خواندن مقالاتش سوق دهد.» - پ ۲۲۹

- «دلیل اصلی، خودسانسوری است زیرا کمتر روزنامه‌نگاری به مسائل اجتماعی نظر دارد و مطالب اکثر مطبوعات تکرار و کهنه می‌باشد.» - پ ۲۳۰

- «مطبوعات در کشور ما در حال حاضر شاید بیش از ۷۰ درصد به خاطر جدول و آگهی‌های تجارتي توسط خوانندگان خریداری شود و به همین دلیل هیچ‌وقت مطبوعات تیراژ درخور توجهی نداشته است.» - پ ۲۳۳

- «در همه فعالیت‌های فرهنگی چنین عدم تناسبی مشهود است. کتاب، سینما و... مردم چرا باید روزنامه بخوانند؟ وقتی که چیزی از خودشان در آن باشد. از مسائل آن‌ها و مسائل جامعه و فرهنگ و اقتصاد و سیاستشان، به‌صورت ریز، دقیق، عینی و ملموس و بی‌پرده‌پوشی.» - پ ۲۳۸

- «اغلب روزنامه‌نگاران با حوائج ارتباطی مردم آشنا نیستند و در يك کلام نبض اجتماعی را نمی‌شناسند و از طرفی دیگر مطبوعات و کلاً رسانه‌ها اغلب دولتي هستند و مطالب تکراری و کسالت‌باری را به مردم ارائه می‌دهند.» - پ ۲۳۹

- «اشکال در نوع روزنامه‌نگاری است نه در روزنامه‌نگار.» - پ ۲۴۴

- «سهم عمده، شاید بیش از ۶۰ درصد، به روزنامه‌نگاران غیرمستقل مربوط است. کار مثبت روزنامه‌نگاری در صورت استقلال، می‌تواند جبران‌کننده بسیاری از کاستی‌ها باشد.» - پ ۲۴۹

- «عدم تأمین روزنامه‌نگاران و بوروکراسی اداری.» - پ ۲۵۰

- «به نظر من سهم روزنامه‌نگاران در رابطه با انتخاب خبر و چگونگی جذب آن می‌باشد. وقتی نشریه‌ای از مطالب تازه و جالب و مورد علاقه مردم در رابطه با مسائل روز و یا اطلاعات علمی و خواندنی تشکیل شده باشد، طبیعتاً خوانندگان بیشتر می‌شوند و به دنبال آن تعداد مشترکین و تیراژ نشریه بالا می‌رود.» - پ ۲۵۲

- «روزنامه‌نگاری شغلی است که می‌بایست در آن همواره فکر شخص روزنامه‌نگار از مسائل شخصی رها باشد و بدون دغدغه در پی جمع‌آوری اخبار و تهیه مطالب از منابع مختلف باشد.

بنابراین در زمانی که مشغله فکری اجازه کار به اشخاص را ندهد، نمی‌توان از این قشر زحمت‌کش خرده گرفت.» - پ ۲۵۳

- «متأسفانه بر کیفیت هنری مطبوعات هیچ نظارتی نیست. از طرف دیگر هم تعداد مطبوعات نسبت به نویسندگان بسیار بالاست. عده‌ای از نویسندگان وقت‌ها مشاهده می‌کنند هر چیز سطحی که بنویسند، چاپ خواهد شد، دیگر زحمت تحقیق به خود نمی‌دهند. نهایتاً وضع این می‌شود که می‌بینید. خواننده بعد از ساعت‌ها مطالعه چیزی دستگیرش نمی‌شود.» - پ ۲۵۴

- «۱. در روزنامه‌ها اکثراً خبرها مشابه رادیو و تلویزیون بوده و کمتر مطلب تحقیقی و علمی که آگاهی مردم را بالا ببرد، درج می‌گردد.

۲. درد جامعه را کمتر منعکس می‌کنند

۳. از طرف دولتمردان کمتر به نوشته روزنامه‌ها ترتیب اثر داده می‌شود.» - پ ۲۵۵

- «درصد کمی متأسفانه مربوط به خبرنگار است و درصد بیشتر آن مربوط به گردانندگان نشریات از جمله سردبیر و مدیر مسئول و تصمیم‌گیران در سطوح عالی‌تر مثل وزارت ارشاد است.» - پ ۲۶۰

- «عدم مسئولیت‌پذیری برخی از خبرنگاران، علاقه به مادیات و عدم مدیریت روزنامه‌ها، مدیر مسئول باید خود را نسبت به جامعه مسئول بداند و برخورد مسئولان در رابطه با عدم انتشار برخی از اخبار.» - پ ۲۶۱

- «در ایران چون روزنامه جذاب وجود ندارد تیراژ پایین است.» - پ ۲۶۲

- «به عقیده من آنچه موجب افزایش تیراژ مطبوعات می‌شود کسب وجهه مناسب مطبوعات است که رابطه مستقیم با افرادی دارد که پیش کسوت این رشته هستند. در حال حاضر متأسفانه روزنامه‌نگاری به عنوان یک حرفه نزد بسیاری از افراد که به آن اشتغال دارند از اولویت برخوردار نیست و اکثراً افرادی که به این کار اشتغال دارند در جاهای دیگر نیز کار می‌کنند و این شغل را به عنوان کار جنبی برای خویش قرار داده‌اند.» - پ ۲۶۴

- «بخش مهمی از مسائل به روزنامه‌نگاران و به آنچه در روزنامه‌ها می‌گذرد مربوط می‌شود چرا که وقتی یک خواننده آن چیزی را که می‌خواهد نسبت بدان آگاه شود در روزنامه‌ها نمی‌یابد به سمت آن نیز کشیده نمی‌شود و روزنامه‌نگاران با توجه به شرایط فعلی، انگیزه‌ای برای آگاه کردن خواننده ندارند و به خودشان زحمت کسب خبر نمی‌دهند چون تبدیل به کارمند شده‌اند و خواننده نیز روزنامه را دولتی می‌داند.» - پ ۲۶۷

- «روزنامه‌نگاران را نمی‌توان جدا از سازمان خبری حوزه فعالیتشان مورد قضاوت قرار داد. روزنامه‌نگار تابع سیاست حاکم بر روزنامه است ولی یک روزنامه‌نگار آگاه که هم تکنیک کاری‌اش را می‌داند و هم تسلط کافی بر مسائل جاری دارد، می‌تواند کارش را به نحو احسن انجام دهد.» - پ ۲۶۸

- «این مسئله از ۳ مورد ناشی می‌شود:

۱. عدم موفقیت روزنامه‌نگاران در جلب اعتماد مردم

۲. دوری مطبوعات از انجام رسالتشان و پرداختن به مسائل کلیشه‌ای

۳. پرداختن مطبوعات جامعه ما به مسائل خطی و بی‌توجهی به مسائل و مشکلات جدید.» - پ ۲۷۰

- «تیراژ مطبوعات ما از حداقل تعیین شده یونسکو نیز بسیار کمتر است و این به موارد زیادی برمی‌گردد. واقعیت این است که روزنامه‌هایی ما از روزنامه‌نگار متخصص بهره‌مند نیستند به نیازهای مخاطبان توجه نمی‌شود و اساساً جایگاه و مشروعیت روزنامه مشخص نیست.» - پ ۲۸۵

- «قدرت نفوذ روزنامه‌نگار در ایجاد پیوند با مخاطب از یکسو و همچنین عدم توانایی در پدیدآوردن اشکال جدیدی برای ارتباط بسیار مهم است.» - پ ۳۱۴

- «مطبوعات ما نقش رسانه‌ای خود را هنوز نشناخته‌اند. مطبوعات برای تفسیر هستند نه ارائه خبر. چه لزوم دارد خبری را که ساعت ۸ صبح از رادیو می‌شنویم ساعت چهار بعدازظهر از روزنامه بخوانیم. روزنامه می‌خریم تا تفسیر اخبار را بخوانیم حال آنکه روزنامه‌هایی ما فاقد تفسیر حقیقی و معقولند.» - پ ۳۰۱

- «عدم جذابیت مطالب، جنجالی‌کردن تیتراژها همه مؤثرند در حالیکه مطالب حاوی آن جنجال و سر و صدا نیست. نداشتن حرف‌های تازه و جالب و مهم‌تر از همه صرفاً بیان حرف و عدم اثر این مطالب روی مسائل مطروحه بدون هیچ لبه برنده و تیز و از همه جالب‌تر عدم رسیدگی مسئولان در برابر مسائل و مشکلات مطروحه.» - پ ۳۰۳

## ۲. پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران

در سؤال ۱۶ پرسش‌نامه A و B پرسیده شده بود: «در برخی از کشورها، روزنامه‌نگار دارای منزلت اجتماعی بالایی، هم‌سطح مشاغلی که نیاز به تخصص‌های بالایی دارند، مانند پزشکان، اساتید دانشگاه، قضات و از این قبیل است. به نظر شما پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران چیست؟ چگونه می‌توان آن را ارتقاء داد؟»

۹۴/۳ درصد روزنامه‌نگاران مورد بررسی به این سؤال پاسخ داده‌اند و اکثر آنان گفته‌اند که روزنامه‌نگار ایرانی از پایگاه اجتماعی پائینی برخوردار است. جدول زیر که از برداشت‌های کدگذاران، از جملات روزنامه‌نگاران استخراج شده می‌تواند مؤید استنباط مذکور باشد:

جمع	باتحصیلات مرتبط		بدون تحصیلات مرتبط			
	ت	%	ت	%		
۲۷/-	۸۵	۳۷/-	۲۰	۲۴/۹	۶۵	– روزنامه‌نگاران ایرانی از پایگاه اجتماعی پائینی برخوردارند
۲۲/۵	۷۱	۱۴/۸	۸	۲۴/۱	۶۳	– اصولاً فاقد پایگاه اجتماعی هستند
۷/-	۲۲	۷/۴	۴	۶/۹	۱۸	– از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند
۶/۷	۲۱	۹/۳	۵	۶/۱	۱۶	– در حدی متوسط مثل کارمندان دولت است
۲/۵	۸	۵/۵	۳	۱/۹	۵	– وابسته به پایگاه اجتماعی مطبوعات است
۲/۵	۸	۵/۵	۳	۱/۹	۵	– بستگی به شخصیت هر روزنامه‌نگار دارد
۲/۲	۷	۵/۵	۳	۱/۵	۴	– بستگی به اعتماد متقابل با مردم دارد

همان‌گونه که دیدیم، در انتهای سؤال ۱۶، از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود که ارائه طریق نمایند که چگونه می‌توان پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران ایران را ارتقاء داد.

روش‌های ارائه شده، بی‌شک نیاز به فاعلانی دارد که به نظر می‌رسد حکومت، صاحبان مطبوعات و خود روزنامه‌نگاران به عنوان فاعلان این اقدام معرفی شده‌اند. اما پیشنهادی که بیشترین تعداد را داشته، فاقد فاعل است «ارزش واقعی روزنامه‌نگار برای مردم روشن شود». در واقع این پیشنهاد مستلزم عملکردهای «تبلیغاتی» و «آگاه‌کننده» است که مجریان این اقدامات می‌توانند دولت‌مردان و رهبران عقاید باشند. نقش حکومت در اجرای این پیشنهادات قابل توجه است، فراهم کردن شرایط و یا تسهیلات لازم در جهت ایجاد تشکلهای حرفه‌ای، مانند سندیکای روزنامه‌نگاران، ارزش قائل شدن برای روزنامه‌نگار از سوی دولت‌مردان، ایجاد امنیت شغلی چه از سوی حکومت و چه صاحبان مطبوعات، از نمونه‌های مذکور است و گذراندن دوره‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری از پیشنهاداتی است که فاعل اصلی آن باید روزنامه‌نگار باشد. (از ۲۶ نفر که چنین راه‌حلی را مطرح کرده‌اند، ۲۴ نفر فاقد تحصیلات دانشگاهی و ۲ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته ارتباطات بوده‌اند).

پیشنهادات ارائه شده برای ارتقاءشان و منزلت روزنامه‌نگار در اذهان عمومی به ترتیب فراوانی به شرح زیر است:

تعداد	درصد	
۳۷	۱۱/۷	– ارزش واقعی روزنامه‌نگار برای مردم روشن شود
۳۴	۱۰/۸	– مسئولین و مطبوعات برای روزنامه‌نگار ارزش قائل شوند
۲۶	۸/۲	– روزنامه‌نگاران باید تحصیلات دانشگاهی داشته و سطح تخصص خود را بالا ببرند
۲۳	۷/۳	– عامل اصلی تحول در خود روزنامه‌نگاران است که باید خود را متحول کنند
۲۲	۷	– بوسیله تأمین مالی و امنیتی روزنامه‌نگاران

۶/۷	۲۱	- با تأسیس تشکل‌های روزنامه‌نگاری مانند سندیکا
۴/۸	۱۵	- به وسیله بازگو کردن حقایق برای مردم و انجام تعهدات حرفه‌ای
۳/۲	۱۰	- اصلاح رفتار دولت‌مردان و مسئولان با روزنامه‌نگاران
۳/۲	۱۰	- رعایت قانون اساسی و قانون مطبوعات در زمینه حفظ حقوق روزنامه‌نگاران
۲/۹	۹	- با افزایش سطح فرهنگ جامعه
۲/۲	۷	- اجرای آزادی افکار و بیان، ایجاد فضای باز سیاسی در جامعه
۲/۲	۷	- به وسیله تبلیغات
۱/۹	۶	- با تفکیک روزنامه‌نگاران با صلاحیت از بی‌صلاحیت‌ها
۱/۶	۵	- ایجاد استقلال در مطبوعات
۱/۳	۴	- تشکیل دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای روزنامه‌نگاران
-	۳	- جلوگیری از تجاری‌شدن مطبوعات با حمایت مالی دولت از آنان
-	۳	- تدوین قانون جامع برای مطبوعات
-	۳	- پیش‌بینی امتیازات ویژه‌ای برای روزنامه‌نگاران
-	۲	- طراحی برنامه‌ای جامع و مدرن در این زمینه
-	۲	- دقت در گزینش مدیران و صاحبان مطبوعات
-	۱	- جای دادن بحث «اهمیت روزنامه‌نگار» در کتب درسی
-	۱	- اعزام يك كانديد از سوي روزنامه‌نگاران به مجلس

نمونه‌ای از نوشته پاسخ‌دهندگان که ۴۰ درصد مجموع نوشته‌ها را تشکیل می‌دهد به شرح زیر است:

- «روزنامه‌نگار در ایران صاحب هیچ‌گونه پایگاه اجتماعی نیست. به حقوق خود هم آشنا نیست.» - پ ۱
- «از طریق حفظ حقوق و حریم روزنامه‌نگاران بر طبق قانون اساسی و مطبوعات و احترام عملی به آنان.» - پ ۲
- «برای تثبیت پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران در ایران، می‌باید همه مردم را توجیه کرد، راه‌های عملی ارج‌گذاری به این قشر را بررسی نمود، به مناسبت‌های مختلف، ارزش واقعی آنان را به جامعه نشان داد و به شیوه‌های همکاری متقابل مردم و روزنامه‌نگاران اندیشید.» - پ ۳
- «در ایران صفر است. با ایجاد سطح علمی و تعهد در محیط کار و زیر پوشش قرار دادن افرادی که به این کار علاقه فراوان داشته و تا پای جان در راه خدمت به جامعه خود قلم بزنند و نترسند.» - پ ۶
- «باید بررسی کرد که در کشورهای دیگر که روزنامه‌نگار پایگاه اجتماعی بالایی دارد چه عواملی سبب آن منزلت اجتماعی برای روزنامه‌نگاران شده است.» - پ ۸
- «ظاهراً اکثر خبرنگاران از شیوه سنتی بهره‌مند هستند و تا زمانی که تحصیلات دانشگاهی مدنظر نباشد، راه به جایی نخواهیم برد.» - پ ۹
- «از آنجا که اکثر روزنامه‌نگاران ما تجربی هستند و تحصیلات دانشگاهی ندارند به نظر بنده روزنامه‌نگاران کشورمان با گذراندن دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات به‌ویژه روزنامه‌نگاری، می‌توانند به جایگاه و منزلت اجتماعی واقعی خود برسند.» - پ ۱۰
- «در ایران روزنامه‌نگاران از جایگاهی برخوردار نیستند و حتی برای گرفتن يك خبر باید از مسئولان خواهش و تمنا کنند و خود را کوچک و حقیر نمایند، مشکلات مالی نیز مزید بر علت است و حتی برخی از روزنامه‌نگاران در این رهگذر، رسالت خود را از دست می‌دهند. باید با آموزش‌های لازم و افزایش میزان معلومات و توجیه مسئولان این کار را رونق بخشید.» - پ ۱۱
- «در ایران هم احترام دارند.» - پ ۱۰
- «متأسفانه عموم مردم به قولی عقلشان به چشمشان است. وقتی ببینید حقوق يك روزنامه‌نگار حتی از يك معلم هم کمتر است، می‌توانید قضاوت کنید که چه بینشی نسبت به تخصص صاحب این حرفه پیدا خواهند کرد، آن‌ها روزنامه‌نگاری را انشاءنویسی می‌دانند، در حالیکه نوشته‌های پزشکان و وکلای دادگستری و ... را حمل بر تخصص آن‌ها می‌دانند.» - پ ۱۳
- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران در ایران در حد کارکنان سایر ادارات دولتی و خصوصی است. چگونگی ارتقاء آن به حفظ استقلال عقیده و ابراز حقایق و تعهد انسانی و اجتماعی بستگی دارد.» - پ ۱۸

- «شاید تا چند سال پیش، شغل روزنامه‌نگاری در ایران از ارزش بالایی برخوردار بود، اما متأسفانه در دو سه سال اخیر به علت خنثی شدن نقش خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در مطبوعات، مردم با بی‌اعتمادی به خبرنگاران نگاه می‌کنند و ارزش آنان بسیار پایین آمده است. بزرگ‌ترین ضربه را مدیران مطبوعات و خط‌مشی و اهداف آنان به روزنامه‌نگاران وارد آورده است.» - پ ۱۹

- «همان‌طور که مستحضر هستید روزنامه‌نگاران در دنیای پیشرفته تا حدودی اختیارات لازم را دارند تا از مراکز تحقیقاتی و علمی و به‌طور کلی مسائل علمی روزمره به سرعت آگاه شوند و آن را به افشار مردم ارائه دهند ولی در ایران این موضوع هنوز جا نیافته است و مسئولین باید به خبرنگار و روزنامه‌نگار بهای واقعی را بدهند و ارزش آنان را در برخوردها در نظر بگیرند.» - پ ۲۲

- «برای ارتقاء این مطلب باید تبلیغات زیادی صورت گیرد.» - پ ۲۴

- «وقتی برای گرفتن خبر باید به مسئولان التماس کرد، بارها و بارها به خبرنگاران توهین شده و هیچ حمایتی از آنان به عمل نیامده است. حقوق و مزایای آنان بسیار پایین است و فاقد سندیکا هستند، نمی‌توان انتظار منزلت بالا برای آنان داشت.» - پ ۲۵

- «روزنامه‌نگاران باید با حرکت در صراط مستقیم و مسیر اسلامی زمینه‌های انحراف را در جامعه شناسانده و در رفع آن‌ها بکوشند. طبیعی است با چنین حرکت صادقانه‌ای منزلت و جایگاه خود را در جامعه ارتقاء خواهند داد.» - پ ۲۶

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار ایرانی صفر است زیرا شما در لیست مشاغل، شغلی به عنوان خبرنگار یا روزنامه‌نگار نمی‌توانید پیدا کنید، پست‌ترین حرفه‌ها برای خود مکانی در ستون مشاغل دارند. الا خبرنگار و روزنامه‌نگار. قدم اول شناساندن این حرفه به عنوان یک شغل است و به دنبال آن مزایای مشاغل.» - پ ۲۵

- «شاهد موقعی بوده که برخورد با روزنامه‌نگاران مثل برخورد با دشمنان بوده. برای ارتقاء آن باید خارجی پرستی از بین برود (جایی بوده که با لگد بیرونم کرده‌اند اما وقتی بالاخره وارد شدم، دیده‌ام خبرنگاران خارجی تحت‌الحفظ آقایان و با عزت و احترام مشغول به کارند مثل مصاحبه با «دکوریار» در آخرین سفر خود به ایران) و اینکه قطع نظر از باندهای، روحیه همکاری با خبرنگار تقویت شود و برخورد «اطلاعاتی» با گزارشگر به حداقل برسد.» - پ ۴۱

- «چه آشی! چه کشکی!» - پ ۵۷

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران در ایران در سطح متعارفی قرار دارد یعنی نه خیلی بالا و نه خیلی پایین. برای ارتقاء این پایگاه به طور کلی از دو روش می‌توان استفاده کرد. روش اول، روش‌های جنجال برانگیز است تا برخی به دلیل ترس و واهمه و برخی دیگر به طمع مطرح شدن از طریق روزنامه، احترام فوق‌العاده‌ای به روزنامه‌نگاران بگذارند. روش دوم، روش‌های منطقی و اصولی است که با کار، تحقیق و فعالیت‌های نافع به حال جامعه می‌توان به منزلت اجتماعی والایی دست یافت. البته در مورد اخیر برخورداری جامعه و مسئولان از سطح بینش بالا، شرط ضروری است.» - پ ۶۹

- «پارته‌بازی رل اساسی را ایفا می‌کند لذا مثل پیدا کردن روغن توسط یک پارته‌باز با کوبن است و هیچ منزلتی ندارد.» - پ ۷۲

- «باید گفت که متأسفانه در مواردی مشاهده شده است که خبرنگاری به خاطر مایحتاجش به راحتی قلمش را فروخته و حتی از مسئولی که اشتباهات زیادی نیز دارد، تعریف و تمجید کرده است. مسلماً تا زمانی که عده‌ای از روزنامه‌نگاران (هرچند قلیل) خود را چنین بنمایانند، پایگاه اجتماعی برای این قشر باقی نمی‌ماند.» - پ ۷۳

- «روزنامه‌نگاران ایران در میان مردم محبوبیت دارند و برعکس در میان یکدیگر محبوبیتی ندارند و این جای بسی تأسف است که جدیداً متداول شده است.» - پ ۷۵

- «روزنامه‌نگاران ایران از ارج و منزلتی که شما در برخی کشورها به آن اشاره کردید، برخوردار نیستند. در خبرها می‌خوانیم که فلان خبرنگار مورد تویخ قرار گرفت، فلان خبرنگار به جلسه شورای ... راه داده نشد و از این قبیل چیزها. همچنین در بین مردم از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار نیستند. مردم نیز به صورت خیلی عادی با این قضیه برخورد می‌کنند و به قول معروف، خبرنگاران را تحویل نمی‌گیرند چه رسد به مسئولین.» - پ ۷۷

- «خبرنگار در یک جامعه شاید از رئیس جمهور هم مهم‌تر باشد. به یاد سفرم به بغداد در جنگ خلیج فارس می‌افتم که «لطیف‌نصیف‌جاسم» ۲۴ ساعت قبل از مصاحبه با خبرنگاران، اسم کوچک خبرنگاران را یاد گرفته بود و روز مصاحبه آن‌ها را با نام کوچک می‌خواند. این اهمیت

شغل خبرنگاري را به وضوح به من نشان داد. براي ارتقاء شخصيت خبرنگار (روزنامه‌نگار) مهم‌ترين موضوع شخصيت خبرنگار است که پس از پيروي انقلاب اسلامي متأسفانه اوضاع بد اقتصادي، خبرنگار را به يك معامله‌گر تبديل کرده و از شخصيت و معرفت خبري نيست! البته صدام حسين هم همين روش را با خبرنگاران دنبال مي‌کند. در اکثر کشورهاي صنعتي و در اکثر بنگاه‌هاي خبري و نشریات معتبر، روزنامه‌نگاران حتي داراي هواپيماي خصوصي هستند.»

- پ ۸۱

- «همان‌طور که در پاسخ سؤال ۱۲ و ۱۴ اشاره کردم، چنين منزلتي وجود ندارد و همه اين بحث‌ها هم بي‌فايده است. علت آن را خودتان بهتر مي‌دانيد، نيازي به تشریح ندارد. امکان ارتقاي آن نيز وجود ندارد.» - پ ۸۵

- «از نظر مردم منزلت بالايي دارند و از نظر مسئولان عکس.» - پ ۹۳

- «با برگزاري کلاس‌هاي متعدد و ارتقاء سطح دانش روزنامه‌نگاران مي‌توان آن را ارتقاء داد.» - پ ۹۴

- «اين پايدگي منزلت مناسبي دارد. شرط ارتقاء آن کنترل ورود و خروج روزنامه‌نگاران با صلاحيت و بي‌صلاحيت از اين جماعت است.» - پ ۹۷

- «کارمند عادي - احتياجي به ارتقاء آن نيست.» - پ ۹۸

- «آنچه بديهي است در هر جامعه‌اي توجه مردم به مشاغل مختلف و ارزشيابي آنان از مشاغل برحسب نياز مردم (به خدمات آن شغل) صورت مي‌گيرد در جامعه‌اي مثل جامعه ما که هنوز مشکلات و نيازهاي اوليه مثل بهداشت، آموزش و مسائل اقتصادي برآورده نشده‌اند، مسلم است که مردم نمي‌توانند براي نيازهاي فکري - اجتماعي خود و در نتيجه براي شاغلان در اينگونه فعاليت‌ها جايگاه خاص و ضروري مثل جايگاه يك پزشک در نظر داشته باشند. اما هر چه فعاليت اين‌گونه افراد (خبرنگاران - روزنامه‌نگاران) بيشتري باشد، در اثر تماس اين قشر با جامعه، مردم توجه بيشتري به آن کرده و به آن بهاء مي‌دهند.» - پ ۱۰۲

- «درکشورهايي که به روزنامه‌نگار ارج مي‌نهند، بي‌شک روزنامه‌نگار حرفه‌اي است و از ساير قشرها جداست در صورتي که در ايران ما در ميان روزنامه‌نگاران؟! کارگر، راننده، گچ‌کار، بنا، تعميرکار!! نيز مي‌بينيم. بنابر اين بايد افراد حرفه‌اي را به‌کار گماشت و اين مسئله را جدي گرفت.» - پ ۱۰۴

- «البته در کشور ما هم روزنامه‌نگاران در جاي خوبي از نظر اجتماعي قرار دارند ولي هنوز هم مي‌توان اين درجه را ترقي داد، اين کار را خود روزنامه‌نگاران در مطبوعات خودشان به راحتی مي‌توانند انجام دهند.» - پ ۱۰۵

- «همانند جايگاه پزشکان و مهندسين است در مقايسه با کاسب.» - پ ۱۰۶

- «در سطح متوسط قرار دارد. بايد ابتداء خود مطبوعات اهميت رسالت خویش را به مردم بشناسانند.» - پ ۱۱۰

- «در حد کارمندان رده پايين و چگونگي ارتقاء آنها در رابطه با آزادي و استقلال در راستاي خط فکري آنها مي‌باشد چون خبرنگار با قلمش شناخته مي‌شود و ارج وي در رابطه با قلمي است که بکار مي‌برد.» - پ ۱۱۲

- «پايدگي چندان مناسبي ندارند و آن‌هم به خاطر اين است که روزنامه‌نگاران اغلب صادقانه رفتار نمي‌کنند.» - پ ۱۱۳

- «روزنامه‌نگاري در ايران در جايگاه مناسب خود واقع شده است و از جمله مشاغل مورد احترام جامعه مي‌باشد.» - پ ۱۱۴

- «بايد روزنامه‌نگار پرورش داد نه کارمند اداري، بايد شخصيت حقوقي روزنامه‌نگار محفوظ باشد. بايد اهميت شغل روزنامه‌نگاري را به مردم و مسئولان شناسانند. روزنامه‌نگاري با روزنامه فرق دارد. بايد اتحاديه داشت. بايد سندیکا داشت. بايد از حقوق روزنامه‌نگار دفاع کرد و از آن حمايت نمود.» - پ ۱۱۵

- «روزنامه‌نگاران شايد در بين خودشان پايدگي براي خود داشته باشند اما پايدگي اجتماعي محکمي ندارند. روزنامه‌نگار وقتي خودش را باور کرد آن وقت جامعه هم او را باور مي‌کند.» - پ ۱۱۷

- «روزنامه‌نگار در ايران ارزشي ندارد. هنوز ما نفهميده‌ايم که روزنامه به مثابه يك نهاد غيردولتي مي‌تواند در تصحيح خطمشي‌ها و اجراي آن، تکميل‌کننده سياست‌هاي دولت و... و کمک‌کننده باشد. در آلمان وزير خارجه هر هفته با روزنامه‌نگاران جلسه دارد و محرمانه‌ترين خبرها را با آنان در ميان مي‌گذارد و از آنان مشورت مي‌خواهد. در فرانسه يك روزنامه‌نگار به



راحتي به عنوان سفیر کشورش معرفی می‌شود و در ایران... بهتر است حرفش را نزنیم. خودتان بهتر می‌دانید. اگر می‌خواهید ارتقاء بدهید، بسم...» - پ ۱۱۹

- «پایین است. با فراهم نمودن مزایای اجتماعی.» - پ ۱۲۱

- «وقتی کار قوی باشد، خواه ناخواه رو می‌آید و توجهات به سوی آن جلب می‌شود. باید این کار در ایران بشود.» - پ ۱۲۳

- ۱. پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران همان پایگاه اجتماعی کارمندان است. روزنامه‌نگار موظف به ثبت کارت ساعت ورود و خروج است. او نه یک روزنامه‌نگار بلکه عنصری منکوب، مقهور و حقوق‌بگیر است و جز این نیست.

۲. اساساً گزینش دانشجو روزنامه‌نگاری از طریق کنکور سراسری، کار بی‌حاصلی است. با پیش‌بینی بورسیه تحصیلی در مجموعه نظام آموزش عالی، می‌توان امکان ادامه تحصیل شاغلین مطبوعات در رشته روزنامه‌نگاری را فراهم ساخت.

۳. حمایت واقعی قضایی و حقوقی از روزنامه‌نگاران

۴. درک واقعی مسئولین و متولیان جامعه از نقش واقعی روزنامه‌نگاری.» - پ ۱۲۶

- «در ایران آن‌طور که من دریافته‌ام گاه روزنامه به روزنامه‌نگار، پایگاهی اجتماعی می‌بخشد و گاه روزنامه‌نگار به روزنامه اما به هر حال امروز، روزنامه‌نگار «پایگاه اجتماعی» مشخصی در جامعه ندارد (مثل پایگاهی که یک پزشک و یا حتی یک مکانیسین اتومبیل و... دارد) برای ارتقاء چنین پایگاه نامشخصی هم طبعاً باید ابتدا به تثبیت پایگاه و تبیین آن در جامعه، همت گماشت.» - پ ۱۳۰

- «متأسفانه پایگاه روزنامه‌نگاران ایرانی بسیار پایین است. باید تشکلهای رسمی و پر قدرتی برای حفظ حقوق اهل قلم ایجاد کرد. مثل کشورهای چون پاکستان، ترکیه و... که دارای اتحادیه خبرنگاران هستند.» - پ ۱۳۴

- «چندان مناسب نیست چون برخی از روزنامه‌نگارها نیز قلم بمزد هستند.» - پ ۱۳۶

- «روزنامه‌نگار در ایران از پایگاه اجتماعی خوبی برخوردار است و مردم نسبت به نقش مطبوعات بایستی آگاهی بیشتری پیدا کنند.» - پ ۱۳۷

- «روزنامه‌نگار در ایران بی‌منزلت است و از نظر اجتماعی، همه روزنامه‌نگاران را جیره‌خوار حکومت فرض می‌کنند. از نظر اقتصادی حقوق آن‌ها بسیار نازل است. از نظر بنده روزنامه‌نگاری شغل مناسبی نیست و دوستان نیز این‌جا را به منزله سکوی پرتاب برای شغل‌های دیگر و یا اشتغال ضمن تحصیل می‌بینند.» - پ ۱۳۸

- «یک روزنامه‌نگار در حقیقت باید زبان جامعه خود باشد. درد جامعه را بفهمد و موشکافی کند و عنوان کند و به گوش مسئولین برساند.» - پ ۱۴۵

- «بالا رفتن روزنامه‌نگار به بالا رفتن فرهنگ در جامعه کمک زیادی می‌کند پس کمتر از مشاغل مهم جامعه نیست. باید به روزنامه‌نگاران میدان داد و وسایل کار و آرامش خیال آن‌ها را فراهم آورد تا بتوانند بازدهی بیشتری داشته باشند.» - پ ۱۴۷

- «تا زمانی که روزنامه‌نگاران دارای یک تشکل منسجم و پر قدرت نباشند، بحث پیرامون این‌گونه موارد عبث و بیهوده است. حق را باید گرفت والا کسی حق دیگران را اداء نخواهد کرد.» - پ ۱۴۸

- «آنچه به روزنامه‌نگار اهمیت و ارزش می‌دهد، اعتماد متقابل مردم و روزنامه‌نگار است و اینکه مردم احساس کنند روزنامه‌نگار می‌تواند با فعالیت خود دردی از دردهای اجتماع را درمان کند (نظیر پزشک که کارش درمان مردم است) و این میسر نیست مگر همکاری بیشتر مدیران نشریات با همکاران مطبوعاتی.» - پ ۱۴۹

- «روزنامه‌نگار اصلاً منزلتی ندارد. این موضوع باید از دولت‌مردان شروع شود.» - پ ۱۵۳

- ۱. به روزنامه‌نگار تفهیم شود که صفحات روزنامه تیول وی نیست و حق ندارد از آن برای رفع برخی مشکلات شخصی و یا شبه شخصی خود استفاده کند.

۲. به مسئولان مملکتی تفهیم شود که روزنامه‌نگار فضول‌باشی نیست و مردم بلانسبت مشتتی گوسفند نیستند.

۳. به مردم تفهیم شود روزنامه‌نگار دشمن خونی مسئولان نیست و روزنامه‌نگار اقدام عملی نمی‌تواند بکند.» - پ ۱۵۴

- «به این سوال باید این‌طور پاسخ داد که اولاً کشورهای غربی را نباید الگو قرار داد دوم اینکه نوع زندگی و افکار ما ایرانی‌ها با غربی‌ها تفاوت دارد. من آن آزادی خبرنگاران غربی را به آن

شکل قبول ندارم و خبرنگاران داخل هم به این شکل قبول ندارم. یعنی اینکه نه آن خوب است و نه این.» - پ ۱۵۵

- «پایگاه روزنامه‌نگار ایرانی در داخل و خارج از کشور تقریباً صفر است. به وسیله آزادی مطبوعات و افکار می‌توان آن را ارتقاء داد.» - پ ۱۵۶

- «متأسفانه روزنامه‌نگار هیچ منزلتی ندارد. مقصر بیش از هر کس خود روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران هستند. وقتی هدف روزنامه‌ها در حد هدف يك بقال پایین می‌آید و آگهی‌گرفتن و تأمین منافع مالی هدف اول می‌شود، هر دربان بی‌سر و پایي مانع از کار خبرنگار و نویسنده می‌شود تا چه رسد به وزیر و وکیل که خیال می‌کنند روزنامه‌ها و روزنامه‌نگارها، نوکر دست به سینه حضرات هستند.» - پ ۱۵۸

- «در ایران روزنامه‌نگار پایگاهی ندارد و بیشتر به مثابه يك تبلیغات‌چی که همواره دنبال سوژه‌های چشم‌گیر است، می‌باشد، لذا حتی‌الامکان از او دوری می‌جویند. ارتقای پایگاه روزنامه‌نگاران به دو طریق امکان‌پذیر است:

۱. با تخصصی‌کردن این رشته و کار به نحوی که آموزش‌ها الزامی باشد و خود روزنامه‌نگاران نیز بدانند که کارشان صرفاً هوچی‌گری نیست.
۲. بالابردن سطح آگاهی عمومی.» - پ ۱۶۱

- «این مسئله دقیقاً برمی‌گردد به نوع برخورد دولت‌ها یا روزنامه‌نگاران - روزنامه‌نگاری که مثلاً برای گزارشی از نارسایی يك سازمان دولتي مثل بیمارستان تنبیه می‌شود - (زندانی!) - (منظور حتی در مسائل غیرسیاسی) طبعاً در میان مردم ارج و ارزشی نخواهد داشت. در مجموع روزنامه‌نگاران ما باید هم از طرف خودشان و هم از طرف دولت، جدی گرفته شوند.» - پ ۱۶۶

- «متوسط - با رشد فرهنگی کشور.» - پ ۱۶۸

- «در ایران چنین نیست. شاید در مواردی نسبت به بعضی از خبرنگاران در روزنامه‌های رسمی و یا صدا و سیما چنین چیزی صادق باشد ولی آنچه من در سطح اجتماع می‌بینم مردم يك خبرنگار را فقط به عنوان يك کارمند می‌دانند. از طرف دیگر در کشور ما ملاک، میزان درآمد است نه عنوان شغل پس با این حساب هیچ‌وقت حداقل تاکنون يك پزشک با يك خبرنگار برابر نبوده و به نظر من برای ارتقاء آن باید این شغل بیشتر در جامعه مطرح شود و حداقل خود وزارت ارشاد به آن ارج دهد.» - پ ۱۷۲

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران منوط به تغییر برداشت متقابل روزنامه‌نگار دولت و مردم است، مادام که روزنامه‌نگار خود را فرعی می‌داند، دولت تنها او را در لباس حامی می‌خواهد و مردم حرف خود را در آینه مطبوعات منعکس نمی‌بینند، مطبوعات پایگاه نداشته و روزنامه‌نگار منزلت خود راه نخواهد یافت.» - پ ۱۷۳

- «اصولاً امروز به دلیل وضعیت طبقه حاکم (تجار، گردانندگان بازار سیاه)، تحصیل‌کردگان و متخصصان از ارزش زیادی برخوردار نیستند و آن‌چنان پایگاه اجتماعی قدرتمندی ندارند ولی به هر حال وجود روزنامه به عنوان يك حربه اجتماعی تا حدودی بطور اجباری موجبات پیدایش پایگاه اجتماعی را فراهم سازند. ارتقاء فقط در صورتی خواهد بود که در هر زمینه - و به‌خصوص روزنامه‌نگار - از موقعیت واقعی اجتماعی برخوردار شود.» - پ ۱۷۹

- «در ایران: پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار به عنوان پادوی مجلات یا روزنامه‌ها شناخته می‌شود - آزادی مطبوعات را بیشتر کرده - افراد با صلاحیت به سردبیری روزنامه‌های بزرگ گمارده شوند - تفهیم ارزش اطلاعات و اطلاع‌رسانی به مردم و صاحبان مطبوعات.» - پ ۱۸۴

- «ضعیف می‌باشد. روزنامه‌نگار باید با منش متعالی و شخصیت اجتماعی و تبحر خود در کار، این نقیصه را از میان بردارد.» - پ ۱۸۵

- «خودتان بهتر می‌دانید. وقتی کار مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری به صورت يك تجارت درآید و متأسفانه وزارت ارشاد جواز چاپ نشریه را به دست هر کسی بدهد، نباید انتظار داشت که منزلت و جایگاه روزنامه‌نگار بهتر از این باشد.» - پ ۱۸۷

- «متأسفانه پایگاه روزنامه‌نگاری در ایران هنوز در سطح کارمندی است و به آن به این دید می‌نگرند. البته این رسالت به گردن خود روزنامه‌نگاران است تا آن را به چه شکلی در سطح جامعه جا بیاورند. برای ارتقاء آن نیز همان‌طور که در سوال قبل پاسخ داده‌ام به نظر من باید به سویی حرفه‌ای شدن گام برداشت.» - پ ۱۹۲

- «در صورتی که جریان اطلاعات آزاد باشد و مطبوعات به راستی چشم و گوش مردم باشند و از منافع مشروع مردم دفاع کنند. باکسب اعتبار از طرف مطبوعات، روزنامه‌نگاران هم کسب

اعتبار می‌کنند و جایگاه واقعی خود را بدست می‌آورند. راه‌دیگری به نظرم نمی‌رسد.» - پ ۱۹۵

- «در سطح متوسطی هستند و برای ارتقاء باید دولت قانونی تصویب کند که براساس آن تهیه هر خبری توسط افرادی مجاز باشد که تحصیلات دانشگاهی داشته باشند و یا اینکه آن خبر از تأیید آنها گذشته باشد.» - پ ۱۹۶

- «واقعیت این است که هنوز این شغل چندان رسمیتی پیدا نکرده و شاید از معلمی (آنهم شاید) بالاترش ببینند، به هر صورت جواب‌ها ضد و نقیض است اما مهم این است که ما شغل‌مان را دوست داشته باشیم. من حرفه‌ام را دوست دارم (یعنی تئاتر) و از این‌که برای تئاتر قلم می‌زنم، خوشحالم فکر می‌کنم در درازمدت بتوانم یک تئاترنویس خوب و موفق بشوم.» - پ ۱۹۹

- «روزنامه‌چی! این عنوان باشکوه یک قلم‌زن مطبوعات است. چه شأنی - چه مرتبتی. کسی تره هم برایشان خرد نمی‌کند! این عزت را باید مدیران برگردانند و نه ما.» - پ ۲۰۰

- «همان‌طور که برای معرفی کتاب خوب، اقدام به شرح مندرجات کتاب می‌شود و با آب و تاب معرفی می‌شود، در خصوص روزنامه‌نگاران خوب و موفق نیز اقدام به شرح بیوگرافی آنها شود و به مجامع فرهنگی و غیره ارسال شود و در محافل و مجالس بویژه فرهنگی - هنری - اجتماعی، دعوت ویژه از آنها بعمل آید و بهترین‌ها مورد تشویق قرار گیرند.» - پ ۲۰۱

- «با توجه و درک عمیق اهمیت مطبوعات.» - پ ۲۰۴

- «پایگاه و جایگاه روزنامه‌نگاری در ایران زیر صفر است. برای ارتقاء آن باید مقامات و مسئولان توجیه شوند.» - پ ۲۰۵

- «به عقیده من در ایران اگر یک روزنامه‌نگار دارای تحصیلات دانشگاهی باید هرگز نمی‌تواند هم‌سطح یک پزشک یا استاد دانشگاه باشد، شاید بتواند در سطوحی پایین‌تر از موارد فوق قرار گیرد ولی با روزنامه‌نگاری که تحصیلات دانشگاهی ندارد، مانند یک کارمند ساده برخورد می‌شود.» - پ ۲۱۱

- متأسفانه جایگاه روزنامه‌نگاران از ارج و منزلت بالایی برخوردار نیست و نمی‌توان آن را افزایش داد مگر با معرفی هر چه بیشتر این قشر و زحماتی که می‌کشند برای مردم و بهادادن به کار آنها.» - پ ۲۱۴

- «صفر - خانه از پای بست ویران است.» - پ ۲۱۶

- روزنامه‌نگار خوب همیشه اعتبار اجتماعی داشته و هنوز هم دارد. مهم این است که مردم متوجه شوند که روزنامه‌نگار مسائل و مشکلات آنها را با توجه به شرایط و امکانات اجتماعی - فردی و راه‌حلهای مشابه در سایر جاهای دنیا، مطرح می‌کند.» - پ ۲۱۸

- «روزنامه‌نگار پایگاه چندان والایی ندارد. ارتقاء این پایگاه با دانش، صداقت و شجاعت در بیان ممکن است.» - پ ۲۱۹

- «مسئلاً پایین‌تر از کشورهای مزبور است - جهت ارتقاء تمام روزنامه‌نگاران شاید یک راه ساده، صدور کارت شناسایی معتبر برای همه آنان باشد و وضع قوانینی که آزادی‌ها و امکانات بیشتری را برای دارندگان آن تضمین کند.» - پ ۲۲۰

- «۱. وابستگی و احتیاج مبرم اهل قلم و مطبوعات را از صاحبان صنایع و مشاغل (از نظر آگهی) باید از بین برد.

۲. سازمان‌های دولتی و نهادهای رسمی، اولویت‌هایی برای صاحبان مطبوعات قائل شوند.» - پ ۲۲۲

- «هر چه فرهنگ روزنامه‌نگار بالا باشد به همین نسبت ارتقاء آن بالاست.» - پ ۲۲۴

- «در حد خوبی نسبت به دیگر مشاغل مذکور می‌باشد و از پایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار است. ارتقاء هر شغلی با سطح فرهنگی آن جامعه نسبت مستقیم دارد.» - پ ۲۲۵

- «پایگاه مناسب و نسبتاً خوبی دارند. با بالا بردن سطح معلومات و اجازه ندادن به هر کس برای ورود به این شغل، می‌توان آن را ارتقاء داد.» - پ ۲۲۶

- «۱. دل‌چسب نیست.

۲. جدا از بقیه گرفتاری‌های جامعه نیست و راه‌حل جداگانه ندارد.» - پ ۲۲۷

- «در ایران هم بایستی این‌طور باشد منتهی بایستی ترتیبی اتخاذ شود تا کارکنان مطبوعات (البته روزنامه‌نگاران نه کادر دفتری) هم بتوانند از سهمیه دانشگاه‌ها برخوردار شوند، صرفاً کسانی که در رشته ارتباطات رتبه بیاورند، نمی‌توانند روزنامه‌نگاران موفقی در آینده باشند. در روزنامه‌نگاری شرط اول علاقه است.» - پ ۲۲۸

- «در سطح بسیار پایین است و برای ارتقاء آن می‌توان به تشکیل انجمن مطبوعات کشور و گذراندن قوانینی در حمایت از روزنامه‌نگار در برابر سوانح، تهدید، ارباب و... و شخصیت‌دادن به روزنامه‌نگاران توسط مسئولین کشور، اشاره کرد.» - پ ۲۳۰

- «متأسفانه در ایران نویسنده کتاب و روزنامه‌نگار هیچ‌گونه پایگاهی ندارد در صورتی که در اسلام به این امر بسیار توجه شده است.» - پ ۲۱۳

- «در جامعه ما به خاطر عدم شناخت این رشته و حرفه، فعلاً جای تأمل و بررسی ندارد.» - پ ۲۳۴

- «خیلی مشهود نیست. ذهنیت‌ها را درباره کار روزنامه‌نگاران روشن کنند.» - پ ۲۳۵

- «مگر ما چه تعداد روزنامه‌نگار در کشور داریم که بتوانیم آن‌ها را با تعداد پزشکان و... مقایسه کنیم و آن‌گاه از پایگاه اجتماعی آنان سخن گوئیم. روزنامه‌نگاران در کشور به چشم نمی‌آیند.» - پ ۲۳۶

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نویسی در ایران، نه از جانب مسئولین و نه از جانب مردم به رسمیت شناخته نمی‌شود. شاید از سوی گروه اول به این دلیل که قدرت روزنامه‌نویس را می‌دانند و شاید از سوی گروه دوم به این دلیل که از قدرت وی بی‌خبرند.» - پ ۲۲۸

- «در کشور ما دو حالت وجود دارد. حالت اول - بسیار ارزنده و شریف و حتی بالاتر از سطوح فوق‌الاشاره، حالت دوم - برای گروهی که در این وادی سیر نکرده و هنوز اثر قلم و تأثیرات خیر را درک نکرده‌اند، هیچ. مگر کسانی که مارگزیده هستند و نیش قلم که هزاران هزار بار از نیش مار زخمی‌تر است به آن‌ها رسیده باشد.» - پ ۲۴۰

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار ایرانی متأسفانه روز به روز در حال کاهش است و این بدان معناست که روزنامه‌نگاران خود در جهت ارتقاء شخصیتی خویش، مسامحه می‌ورزند و گاه رقابت را به منزله حسادت قلمداد کرده و دیگر روزنامه‌نگاران را در نزد افراد دیگر اجتماع بی‌اعتبار ساخته و منافع شخصی خویش را بر همه چیز ترجیح می‌دهند! از طرف دیگر برنامه مدونی برای برخوردهای اجتماعی با روزنامه‌نگاران وجود نداشته و برخی ندانم کاری‌ها باعث کم‌ارزشی آنان می‌شود!» - پ ۲۴۱

- «جایگاه روزنامه‌نگاری در ایران معلوم نیست. چه بسا کسی درباره مسئله‌ای نظر می‌دهد در حالی که از آن موضوع اطلاع کافی ندارد به عکس اگر کسی تخصصی در موضوع یا رشته‌ای داشته باشد و طرح بدهد، کسی گوش نمی‌دهد. درهم شده‌ایم. نتیجه این شده که جایگاه واقعی روزنامه‌نگاری در ابهام بماند.» - پ ۲۴۲

- «متأسفانه در کشور ما به حرفه روزنامه‌نگاری! اهمیت چندانی داده نمی‌شود، با وجود اینکه بارها و بارها از حضور زنان در صحنه‌های مختلف فعالیت سخن گفته شده اما همچنان به یک خبرنگار زن بخصوص خبرنگاران جوان‌تر با دیدگاه خاص نگاه می‌کنند. در واقع این حرفه در عرف اجتماعی جامعه ما هنوز نتوانسته جای استوار و محکمی برای خود پیدا کند. برای رفع این مسئله علاوه بر اینکه مسئولین امر باید در این رابطه فعالیت‌های بیشتری داشته باشند، رسانه‌هایی چون تلویزیون و رادیو که این روزها تأثیر عمده‌ای بر زندگی بشر دارند، باید مردم را هر چه بیشتر با مطبوعات آشنا کنند. همین‌طور جوان‌ترهای کشور به جای رفتن به دنبال شغل‌های کاذب پول درآور و یا رشته‌های تحصیلی بی‌خود، می‌توانند به این رشته آمده و فعالیت کنند. در حال حاضر در کشور ما رشته ارتباطات ناشناخته است و بسیاری، حتی اسم آن را هم نشنیده‌اند.» - پ ۲۴۷

- «متأسفانه شاید در میان روزنامه‌نگاران ارزشی داشته باشند ولی در میان مردم هیچ‌گونه موقعیت اجتماعی و حتی هم‌سطح هیچ یک از مشاغل بالا را ندارند بلکه در بیشتر موارد محلی از اعراب ندارند و این فن ناشناخته است اگر هم عامه مردم بشناسند فقط خبرنگار یا مصاحبه‌گر را می‌شناسند و نه غیره.» - پ ۲۴۸

- «روزنامه‌نگارهای قدیمی تا حدودی هنوز شأن و منزلت ویژه‌ای در اجتماع دارند اما از آنجا که دولت هیچ نوع احترام حرفه‌ای و اجتماعی برای روزنامه‌نگار قائل نیست پس فرهنگ اجتماع نیز در این راستا تغییری نکرده است. نسبت به دوران سیاسی قبل شاید بدتر هم شده است.» - پ ۲۴۹

- «روزنامه‌نگاران در ایران اوضاع مناسبی ندارند.» - پ ۲۵۰

- «به نظر من روزنامه‌نگار پایگاهی همانند معلم در یک کلاس را دارد، با قلمی که قدرتی بیش از دادن یک نمره ۲۰ را دارد و درصد پذیرش نوشته‌هایش نیز همانند شنوایی دانش‌آموزان تحت آموزش او می‌باشد. ارزشش نیز بسان یک معلم رو به افول است! مگر از فشری باشد که این

دو حرفه فرهنگی به پول گره زده باشد و کسبی که از این طریق - اگر ارزش علم، هنر، فرهنگ در جامعه جایگاه خاص و ارزشمند خویش را بیابد، ارزش روزنامه‌نگار نیز ارتقاء پیدا خواهد کرد.» - پ ۲۵۱

- «متأسفانه روزنامه‌نگاری در ایران به عنوان شغلی تقریباً ناشناخته بوده و در اذهان مردم از اهمیت زیادی برخوردار نیست و بایستی با آموزش مردم و تبلیغات درباره حرفه روزنامه‌نگاری، نگرش غلط مردم را تصحیح نمود.» - پ ۲۵۲

- «متأسفانه از منزلت اجتماعی پایین برخوردارند و بخش مهمی از این قضیه به مسئولین کشور برمی‌گردد. وقتی يك نماینده مجلس به این بهانه که عکسی که از او گرفته شده، مناسب نبوده است. خبرنگار باتجربه‌ای را وابسته به روزنامه معتبری چون جمهوری اسلامی - که متعلق به رهبر مملکت است - از مجلس بیرون کند و آن هم به شکل ذلت و خواری، چه انتظاری از دیگران است.» - پ ۲۵۴

- «الف. در ایران دولت‌مردان اکثراً روزنامه‌نگار را تا آنجا تحویل می‌گیرند که مصاحبه فعالیت‌های صنفی و اداری آنها را منعکس کنند. در ایران لااقل در استان ما بخصوص اداره کل ارشاد اسلامی، اهمیت و شخصیتی قائل نیستند. شاید پایگاه اجتماعی آن را نمی‌شناسند.

ب. باید از طریق هیئت وزیران و بخصوص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موقعیت خاص روزنامه‌نگار تفهیم و احترام آن را خواسته شود.» - پ ۲۵۵

- «در بین افراد آگاه و کسانی که روزنامه‌نگار خوب و متعهد را از روزنامه‌نگاران بازاری و بی‌صداقت تمیز می‌دهند، جایگاه روزنامه‌نگاران بس فراتر از پزشک و استاد و قاضی است. اگر بتوانیم برای دیگر افراد هم این زمینه شناخت را ایجاد کنیم، مطمئناً موقعیت روزنامه‌نگار را ارتقاء داده‌ایم.» - پ ۲۵۶

- «روزنامه‌نگار به عنوان کسی که حقایقی را از اخبار و معارف در معرض دید قرار می‌دهد، باید

در کار خود صادق و کوشا باشد تا احترام متقابل خوانندگان و مردم را برانگیزد.» - پ ۲۵۷

- «اگر در ایران تعریف کامل و مناسبی از روزنامه‌نگار به وسیله دست‌اندرکاران ارائه شود و بر طبق این تعریف سره را از ناسره جدا کنیم، منزلت خودبه‌خود حاصل می‌شود و در این شرایط اصولاً معلوم نیست به چه کسی روزنامه‌نگار می‌گویند و چرا؟» - پ ۲۶۰

- «در اصل خبرنگار به عنوان محرم جامعه است و بسان يك پزشک باید درد جامعه را حس کند و از سویی عدم آشنایی مدیران به مسئله خبر و خبرنگاری باعث شده است که روزنامه‌نگار در جامعه پایگاه خاصی نداشته باشد و گرنه خبرنگار مثل يك دیپلمات می‌تواند مطرح باشد.» - پ ۲۶۱

- «روزنامه‌نگاران متأسفانه از پایگاه بسیار پایینی برخوردار هستند و برای برطرف کردن این معضل باید فرهنگ عمومی نسبت به این موضوع تغییر کند و مسئولان کشور با ارزش نهادن به این رشته و رفع موانع و دادن اختیار و آزادی بیان در محدوده قانون مطبوعات می‌توانند به ارتقاء پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران کمک کنند.» - پ ۲۶۲

- «این موضوع ارتباط مستقیم با نگرش توده مردم نسبت به روزنامه‌نگاری دارد. به نظر من هیچ‌کس مثل خود روزنامه‌نگار نمی‌تواند موجب کسب آبرو حیثیت شغلی برای آنان شود. روزنامه‌نگار واقعی مستقل است و بدون هرگونه گرایش برای کسب خبر واقعی و انتقال آن به مردم قلم می‌زند و این را مردم به خوبی از لابه‌لای نوشته‌ها تشخیص می‌دهند. روزنامه‌نگار واقعی مصالح مملکت را به خوبی درک می‌کند و می‌داند که افکار عمومی منصف‌ترین ترازوی سنجش کار او هستند. وقتی که روزنامه‌نگاران منافع عمومی را بر منافع شخصی ارجح بدانند از پایگاه اجتماعی شایسته‌ای نیز برخوردارند. من به‌عنوان يك زن روزنامه‌نگار همواره کوشیده‌ام آنچه را که می‌دانم و در خلال دروس دانشگاهی و کار تجربی آموخته‌ام به‌عنوان زکات علم به سایر افراد تحت نظرم بیاموزم و به این موضوع بسیار مفتخرم و اگر روزی قرار باشد شغل مجددی برای خودم انتخاب کنم بدون هیچ‌گونه تردیدی روزنامه‌نگاری را انتخاب خواهم کرد.» - پ ۲۶۴

- «در ایران خبرنگار به عنوان «فضول و سخن‌چین» شناخته می‌شود. بی‌سوادان شاید برای شخص خبرنگار ارزش قائل باشند اما حرفه او را فاقد هرگونه کارایی می‌دانند. تحصیل کرده‌ها هم زیاد برای خبرنگار ارزشی قایل نمی‌شوند و وجود محدود روزنامه‌های دولتی در سال‌های اولیه انقلاب، مسئولین را در برابر خبرنگاران مغرور کرد و آنها او را به چشم کارمند خود یا کارمند دوست خود می‌نگرند.» - پ ۲۶۵

- «در حال حاضر روزنامه‌نگاران ما پشیزی ارزش نداشته و از پایگاه اجتماعی خاصی برخوردار نیستند چرا که مغضوب مردم و مسئولان هستند. مسئولان چشم دیدن چند کلمه نوشته شده را ندارند و مردم هم آن‌ها را به عنوان مزدوران و قلم به مزدهای دولت می‌دانند و هیچ رابطه‌ای بین خود و روزنامه‌نگاران حس نمی‌کنند.» - پ ۲۶۷

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران در ایران بسیار پایین است. چرا که از سویی به دلیل عدم حمایت قانونی و اجتماعی از روزنامه‌نگاران خوب متعهد، آن‌ها منفعل و منزوی شده یا به مهره تبدیل شده‌اند از سویی دیگر به دلیل برنامه‌ریزی‌های غلط و تسلط مدیریت‌های غیرمتخصص و سیاست‌زده، نیروهایی به کار گرفته می‌شوند که عامل مهمی برای خدشه‌دار کردن ارزش‌های حرفه‌ای و انسانی روزنامه‌نگاری به حساب می‌آیند. عدم حمایت لازم اقتصادی و تأمین امنیت شغلی مشکل دیگر است. بسیاری از روزنامه‌نگاران امنیت شغلی نداشته و از نظر اقتصادی به دلیل عدم معیارهای اساسی آسیب‌پذیر و حتی در معرض فساد حرفه‌ای یا حداقل بی‌توجه به معیارهای اصولی حرفه‌ای قرار گرفته‌اند.» - پ ۲۷۱

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاری در ایران هیچ است یا شاید آن قدر مضحك و شرم‌آور است که نمی‌توان درباره آن سخن گفت. این جایگاه آن‌قدر ناچیز است که هر کس که از خانه‌اش قهر می‌کند می‌رود و روزنامه‌نگار می‌شود. برای حل این مشکل می‌توان روزنامه‌نگاران ضعیف‌النفسی را که در برابر ارباب قدرت، کرنش می‌کنند و به تملق و چاپلوسی می‌افتند اخراج کرد و با ایجاد وجدان کاری و احساس غرور در روزنامه‌نگاران با تأمین مالی آنان برای جلوگیری از وابسته شدن به دیگران و تبدیل به نمایندگان روابط عمومی زید و عمر در مطبوعات پایگاه اجتماعی آنان را ارتقاء داد همچنین با اتخاذ سیاست‌های اصولی که بتواند مطبوعات را به عنوان مهم‌ترین رکن توسعه فرهنگی معرفی کند و استقلال حرفه‌ای و حذف دخالت مراکز تصمیم‌گیری و قدرت در مطبوعات با برخورد اصولی و تند و غیرقابل انعطاف با مسئولان که مطبوعات را به عنوان وسیله‌ای برای درج اطلاعاتی‌های مطبوعاتی خود تلقی می‌کنند این سطح را ارتقاء داد.» - پ ۲۷۲

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاری مانند سایر رشته‌های تخصصی علوم انسانی از سطح پایینی برخوردار است زیرا مردم تنها به درآمد حاصله از یک رشته توجه دارند و ارتقاء این سطح به تغییر فرهنگ گرایش به رشته‌های پردرآمد در کشور مربوط می‌شود.» - پ ۲۸۰

- «شما بهتر است جایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران را از مأموران حراست و نگهبانان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی بپرسید. آنان به درستی در این زمینه از سویی مقامات توجیه شده‌اند و می‌دانند رفتار متناسب با مقام روزنامه‌نگاران چیست. برای حل این مشکل بهتر است از مصدرنشینان شروع کرده و آن‌ها را تفهیم کنیم که روزنامه‌نگار تعهد و وظیفه دارد و مأمور بی‌حیره و موجب شما یا بهتر بگویم میرزابنویس شما نیست. البته خود خبرنگار نیز باید به این درجه از درک و فهم نائل آید.» - پ ۲۸۲

- «در کشور ما روزنامه‌نگار از پایگاه اجتماعی متناسب با حرفه‌اش برخوردار نیست. نمود بارز آن چاپ اخبار مربوط به دستگیری روزنامه‌نگاران در شهرهای مختلف به دلیل چاپ برخی از اخبار می‌باشد.» - پ ۲۸۷

- «به نظر من روزنامه‌نگاران در کشور ما از پایگاه شایسته‌ای برخوردار نیستند. با توجه به رسالت‌های خطیر اجتماعی این رشته، روزنامه‌نگار باید چون یک فرستول مملکتی و شخصی که نقش تعیین‌کننده‌ای در اجتماع دارد مورد ارزیابی قرار گیرد. اما متأسفانه خود مسئولین به روزنامه‌نگار به عنوان یک فرد «پته بر آب ریز» نگاه می‌کنند و توقع آنان از روزنامه‌نگاران این است که فقط بشنوند، بنویسند و چرایی آن را نپرسند و کندوکاوی در مسائل نکنند، به همین نسبت، مردم نیز اهمیت چندانی برای روزنامه‌نگاران که رفته رفته نقشی غیرمنفعل یافته‌اند قائل نیستند. بهترین راه برای ارتقاء پایگاه روزنامه‌نگاری در ایران این است که مسئولین به‌خصوص مسئولین درجه اول مملکتی به روزنامه‌نگاران آزادی عمل بیشتری داده و مصونیت‌های حرفه‌ای آن‌ها را بالا ببرند. در این صورت است که مطبوعات می‌توانند رسالت اصلی خود را در اجتماع ایفا کنند.» - پ ۲۸۸

- «پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران در جامعه ما هم اکنون از بسیاری مشاغل مناسب‌تر است و مردم برای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران احترام خاصی قائل هستند ولی نه در حد تخصص‌های بالای جامعه. ارتقای پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران جدا از شخصیت فردی، ارتباط مستقیم با اعتدالی مطبوعات دارد. هر چه اعتبار مطبوعات بالاتر رود به همان نسبت بر میزان حرمت

اجتماعی روزنامه‌نگاران نیز افزوده خواهد شد. افزایش دانش اجتماعی و تخصص‌های حرفه‌ای نیز پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاران را بالا می‌برد.» - پ ۲۹۱

- «از راه‌هایی که می‌توان منزلت اجتماعی بالایی به روزنامه‌نگاران بخشید تدوین نظام حرفه‌ای خاص مطبوعات، تشکیل اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاری است. به نظر من روزنامه‌نگاران بدون تشکل صنفی به هیچ‌وجه قادر نخواهند بود اهمیت حرفه خود را به جامعه بشناسانند. از سوی دیگر نظام دانشگاهی کشور باید اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برای این رشته قائل شود. در حال حاضر از دید نظام دانشگاهی، رشته روزنامه‌نگاری یا ارتباطات جمعی جزو رشته‌های پیش‌پا افتاده محسوب می‌شود و افرادی با استعدادها «متوسط یا حتی پایین» در این رشته‌ها پذیرفته می‌شوند. استادان این رشته روزنامه‌نگاری در شناساندن این حرفه و تبیین جایگاه آن در جامعه نقش مؤثری دارند. وزارت‌خانه مربوط هم برای واگذاری امتیاز چاپ نشریه به افراد باید به سوابق مطبوعاتی آنان توجه کامل داشته باشد.» - پ ۲۹۳

- «یکی از اسباب استقلال و آزادی، آزادی مطبوعات و روزنامه‌نگار آزاد است. البته آزادی به معنای واقعی آن نه به معنای هرج و مرج طلبی. ارتقاء منزلت روزنامه‌نگار رابطه مستقیمی با قدرتی که حکومت به این صنف می‌دهد دارد. اگر مفاد آیه شریفه قرآن «فبشر عباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» سرلوحه قرار گیرد و اجازه داده شود که مسائل اجتماعی با دیدی روشن به نقد و بررسی گذاشته شود و از افکار عمومی برای حل معضلات جامعه کمک گرفته شود، منزلت لازم کسب خواهد شد.» - پ ۳۰۲

- «طبیعی است که در ایران با محدود بودن قشر باسواد و جمعیت انبوه کم سواد و بی‌سواد، نه تنها روزنامه‌نگار بلکه استاد دانشگاه، محقق، نویسنده و در کل اشخاص شاغل در رشته‌های مختلف علمی، فرهنگی از منزلت اجتماعی واقعی برخوردار نیستند و این مربوط به فرهنگ جامعه می‌شود. در جامعه‌ای که مشکل معیشتی در رأس امور افراد است به طبع مجالی برای پرداختن به موضوعات فرهنگی باقی نمی‌ماند حتی در برنامه‌ریزی‌های دولت اگر دقت شود به آسانی مشاهده می‌شود که بالاترین اولویت مربوط به بخش‌های اقتصادی و تجاری است و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف فرهنگی به مراتب کمتر قابل توجه است پس طبیعی است که تکنوکرات‌ها و سایر تخصص‌ها، مثل پزشکی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.» - پ ۳۰۶

- «روزنامه‌نگاران در کشور ما از پایگاه اجتماعی مطلوبی برخوردار نیستند. وقتی يك مأمور حراست و یا يك محافظ فلان مسئول کشوری به خود اجازه می‌دهد به دلایل واهی یا حتی غیرواهی خبرنگاری را در جمع مورد اهانت و حتی مورد ضرب و شتم قرار دهد آیا اسم چنین برخوردی را می‌توان احترام به منزلت خبرنگار در جامعه گذاشت. به راستی چه دلیلی دارد که يك مأمور حراست به خود چنین اجازه‌ای دهد؟ چون منزلت خبرنگار برای او تبیین نشده است و هیچ‌گاه بخاطر برخورد ناخوشایندش مورد سرزنش مسئول بالاترین قرار نگرفته است طبیعی است که توهین به خبرنگار را به مراسم گسترده که با حضور جمع کثیری از مردم برگزار می‌شود نیز می‌کشاند. ای کاش مسئولان امر به خود زحمت می‌دادند و این امر را برای مردم به ویژه و حداقل برای محافظان خویش توجیه می‌کردند.» - پ ۳۰۹

- «تا زمانی که حتی يك مأمور ساده حراست فی‌المثل در فرودگاه به خود اجازه می‌دهد که برنامه‌ای که از پیش تعیین شده مثلاً تهیه عکس و خبر از ورود نخستین گروه مجروحان کشور بوسنی و هرزگوین به ایران را در هم بریزد و گروه عکاسان و خبرنگاران را با ضرب و شتم از فرودگاه اخراج کند، صحبت از رتقا پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگاری در ایران بیهوده است.» - پ ۳۱۲

- «زمانی که در يك جامعه پایگاه مطبوعات ناشناس باشد، روزنامه‌نگاری که در درون آن قرار دارد نیز خارج از این قاعده نیست. ارتقاء این پایگاه، ابتدا در شناساندن صحیح این حرفه به توده مردم و دیگر منابع خبری و سپس همت خود خبرنگار برای ایجاد ارتباط صحیح با این منافع نهفته است.» - پ ۳۱۳

در يك جمع‌بندی از آنچه روزنامه‌نگاران نوشته‌اند می‌توان گفت که از نظر آنان کلیشه‌ای بودن محتوای مطبوعات و نبود خلاقیت در آنها، سایه‌افکنی خودسانسوری بر آنها، کمبود متخصص روزنامه‌نگاری و عدم استفاده از نیروهای موجود، تجاری و تبلیغی‌شدن مطبوعات، بی‌توجهی مطبوعات به مسائل واقعی جامعه، خطی و سیاسی‌شدن مطبوعات و عدم شناخت نیازهای خوانندگان، مهم‌ترین انتقاد بر مطبوعات ایران است که در مورد هر کدام، حداقل ده روزنامه‌نگار توافق

داشته‌اند. ویژگی «ناهنجاری در حرفه» را می‌توان به خوبی از صفات به کار برده شده از سوی روزنامه‌نگاران دید.

برای آنکه بتوان تصویری دقیق‌تر از این صفات ترسیم کرد، آن‌ها را از لابه‌لای بخشی از نوشته‌ها استخراج و به شرح زیر بازخوانی می‌کنیم:

برخی از پاسخ‌دهندگان، مطبوعات (یعنی سازمانی را که عضو آن هستند و در آن کار می‌کنند) را چنین توصیف کرده‌اند:

نامشروع، تجارت‌خانه، مبتذل، تشریفاتی، بی‌تنوع، بی‌کیفیت، تلفنی، بی‌هویت، بی‌هدف، مادی‌گرا، کر، کور، لال، فلج، تنگ‌نظر، منفعت‌طلب، هر دم بیل، نان بیات، بی‌سر و سامان، تک‌قطبی، غیرمستقل و ترشی‌لیته.

جایگاه اخبار غیرموثق، صحنه تسویه حساب‌های سیاسی، فضایی بسته و خفقان‌آور، ابزار حکومت‌ها، بولتن‌های غیر رسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریات فاقد حرف تازه، درگیران رقابت‌های ناسالم، دارندگان جایگاه منززل، ناآگاه از نبض جامعه، در جستجوی آگهی تا دردهای مردم، بی‌توجه به مخاطبان، سخن‌گویی مسئولان، محل تیزرهای دروغین و گمراه‌کننده، جنجالی و پرهیاهو، ناآشنا با فرهنگ اسلام، فاقد فرهنگ صحیح انتقاد، دارای محتوای از هم گسیخته، کتمان‌کننده حقیقت، جایگاه بی‌تجربه‌ها، بولتن روابط عمومی‌ها، القاکننده جهت‌گیری غلط به مردم، خورندگان نان به نرخ روز، ناقلان خبرهای کهنه، محل انتقام‌گیری‌ها و غرض‌ورزی‌های شخصی، جایگاه تبلیغات مستقیم، خانه‌های از پای بست ویران و...

از آن سو در قسمت دوم فصل چهارم دیدیم که روزنامه‌نگاران در توضیح سهم خود از وضعیت موجود مطبوعات، گفته‌اند که حاصل کار آنان مطالب خشک و تکراری است، خودسانسوری می‌کنند، با مباحث تخصصی حرفه خود ناآشنا هستند، از مسائل اجتماعی اطلاع کمی دارند و با این مسایل به‌صورتی سطحی برخورد می‌کنند، از اهمیت حرفه خود اطلاع ندارند و... و در قسمت سوم فصل چهارم اتفاق نظر نسبی درباره پایین‌بودن پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار را در ایران دیدیم. در لابه‌لای نوشته‌های مذکور نیز صفاتی دیده می‌شود که روزنامه‌نگاران به «خود» داده‌اند، بخشی از این صفات را بازخوانی می‌کنیم:

برخی از روزنامه‌نگاران، **روزنامه‌نگار**، یعنی به عبارتی «خود» را چنین توصیف کرده‌اند: بی‌هویت، بی‌قوت، بی‌دقت، سرگردان، بی‌منزلت، بی‌باور به خود، عنصری منکوب، آدمی مقهور، قلم به مزد، فضول، سخن‌چین، مغضوب مردم و مسئولان، مزدور، منفعل، منزوی، مهره، میرزابنویس، آسیب‌پذیر، پته بر آب ریز، بی‌صلاحیت، بی‌مسئولیت، ناصداق، خودسانسور، کاتب، املانویس، خسته، بی‌جرئت، بی‌شهامت، سست، چندشغله، سودجو، عافیت‌طلب، کم‌سواد، بی‌ایمان، بی‌جوهر، شتاب‌زده، بی‌فهم، بی‌علم، غرض‌ورز، بندباز، بی‌حوصله، بی‌انگیزه، کم‌کار، مسئولیت‌پذیر، سطحی‌نگر، پنهان‌کننده حرف، کلی‌گو، مصلحت‌اندیش، معتقد به باری به هر جهت بودن، سرسپرده رژیم‌های خودکامه، بی‌ابتکار و فاقد صلاحیت، ناآشنا به فرهنگ ایران، فاقد جهان‌بینی، دغدغه‌دار نان و آب، لگدمال‌کننده همکار، دارنده هواهای نفسانی، زندانی فکر گروه‌های فشار، بی‌اعتقاد به مردم، متملق دستگاه حاکم، پنهان‌کننده حرف دل، ملعبه دست دیگران، نگران آینده، مقلد طوطی‌وار و...

این صفات نشان‌گر عمق نگرش منفی روزنامه‌نگاران به حرفه و محیط حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است. دارندگان چنین نگرشی نمی‌توانند بستر مناسبی برای آموزش روزنامه‌نگاری باشند. رابطه متقابل میان عوامل مختلف مؤثر در ارتقاء روزنامه‌نگاری ایران حکم می‌کند که لازم است به همه این عوامل، به طور هم‌زمان پرداخت. تغییر شرایط به منظور تغییر نگرش، می‌تواند زمینه را برای حداکثر بهره‌وری از آموزش روزنامه‌نگاری به دست آورد.



## جمع‌بندی و نتیجه

ویلبر شرام (Wilbur Schramm) در سال ۱۹۶۶ نوشت «در کشورهای در حال توسعه، روزنامه‌ها با ایده‌آل‌ها و آرمان‌هایی متولد می‌شوند و در محرومیت و ناامیدی (Frustration) زندگی می‌کنند و بسیاری از آنها در محرومیت و ناامیدی می‌میرند.»<sup>۳۲</sup> مطالعه من برای کنفرانس علمی‌نویسان در هامبورگ در سال ۱۹۸۵ نشان داد که مطبوعات علمی ایران طی صد و بیست و یک سال گذشته (به عنوان نشریات غیر خبری و غیر سیاسی که کمتر مورد تهاجم حکومت‌ها قرار می‌گرفته‌اند) چگونه دچار مرگ زودرس می‌شدند و در واقع به گفته شرام می‌توان این را افزود که در محرومیت و ناامیدی زودرس می‌میرند.

می‌توان رابطه این مرگ زودرس را با کمبود تخصص روزنامه‌نگاری، نبود اعتقاد و عدم روی‌نیارودن به آموزش و عدم توسعه مراکز آموزش روزنامه‌نگاری به طور نمادین دید و این‌گونه مجسم کرد که پرندگان در باغی که درختان کهنسال دارد، بیشتر لانه خواهند کرد تا باغی که قادر نیست نهال‌های جوان را در خود نگهدارد، آن‌ها خشک می‌شوند و هر چندگاه یک بار نهال تازه‌ای جای آن‌ها را نشانده می‌شود و به این ترتیب پایگاهی برای اقامتی طولانی در آن‌جا نمی‌توان یافت.

اولین اقدامات برای آموزش روزنامه‌نگاران در ایران دقیقاً یک‌صد سال پس از انتشار اولین روزنامه در ایران از سوی دولت آغاز شد. این مؤسسه «بنگاه روزنامه‌نگاری» وابسته به «سازمان پرورش افکار» بود که هدف آن را «تقویت حس قدرشناسی نسبت به حکومت» تعیین کرده بودند.

اولین اقدامات دانشگاهی نیز تأسیس دوره لیسانس در دانشکده ادبیات بود، در حالی که بیش از ۴۰ سال قبل از آن، در دانشگاه‌های آمریکا بحث استقلال ارتباطات از ادبیات شکل گرفته و همان

سال که اولین فارغ‌التحصیلان رشته مذکور از دانشگاه بیرون آمدند، رشته‌های تخصصی روزنامه‌نگاری مهندسی و یا روزنامه‌نگاری کشاورزی و... در دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته تأسیس گردید و بیش از ده سال قبل از آن دانشگاه استانبول در همسایگی ما، فارغ‌التحصیل رشته روزنامه‌نگاری داشت.

آموزش روزنامه‌نگاری در ایران بسیار دیر شروع شد و در نیمه راه نیز با انحلال دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، عملاً متوقف گردید.

اینکه محتوای این آموزش چه بوده، سؤالی است که در سومین جلد از گزارش طرح تحقیق حاضر پاسخ داده خواهد شد. آنچه مسلم است نیاز به آموزش روزنامه‌نگاری در میان گروهی از روزنامه‌نگاران فعلی ایران کاملاً احساس می‌شود، اما متأسفانه اکثر روزنامه‌نگاران برای استعداد ذاتی و در واقع «شم خبری» بیش از آموزش ارزش قائل هستند (سواي آنانی که هر دوی این مقوله‌ها را در سطحی یکسان از اهمیت قرار داده‌اند)، سهم آنانی که برای استعداد ذاتی اهمیتی بیشتر قائل می‌باشند بیش از ۴ برابر آنانی است که برای آموزش نیز می‌بینیم که طرفداران تجربه حدود ۴ برابر طرفداران آموزش هستند. در يك جمله می‌توان گفت نگرش روزنامه‌نگاران به «تجربه» نگرشی مثبت‌تر است تا آموزش. باتوجه به آنکه بیش از ۹۰ درصد روزنامه‌نگاران ایران فاقد تحصیلات مرتبط با روزنامه‌نگاری می‌باشند، چنین پدیده‌ای شگفت‌انگیز نیست. به‌گونه‌ای که یکی از روزنامه‌نگاران با صداقت کامل نوشته است: «من نظر خود را به صورت کاملاً موافق با این جمله که موفقیت در روزنامه‌نگاری چندان رابطه‌ای با گذراندن دوره‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری ندارد، بیان کردم. اگر غیر از این باشد، با ارزش کاری خودم و باتوجه به شرایطی که دارم مخالفت کرده‌ام کار مطبوعاتی من تجربه است.» به همین ترتیب اکثریت روزنامه‌نگاران با چنین عقیده‌ای موافقت.

اما در پس این نگرش‌ها، باورهای محکمی وجود دارد که نشان‌گر نیاز روزنامه‌نگاری امروز ایران به آموزش است. به عنوان مثال در محیط‌های روزنامه‌نگاری تعداد روزنامه‌نگارانی که معتقدند، در محیط کارشان، همکاری که تحصیلات روزنامه‌نگاری و ارتباطات دارند دارای احترام بیشتری هستند، ۲/۵ برابر کسانی است که چنین احترامی را احساس نمی‌کنند، و می‌بینیم که اکثر افراد باتجربه در روزنامه‌نگاری، وقتی به پشت سر و سال‌های سپری شده نگاه می‌کنند، به آموزش دانشگاهی روزنامه‌نگاری نگرش مثبتی دارند و در واقع خلأ آن را در طی آن سال‌ها حس می‌کنند و از آن سو روزنامه‌نگاران باتحصیلات مرتبط، به رشته تحصیلی خود به صورت يك ارزش نگاه می‌کنند.

۸۷ درصد روزنامه‌نگارانی که تحصیلات مرتبط دارند؛ معتقدند آنچه که در دانشگاه گذرانده‌اند با آنچه در عمل حرفه آنان به کار می‌رود تفاوت دارد و به عبارتی، تخصص آن‌ها ممکن است چندان کارآیی نداشته باشد. از آن سو، آن دسته از تحصیل‌کرده‌های علوم ارتباطات که جذب مطبوعات نشده‌اند نیز در مجموع، محیط حرفه‌ای مطبوعات را محیطی پرجذبه برای پیوستن به آن نمی‌بینند و دیدیم که بیشترین گروه، کسانی هستند که مدتی کار مطبوعاتی کرده و به دلایل گوناگون آن را رها کرده‌اند و برخی پس از فارغ‌التحصیلی حاضر نشده‌اند که شغلی را که ظرف همان چند سال به دست آورده بودند به نفع کار در مطبوعات رها کنند و حتی ۱۰ درصد فارغ‌التحصیلان در مقابل پیشنهاد امروز برای کار در مطبوعات می‌گویند: «هر چه فکر می‌کنم می‌بینم کار من نیست. این پیشنهاد را نمی‌پذیرم.» در این گزارش اجراء شکل‌دهنده چنین باوری مطرح نشده ولی مهم این است که این چنین نگرشی وجود دارد.

روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط و همچنین بدون تحصیلات مرتبط هر کدام به سه گروه تقریباً هموزن تقسیم می‌شوند، آنانی که معتقدند به جای ترجمه منابع درسی غربی باید به تدوین منابع درسی منطبق با واقعیت‌های حرفه‌ای ایران پرداخت، آنانی که معتقدند ترجمه منابع غربی می‌تواند رفع نیاز کند و گروه سوم که حالتی ممتنع دارند.

اکثر روزنامه‌نگارانی که فاقد تحصیلات مرتبط هستند و توانسته‌اند آموزش‌های کوتاه مدت روزنامه‌نگاری را بگذرانند آن را مفید و سودمند دانسته‌اند و در واقع یکی از راه‌حل‌های بسیار مؤثر، تشکیل دوره‌های کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری برای خیل عظیم روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات مرتبط در جامعه مطبوعاتی امروز ایران است. اما آنچه مورد تأکید است محتوای دروس (چه در دوره‌های رسمی و دانشگاهی و چه دوره‌های کوتاه‌مدت) می‌باشد.

به دلایل زیر محتوای این دروس باید منطبق با ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و علایق درازمدت جامعه و همچنین عینیت‌های حاکم بر جریان شکل‌گیری خبر و... باشد.

- روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط وجود چنین شکافی را میان محتوای دروس و عینیت‌های حاکم بر حرفه خود، تأیید کرده‌اند.

اکثر استادان روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران ۲۳ کشور در حال توسعه، در پاسخ به سؤال من با این نظریه موافق بودند که برای تدریس روزنامه‌نگاری در کشورهای در حال توسعه باید متون درسی خاصی تدوین کرد. حتی چنین نظریه‌ای را به طور ضمنی ای. لوید. سامرلند، طراح برنامه‌های آموزشی روزنامه‌نگاری برای چند کشور در حال توسعه، مطرح می‌کند. او حتی میان کشورهای در حال توسعه نیز تفاوت قائل می‌شود، بنابراین قطعاً این تفاوت میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بیشتر خواهد بود. بنابراین قطعاً این تفاوت میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بیشتر خواهد بود. او می‌گوید «اشتباه است که تصور کنیم می‌توان یک برنامه آموزشی را برای تمامی کشورهای در حال توسعه توصیه نمود. سطح رشد اقتصادی، سنن و فرهنگ‌ها، نیازهای بازار کار و آموزش‌های پایه‌ای رایج در کشور می‌تواند در این مورد موثر افتد.»

من معتقد هستم که علاوه بر عوامل ذکر شده از سوی سامرلند عوامل دیگری نیز وجود دارد که در این مورد دخیل است. در واقع عوامل جدید مربوط به «زیرفرهنگ‌ها» می‌شود. زیرفرهنگ دولت‌مردان در مواجهه با روزنامه‌نگاران و یا قوانین و قواعد آشکار و رسوم پنهان حاکم بر عملکرد روزنامه‌نگاران، مکانیزم‌های مربوط به امنیت شغلی روزنامه‌نگاران چه معنوی و چه مادی، نگرش روزنامه‌نگاران به خود و عوامل دیگری از این دست می‌تواند در شکل‌گیری این محتوا اثر بگذارد. اصولاً اگر بپذیریم که روزنامه‌نگاری علم نیست بلکه قواعد علوم ارتباطات بر آن حاکم است مسئله حل خواهد شد. یکی از قوانین علوم ارتباطات می‌گوید ارتباط فراگرد است. می‌دانیم یکی از ویژگی‌های هر آنچه که فراگرد باشد وجود کنش متقابل میان عناصر تشکیل‌دهنده آن است. پس در روزنامه‌نگاری نیز که یک کار صد در صد ارتباطی است، کنش‌های متقابل میان عوامل درون سازمانی و برون سازمانی در شکل‌گیری محصول موثر است. حال اینکه روزنامه‌نگار دارای چه نقشی است و آن نقش را چگونه باید ایفا کند مسئله‌ای است که به دلیل فراگرد بودن ارتباط، نقشی شکل گرفته و ثابت در یک چارچوب ماندگار نیست. بنابراین، مراکز آموزش روزنامه‌نگاری به خلاف بسیاری رشته‌های دیگر دانشگاهی باید بخشی از محتوای دروس را به جای آنکه از کتابخانه‌ها بیرون بکشند از پشت پنجره‌ها، یعنی از دنیای عینی روزنامه‌نگاری عصر خود و جامعه خود بیرون کشیده و به عنوان مسئله‌ای که نیاز به راه‌حل دارد به آن بنگرند و اصولاً می‌بینیم خلأ کار عملی در خلال تحصیل در رشته‌های مرتبط با روزنامه‌نگاری در ایران چه از سوی فارغ‌التحصیلان شاغل در مطبوعات و چه غیرشاغل دیده می‌شود.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که چه اکثریت معتقد به آموزش روزنامه‌نگاری در کنار تجربه و استعداد و چه اقلیتی که نگاهی منفی به آموزش روزنامه‌نگاری دارند، هر دو در یک نکته با یکدیگر توافق دارند و آن داشتن نگرش منفی نسبت به حرفه و محیط حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در ایران است. صفاتی را که روزنامه‌نگاران به حرفه خود و به خود داده‌اند حاکی از آن است که بسیاری از روزنامه‌نگاران از آنچه که هستند، به شدت ناراضی‌اند. در میان آنان، اتکاء به خود در لایه‌های پایینی جای گرفته و در وادی جبر و اختیار، بسیاری از آنان خود را در عالمی می‌بینند که چندان اختیاری برای خروج از وضعیت حاکم ندارند، ضمن آنکه از حضور در آن وضعیت نیز بسیار ناراضی‌اند.

این تصور، سؤالاتی از این دست را در ذهن ما ایجاد می‌کند:  
- آیا نباید این عالم را به خوبی شناخت، آن را به متون آموزشی کشاند و راه برون رفت از آن را آموزش داد؟

- آیا صرفاً آموزش تئوری‌ها و فنون به کسانی که دارای چنین نگرش‌هایی هستند می‌تواند چاره‌ساز باشد؟

- آیا براساس همان اصل کنش متقابل میان عوامل اجتماعی، برای تبیین یک پدیده نباید به شناخت دقیق ریشه‌ها و ویژگی‌های متغیرهای مخرب دیگری که، سوای کمبود آموزش‌های تخصصی، بر مطبوعات و روزنامه‌نگاران ایران اثر گذارده پرداخت؟

شاید اگر به این نتیجه برسیم که پاسخ سؤالات فوق مثبت است، راهی طولانی در پیش خواهیم داشت و می‌باید از شیوه‌گزینش دانشجوی ارتباطات و محتوای دروس این رشته تا مواد قانونی مربوط به مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی، و حتی مواد مربوط به وسایل ارتباط جمعی در قوانین ما در مورد بازبینی قرار گیرد.

گزارش حاضر، این موضوع را روشن می‌کند که محصول آموزش روزنامه‌نگاری در ایران نیاز به زمینه‌ای دارد که اگر آماده نشود ممکن است حتی بسیاری از نیروهای آموزش دیده را نیز به هرز برد.

## جداول

جدول ۱. مشخصات روزنامه‌نگاران مورد بررسی به تفکیک جنس

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۸	۲/۵	۳	۵/۶	۵	۱/۹	– به این سؤال پاسخ نداده‌اند	
۱	۶۰	۱۹	۱۳	۲۴/۱	۴۷	۱۸	۱ - زن	
۲	۳۴۷	۷۸/۴	۳۸	۷۰/۴	۲۰۹	۸۰/۱	۲ - مرد	
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

جدول ۲. گروه‌های سنی روزنامه‌نگاران مورد بررسی

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۴۶	۱۴/۶	۷	۱۳	۳۹	۱۴/۹	– به این سؤال پاسخ نداده‌اند	
۱	۵	۱/۶	۱	۱/۹	۴	۱/۵	۱ - ۶۱ تا ۷۰ سال	
۲	۶	۱/۹	۰	۰	۶	۲/۳	۲ - ۵۱ تا ۶۰ سال	
۳	۵۳	۱۶/۵	۱۳	۲۴/۱	۳۹	۱۴/۹	۳ - ۴۱ تا ۵۰ سال	
۴	۱۰۸	۳۴/۳	۲۰	۳۷	۸۸	۳۳/۷	۴ - ۳۱ تا ۴۰ سال	
۵	۹۵	۳۰/۲	۱۳	۲۴/۱	۸۳	۳۱/۴	۵ - ۲۱ تا ۳۰ سال	
۶	۳	۱	۰	۰	۳	۱/۱	۶ - ۲۰ سال و کمتر	
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

\* توضیح: اگر در برخی جداول، شماره ردیف کدها به ترتیب نیست، ناشی از حذف کد مذکور در سیستم کدگذاری است که آگاهانه انجام شده است.

**جدول ۲.** مشخصات روزنامه‌نگاران مورد بررسی به تفکیک محل کار در تهران و یا شهرستان‌ها

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۱۴	۴/۴	۳	۵/۶	۱۱	۴/۲	– به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۰
۱	۲۶۴	۸۳/۸	۴۸	۸۸/۹	۲۱۶	۸۳/۸	– تهران	۱
۲	۳۷	۱۱/۷	۳	۵/۶	۳۴	۱۳	– شهرستان‌ها	۲
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

**جدول ۴.** مشخصات روزنامه‌نگاران مورد بررسی از نظر سابقه فعالیت‌های مطبوعاتی

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۳۳	۱۰/۵	۳	۵/۶	۳۰	۱۱/۵	– به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۰
۲	۶	۱/۹	۱	۱/۹	۵	۱/۹	– کمتر از یکسال	۲

۳	۳/۸	۱۲	۳/۷	۳	۳/۸	۱۰	۳ - یکسال
۴	۱۲/۱	۳۸	۹/۳	۵	۱۲/۶	۳۳	۴ - تا ۲ سال
۵	۹/۵	۳۰	۵/۶	۳	۱۰/۳	۲۷	۵ - تا ۳ سال
۶	۵/۱	۱۶	۳/۷	۲	۵/۴	۱۴	۶ - تا ۴ سال
۷	۱۰/۲	۳۲	۹/۳	۵	۱۰/۳	۲۷	۷ - تا ۵ سال
۸	۵/۷	۱۸	۳/۷	۲	۶/۱	۱۶	۸ - تا ۶ سال
۹	۶/۷	۲۱	۷/۴	۴	۶/۵	۱۷	۹ - تا ۷ سال
۱۰	۴/۴	۱۴	۱۱/۱	۶	۳/۱	۸	۱۰ - تا ۸ سال
۱۱	۳/۵	۱۱	۱/۹	۱	۳/۸	۱۰	۱۱ - تا ۹ سال
۱۲	۶/۷	۲۱	۳/۷	۲	۷/۳	۱۹	۱۲ - تا ۱۰ سال
۱۳	۰/۳	۱	۰	۰	۰/۴	۱	۱۳ - تا ۱۱ سال
۱۴	۳/۵	۸	۱/۹	۱	۳/۷	۷	۱۴ - تا ۱۲ سال
۱۵	۱/۳	۴	۱/۹	۱	۱/۱	۳	۱۵ - تا ۱۳ سال
۱۶	۳/۳	۷	۰	۰	۳/۷	۷	۱۶ - تا ۱۴ سال
۱۷	۱/۹	۶	۱/۹	۱	۱/۹	۵	۱۷ - تا ۱۵ سال
۱۸	۵/۴	۱۷	۱۸/۵	۱۰	۳/۷	۷	۱۸ - تا ۲۰ سال
۱۹	۳/۵	۸	۷/۴	۴	۱/۵	۴	۱۹ - تا ۲۵ سال
۲۰	۱/۶	۵	۰	۰	۱/۹	۵	۲۰ - تا ۳۰ سال
۲۱	۳/۳	۷	۱/۹	۱	۳/۳	۶	۲۱ - تا ۳۱ سال و بیشتر
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

جدول ۵. مشخصات روزنامه‌نگاران مورد بررسی به تفکیک گروه‌های مطبوعاتی محل اشتغال

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	جمع	کد
		تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	
۰	— به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۱۴ ۵/۴	۵ ۹/۳	۱۹ ۶	۰
۱	— روزنامه مملکتی (کیهان، اطلاعات، ابرار، سلام و...)	۹۹ ۳۷/۹	۲۹ ۵۳/۷	۱۲۸ ۴۰/۶	۱
۲	— نشریه ناحیه‌ای و محلی (خراسان و...)	۲۶ ۱۰	۲ ۳/۷	۲۸ ۸/۹	۲
۳	— جنگ عامه (اطلاعات هفتگی و...)	۱۵ ۵/۷	۲ ۳/۷	۱۷ ۵/۴	۳
۴	— علمی عامه	۱۵ ۵/۷	۱ ۱/۹	۱۶ ۵/۱	۴

							(دانستنی‌ها و...)	
۵	۲/۲	۱۰	۵/۶	۳	۲/۷	۷	- علمی فنی - مهندسی (مجله شیمی و...)	۵
۸	۲/۸	۱۲	۱/۹	۱	۴/۳	۱۱	- علمی علوم انسانی و اجتماعی	۸
۱۰	۱	۳	۱/۹	۱	۰/۸	۲	- طنز و کاریکاتور	۱۰
۱۱	۱/۶	۵	۰	۰	۱/۹	۵	- کودکان و جوانان	۱۱
۱۲	۴/۸	۱۵	۰	۰	۵/۷	۱۵	- ورزشی	۱۲
۱۳	۲/۵	۸	۵/۶	۳	۱/۹	۵	- هنری	۱۳
۱۴	۲/۲	۱۰	۱/۹	۱	۳/۴	۹	- دینی و مذهبی	۱۴
۱۶	۲/۲	۷	۰	۰	۳/۷	۷	- نشریات اقوام	۱۶
۱۷	۲/۵	۸	۰	۰	۳/۱	۸	- نشریات بین‌المللی (تهران تایمز و...)	۱۷
۱۹	۹/۲	۲۹	۱۱/۱	۶	۸/۸	۳۲۳	- کار در چند نشریه مختلف از گروه‌های فوق	۱۹
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع	

جدول ۶. آخرین مدرک تحصیلی روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات علوم ارتباطات

کد	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد		
۰	۶	۲/۳	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۰
۱	۶	۲/۳	- کمتر از دیپلم	۱
۲	۹۹	۳۷/۹	- دیپلم	۲
۳	۲۱	۸	- فوق دیپلم	۳
۴	۹۴	۳۶	- لیسانس	۴
۵	۲۳	۸/۸	- فوق لیسانس	۵
۶	۵	۱/۹	- دکترا	۶
۷	۵	۱/۹	- تحصیلات حوزوی	۷
۸	۲	۰/۸	- تحصیلات حوزوی و دانشگاهی (هر دو)	۸
T	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

جدول ۷. مشخصات رشته‌های تحصیلی روزنامه‌نگاران دانشگاه دیده مورد بررسی

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۱۱۵	۳۶/۵	۱	۱/۹	۱۱۴	۲۳/۷	- افراد فاقد تحصیلات دانشگاهی یا بی‌جواب	۰
۱	۲۰	۶/۳	۴	۷/۴	۱۶	۶/۱	- با تحصیلات دانشگاهی بدون ذکر رشته	۱
۲	۲۳	۷/۲	۲۳	۲۲/۶	۰	۰	- روزنامه‌نگاری و خبرنگاری	۲
۳	۲۱	۶/۷	۲۱	۲۸/۹	۰	۰	- علوم ارتباطات	۳
۴	۲	۱	۲	۵/۶	۰	۰	- روابط عمومی	۴
۶	۲	۱	۱	۱/۹	۲	۰/۸	- عکاسی، فیلمبرداری	۶
۸	۱۰	۳/۳	۱	۱/۹	۹	۳/۴	- ادبیات فارسی، زبان‌شناسی	۸
۹	۱۵	۴/۸	۰	۰	۱۵	۵/۷	جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم اجتماعی	۹
۱۱	۳	۱	۰	۰	۳	۱/۱	- تاریخ و باستان‌شناسی	۱۱
۱۲	۳	۱	۰	۰	۳	۱/۱	- جغرافیا	۱۲
۱۳	۱۵	۴/۸	۰	۰	۱۵	۵/۷	علوم سیاسی، روابط بین‌الملل	۱۳
۱۴	۶	۱/۹	۰	۰	۶	۲/۳	- حقوق و شاخه‌های آن	۱۴
۱۵	۴	۱/۳	۰	۰	۴	۱/۵	- علوم فقهی، الهیات	۱۵
۱۶	۵	۱/۶	۰	۰	۵	۱/۹	- بازرگانی، حسابداری، اقتصاد، بانکداری	۱۶
۱۷	۹	۲/۹	۰	۰	۹	۳/۴	- روان‌شناسی، علوم تربیتی	۱۷
۱۹	۵	۱/۶	۰	۰	۵	۱/۹	- مدیریت، برنامه‌ریزی	۱۹
۲۱	۱۸	۵/۷	۰	۰	۱۸	۶/۹	- زبان و ادبیات خارجی	۲۱
۲۲	۱	۰/۳	۰	۰	۱	۰/۴	- تئاتر	۲۲
۲۳	۲	۱	۰	۰	۲	۱/۱	- سایر هنرها	۲۳
۲۴	۴	۱/۳	۰	۰	۴	۱/۵	- تربیت بدنی	۲۴
۲۶	۱۵	۴/۸	۰	۰	۱	۰/۴	- کشاورزی رشته‌های مرتبط	۲۶
۲۷	۱۵	۴/۸	۰	۰	۱۵	۵/۷	- رشته‌های فنی و مهندسی	۲۷
۲۸	۸	۲/۵	۰	۰	۸	۳/۱	- پزشکی و رشته‌های	۲۸



مرتبط						
۲۹	زیست‌شناسی و جانورشناسی	۱	۰/۴	۰	۰	۲۹
۳۰	سایر رشته‌های دانشگاهی	۲	۰/۸	۰	۰	۳۰
۳۱	فاقد تحصیلات دانشگاهی با ذکر نوع دیپلم	۲	۰/۸	۰	۰	۳۱
جمع		۲۶۱	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲

**جدول ۸.** مشخصات روزنامه‌نگاران دانشگاه دیده مورد بررسی، به تفکیک کشور محل تحصیل

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	جمع	کد
		تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	
۰	به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۱۷ ۶/۵	۵ ۹/۳	۲۲ ۷	۰
۱	تحصیل کرده ایران	۱۲۱ ۴۶/۴	۴۹ ۹۰/۷	۱۷۰ ۵۴	۱
۲	آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای انگلیسی‌زبان	۶ ۲/۳	۰	۶ ۱/۹	۲
۳	فرانسه، بلژیک و سایر کشورهای فرانسه‌زبان	۴ ۱/۵	۰	۴ ۱/۳	۳
۴	آلمان، اتریش و سایر کشورهای آلمانی زبان	۱ ۰/۴	۰	۱ ۰/۳	۴
۵	ترکیه	۱ ۰/۴	۰	۱ ۰/۳	۵
۶	سایر کشورهای اروپایی	۱ ۰/۴	۰	۱ ۰/۳	۶
۹	فاقد تحصیلات دانشگاهی	۱۱۰ ۴۲/۱	۰	۱۱۰ ۳۴/۹	۹
جمع		۲۶۱ ۱۰۰	۵۴ ۱۰۰	۳۱۵ ۱۰۰	۲

**جدول ۹.** فاصله زمانی اخذ آخرین مدرک دانشگاهی در میان روزنامه‌نگاران مورد بررسی

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۲۰	۹/۵	۶	۱۱/۱	۲۴	۹/۲	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۰
۱	۲۲	۷	۱۰	۱۸/۵	۱۲	۴/۶	- کمتر از یکسال	۱
۲	۲۴	۷/۶	۲	۳/۷	۲۲	۸/۴	- یکسال	۲
۳	۱۴	۴/۴	۳	۳/۷	۱۲	۴/۶	- دوسال	۳
۴	۸	۲/۵	۰	۰	۸	۳/۱	- سه‌سال	۴
۵	۱۳	۴/۱	۳	۵/۶	۱۰	۳/۸	- چهارسال	۵
۶	۹	۲/۹	۲	۳/۷	۷	۲/۷	- پنج‌سال	۶
۷	۱۰	۲/۲	۳	۵/۶	۷	۲/۷	- شش‌سال	۷
۸	۶	۱/۹	۳	۵/۶	۳	۱/۱	- هفت‌سال	۸
۹	۷	۲/۲	۲	۳/۷	۵	۱/۹	- هشت‌سال	۹
۱۱	۳	۰/۶	۰	۰	۲	۰/۸	- ده‌سال	۱۱
۱۲	۳	۰/۶	۰	۰	۲	۰/۸	- دوازده‌سال	۱۲
۱۴	۶	۱/۹	۱	۱/۹	۵	۱/۹	- سیزده‌سال	۱۴
۱۵	۴	۱/۳	۰	۰	۴	۱/۵	- چهارده‌سال	۱۵
۱۶	۳۹	۱۲/۴	۱۸	۳۳/۳	۲۱	۸	- پانزده تا بیست‌سال	۱۶
۱۷	۸	۲/۵	۲	۳/۷	۶	۲/۳	- بیست و یک تا پنج‌سال	۱۷
۱۸	۱	۰/۳	۰	۰	۱	۰/۴	- بیست و شش‌سال و بیشتر	۱۸
۱۹	۱۱۰	۳۴/۹	۰	۰	۱۱۰	۴۳/۱	- شامل نمی‌شود (فاقد تحصیلات دانشگاهی)	۱۹
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

**جدول ۱۰.** مشخصات روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات دانشگاهی ارتباطات به تفکیک گذراندن و یا عدم گذراندن دوره‌های کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری

کد	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	موضوع	کد
	تعداد درصد		
۰	۹ ۳/۴	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۰
۱	۸۹ ۳۴/۱	- دوره آموزشی کوتاه مدت دیده‌اند	۱
۲	۱۶۳ ۶۲/۵	- دوره آموزشی کوتاه مدت ندیده‌اند	۲
۳	۲۶۱ ۱۰۰	جمع	۳

جدول ۱۱. فاصله زمانی آخرین دوره آموزش کوتاه‌مدت روزنامه‌نگاری که روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات ارتباطات گذرانده‌اند

کد	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	موضوع	کد
	تعداد درصد		
۰	۱۷۵ ۶۷	- دوره کوتاه مدت نگذرانده و یا پاسخ نداده‌اند	۰
۱	۳۲ ۱۲/۳	- تا ۲ سال قبل	۱
۲	۱۳ ۵	- تا ۴ سال قبل	۲
۳	۹ ۳/۴	- تا ۶ سال قبل	۳
۴	۵ ۱/۹	- تا ۸ سال قبل	۴
۵	۲ ۰/۸	- تا ۱۰ سال قبل	۵

۶	۰/۸	۲	۶ - تا ۱۲ سال قبل
۷	۰/۸	۲	۷ - تا ۱۴ سال قبل
۸	۲/۷	۷	۸ - تا ۲۰ سال قبل
۹	۱/۱	۳	۹ - تا ۲۵ سال قبل
۱۰	۰/۴	۱	۱۰ - ۲۶ سال و بیشتر
۱۱	۳/۴	۹	۱۱ - محل و طول دوره را ذکر کرده به این سؤال پاسخ نداده
۱۲	۰/۴	۱	۱۲ - جمله‌ای مانند متناوباً
T	۱۰۰	۲۶۱	جمع

**جدول ۱۲.** محل آموزش کوتاه مدت روزنامه نگاری طی شده از سوی روزنامه نگاران بدون تحصیلات ارتباطات

کد	موضوع	تعداد	درصد
۰	دوره کوتاه مدت نگذرانده و یا پاسخ نداده‌اند	۱۷۵	۶۷
۱	- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	۱	۰/۴
۲	- مؤسسات دولتی (وزارت ارشاد، مدیریت، دولتی و...)	۲۹	۱۱/۱
۳	- مطبوعات	۲۲	۱۲/۳
۴	- خبرگزاری	۲	۰/۸
۶	- خارج از کشور	۲	۰/۸
۷	- خارج و داخل کشور (هر دو)	۳	۱/۱
۹	- سال و مدت دوره را ذکر کرده به این سؤال پاسخ نداده	۱۵	۵/۷
T	جمع	۲۶۱	۱۰۰

**جدول ۱۳.** مدت طی شده برای آموزش کوتاه مدت روزنامه نگاری از سوی روزنامه نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	کد
		تعداد درصد	
۰	- دوره کوتاه مدت نگذرانده و یا پاسخ نداده‌اند	۱۷۴ ۶۶/۷	۰
۱	- تا يك ماه	۹ ۳/۴	۱
۲	- تا ۲ ماه	۱۶ ۶/۱	۲
۳	- تا ۳ ماه	۲۱ ۸	۳
۴	- تا ۴ ماه	۷ ۲/۷	۴
۵	- تا ۵ ماه	۲ ۰/۸	۵
۶	- تا ۶ ماه	۲۰ ۷/۷	۶
۸	- ۱۰ ماه و بیشتر	۴ ۱/۵	۸
۹	- سال و محل دوره را ذکر کرده، به این سؤال پاسخ نداده	۸ ۳/۱	۹
T	جمع	۲۶۱ ۱۰۰	T

**جدول ۱۴.** نظر روزنامه‌نگاران درباره نقش استعداد ذاتی و شم خبری از یکسو و گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری از سوی دیگر در شکل‌گیری يك روزنامه خوب

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	جمع	کد
		تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	
۰	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۲۱ ۸	۱ ۱/۹	۲۲ ۷	۰
۱	- میزان گرایش به مهم بودن استعداد ذاتی (۷)	۷۵ ۲۸/۷	۱۰ ۱۸/۵	۸۵ ۲۷	۱
۲	- میزان گرایش به مهم بودن استعداد ذاتی (۶)	۲۶ ۱۰	۱ ۱/۹	۲۷ ۸/۶	۲
۳	- میزان گرایش به مهم بودن استعداد ذاتی (۵)	۲۰ ۷/۷	۵ ۹/۳	۲۵ ۷/۹	۳
۴	- میزان گرایش به مهم بودن استعداد ذاتی (۴)	۴۳ ۱۶/۵	۱۴ ۲۵/۹	۵۷ ۱۸/۱	۴
۵	- میزان گرایش به مهم بودن استعداد	۶ ۲/۳	۵ ۹/۳	۱۱ ۳/۵	۵

	ذاتي (۲)						
۶	۲/۹	۹	۳/۷	۲	۲/۷	۷	۶ - میزان گرایش به مهم بودن استعداد ذاتي (۲)
۷	۵/۱	۱۶	۷/۴	۴	۴/۶	۱۲	۷ - میزان گرایش به مهم بودن استعداد ذاتي (۱)
۸	۲۰	۶۳	۲۲/۲	۱۲	۱۹/۵	۵۱	۸ - ترکیبی از پاسخ‌های فوق
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

جدول ۱۵. نظر روزنامه‌نگاران درباره نقش تجربه از یکسو و آموزش از سوی دیگر در موفقیت حرفه روزنامه‌نگاری

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		جمع	کد
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	درصد	
۰	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۲۸	۱۰/۷	۴	۷/۴	۲۳	۰
۱	- درجه گرایش به تجربه به‌جای آموزش (۷)	۵۰	۱۹/۲	۷	۱۳	۵۷	۱
۲	- درجه گرایش به تجربه به‌جای آموزش (۶)	۱۸	۶/۹	۰	۰	۱۸	۲
۳	- درجه گرایش به تجربه به‌جای آموزش (۵)	۳۳	۱۲/۶	۸	۱۴/۸	۴۱	۳
۴	- درجه گرایش به تجربه به‌جای آموزش (۴)	۴۹	۱۸/۸	۱۱	۲۰/۴	۶۰	۴
۵	- درجه گرایش به تجربه به‌جای آموزش (۳)	۴	۱/۵	۶	۱۱/۱	۱۰	۵
۶	- درجه گرایش	۴	۱/۵	۱	۱/۹	۵	۶

						به تجربه به جای آموزش (۲)	
۷	۴/۱	۱۳	۳/۷	۲	۴/۳	۱۱	۷ - درجه گرایش به تجربه به جای آموزش (۱)
۸	۲۵/۱	۷۹	۲۷/۸	۱۵	۲۴/۵	۶۴	۸ - ترکیبی از پاسخ های فوق
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

**جدول ۱۶.** میزان موافقت روزنامه نگاران با این نظریه که موفقیت در کار روزنامه نگاری چندان رابطه ای با گذراندن دوره های دانشگاهی علوم ارتباطات ندارد.

کد	جمع		روزنامه نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۲	۰/۶	۰	۰	۲	۰/۸	۰ - به این سؤال پاسخ نداده اند	۰
۱	۲۰	۶/۳	۳	۵/۶	۱۷	۶/۵	۱ - کاملاً موافقت	۱
۲	۴۴	۱۴	۴	۷/۴	۴۰	۱۵/۳	۲ - موافقت	۲
۳	۱۳۱	۴۱/۶	۱۴	۲۵/۹	۱۱۷	۴۴/۸	۳ - تا حدودی موافقت	۳
۴	۸۴	۲۶/۷	۲۱	۳۸/۹	۶۳	۲۴/۱	۴ - مخالفند	۴
۵	۳۴	۱۰/۸	۱۲	۲۲/۲	۲۲	۸/۴	۵ - کاملاً مخالفند	۵
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

**جدول ۱۷.** نظر روزنامه نگاران درباره جو حاکم در مطبوعات، از نظر میزان احترام روزنامه نگارانی که تحصیلات دانشگاهی علوم ارتباطات دارند

کد	جمع		روزنامه نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۹۵	۳۰/۳	۵	۹/۳	۹۰	۳۴/۵	۰ - به این سؤال پاسخ نداده اند	۰
۱	۲۳	۷/۳	۹	۱۶/۷	۱۴	۵/۴	۱ - به دلیل رشته تحصیلی کاملاً احترام بیشتری دارند	۱
۲	۵۱	۱۶/۲	۹	۱۶/۷	۴۲	۱۶/۱	۲ - از احترام	۲

						بیشتري برخوردارند	
۳	۲۶/۳	۸۳	۴۰/۷	۲۲	۲۲/۴	۶۱	۳ تا حدي احترام بيشتري دارند
۴	۲۰	۶۳	۱۶/۷	۹	۲۰/۷	۵۴	۴ - به دليل رشته تحصيلي احترام بيشتري ندارند
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

جدول ۱۸. نگرش روزنامه‌نگاران به آموزش‌های دانشگاهی روزنامه‌نگاری

کد	جمع	روزنامه‌نگاران با تحصيلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران بدون تحصيلات علوم ارتباطات	موضوع	کد		
	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد				
۰	۱۰/۸	۳۴	۱/۹	۱	۲۲	۳۳	۰ - به اين سؤال پاسخ نداده‌اند
۱	۷/۶	۲۴	۱۳	۷	۱۷	۶/۵	۱ - نگرشي منفي دارند
۲	۲۷/۹	۸۸	۲۵/۹	۱۴	۷۴	۲۸/۴	۲ - بي تفاوت هستند
۳	۵۳/۷	۱۶۹	۵۹/۳	۳۲	۱۳۷	۵۲/۵	۳ - نگرشي مثبت دارند
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

جدول ۱۹. نظر روزنامه‌نگاران درباره تأثیر خاطرات روزنامه‌نگاران باتجربه درباره ایجاد انگیزه در میان روزنامه‌نگاران جوان‌تر برای آموزش روزنامه‌نگاری

کد	جمع	روزنامه‌نگاران با تحصيلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران بدون تحصيلات علوم ارتباطات	موضوع	کد		
	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد				
۰	۴/۸	۱۵	۱/۹	۱	۱۴	۵/۴	۰ - به اين سؤال پاسخ نداده‌اند
۱	۳۶/۳	۱۱۴	۳۵/۳	۱۹	۹۵	۳۶/۴	۱ - خاطره‌ها، انگيزه ايجاد مي‌کند
۲	۴۰/۶	۱۲۸	۴۰/۷	۲۲	۱۰۶	۴۰/۶	۲ - تا حدودي انگيزه ايجاد مي‌کند
۳	۱۴/۹	۴۷	۱۶/۷	۹	۳۸	۱۴/۶	۳ - ايجاد نمي‌کند
۴	۳/۵	۱۱	۵/۶	۳	۸	۳/۱	۴ - خاطره‌ها، آن‌ها را منصرف مي‌کند
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع



**جدول ۲۰.** نگاه روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی ارتباطات به این رشته به عنوان يك ارزش

كد	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	موضوع	كد
	تعداد درصد		
۰	۱۱/۱ ۶	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۰
۱	۷/۴ ۴	- بسیار زیاد	۱
۲	۲۲/۲ ۱۲	- زیاد	۲
۳	۴۴/۴ ۲۴	- تاحدي	۳
۴	۱۴/۸ ۸	- کم	۴
T	۱۰۰ ۵۴	جمع	

**جدول ۲۱.** نظر روزنامه‌نگاران درباره تخصص لازم برای کار در مطبوعات تخصصی

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	جمع	کد
		تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	
۰	— به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۱۲ ۵	۰ ۰	۱۲ ۴/۱	۰
۱	— تخصص در موضوع، بدون تحصیلات روزنامه‌نگاری	۱۲ ۴/۶	۰ ۰	۱۲ ۲/۸	۱
۲	— تخصص در موضوع، همراه با آگاهی از روزنامه‌نگاری	۸۹ ۳۴/۱	۱۱ ۲۰/۴	۱۰۰ ۳۱/۷	۲
۳	— تخصص در روزنامه - نگاری بدون تخصص در موضوع نشریه	۴۲ ۱۶/۱	۱۳ ۲۴/۱	۵۵ ۱۷/۵	۳
۴	- هردو تخصص دانشگاهی و روزنامه‌نگاری و موضوع	۴۳ ۱۶/۵	۱۲ ۲۲/۲	۵۵ ۱۷/۵	۴
۵	- نظری دیگر	۳۴ ۱۳	۹ ۱۶/۷	۴۳ ۱۳/۷	۵
۶	— بیش از یک پاسخ از کدهای ۴ تا ۱	۱۶ ۶/۱	۹ ۱۶/۷	۲۵ ۷/۹	۶
۷	— یک پاسخ از کدهای ۱ تا ۴ به علاوه کد ۵	۱۳ ۴/۶	۰ ۰	۱۲ ۲/۸	۷
T	جمع	۲۶۱ ۱۰۰	۵۴ ۱۰۰	۳۱۵ ۱۰۰	

**جدول ۲۲.** نظر روزنامه‌نگاران با تحصیلات دانشگاهی ارتباطات به میزان تفاوت میان آنچه در دانشگاه خوانده‌اند با آنچه در حرفه مواجه هستند

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	کد
----	-------	---	----

کد	موضوع	تعداد	درصد
۰	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۵	۹/۳
۱	- معتقدند که کاملاً تفاوت دارد	۹	۱۶/۷
۲	- تا حدی تفاوت دارد	۲۳	۶۱/۱
۳	- تفاوتی ندارد	۷	۱۳
T	جمع	۵۴	۱۰۰

**جدول ۲۳.** میزان موافقت روزنامه‌نگاران با این نظریه که شرایط و اوضاع فعالیت‌های خبری در کشورهای جهان سوم با غرب متفاوت است و منابع درسی غربی جواب‌گویی آن نیست و باید متون درسی خاصی تدوین کرد

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		جمع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰	- به این سؤال پاسخ نداده‌اند	۴۹	۱۸/۸	۵	۹/۳	۵۴
۱	- درجه موافقت با تفاوت عمل بامتون غربی = ۷	۴۰	۱۵/۳	۷	۱۳	۴۷
۲	- درجه موافقت = ۶	۱۳	۵	۳	۵/۶	۱۶
۳	- درجه موافقت = ۵	۱۹	۷/۳	۴	۷/۴	۲۳
۴	- درجه موافقت = ۴	۴۱	۱۵/۷	۱۳	۲۴/۱	۵۴
۵	- درجه موافقت = ۳	۱۳	۵	۳	۵/۶	۱۶
۶	- درجه موافقت = ۲	۱۵	۵/۷	۳	۵/۶	۱۸
۷	- درجه موافقت = ۱	۴۹	۱۸/۸	۱۲	۲۲/۲	۶۱
۸	- ترکیبی از پاسخ‌های فوق	۲۲	۸/۴	۴	۷/۴	۲۶
T	جمع	۲۶۱	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۳۱۵

**جدول ۲۴.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران برای تعیین میزان نیاز آنان به آموزش روش‌های تدوین خبر (شناخت عناصر و ارزش‌های خبر، سبک‌های خبرنگاری و تیترونیسی)

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		جمع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۰	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۹۴	۲۶	۱۸	۲۳/۳	۱۱۲
						۳۵/۶

۱	۲۸/۳	۸۹	۳۱/۵	۱۷	۲۷/۶	۷۲	رتبه يك امتياز = ۷
۲	۱۰/۸	۳۴	۱۱/۱	۶	۱۰/۷	۲۸	رتبه دو امتياز = ۶
۳	۶/۷	۲۱	۹/۳	۵	۶/۱	۱۶	رتبه سه امتياز = ۵
۴	۵/۴	۱۷	۳/۷	۲	۵/۷	۱۵	رتبه چهار امتياز = ۴
۵	۴/۸	۱۵	۵/۶	۳	۴/۶	۱۲	رتبه پنج امتياز = ۳
۶	۲/۵	۸	۰	۰	۳/۱	۸	رتبه شش امتياز = ۲
۷	۶	۱۹	۵/۶	۳	۶/۱	۱۶	رتبه هفت امتياز = ۱
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

**جدول ۲۵.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش روش‌های مصاحبه خبری

کد	جمع	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	موضوع	کد
	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد		
۰	۴۵/۴ ۱۴۳	۴۶/۳ ۲۵	۴۵/۲ ۱۱۸	- فاقد رتبه امتياز = صفر	۰
۱	۵/۴ ۱۷	۰ ۰	۶/۵ ۱۷	- رتبه يك امتياز = ۷	۱
۲	۱۱/۷ ۳۷	۱۸/۵ ۱۰	۱۰/۳ ۲۸	- رتبه دو امتياز = ۶	۲
۳	۱۴/۶ ۴۶	۱۸/۵ ۱۰	۱۳/۸ ۳۶	- رتبه سه امتياز = ۵	۳
۴	۱۱/۴ ۳۶	۱۳ ۷	۱۱/۱ ۲۹	- رتبه چهار امتياز = ۴	۴
۵	۷ ۲۲	۳/۷ ۲	۷/۷ ۲۰	- رتبه پنج امتياز = ۳	۵
۶	۱/۳ ۴	۰ ۰	۱/۵ ۴	- رتبه شش امتياز = ۲	۶
۷	۳/۲ ۱۰	۰ ۰	۳/۸ ۱۰	- رتبه هفت امتياز = ۱	۷
T	۱۰۰ ۳۱۵	۱۰۰ ۵۴	۱۰۰ ۲۶۱	جمع	

**جدول ۲۶.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش روش‌های گزارش‌نویسی

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۱۲۷	۴۰/۳	۱۷	۲۱/۵	۱۱۰	۴۲/۱	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۰
۱	۱۸	۵/۷	۲	۵/۶	۱۵	۵/۷	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱
۲	۴۶	۱۴/۶	۱۲	۲۲/۲	۳۴	۱۲	- رتبه دو امتیاز = ۶	۲
۳	۲۶	۱۱/۴	۷	۱۳	۲۹	۱۱/۱	- رتبه سه امتیاز = ۵	۳
۴	۳۹	۱۲/۴	۱۰	۱۸/۵	۲۹	۱۱/۱	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۴
۵	۲۰	۶/۳	۲	۳/۷	۱۸	۶/۹	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۵
۶	۹	۲/۹	۰	۰	۹	۳/۴	- رتبه شش امتیاز = ۲	۶
۷	۲۰	۶/۳	۲	۵/۶	۱۷	۶/۵	- رتبه هفت امتیاز = ۱	۷
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

**جدول ۲۷.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش آنکت‌نویسی (گزارش تحقیقی)

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۱۸۱	۵۷/۵	۳۰	۵۵/۶	۱۵۱	۵۷/۹	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۰
۱	۱۳	۴/۱	۲	۳/۷	۱۱	۴/۲	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱
۲	۱۷	۵/۴	۴	۷/۴	۱۳	۵	- رتبه دو امتیاز = ۶	۲
۳	۲۰	۹/۵	۴	۷/۴	۲۶	۱۰	- رتبه سه امتیاز = ۵	۳
۴	۲۳	۷/۳	۲	۵/۶	۲۰	۷/۷	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۴
۵	۲۷	۸/۶	۸	۱۴/۸	۱۹	۷/۳	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۵
۶	۱۲	۳/۸	۱	۱/۹	۱۱	۴/۳	- رتبه شش امتیاز = ۲	۶
۷	۱۲	۳/۸	۲	۳/۷	۱۰	۳/۸	- رتبه هفت امتیاز = ۱	۷

جمع	۲۶۱	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	T
-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	---

جدول ۲۸. رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران برای تعیین میزان نیاز آنان به آموزش مقاله‌نویسی

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۱۴۲	۵۴/۴	۲۶	۴۸/۱	۱۶۸	۵۳/۳
۱	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱۲	۴/۶	۳	۵/۶	۱۵	۴/۸
۲	- رتبه دو امتیاز = ۶	۲۸	۱۰/۷	۱	۱/۹	۲۹	۹/۲
۳	- رتبه سه امتیاز = ۵	۳۰	۷/۷	۴	۷/۴	۲۴	۷/۶
۴	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۱۸	۶/۹	۸	۱۴/۸	۲۶	۸/۳
۵	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۱۸	۶/۹	۹	۱۶/۷	۲۷	۸/۶
۶	- رتبه شش امتیاز = ۲	۱۳	۵	۲	۳/۷	۱۵	۴/۸
۷	- رتبه هفت امتیاز = ۱	۱۰	۳/۸	۱	۱/۹	۱۱	۳/۵
جمع		۲۶۱	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰

جدول ۲۹. رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش شیوه‌های نگارش نقدهای سیاسی و اجتماعی

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۱۵۳	۵۸/۶	۳۱	۵۷/۴	۱۸۴	۵۸/۴
۱	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱۷	۶/۵	۲	۳/۷	۱۹	۶
۲	- رتبه دو امتیاز = ۶	۱۳	۵	۴	۷/۴	۱۷	۵/۴
۳	- رتبه سه امتیاز = ۵	۱۴	۵/۴	۳	۵/۶	۱۷	۵/۴
۴	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۲۰	۷/۷	۶	۱۱/۱	۲۶	۸/۳

۵	۸/۶	۲۷	۱۱/۱	۶	۸	۲۱	۵ - رتبه پنج امتیاز = ۳
۶	۴/۸	۱۵	۳/۷	۲	۵	۱۳	۶ - رتبه شش امتیاز ۲ =
۷	۲/۲	۱۰	۰	۰	۳/۸	۱۰	۷ - رتبه هفت امتیاز ۱ =
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

**جدول ۲۰.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران برای تعیین میزان نیاز آنان به آموزش شیوه نگارش فارسی در روزنامه‌نگاری

کد	جمع	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	موضوع	کد		
	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد				
۰	۴۰/۳	۱۳۷	۲۷/۸	۱۱۲	۴۲/۹	۰ - فاقد رتبه امتیاز = صفر	
۱	۱۸/۱	۵۷	۱۸/۵	۱۰	۱۸	۱ - رتبه يك امتیاز = ۷	
۲	۹/۸	۳۱	۳/۷	۲	۱۱/۱	۲ - رتبه دو امتیاز = ۶	
۳	۹/۵	۳۰	۲۰/۴	۱۱	۷/۳	۳ - رتبه سه امتیاز = ۵	
۴	۷	۲۲	۱۱/۱	۶	۶/۱	۴ - رتبه چهار امتیاز = ۴	
۵	۸/۲	۲۶	۱۱/۱	۶	۷/۷	۵ - رتبه پنج امتیاز = ۳	
۶	۲/۲	۷	۱/۹	۱	۲/۳	۶ - رتبه شش امتیاز = ۲	
۷	۴/۸	۱۵	۵/۶	۳	۴/۶	۷ - رتبه هفت امتیاز = ۱	
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

**جدول ۲۱.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش روش‌های عکاسی خبری

کد	جمع	روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات	موضوع	کد	
	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد			
۰	۷۱/۷	۲۳۶	۶۶/۷	۳۶	۷۲/۸	۰ - فاقد رتبه امتیاز = صفر
۱	۲/۵	۸	۹/۳	۵	۱/۱	۱ - رتبه يك امتیاز = ۷

۲	۲/۵	۸	۱/۹	۱	۲/۷	۷	رتبه دو امتیاز = ۶
				۳	۷	۷	رتبه سه امتیاز ۵ = ۲/۷
۴	۵/۱	۱۶	۷/۴	۴	۴/۶	۱۲	رتبه چهار امتیاز ۴ =
۵	۷/۶	۲۴	۵/۶	۳	۸	۲۱	رتبه پنج امتیاز = ۳
۶	۵/۱	۱۶	۳/۷	۲	۵/۴	۱۴	رتبه شش امتیاز ۳ =
۷	۲/۵	۸	۱/۹	۱	۲/۷	۷	رتبه هفت امتیاز ۱ =
T	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	جمع

**جدول ۲۲.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش تئوری‌های علوم ارتباطات

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۱۹۸	۶۲/۹	۴۰	۷۴/۱	۱۵۸	۶۰/۵	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۰
۱	۱۸	۵/۷	۵	۹/۳	۱۳	۵	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱
۲	۱۸	۵/۷	۳	۵/۶	۱۵	۵/۷	- رتبه دو امتیاز = ۶	۲
۳	۱۹	۶	۲	۳/۷	۱۷	۶/۵	- رتبه سه امتیاز ۵ =	۳
۴	۱۱	۲/۵	۱	۱/۹	۱۰	۳/۸	- رتبه چهار امتیاز ۴ =	۴
۵	۲۳	۷/۳	۱	۱/۹	۲۲	۸/۴	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۵
۶	۱۶	۵/۱	۲	۳/۷	۱۴	۵/۴	- رتبه شش امتیاز ۲ =	۶
۷	۱۲	۳/۸	۰	۰	۱۲	۴/۶	- رتبه هفت امتیاز ۱ =	۷
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

**جدول ۲۳.** رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش جامعه‌شناسی و وسایل ارتباط جمعی



کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۱۹۳	۶۱/۳	۳۴	۶۳	۱۵۹	۶۰/۹	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۰
۱	۱۶	۵/۱	۲	۵/۶	۱۲	۵	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱
۲	۲۵	۷/۹	۵	۹/۳	۲۰	۷/۷	- رتبه دو امتیاز = ۶	۲
۳	۱۴	۴/۴	۱	۱/۹	۱۳	۵	- رتبه سه امتیاز = ۵	۳
۴	۱۸	۵/۷	۱	۱/۹	۱۷	۶/۵	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۴
۵	۲۶	۸/۳	۶	۱۱/۱	۲۰	۷/۷	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۵
۶	۱۱	۳/۵	۲	۳/۷	۹	۳/۴	- رتبه شش امتیاز = ۲	۶
۷	۱۲	۳/۸	۲	۳/۷	۱۰	۳/۸	- رتبه هفت امتیاز = ۱	۷
T	۳۱۵	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۲۶۱	۱۰۰	جمع	

جدول ۲۴. رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران برای تعیین میزان نیاز آنان به آموزش تاریخ مطبوعات ایران

کد	جمع		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		موضوع	کد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۰	۲۳۸	۷۵/۶	۴۱	۷۵/۹	۱۹۷	۷۵/۵	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۰
۱	۳	۱	۰	۰	۳	۱/۱	- رتبه يك امتیاز = ۷	۱
۲	۱۰	۲/۲	۱	۱/۹	۹	۳/۴	- رتبه دو امتیاز = ۶	۲
۳	۱۴	۴/۴	۳	۵/۶	۱۱	۴/۲	- رتبه سه امتیاز = ۵	۳
۴	۲۱	۶/۷	۴	۷/۴	۱۷	۶/۵	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۴
۵	۹	۲/۹	۱	۱/۹	۸	۳/۱	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۵
۶	۱۴	۴/۴	۳	۵/۶	۱۱	۴/۲	- رتبه شش امتیاز = ۲	۶
۷	۶	۱/۹	۱	۱/۹	۵	۱/۹	- رتبه هفت امتیاز = ۱	۷

جمع	۲۶۱	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰	T
-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	---

جدول ۲۵. رتبه‌های تعیین شده از سوی روزنامه‌نگاران در مورد میزان نیاز آنان به آموزش سایر موضوعات

کد	موضوع	روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات		روزنامه‌نگاران با تحصیلات علوم ارتباطات		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰	- فاقد رتبه امتیاز = صفر	۲۴۱	۹۲/۳	۴۸	۸۸/۹	۲۸۹	۹۱/۷
۱	- رتبه يك امتیاز = ۷	۷	۲/۷	۰	۰	۷	۲/۲
۲	- رتبه دو امتیاز = ۶	۱	۰/۴	۱	۱/۹	۲	۰/۶
۳	- رتبه سه امتیاز = ۵	۱	۰/۴	۰	۰	۱	۰/۳
۴	- رتبه چهار امتیاز = ۴	۲	۰/۸	۰	۰	۲	۰/۶
۵	- رتبه پنج امتیاز = ۳	۴	۱/۵	۲	۳/۷	۶	۱/۹
۶	- رتبه شش امتیاز = ۲	۳	۱/۱	۱	۱/۹	۴	۱/۳
۷	- رتبه هفت امتیاز = ۱	۲	۰/۸	۲	۳/۷	۴	۱/۳
جمع		۲۶۱	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	۳۱۵	۱۰۰

## پیوست شماره ۱ نمونه پرسش‌نامه نارنجی (روزنامه‌نگاران با تحصیلات ارتباطات)

### بسمه تعالی

۱. به نظر شما، افرادی که دارای مدرک دانشگاهی علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری را دارند، به رشته تحصیلی خود تا چه حد به صورت یک ارزش نگاه می‌کنند؟ (به‌عنوان مثال، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان پزشکی در ایران رشته خود را بسیار باارزش می‌دانند)

۱. بسیار زیاد      ۲. زیاد      ۳. تاحدی      ۴. کم      ۵. خیلی کم

۲. آیا آنچه در درس روزنامه‌نگاری در دانشگاه گذرانده‌اید با آنچه در عمل و در حرفه خود بکار می‌برید تفاوتی دارد؟

۱. کاملاً تفاوت دارد  
۲. تاحدی تفاوت دارد  
۳. تفاوتی ندارد

۳. لطفاً درباره پاسخی که به سؤال فوق دادید توضیح دهید:

۴. عده‌ای می‌گویند، موفقیت در روزنامه‌نگاری چندان رابطه‌ای با گذراندن دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری ندارد. نظر شما چیست؟

۱. کاملاً موافقم      ۲. موافقم      ۳. تاحدی موافقم      ۴. موافقم  
۵. کاملاً مخالفم

۵. به نظر جنابعالی، آنانی که سال‌های زیادی از عمر خود را در مطبوعات این کشور گذرانده‌اند - اعم از روزنامه‌نگاران تجربی و همچنین اقلیت کسانی که تحصیلات دانشگاهی مرتبط دارند - وقتی به پشت سر و سال‌های سپری شده نگاه می‌کنند نسبت به آموزش دانشگاهی، یا دوره‌های مشابه برای روزنامه‌نگاران چه نگرشی دارند؟

۱. نگرش منفی دارند      ۲. بی‌تفاوت هستند      ۳. نگرشی مثبت دارند

۶. اگر پای صحبت با تجربه‌های روزنامه‌نگاری که سال‌ها در این حرفه فعالیت داشته‌اند بنشینیم و به خاطراتشان گوش کنیم، آیا خاطره‌ها و حرف‌های آنان انگیزه‌ای برای تمایل همکاران روزنامه‌نگار جوان به گذراندن دوره‌های آموزشی ایجاد می‌کند یا خیر؟

۱. ایجاد می‌کند      ۲. تاحدودی ایجاد می‌کند      ۳. ایجاد نمی‌کند      ۴. منصرف می‌کند

۷. آیا در سازمان مطبوعاتی ک جنابعالی فعالیت دارید، آنانی که تحصیلات رسمی علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند (بی‌توجه به ویژگی‌های شخصی فردی) از احترام بیشتری برخوردارند و حالت مرجعیت بیشتری در مقابل دیگران دارند؟

۱. بلی، کاملاً دارند      ۲. بلی دارند      ۳. تاحدی دارند      ۴. ندارند

۸. عده‌ای معتقدند که برای داشتن یک روزنامه‌نگار خوب، انتخاب فردی که دارای استعداد ذاتی روزنامه‌نگاری و به اصطلاح شم خبری باشد بسیار مهم است و مسئله گذراندن آموزش روزنامه‌نگاری در مقایسه با آن اهمیت کمتری دارد، گروهی دیگر عکس چنین عقیده‌ای را دارند. نظر جنابعالی چیست، لطفاً با علامت \* در طیف زیر نظر خود را مشخص فرمایید:

گذراندن دوره‌های	داشتن استعداد
آموزش روزنامه‌نگاری	ذاتی و شم خبری
بسیار مهم است	بسیار مهم است

۹. لطفاً نظر خود را در مورد نقش تجربه در کار روزنامه‌نگاری از یکسو و نقش گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری، از سوی دیگر را در موفقیت حرفه روزنامه‌نگاری، در طیف زیر مشخص فرمائید:

۱۰. عده‌ای می‌گویند که شرایط و اوضاع فعالیت‌های خبری در کشورهای جهان سوم با غرب متفاوت است. بنابراین متون و کتب ترجمه شده از منابع دانشگاهی غربی نمی‌تواند راه‌حل‌های مسائل روزنامه‌نگاران جهان سوم را ارائه دهد و در واقع کتب مذکور جواب‌گویی مسائل آنان نیست و باید برای این جوامع متون درسی منطبق با آنچه در آنجا می‌گذرد تدوین کرد. گروهی دیگر می‌گویند علم مرز نمی‌شناسد و کتاب‌های روزنامه‌نگاری چه در جهان سوم و چه در کشورهای دیگر باید کاربردی یکسان داشته باشد. لطفاً نظر خود را روی طیف زیر با علامت \* مشخص فرموده و علت پاسخ خود را توضیح دهید:

موافقت کامل با  
گروه دوم

موافقت کامل با  
گروه اول  
چرا؟

۱۱. از میان مباحث آموزشی زیر پنج مورد را که بیش از بقیه، خود و همکارانتان را نیازمند گذراندن آن می‌دانید به ترتیب اولویت مشخص فرمایید (داخل پرانتزها، اولویت‌ها را ذکر فرمایید. اولویت اول با شماره یک و اولویت پنجم با شماره ۵ مشخص می‌شود.)

( ) ۱. تدریس روش‌های تدوین خبر (شناخت عناصر و ارزش‌های خبر، سبک‌های خبرنگاری، تیترونیسی و...)

( ) ۲. تدریس روش‌های مصاحبه خبری

( ) ۳. روش‌های گزارش‌نویسی (رپرتاژ)

( ) ۴. آنکت‌نویسی (گزارش تحقیقی)

( ) ۵. مقاله‌نویسی

( ) ۶. نگارش نقدهای سیاسی و اجتماعی

( ) ۷. شیوه نگارش فارسی در روزنامه‌نگاری

( ) ۸. روش‌های عکاسی خبری

( ) ۹. شناخت تئوری‌های علوم ارتباطات

(...) ۱۰. جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی ایران

( ) ۱۱. تاریخ مطبوعات ایران

( ) ۱۲. سایر (لطفاً ذکر فرمایید)

۱۲. تیراژ مطبوعات در ایران نسبت به جمعیت باسواد کشور (۲۵ میلیون باسواد) در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی و بسیاری از کشورهای جهان سوم در سطح مناسبی نیست. سواي مسائلي چون تأمین کاغذ، مشکلات چاپ، توزیع و از این قبیل، چه سهمی از این وضعیت مربوط به روزنامه‌نگاران می‌شود؟ لطفاً توضیح دهید:

۱۳. مطبوعات با يك سؤال مهم مواجه هستند که پاسخ آن در ایران به وضوح مشخص شده است. پاسخ‌ها متنوع است. لطفاً ابتدا همه‌ی آن‌ها را ملاحظه فرمایید و سپس نظری را که به نظر شما نزدیک است با علامت \* مشخص فرمایید:

۱. يك متخصص در موضوع نشریه (مثلاً دکترا در رشته مدیریت) بدون نیاز به آنکه روزنامه‌نگاری خوانده باشد می‌تواند به راحتی در آن نشریه قلم بزند.

۲. يك متخصص در موضوع نشریه (مثلاً دکترا در رشته مدیریت) وقتی می‌تواند روزنامه‌نگار تخصصی شود که روزنامه‌نگاری را نیز بداند. زیرا روزنامه‌نگاری تخصصی با نگارش کتب تخصصی متفاوت است.

۳. يك روزنامه‌نگار ورزیده که تحصیلات دانشگاهی روزنامه‌نگاری داشته باشد قادر است با مطالعه لازم در هر زمینه‌ای قلم بزند، مهم این است که روزنامه‌نگاری را به‌خوبی بداند.

۴. داشتن دو تخصص رسمي در هر دو زمينه (تخصص دانشگاهي در موضوع نشریه و تخصص دانشگاهي روزنامه‌نگاري) تنها راه‌حل است

۵. نظري ديگر ( )  
( )

۱۴. به نظر جنابعالي، بزرگ‌ترين انتقاد بر مطبوعات ايران کدام است؟

۱۵. اگر بخواهند يك برنامه آموزشي حين خدمت جامع و گسترده براي روزنامه‌نگاران ايراني تدوين کنند، جنابعالي براي برنامه‌ريزان چه توصیه‌هايي داريد؟

۱۶. در برخي کشورها، روزنامه‌نگار داراي منزلت اجتماعي بالايي، هم‌سطح مشاغلي که نیاز به تخصص‌هاي بالايي دارند مانند پزشکان، اساتيد دانشگاه، قضات و از اين قبيل است. به نظر شما پایگاه اجتماعي روزنامه‌نگار در ايران چيست؟ چگونه مي‌توان آن را ارتقاء داد؟

۱۷. عنوان کامل مدرک دانشگاهي جنابعالي چيست؟ ( )

۱۸. تحصيلات دانشگاهي مذکور را در کدام کشور گذرانده‌ايد؟ ( )

۱۹. سال اخذ مدرک ( )

۲۰. جنس ۱- زن ۲- مرد

۲۱. سال تولد ( )

۲۲. چند سال است به حرفه روزنامه‌نگاري اشتغال داريد؟ ( سال )

۲۳. نام نشریه محل فعاليت ( )

۲۴. شهر محل فعاليت ( )

**يکبار ديگر از وقتي که مصروف فرموديد سپاسگزار است**

## پیوست شماره ۲

### نمونه پرسش‌نامه آبی (سایر روزنامه‌نگاران)

#### بسمه تعالی

۱. عده‌ای می‌گویند، موفقیت در روزنامه‌نگاری چندان رابطه‌ای با گذراندن دوره‌های دانشگاهی رشته علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری ندارد. نظر شما چیست؟

۱. کاملاً موافقم  ۲. موافقم  ۳. تا حدی موافقم  ۴. مخالفم  ۵. کاملاً مخالفم

چرا؟

۲. به نظر جنابعالی، آنانی که سال‌های زیادی از عمر خود را در مطبوعات این کشور گذرانده‌اند - اعم از روزنامه‌نگاران تجربی و همچنین اقلیت کسانی که تحصیلات دانشگاهی مرتبط دارند - وقتی به پشت سر و سال‌های سپری شده نگاه می‌کنند نسبت به آموزش دانشگاهی یا دوره‌های مشابه برای روزنامه‌نگاری چه نگرشی دارند؟

۱. نگرشی منفی دارند  ۲. بی‌تفاوت هستند  ۳. نگرشی مثبت دارند

۳. اگر پای صحبت باتجربه‌های روزنامه‌نگاری که سال‌ها در این حرفه فعالیت داشته‌اند بنشینیم و به خاطراتشان گوش کنیم آیا خاطره‌ها و حرف‌های آنان انگیزه‌ای برای تمایل همکاران روزنامه‌نگار جوان به گذراندن دوره‌های آموزشی ایجاد می‌کند یا خیر؟

۱. ایجاد می‌کند  ۲. تا حدی ایجاد می‌کند  ۳. ایجاد نمی‌کند  ۴. منصرف می‌کند

۴. آیا در سازمان مطبوعاتی که جنابعالی فعالیت دارید، آنانی که تحصیلات رسمی علوم ارتباطات از جمله روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند (بی‌توجه به ویژگی‌های شخصیت فردی) از احترام بیشتری برخوردارند و حالت مرجعیت بیشتری در مقابل دیگران دارند؟ (اگر در آن سازمان چنین افرادی کار نمی‌کنند، به این سؤال پاسخ نفرمایید)

۱. بلی، کاملاً دارند  ۲. بلی دارند  ۳. تا حدی دارند  ۴. ندارند

۵. عده‌ای معتقدند که برای داشتن يك روزنامه‌نگار خوب، انتخاب فردی که دارای استعداد ذاتی روزنامه‌نگاری و به اصطلاح شم خبری باشد بسیار مهم است و مسئله گذراندن آموزش روزنامه‌نگاری در مقایسه با آن اهمیت کمتری دارد. گروهی دیگر عکس چنین عقیده‌ای را دارند. نظر جنابعالی چیست؟ لطفاً با علامت \* در طیف زیر نظر خود را مشخص فرمایید:

گذراندن دوره‌های  
آموزش روزنامه‌نگاری  
بسیار مهم است

داشتن استعداد  
ذاتی و شم خبری  
بسیار مهم است

۶. لطفاً نظر خود را در مورد نقش تجربه در کار روزنامه‌نگاری از یکسو و نقش گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری از سوی دیگر را در موفقیت حرفه روزنامه‌نگاری در طیف زیر مشخص فرمایید:

۷. آیا تاکنون دوره‌های کوتاه مدت آموزش روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اید؟  
○ بلی ○ خیر

۸. در صورت پاسخ بلی، چه سالی؟ در کجا؟ و چه مدت؟  
۱. (سال) ( )  
۲. (در) ( )  
۳. (به مدت ماه) ( )

۹. در صورتی که پاسخ شما به سؤال ۷ مثبت بود، نظر خود را درباره نتایج گذراندن دوره مذکور مرقوم فرمائید:

۱۰. عده‌ای می‌گویند که شرایط و اوضاع فعالیت‌های خبری در کشورهای جهان سوم با غرب متفاوت است. بنابراین متون و کتب ترجمه شده از منابع دانشگاهی غربی نمی‌تواند راه‌حل‌های مسائل روزنامه‌نگاران جهان سوم را ارائه دهد و در واقع کتب مذکور جواب‌گویی مسائل آنان نیست و باید برای این جوامع متون درسی منطبق با آنچه در آنجا می‌گذرد تدوین کرد. گروهی دیگر می‌گویند، علم مرز نمی‌شناسد و کتاب‌های روزنامه‌نگاری چه در جهان سوم و چه در کشورهای دیگر باید کاربردی یکسان داشته باشد. لطفاً نظر خود را روی طیف زیر با علامت \* مشخص فرموده و علت پاسخ خود را توضیح دهید:

موافقت کامل با  
گروه دوم

موافقت کامل با  
گروه اول

۱۱. از میان مباحث آموزشی زیر، پنج مورد را که بیش از بقیه، خود و همکارانتان را نیازمند گذراندن آن می‌دانید به ترتیب اولویت مشخص فرمایید (داخل پرانتزها، اولویت‌ها را ذکر فرمایید. اولویت اول با شماره یک و اولویت پنجم با شماره ۵ مشخص می‌شود).  
( ) ۱. تدریس روش‌های تدوین خبر (شناخت عناصر و ارزش‌های خبر، سبک‌های خبرنگاری، تیترونیسی و...)

(...) ۲. تدریس روش‌های مصاحبه خبری

(...) ۳. روش‌های گزارش‌نویسی (رپرتاژ)

(...) ۴. آنکت‌نویسی (گزارش تحقیقی)

(...) ۵. مقاله‌نویسی

(...) ۶. نگارش نقدهای سیاسی و اجتماعی

(...) ۷. شیوه نگارش فارسی در روزنامه‌نگاری

(...) ۸. روش‌های عکاسی خبری

(...) ۹. شناخت تئوری‌های علوم ارتباطات

(...) ۱۰. جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی ایران

(...) ۱۱. تاریخ مطبوعات ایران

(...) ۱۲. سایر (لطفاً ذکر فرمایید)

۱۲. تیراژ مطبوعات در ایران نسبت به جمعیت باسواد کشور (۳۵ میلیون باسواد) در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی و بسیاری از کشورهای جهان سوم در سطح مناسبی نیست. سواي مسائلي چون تأمین کاغذ، مشکلات چاپ، توزیع و از این قبیل، چه سهمی از این وضعیت مربوط به روزنامه‌نگاران می‌شود؟ لطفاً توضیح دهید:

۱۳. مطبوعات تخصصی با یک سؤال مهم مواجه هستند که پاسخ آن در ایران به وضوح مشخص نشده است. پاسخ‌ها متنوع است. لطفاً ابتدا همه‌ی آن‌ها را ملاحظه فرمایید و سپس نظری را که به نظر شما نزدیک است با علامت \* مشخص فرمایید:

۱. يك متخصص در موضوع نشریه (مثلاً دکترا در رشته مدیریت) بدون نیاز به آنکه روزنامه‌نگاری خوانده باشد می‌تواند به راحتی در آن نشریه قلم بزند. ○
۲. يك متخصص در موضوع نشریه (مثلاً مدیریت) وقتی می‌تواند روزنامه‌نگار تخصصی شود که روزنامه‌نگاری را نیز بداند. زیرا روزنامه‌نگاری تخصصی با نگارش کتب تخصصی متفاوت است. ○
۳. يك روزنامه‌نگار ورزیده که تحصیلات دانشگاهی روزنامه‌نگاری داشته باشد قادر است با مطالعه لازم در هر زمینه‌ای قلم بزند، مهم این است که روزنامه‌نگاری را بخوبی بداند. ○
۴. داشتن دو تخصص رسمی در هر دو زمینه (تخصص دانشگاهی در موضوع نشریه و تخصص دانشگاهی روزنامه‌نگاری) تنها راه‌حل است ○
۵. نظری دیگر ○ ( )

۱۴. به نظر جنابعالی، بزرگ‌ترین انتقاد بر مطبوعات ایران کدام است؟

۱۵. اگر بخواهند يك برنامه آموزشی حین خدمت جامع و گسترده برای روزنامه‌نگاران ایرانی تدوین کنند، جنابعالی برای برنامه‌ریزان چه توصیه‌هایی دارید؟

۱۶. در برخی از کشورها، روزنامه‌نگار دارای منزلت اجتماعی بالایی، همسطح مشاغل که نیاز به تخصص‌های بالایی دارند مانند پزشکان، اساتید دانشگاه، قضات و از این قبیل است. به نظر شما پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران چیست؟ چگونه می‌توان آن را ارتقاء داد؟

۱۷. جنس ○ ۱. زن ○ ۲. مرد ○

۱۸. سال تولد ( )

۱۹. آخرین مدرک تحصیلی

- ۱. کمتر از دیپلم ○ ۲. فوق دیپلم (کاردانی) ○ ۳. فوق لیسانس ○ ۴. لیسانس ○ ۵. فوق لیسانس ○ ۶. دکترا ○ ۷. تحصیلات حوزوی ○

۲۰. در صورت داشتن مدرک تحصیلی دانشگاهی، لطفاً رشته‌های تحصیلی مذکور را مرقوم فرمایید ( )

۲۱. تحصیلات دانشگاهی مذکور را در کدام کشور گذرانده‌اید؟ ( )

۲۲. سال اخذ مدرک آخرین مدرک دانشگاهی؟ ( )

۲۳. چند سال است به حرفه روزنامه‌نگاری اشتغال دارید؟ ( سال )

۲۴. نام نشریه محل فعالیت ( )

۲۵. شهر محل فعالیت ( )

یکبار دیگر از وقتی که مصروف فرمودید سپاسگذار است

آدرس مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها:  
تهران: خیابان شهید بهشتی، میدان تختی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - اداره کل مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها



پیوست شماره ۲  
نمونه پرسشنامه صاحب نظران کشورهای در حال توسعه

**QUESTIONNAIRE**

PLEASE KINDLY ANSWER THE FOLLOWING AND MAIL IT IN THE ENCLOSED ENVELOPE TO MY ADDRESS:  
NO . 51 – 108 th st . TEHRANPARS – THEHRAN – 16519 – IRAN

1. SOME BELIEVE THAT ONE OF MOST SERIOUSE PROBLEMS FACING MEDIA WORK IN THE THIRD WORLD IS THE SHORTAGE OF PROFESSIONAL PERSONNEL WITH UNIVERSITYDEGREES IN JOURNALISM.

- A) AGREE TOTALLY  
B) AGREE GENERALLY  
C) AGREEE PARTIALLY  
D) DISAGREE

PLEASE EXPLAIN

2. SOME BELIEVE THAT THE SOCIAL AND ECONOMIC CONDITION IN THIRD WORD COUNTRIES ARE OF SPECIAL

NATURE IN WHICH THE USAGE OF PROGRAMMES AND TEXTS OF WESTERN MEDIA IN TEACHING OF JOURNALISM CAN NOT FULFILL ITS REQUIRMENTS.

IT IS NECESSARY FOR TRAINING OF JOURNALISTS IN THESE SOCIETIS TO CONSIDER THE ESPECIAL HISTORICAL, CULTURAL AND LONG – TERM INTERESTS AND THE EXISTING NEWS OBJECTIVITIES IN PREPARING NEW PROGRAMMES AND TEXTS.

- A) AGREE TOTALLY  
B) AGREE PARTIALLY  
C) I THINK THERE IS NO DIFFERENCE AND THAT.  
WESTERN PROGRAMMMES AND TEXTS CAN BE USED.

PLEASE EXPLAIN:

NAME:

SURNAME:

DEGREE:

POSITION:

COUNTRY:

## پیوست شماره ۴ نمونه پرسش‌نامه فارغ‌التحصیلان ارتباطات غیرشاغل در مطبوعات

پرسش‌نامه ویژه فارغ‌التحصیلان علوم ارتباطات

۱. خانم  ۲. آقا

۲. در صورت تمایل نام و نام خانوادگی

۳. فارغ‌التحصیلان رشته

۴. در سال

۵. از دانشکده

۶. در حال حاضر شاغل نیستم  شغل غیرمطبوعاتی دارم   
شغل مطبوعاتی دارم

۷. در صورتی که شاغل نیستید و یا شغل غیرمطبوعاتی دارید، لطفاً علت آن را مشخص فرمایید:

۱. تحصیل من در رشته علوم ارتباطات، صرفاً بر حسب امتیازات کسب شده در کنکور بود و در واقع میزان گرایش من به این حرفه کم بود  خیلی کم بود

۲. به کار در این حرفه تمایل داشتم، اما قبل از فارغ‌التحصیلی جذب شغل و به دلایل زیر همان شغل غیرمطبوعاتی را ادامه دادم:

۲-۱. درآمد شغل من بیش از درآمدي بود که از کار مطبوعاتی می‌توانستم کسب کنم   
۲-۲. روزنامه‌نگاری را شغل مناسبی نمی‌دانستم  چرا؟  
۲-۳. دلیلی دیگر  (لطفاً توضیح دهید)

۳. تمایل به کار در مطبوعات داشتم، اما مطبوعات شهر محل سکونت من، زمینه‌ای برای جذب فارغ‌التحصیلان این رشته را نداشتند

۴. تمایل به کار در مطبوعات داشتم، اما بررسی‌هایی که به عمل آوردم نشان داد که مطبوعات، محیط مناسبی برای فعالیت نیست چرا؟

۵. تمایل به کار در مطبوعات داشتم، محیط مطبوعات و شرایط حقوق و مزایای آن را نیز پذیرفته بودم، اما نتوانستم شغلی در این زمینه بدست آورم

۶. مدتی کار مطبوعاتی کردم، اما به دلایل زیر آن را رها نمودم

۷. با فرض مطلوب بودن شغل مطبوعاتی، مهم‌ترین ضعف آموزشی رشته ارتباطات در مورد آماده کردن فارغ‌التحصیل این رشته برای کار مطبوعاتی چیست؟

۸. فرض بفرمایید که همین امروز، از جنابعالی دعوت شود که مثلاً روزنامه کیهان و یا اطلاعات و یا یکی از مجلات مشغول کار شوید. به دعوت‌کننده چه جوابی خواهید داد؟

۱. دعوت را مي‌پذيرم ○
۲. اگر حقوق و مزايای آن خوب باشد دعوت را مي‌پذيرم ○
۳. ترجيح مي‌دهم که در آنجا نيمه‌وقت کار کنم ○
۴. شروطي را مطرح خواهيم کرد که اگر موافقت کنند، مي‌پذيرم ○  
\* لطفاً شروط خود را توضيح دهيد:
۵. هر چه فکر مي‌کنم، کار من نيست، نمي‌پذيرم ○ چرا؟

## يکبار ديگر از کمک ارزنده جنابعالي متشکريم

### پيوست شماره ۵ مشخصات روزنامه‌نگاران نمونه مورد بررسي

(شماره ۱ تا ۲۶۱ مربوط به روزنامه‌نگاران بدون تحصيلات مرتبط و ۲۶۲ تا ۳۱۵ مربوط به روزنامه‌نگاران با تحصيلات مرتبط)

شماره پرسشنامه	جنس	سن	تحصيلات	سابقه مطبوعاتي	شاغل در	شهر
۱	مرد	-	ليسانس ادبيات	۵ سال	دانستني‌ها، بشير و ...	تهران
۲	مرد	۳۹ سال	ليسانس مهندسي	۱۰ سال	کيهان، اردو	تهران
۳	مرد	۲۶ سال	فوق ديپلم	۸ سال	قدس	مشهد
۴	مرد	-	ليسانس	۱۲ سال	البرز	تهران
۵	زن	۲۱ سال	ديپلم	۱ سال	البرز	تهران
۶	مرد	۲۷ سال	ليسانس عکاسي	۳ سال	نهال انقلاب و اميد انقلاب	تهران
۷	مرد	۲۵ سال	ديپلم	۶ سال	ابرار	تهران
۸	مرد	۴۰ سال	فوق ديپلم صنايع دستي	۱ سال	قدس	مشهد
۹	مرد	۴۷ سال	فوق ديپلم	۵ سال	قدس	مشهد
۱۰	مرد	۲۵ سال	ليسانس تربيت بدني	۴ سال	قدس و زاير	مشهد
۱۱	مرد	۲۹ سال	ديپلم	۶ سال	قدس	مشهد
۱۲	مرد	۴۷ سال	دکترای نجوم	۵ سال	قدس و تحقيقات جغرافيا	مشهد
۱۳	زن	۲۱ سال	ديپلم	۱/۵ سال	قدس	مشهد

تهران	دانشتنيها - علم و زندگي	۴۷ سال	ليسانس حقوق و ادبيات	۷۲ سال	مرد	۱۴
تهران	دانشتنيها	۱۴ سال	فوق ليسانس مديريت بهره برداري	۴۹ سال	مرد	۱۵
تهران	دانشتنيها - ابن سينا و ...	۲۸ سال	دکترای چشم پزشکی	۴۸ سال	مرد	۱۶
تهران	زن روز	۱/۵ سال	ليسانس حقوق قضايي	۲۶ سال	زن	۱۷
تهران	صنعت حمل و نقل	۱/۵ سال	ليسانس پرستاري	- سال	زن	۱۸
تهران	کيهان	۱۰ سال	ديپلم	۳۱ سال	مرد	۱۹
تهران		۱۲ سال	ليسانس فيزيك، تحصيلات حوزه اي	۳۶ سال	مرد	۲۰
تهران	کيهان - جمهوري اسلامي و ...	۱۱ سال	ديپلم	۲۸ سال	مرد	۲۱
تهران	دانشتنيها	۱۵ سال	ليسانس آمار و انفورماتيك	۲۹ سال	مرد	۲۲
تهران	اطلاعات، کيهان و ...	۲۵ سال	فوق ديپلم شيمي	۶۴ سال	مرد	۲۳
مشهد	قدس	۴ سال	فوق ديپلم	۴۰ سال	مرد	۲۴
مشهد	قدس	۴ سال	ديپلم	۲۵ سال	مرد	۲۵
مشهد	قدس	۲ سال	ديپلم	۳۲ سال	مرد	۲۶
مشهد	قدس	۵ سال	زير ديپلم	۵۰ سال	مرد	۲۷
مشهد	قدس	۵ سال	ليسانس روان شناسي	۲۶ سال	مرد	۲۸
مشهد	قدس	۶ سال	ديپلم	۳۴ سال	مرد	۲۹
مشهد	قدس	۹ سال	ليسانس رياضي	- سال	-	۳۰
مشهد	قدس	۱/۵ سال	ليسانس زبان و ادبيات فارسي	۲۵ سال	زن	۳۱
مشهد	قدس - دنياي ورزش	۱ سال	فوق ديپلم مخابرات	۲۷ سال	مرد	۳۲
مشهد	قدس	۱ سال	ليسانس جامعه شناسي	- سال	مرد	۳۳
تهران	کيهان	۱ سال	ليسانس علوم سياسي	۲۲ سال	مرد	۳۴
تهران	صنعت حمل و نقل	۲۱ سال	ديپلم	۴۴ سال	زن	۳۵
تهران	رسالت	۵ سال	ديپلم	۲۸ سال	مرد	۳۶
تهران	اسلامي بيرليك	۲ سال	ليسانس شيمي	۲۲ سال	مرد	۳۷
تهران	رسالت	۷ سال	ديپلم	۲۹ سال	مرد	۳۸
تهران	کيهان	۸ سال	ليسانس ادبيات	۲۹ سال	مرد	۳۹

تهران	۲ سال	ابرار	دپلم	۲۲ سال	مرد	۴۰
تهران	۲ سال	رسالت تهران	دپلم	۲۷ سال	مرد	۴۱
تهران	- سال	سلام - کیهان بچه‌ها	دپلم	۲۹ سال	مرد	۴۲
تهران	۳ سال	رسالت	لیسانس علوم اقتصادي	۲۱ سال	مرد	۴۳
تهران	۵ سال	رسالت	دپلم	۲۰ سال	مرد	۴۴
تهران	۱۲ سال	رسالت	دپلم	۲۱ سال	مرد	۴۵
تهران	۵ سال	رسالت - پیام و ...	لیسانس	۲۲ سال	مرد	۴۶
تهران	۶ سال	رسالت	فوق لیسانس	۴۱ سال	مرد	۴۷
تهران	۷ سال	رسالت	دپلم	۲۰ سال	مرد	۴۸
تهران	۵ سال	رسالت	فوق دپلم علوم اجتماعي	۳۷ سال	مرد	۴۹
تهران	-	رسالت	زیر دپلم	۳۷ سال	مرد	۵۰
تهران	۵ سال	رسالت	دپلم	۲۳ سال	مرد	۵۱
تهران	۳ سال	رسالت	دپلم	-	مرد	۵۲
تهران	۷ سال	کیهان هوایي	فوق دپلم حقوق	-	مرد	۵۳
تهران	۱ سال	کیهان هوایي	دپلم	۲۶ سال	زن	۵۴
تهران	۵ سال	رسالت	دپلم	-	مرد	۵۵
تهران	۵ سال	رسالت	دپلم	۲۷ سال	مرد	۵۶
-	-	-	-	-	مرد	۵۷
تهران	۱ سال	کیهان هوایي	لیسانس الهیئت و معارف اسلامي (گرایش فقه و حقوق)	-	مرد	۵۸
تهران	۶ سال	رسالت	دپلم	۲۷ سال	مرد	۵۹
تهران	۴ سال	ابرار	دپلم	۳۴ سال	مرد	۶۰
تهران	۱۰ سال	ابرار	فوق دپلم	۳۹ سال	مرد	۶۱
-	-	کیهان	-	-	-	۶۲
تهران	۲۶ سال	کیهان ورزشي	لیسانس جغرافيا	۴۴ سال	مرد	۶۳
-	-	-	-	-	-	۶۴
تهران	۲۶ سال	آدینه، شکار و طبیعت	دپلم	۴۴ سال	مرد	۶۵
تهران	۱۲ سال	آدینه	لیسانس علوم اجتماعي	۴۵ سال	مرد	۶۶

تهران	کیهان هوایی، پیام انقلاب و...	۹ سال	دیپلم	۲۲ سال	مرد	۶۷
تهران	کیهان هوایی	۶ سال	لیسانس زبان و ادبیات فارسی	۲۴ سال	مرد	۶۸
تهران	کیهان هوایی	۶ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۰ سال	مرد	۶۹
تهران	کیهان هوایی	۵ سال	لیسانس مترجمی زبان انگلیسی	۲۵ سال	مرد	۷۰
تهران	-	۳ سال	دیپلم	۲۲ سال	مرد	۷۱
تهران	اسلامی بیرلیک	۲ سال	لیسانس زمین‌شناسی	۴۱ سال	مرد	۷۲
تهران	کیهان هوایی	۶ سال	لیسانس مدیریت دولتی	۲۰ سال	مرد	۷۳
تهران	سلام	۱/۵ سال	دانشجوی داروسازی	۲۴ سال	مرد	۷۴
تهران	ابرار و آیندگان	۱۵ سال	فوق دیپلم الکترونیک	۲۵ سال	مرد	۷۵
تهران	ابرار	۲ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۲ سال	مرد	۷۶
تهران	رسالت	۵ سال	دیپلم	۲۴ سال	مرد	۷۷
تهران	آینه اقتصاد	۱۰ سال	-	۲۴ سال	مرد	۷۸
تهران	آینه اقتصاد	-	دیپلم	-	مرد	۷۹
تهران	رسالت	۵ سال	دیپلم	۲۶ سال	مرد	۸۰
تهران	تجارت ایران، آینه اقتصاد	۲۰ سال	لیسانس علوم اجتماعی	۴۵ سال	مرد	۸۱
تهران	تجارت ایران، آینه اقتصاد	۱۰ سال	لیسانس اقتصاد	۲۴ سال	زن	۸۲
تهران	تجارت ایران، آینه اقتصاد	۳ سال	فوق دیپلم	۲۱ سال	مرد	۸۳
تهران	کیهان علمی	۵ سال	لیسانس پرستاری و زبان انگلیسی	۲۸ سال	زن	۸۴
تهران	آزاد	۱۳ سال	فوق دیپلم	۳۴ سال	مرد	۸۵
تهران	کیهان	۱۹ سال	لیسانس اقتصاد	۴۱ سال	مرد	۸۶
تهران	کیهان ورزشی	۱۶ سال	دیپلم	۴۱ سال	مرد	۸۷
تهران	کیهان ورزشی	۱۴ سال	لیسانس تربیت‌بدنی و علوم ورزشی	-	مرد	۸۸
تهران	کیهان	۱۴ سال	دیپلم	۲۸ سال	مرد	۸۹
تهران	کیهان	۹ سال	لیسانس صنایع دستی	۲۵ سال	زن	۹۰
تهران	کیهان	۲/۵ سال	فوق لیسانس روابط بین‌الملل	۲۹ سال	زن	۹۱
تهران	کیهان	۷ سال	فوق لیسانس ارتباطات	۲۲ سال	مرد	۹۲

تهران	کیهان علمی	۱۰ سال	اجتماعی لیسانس	۲۵ سال	زن	۹۳
تهران	رسالت	۷ سال	دیپلم	۲۲ سال	مرد	۹۴
تبریز	کار و نیرو	-	دیپلم	۲۶ سال	مرد	۹۵
تهران	اسلامی بیرلیک	۳ سال	دیپلم	۲۹ سال	مرد	۹۶
تهران	کیهان ورزشی	۵ سال	دیپلم	۲۰ سال	مرد	۹۷
تهران	اسلامی بیرلیک	-	دیپلم	۲۰ سال	مرد	۹۸
تهران	کیهان علمی	۳ سال	لیسانس روان‌شناسی	۲۷ سال	زن	۹۹
تبریز	کار و نیرو	۱۰ سال	دیپلم	۲۲ سال	مرد	۱۰۰
مشهد	قدس	۱۰ سال	فوق لیسانس مدیریت صنایع	۴۰ سال	مرد	۱۰۱
تهران	کیهان علمی	۳ سال	لیسانس ارتوپدی فنی	۲۹ سال	زن	۱۰۲
تهران	کیهان ترکی	۲۲ سال	فوق لیسانس حقوق	۵۰ سال	مرد	۱۰۳
-	-	۳ سال	لیسانس	۲۶ سال	مرد	۱۰۴
تهران	ابرار	۶ سال	فوق دیپلم مکانیک عمومی	۲۷ سال	مرد	۱۰۵
تهران	ابرار - جانباز	۲ سال	فوق دیپلم مدیریت دولتی	۴۱ سال	مرد	۱۰۶
-	ابرار	- سال	لیسانس حقوق	- سال	مرد	۱۰۷
تهران	اطلاعات	۹ سال	دیپلم	۲۰ سال	زن	۱۰۸
تهران	ابرار	۸ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۶ سال	مرد	۱۰۹
تهران	ابرار	۱ سال	لیسانس مترجمی زبان انگلیسی	۲۳ سال	مرد	۱۱۰
-	ابرار	-	-	- سال	-	۱۱۱
-	ابرار	-	لیسانس	- سال	مرد	۱۱۲
تهران	دانش ورزش، ابرار	۶ سال	دیپلم	- سال	مرد	۱۱۳
تهران	کار و کارگر	۱ سال	دیپلم	- سال	مرد	۱۱۴
تهران	اطلاعات، دنیای ورزش	۱۰ سال	لیسانس ادبیات فارسی	۳۹ سال	مرد	۱۱۵
-	-	-	فوق دیپلم	۶۳ سال	مرد	۱۱۶
تهران	آذرمهر	۲ سال	دانشجوی مترجمی زبان	۲۸ سال	زن	۱۱۷
تهران	کار و کارگر	۷ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۸ سال	مرد	۱۱۸
تهران	اطلاعات	۸ سال	فوق لیسانس حقوق عمومی	۲۵ سال	مرد	۱۱۹

تهران	کیهان	۱ سال	دانشجوی هنر	۲۲ سال	مرد	۱۲۰
تهران	ابرار	۲۶ سال	دیپلم	-	مرد	۱۲۱
تهران	کیهان هوایی، کیهان	۲ سال	فوق دیپلم صنایع اتومبیل	۳۲ سال	مرد	۱۲۲
تهران	کیهان	۴ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۷ سال	مرد	۱۲۳
تهران	ابرار ورزشی	۲ سال	تحصیلات حوزه‌ای	۲۶ سال	مرد	۱۲۴
تهران	کیهان	۴ سال	لیسانس زبان	۲۷ سال	مرد	۱۲۵
تهران	اطلاعات	۲۱ سال	دیپلم	۴۲ سال	مرد	۱۲۶
تهران	اطلاعات	۸ سال	دیپلم	۲۰ سال	مرد	۱۲۷
تهران	اطلاعات، اطلاعات علمی	۸ سال	لیسانس جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۳۴ سال	مرد	۱۲۸
تهران	اطلاعات	۶ سال	لیسانس جامعه‌شناسی	۳۲ سال	زن	۱۲۹
تهران	کیهان، اطلاعات و ...	۱۲ سال	دیپلم	۵۲ سال	مرد	۱۳۰
تهران	اطلاعات	۳ سال	دیپلم	-	مرد	۱۳۱
تهران	اطلاعات	۱۲ سال	فوق لیسانس علوم سیاسی	۲۵ سال	زن	۱۳۲
تهران	کیهان، سوره و ...	۴ سال	لیسانس ادبیات دراماتیک	۲۸ سال	مرد	۱۳۳
تهران	کیهان	۷ سال	لیسانس جامعه‌شناسی	۲۴ سال	مرد	۱۳۴
تهران	پیام پست و مخابرات	۶ سال	فوق لیسانس روان‌شناسی	۴۰ سال	مرد	۱۳۵
تهران	پیام پست و مخابرات	۵ سال	لیسانس علوم اجتماعی	۴۲ سال	زن	۱۳۶
تهران	پیام پست و مخابرات	۱/۵ سال	فوق لیسانس روان‌شناسی و زبان	۴۸ سال	مرد	۱۳۷
تهران	کیهان	۱/۵ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۹ سال	مرد	۱۳۸
-	-	-	زیر دیپلم	-	مرد	۱۳۹
تهران	اطلاعات	۷ سال	لیسانس مترجمی زبان آلمانی	۳۴ سال	مرد	۱۴۰
-	-	-	دیپلم	۴۸ سال	مرد	۱۴۱
تهران	شاهد	۱۰ سال	دیپلم	۲۷ سال	زن	۱۴۲
تهران	شاهد	۵ سال	تحصیلات حوزه‌ای	۲۷ سال	مرد	۱۴۳
تهران	کار و دانش	۵ سال	دانشجوی دوره دکتری جغرافیای انسانی و اقتصادی	۴۴ سال	مرد	۱۴۴
تهران	شاهد	۱۰	دیپلم	-	زن	۱۴۵



تهران	سینما	سال ۴ سال	دیپلم	۲۲	مرد	۱۴۶
تهران	کیهان بچه‌ها	سال ۴ سال	دیپلم	۲۴	زن	۱۴۷
تهران	اطلاعات	سال ۷ سال	دیپلم	۲۶	مرد	۱۴۸
-	-	-	دیپلم	۴۴	مرد	۱۴۹
تهران	اطلاعات	سال ۲۸ سال	دیپلم	۴۵	مرد	۱۵۰
تهران	اطلاعات	سال ۲ سال	فوق لیسانس روابط بین‌الملل	۲۹	زن	۱۵۱
-	-	-	دیپلم	۵۰	مرد	۱۵۲
	دنیاي ورزش	سال ۱۰ سال	فوق لیسانس ادبیات عرب	۲۵	مرد	۱۵۳
تهران	کیهان	سال ۳ سال	دانشجوی حقوق	-	مرد	۱۵۴
تهران	کیهان	سال ۱۴ سال	-	۲۵	مرد	۱۵۵
تهران	کیهان	سال ۱۵ سال	لیسانس ترجمه	۲۹	زن	۱۵۶
تهران	کیهان	سال ۳ سال	لیسانس حقوق	۲۵	مرد	۱۵۷
تهران	-	سال ۲۰ سال	لیسانس	-	مرد	۱۵۸
تهران	ابرار	-	دیپلم	-	مرد	۱۵۹
تهران	گزارش فیلم	سال ۲ سال	دیپلم	۲۸	مرد	۱۶۰
تهران	جهاد سازندگی	سال ۵ سال	لیسانس جامعه‌شناسی	۲۱	زن	۱۶۱
تهران	پیام هاجر	سال ۱ سال	فوق دیپلم شیمی	۲۹	زن	۱۶۲
تهران	پیام هاجر	-	لیسانس علوم اجتماعی	۵۰	زن	۱۶۳
تهران	پیام هاجر	-	دیپلم	۵۶	زن	۱۶۴
تهران	جهاد روستا	سال ۶ سال	دیپلم	۲۷	زن	۱۶۵
تهران	عکس	سال ۸ سال	لیسانس حقوق، علوم سیاسی و مترجمی	۴۷	مرد	۱۶۶
تهران	ابرار	سال ۷ سال	دیپلم	۲۱	مرد	۱۶۷
تهران	ابرار	سال ۲ سال	لیسانس مترجمی زبان انگلیسی	۲۴	مرد	۱۶۸
تهران	پرواز	سال ۲ سال	فوق لیسانس آموزش زبان انگلیسی بال و بدنه	۲۸	مرد	۱۶۹
تهران	پرواز	سال ۲ سال	لیسانس مترجمی زبان	۲۲	مرد	۱۷۰
تهران	پرواز	-	دیپلم	۲۸	مرد	۱۷۱

تهران	کار و کارگر	-	دیپلم	۲۴	مرد	سال	۱۷۲
تهران	کار و کارگر	۷ سال	لیسانس علوم اجتماعی و حقوق بین‌الملل	۲۴	مرد	سال	۱۷۳
تهران	کار و کارگر	۳ سال	فوق لیسانس تاریخ	۲۵	مرد	سال	۱۷۴
تهران	کار و کارگر	۳ سال	لیسانس علوم اجتماعی	۲۶	مرد	سال	۱۷۵
تهران	اطلاعات	۶ سال	فوق لیسانس علوم سیاسی	۲۷	مرد	سال	۱۷۶
تهران	جهاد - وزارت جهاد سازندگی	۷ سال	لیسانس ادبیات فارسی	۳۴	زن	سال	۱۷۷
تهران	کیهان	۹ سال	دانشجوی دکتری ادبیات فرانسه	-	زن	سال	۱۷۸
تهران	سروش، صنعت و...	۱۹ سال	فوق لیسانس علوم سیاسی	۴۶	مرد	سال	۱۷۹
تهران	اطلاعات	۹ سال	لیسانس جامعه‌شناسی	۲۸	زن	سال	۱۸۰
تهران	کار و کارگر	۸ سال	دیپلم	۲۵	مرد	سال	۱۸۱
تهران	-	۳ سال	لیسانس علوم سیاسی	۳۲	زن	سال	۱۸۲
تهران	معیار	۲ سال	دیپلم	۲۸	مرد	سال	۱۸۳
تهران	خاوران، آذر مهر	۳ سال	لیسانس ادبیات و زبان فرانسه	۳۱	مرد	سال	۱۸۴
تهران	شاهد	-	دیپلم	-	مرد	سال	۱۸۵
تهران	کیهان	۱ سال	دانشجوی فوق لیسانس فلسفه	۲۷	مرد	سال	۱۸۶
تهران	دنیای ورزش	۱۳ سال	فوق دیپلم	۴۲	مرد	سال	۱۸۷
تهران	دنیای ورزش	۳ سال	فوق دیپلم تربیت بدنی	-	مرد	سال	۱۸۸
تهران	کیهان	۳/۵ سال	لیسانس علوم سیاسی	۲۶	مرد	سال	۱۸۹
تهران	کیهان	۲ سال	دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی	۲۸	مرد	سال	۱۹۰
تهران	دنیای ورزش	۹ سال	دیپلم	۳۱	مرد	سال	۱۹۱
تهران	دنیای ورزش و ورزش و ارزش	-	دیپلم	۴۱	مرد	سال	۱۹۲
تهران	عصر ورزش	۱۰ سال	دیپلم	۳۲	مرد	سال	۱۹۳
تهران	دنیای ورزش	-	دیپلم	۳۷	مرد	سال	۱۹۴
تهران	معیار	۲ سال	لیسانس تاریخ	۴۶	مرد	سال	۱۹۵
تهران	دنیای ورزش	۱ سال	دیپلم	۵۱	مرد	سال	۱۹۶
تهران	کار و کارگر	۷ سال	دانشجوی فوق لیسانس	۲۹	مرد	سال	۱۹۷

تهران	صفوف (اقتصادي)	-	مدیریت دولتی	سال	مرد	۱۹۸
تهران	کیهان	۱ سال	دانشجوی فوق دیپلم	سال	مرد	۱۹۹
تهران	کیهان	۱۵ سال	تئاتر لیسانس	سال	مرد	۲۰۰
تهران	کار و کارگر	۴ سال	تحصیلات حوزه‌ای	سال	مرد	۲۰۱
تهران	سلام	۱ سال	لیسانس اقتصاد نظری	سال	مرد	۲۰۲
تهران	کیهان	۱۵ سال	لیسانس علوم سیاسی	سال	زن	۲۰۳
تهران	آینه	۲ سال	لیسانس ادبیات	سال	زن	۲۰۴
تهران	کیهان، صنعت روز و...	۱۶ سال	دیپلم	سال	مرد	۲۰۵
تهران	کیهان	۷ سال	دیپلم	سال	مرد	۲۰۶
تهران	کیهان	۱۴ سال	لیسانس روانشناسی بالینی	سال	مرد	۲۰۷
تهران	کار و کارگر	۳ سال	دیپلم	-	مرد	۲۰۸
تهران	کیهان	۲۵ سال	دیپلم	سال	زن	۲۰۹
تهران	زن روز	۳ سال	دیپلم	سال	زن	۲۱۰
تهران	زن روز	۵ سال	دیپلم	-	زن	۲۱۱
تهران	کیهان	۱۴ سال	دیپلم	سال	زن	۲۱۲
تهران	کیهان - سپهر	۵ سال	دیپلم	سال	مرد	۲۱۳
تهران	کیهان	۳ سال	لیسانس روانشناسی بالینی	سال	مرد	۲۱۴
تهران	کیهان	۱ سال	دانشجو	-	-	۲۱۵
تهران	دانشمند - سروش	۱۲ سال	لیسانس هنرهای زیبا (معماری داخلی)	سال	زن	۲۱۶
تهران	دانشمند، شطرنج و...	۱۰ سال	فوق لیسانس علوم اجتماعی	سال	مرد	۲۱۷
تهران	دانشمند	۲ سال	فوق لیسانس علوم اجتماعی	سال	مرد	۲۱۸
تهران	دانشمند	۲ سال	دانشجوی پزشکی	سال	مرد	۲۱۹
قم	حوزه	۱۰ سال	زیر دیپلم، تحصیلات حوزه‌ای	سال	مرد	۲۲۰
تهران	پردیس	۴ سال	لیسانس ادبیات فرانسه	سال	مرد	۲۲۱
قم	حوزه	۵ سال	لیسانس علوم انسانی، تحصیلات حوزه‌ای	سال	مرد	۲۲۲

اصفهان	گنج گوهرنگ اصفهان	۴۲ سال	زیر دیپلم	-	مرد	۲۲۴
-	-	-	لیسانس شیمی	-	مرد	۲۲۵
اصفهان	اولیاء اصفهان	۴۵ سال	لیسانس زیست شناسی	-	زن	۲۲۶
تهران	دانشمند	۷ سال	دکترای پزشکی	۶۹ سال	مرد	۲۲۷
کرمانشاه	باختر	۳ سال	دیپلم	۲۳ سال	زن	۲۲۸
تهران	الشهید	۱۳ سال	دیپلم	۲۸ سال	مرد	۲۲۹
همدان	سیمای آینده	۳ سال	زیردیپلم	۲۱ سال	مرد	۲۳۰
تهران	تکنیک	۱۰ سال	فوق لیسانس علوم قضائی	۴۶ سال	مرد	۲۳۱
تهران	جمهوری اسلامی اسلامی بیرلیک	۵ سال	دیپلم	۲۲ سال	مرد	۲۳۲
کرمانشاه	صغیر غرب، هدایت	۳۰ سال	دیپلم	۵۶ سال	مرد	۲۳۳
تهران	جوانان	۵ سال	دیپلم	۲۵ سال	مرد	۲۳۴
تهران	سلام	۳/۵ سال	لیسانس ادبیات	۲۲ سال	مرد	۲۳۵
تهران	سلام	۲ سال	دانشجوی داروسازی	۲۵ سال	مرد	۲۳۶
تهران	سلام	۲ سال	لیسانس تاریخ	-	مرد	۲۳۷
تهران	سلام	۲ سال	لیسانس سینما	۲۹ سال	مرد	۲۳۸
تهران	سلام	۲ سال	لیسانس روانشناسی	۲۶ سال	مرد	۲۳۹
تهران	سلام	۱۰ سال	فوق دیپلم علوم تربیت بدنی ورزشی	۲۹ سال	مرد	۲۴۰
تهران	جوانان امروز	۵ سال	دیپلم	-	مرد	۲۴۱
تهران	جوانان امروز	۹ سال	دیپلم	۲۲ سال	مرد	۲۴۲
تهران	سلام	۵ سال	لیسانس مترجمی زبان آلمانی	۲۲ سال	مرد	۲۴۳
تهران	سیما	۴ سال	لیسانس جامعه شناسی	۲۴ سال	زن	۲۴۴
تهران	الطاهره	۲ سال	لیسانس زبان انگلیسی	۲۱ سال	زن	۲۴۵
تهران	عصر ورزش	۲ سال	لیسانس مترجمی	۲۵ سال	مرد	۲۴۶
تهران	گزارش فیلم	۱ سال	دیپلم	۱۸ سال	زن	۲۴۷
آذربایجان غربی	میثاق	۲ سال	فوق لیسانس زبان زبان و ادبیات عرب	۲۶ سال	مرد	۲۴۸
تهران	صنایع پلاستیک	۸ سال	فوق لیسانس شیمی، علوم و تکنولوژی پلیمرها	۴۰ سال	مرد	۲۴۹
تهران	پژوهش و سازندگی	۵ سال	دکترای دامپزشکی	۲۲ سال	مرد	۲۵۰

اراك	نوید	۳ سال	فوق ديپلم	۲۵ سال	مرد	۲۵۱
تهران	صنایع پلاستيك	۲ سال	ديپلم	۲۰ سال	زن	۲۵۲
تهران	پژوهش و سازندگي	-	لیسانس کشاورزي	۲۶ سال	مرد	۲۵۳
تهران	سوره نوجوان	۳ سال	معادل فوق لیسانس	۳۹ سال	مرد	۲۵۴
ارومیه	امانت	۲ سال	لیسانس فقه و مباني حقوق اسلامي	- سال	مرد	۲۵۵
کرمان	کرمان، صبح ساحل بندرعباس	۱۰ سال	لیسانس روانشناسي	۲۱ سال	مرد	۲۵۶
تهران	پیام انقلاب	۲ سال	لیسانس ادبیات فارسي	- سال	مرد	۲۵۷
تهران	پیام انقلاب	۱۰ سال	فوق لیسانس فلسفه تحصیلات حوزه‌اي در حدود سطح	۳۹ سال	مرد	۲۵۸
قم	درس‌هايي از مکتب	-	تحصیلات حوزه‌اي	۵۵ سال	مرد	۲۵۹
تهران	تدبیر	۱۷ سال	لیسانس روانشناسي	۴۲ سال	مرد	۲۶۰
اهواز	سلام و جهان اسلام	۱۴ سال	زیر ديپلم	۲۷ سال	مرد	۲۶۱

(شماره ۲۶۲ تا ۲۱۵ مربوط به روزنامه‌نگاران با تحصیلات مرتبط)

شماره پرسشنامه	جنس	سن	تحصیلات	سابقه مطبوعاتي	شاغل در	شهر
۲۶۲	زن	۲۲ سال	-	۱ سال	صنعت روز	تهران
۲۶۳	مرد	۲۷ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعي	۲ سال	پیام پست و مخابرات	تهران
۲۶۴	زن	۴۰ سال	لیسانس روابط عمومي و امور اجتماعي	۱۶ سال	اطلاعات، قدس	مشهد
۲۶۵	مرد	- سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعي	۶ سال	سلام	تهران
۲۶۶	مرد	۳۴ سال	لیسانس روزنامه‌نگاري	۱۳ سال	کیهان	تهران
۲۶۷	مرد	۲۸ سال	-	۷ سال	کیهان	تهران
۲۶۸	زن	۲۶ سال	لیسانس روزنامه‌نگاري	۸ سال	اطلاعات	تهران
۲۶۹	مرد	۴۸ سال	لیسانس روزنامه‌نگاري	۲۰ سال	معیار	تهران

تهران	اطلاعات	۱۹ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۴۰ سال	مرد	۲۷۰
تهران	کیهان	۷ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۲۵ سال	زن	۲۷۱
تهران	جوانان امروز	۱۷ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۴۶ سال	مرد	۲۷۲
تهران	کیهان هوایی	۷ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۳۳ سال	مرد	۲۷۳
تهران	رسالت	۶/۵ سال	دانشجوی علوم ارتباطات اجتماعی	۲۷ سال	مرد	۲۷۴
تهران	کیهان هوایی	۲ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۲۹ سال	مرد	۲۷۵
تهران	کیهان، تدبیر	۲۰ سال	دانشجوی فوق لیسانس علوم ارتباطات	۴۰ سال	مرد	۲۷۶
تهران	اطلاعات	۱۰ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۳۳ سال	مرد	۲۷۷
تهران	اطلاعات	۸ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	- سال	مرد	۲۷۸
تهران	کیهان	۱ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۲۴ سال	زن	۲۸۰
تهران	کیهان	۷ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۳۴ سال	زن	۲۸۱
-	-	۲۱ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۴۰ سال	مرد	۲۸۲
تهران	ابرار، سلام	۵ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۲۷ سال	مرد	۲۸۳
تهران	ابرار	۲۳ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۴۴ سال	مرد	۲۸۴
تهران	رسالت	۴ سال	دانشجوی فوق لیسانس روزنامه‌نگاری	۳۰ سال	مرد	۲۸۵
تهران	رسالت	۵ سال	دانشجوی روزنامه‌نگاری	۳۱ سال	مرد	۲۸۶
تهران	زن روز	۸ سال	فوق لیسانس ارتباطات و رسانه‌های گروهی	۳۹ سال	زن	۲۸۷
تهران	کیهان	۱۶ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۲۸ سال	زن	۲۸۸
-	-	-	-	-	-	۲۸۹
-	-	-	-	-	-	۲۹۰
تهران	کیهان	۲۱ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۴۲ سال	مرد	۲۹۱
تهران	کیهان	۱۹ سال	لیسانس مطبوعات و رادیو - تلویزیون	۴۲ سال	مرد	۲۹۲
تهران	کیهان	۱۵ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۲۸ سال	زن	۲۹۳
-	اطلاعات	۸ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری، فوق لیسانس مدیریت امور فرهنگی	۳۴ سال	مرد	۲۹۴
تهران	اطلاعات	۱۲ سال	لیسانس روزنامه‌نگاری	۳۲ سال	مرد	۲۹۵

تهران	اطلاعات	۲ سال	دانشجوی لیسانس	۲۲ سال	مرد	۲۹۶
تهران	اطلاعات	۷/۵ سال	لیسانس روزنامه نگاری	۳۳ سال	مرد	۲۹۷
تهران	اطلاعات	۹ سال	لیسانس علوم ارتباطات	۲۵ سال	مرد	۲۹۸
تهران	ماشین	۳۲ سال	لیسانس روزنامه نگاری	۵۰ سال	مرد	۲۹۹
تهران	صنعت روز	۲۰ سال	روزنامه نگاری	۴۶ سال	مرد	۳۰۰
تهران	فارابی	۵ سال	لیسانس سینما	۲۹ سال	مرد	۳۰۱
اصفهان	اصفهان	۲ سال	-	۴۱ سال	مرد	۳۰۲
تهران	صنعت روز	۱ سال	لیسانس علوم ارتباطات	۲۴ سال	زن	۳۰۳
تهران	-	۱/۵ سال	لیسانس ارتباطات اجتماعی	-	زن	۳۰۴
تهران	صنعت حمل و نقل	۲۲ سال	لیسانس روزنامه نگاری	۴۸ سال	مرد	۳۰۵
تهران	میراث فرهنگی	۶ سال	لیسانس روابط عمومی و تبلیغات	۴۲ سال	مرد	۳۰۶
یزد	ندای یزد	۸ سال	لیسانس روزنامه نگاری	۶۱ سال	مرد	۳۰۷
تهران	-	۲ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۲۳ سال	زن	۳۰۸
تهران	اطلاعات	۵ سال	دانشجوی علوم ارتباطات اجتماعی	-	-	۳۰۹
تهران	سلام، ابرار و همشهری	۲ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۲۶ سال	مرد	۳۱۰
تهران	شاهد	۴ سال	لیسانس علوم اجتماعی	-	مرد	۳۱۱
تهران	گزارش فیلم	۲۰ سال	لیسانس روزنامه نگاری	۴۴ سال	مرد	۳۱۲
تهران	گزارش فیلم	-	لیسانس علوم اجتماعی ارتباطات	۲۳ سال	زن	۳۱۳
تهران	کیهان	۱ سال	لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی	۲۸ سال	مرد	۳۱۴
تهران	ابرار	۲۰ سال	لیسانس روزنامه نگاری	۴۱ سال	مرد	۳۱۵

## فهرست منابع

- آشنا، حسام‌الدین  
سیاست مطبوعاتی در آخرین سال‌های حکومت رضاشاه  
مجله گنجینه اسناد، سال اول، دفتر دوم - تابستان ۱۳۷۰  
تهران: سازمان اسناد ملی ایران  
۱۳۷۰
- اطلاعات  
اطلاعات در یک‌ریع قرن  
حوادث مهم یک‌ریع قرن در یک جلد کتاب  
تهران: موسسه انتشارات اطلاعات  
۱۳۲۹
- راهنمای تحصیلی  
راهنمای تحصیلی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی سال تحصیلی  
۵۱ - ۱۳۵۰  
تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی  
۱۳۵۰
- رسانه  
نگاهی به آموزش روزنامه‌نگاری در ایران  
گزارش ویژه مجله رسانه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۹  
۱۳۶۹
- گزارش  
محمد مسعود، روزنامه‌نگاری که اسرار قتل مرموزش ۲۶ سال بعد  
فاش شد  
مجله گزارش: سال چهارم، مهر ۱۳۷۲، شماره ۳۲  
مهر ۱۳۷۲
- محسنیان‌راد، مهدی  
پیام‌آفرینان مطبوعات ایران  
(گزارش تحقیقی - تکثیر محدود)  
تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها  
۱۳۷۱
- محسنیان‌راد، مهدی  
روش‌های مصاحبه خبری  
تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها  
۱۳۷۱
- هیئت، فیروز  
روزنامه‌نگاری و تاریخ آن در جهان  
تهران، انتشارات معرفت  
۱۳۳۳



Thems And Variations  
London: Radiant Publishers

CRAIG,R.T

1989 Communication As A Practical Discipline  
Paradigm Dialogues In Communication  
Vol.1.issues  
Beverly Hills, Ca: Sage

SOMMERLAND, E. LLOYD

1966 The Press In Developing Countries  
Australia: Sydney Press University

GREAT NEED

1912 Great Need  
The Oklahoma Magazine

WORLD MEDIA

1992 Word Media Handbook  
New York: UNDP (DPI)

## پي نوشت ها

1. Altbach. 1987, p 4
2. Altbach. 1987, p 4
3. Great need ,1912,p.p.17-18
4. Word Media,1992,p 477

۵. تحقیقات روزنامه نگاري شماره ۱۷ ص ۴۰
۶. آشنا، ۱۳۷۰، ص ۵
۷. آشنا، ۱۳۷۰، ص ۴-۱۹

- 
۸. رسانه ، ۱۳۶۹ ص ۹  
۹. اطلاعات ، ۲۹/۷/۱۷ ، ص ۱۶۸  
۱۰. گزارش مهر، ۱۳۷۲، ص ۲۷  
۱۱. هیئت، ۱۳۳۳ ص ۳  
۱۲. رسانه، تابستان ۶۹، ص ۱۱  
۱۳. راهنمای تحصیلی ، ۱۳۵۰ ص ۱ تا ۲۱  
۱۴. دکتر کاظم معتمدنژاد، مصاحبه اختصاصی با نگارنده، آبان ۱۳۷۱  
۱۵. محسنیان راد، ۱۳۷۱ ص ۵۱  
۱۶. ای. لوید. سامرلند، مؤلف کتاب «مطبوعات در کشورهای در حال توسعه»، عضو بخش ارتباطات یونسکو و از طراحان آموزش روزنامه نگاری در هندوستان، فیلیپین، تایلند، مالزی و عضو مرکز بین المللی تحصیلات عالی روزنامه نگاری در دانشکده استراسبورگ بود.
17. Sommerland,1966.pp 92-93  
18. Sommerland,1966.pp 94-5  
19. Sommerland,1966.pp 96-7  
20. Altbach.1987,pp 8-11
۲۱. گزارش تحقیقی «پیام آفرینان مطبوعات ایران» - مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها  
۲۲. محسنیان راد، ۱۳۷۱، صص ۳۱-۳۲  
۲۳. محسنیان راد، ۱۳۷۱. پیام آفرینان مطبوعات ایران - ص ۴۱  
۲۴. محسنیان راد، ۱۳۷۱، پیام آفرینان مطبوعات ایران، ص ۱۳  
۲۵. محسنیان راد، ۱۳۷۱، ص د
26. Sommerland ,1966,pv